

تَبَصُّر

سال سوم، شماره چهارم، بهار ۱۴۰۴



دکتر ایرج کلدوزیان
۱۳۱۸ - ۱۴۰۰

در این شماره می‌خوانیم:

بررسی ماهیت قرارداد فرانشیز 

علل موجه فسخ یک جانبه قرارداد در رویه قضایی FIFA و CAS 

بررسی حق بر آموزش مردم غزه در اثر جنایات رژیم صهیونیستی پس از طوفان الأقصى 

شناسنامه | تبصره

فصلنامه تبصره: سال سوم- شماره چهارم- بهار ۱۴۰۴

صاحب امتیاز: انجمن علمی دانشجویی حقوق
دانشگاه شهید چمران اهواز

مدیر مسئول: امیرحسین دهقانی هزاری

مشاور علمی: دکتر عارف بشیری

سر دبیر: امیرحسین راستی پور

معاون سردبیر: پریا سلیمانی

ویراستاران ادبی: محمد مرادی معتمد - آتوسا بابایی

مدیر روابط عمومی: مهدی جلیلی فر

طراح جلد و صفحه آرایی: محمد نقنائی

گویندگان نسخه صوتی: مبینا موسوی - زهرا مرادی نجف آبادی

هیئت داوران:

دکتر لاله اسدی (گروه حقوق جزا و جرم شناسی)
دکتر سجاد سجادی (گروه حقوق عمومی و بین الملل)
دکتر فرزاد کرمی کلمتی (گروه حقوق خصوصی)

اعضای هیئت تحریریه:

علیرضا ابراهیمی، فاطمه حسام پور، محمدرضا خادم اردکانی،
امیرحسین دهقانی هزاری، امیرحسین راستی پور، سلمان سویدزاده،
فریدین عیسوی، سیده یاسمین غرابی، هدیه کعب عمیر،
متین کیانی هفت لنگ ، فاطمه محتجب

نویسندگان این شماره:

علیرضا ابدالی ، علیرضا ابراهیمی، محمد ابراهیمی، مهدی ابراهیمی ،
زهرا ارومیه چی ، رضا اسداللهی ، عارف بشیری ، سینا جاوید ، امیرحسین جلالیان لرکی ،
مهدی جلیلی فر ، سجاد خنیفری ، مهتاب رستگاری ، عبدالحسین رضایی راد ،
پریا سلیمانی ، سلمان سویدزاده ، قاسم عبیداوی ، سهیلا قنبری ، ایلینا کشوری ،
سیدباسم موالی زاده ، هانیه نورنیایی

ارتباط با ما

اینستاگرام تبصره: tabsare

ایمیل تبصره: tabsarejournal@gmail.com

سیویلیکا: <https://civilica.com/1/133406>



فهرست مطالب

۵	سخن سردبیر
۶	نقش دیوان عدالت اداری در تضمین حقوق شهروندی
۱۴	قلمرو اجرای قوانین کیفری (ماهوی) در زمان
۲۸	کارگاه قراردادنویسی - بخش سوم
۳۴	بررسی ماهیت قرارداد فرانشیز
۴۲	مصاحبه
۵۳	تبصره نامه The Preservation of a cultural icon
۵۶	کارکرد فقه برای دانشجویان حقوق
۶۰	انعطاف پذیری قراردادها
۶۶	علل موجه فسق یک جانبه قرارداد در رویه قضایی
۷۴	پراتور
۷۶	مشارکت شهروندی در پرتو سازمان های مردم نهاد
۸۸	ارزیابی اقدامات رژیم صهیونیستی علیه غزه
۱۰۰	امر آمر قانونی و بررسی مسؤولیت آمر و مأمور
۱۰۸	حقوق و ادبیات
۱۱۴	گرایش شناسی (۱) - حقوق خصوصی
۱۲۱	بررسی حق برآموزش مردم غزه در اثر جنایات رژیم صهیونیستی
۱۲۸	کارگاه مقاله نویسی - بخش سوم
۱۳۴	معرفی کتاب
۱۳۶	واکاوی نقش بزه دیده در وقوع جرم و پیشگیری از آن
۱۴۳	هنر هم قرین با حقوق
۱۴۴	گزارش فعالیت انجمن در یک سال اخیر





سخن سردبیر

بسم الله الرحمن الرحيم

امام علی(ع): «الْعَدْلُ أَسَاسٌ بِهٖ قِوَامُ الْعَالَمِ: عدالت، شالوده‌ای است که جهان بر آن استوار است».

انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه شهید چمران اهواز مفتخر است که اکنون چهارمین شماره از نشریه تبصره را به محفل دانشوران و فرهیختگان علم حقوق تقدیم نماید. در صفحات پیش‌روی شما، میزبان مقالاتی خواهیم بود که هر یک در پی کاوش در بطن مسائل حقوقی روزگار ماست. از مباحث نظری و تحلیل‌های عمیق گرفته تا نقد و بررسی آراء و تجارب علمی، این نشریه به تبلور اندیشه‌هایی می‌پردازد که می‌توانند به غنای فکری جامعه حقوقی کمک کنند.

در این شماره کوشش بر آن بود که یادداشت‌های منتشرشده تخصصی‌تر و کاربردی‌تر گزینش شوند، به نحوی که فحوای مطالب نه ایجاز مخل باشد و نه اطناب ممل. بر خود لازم می‌دانیم که از حمایت و همراهی شما در این مسیر سپاسگزاری کنیم. امید است این شماره از نشریه «تبصره» به مثابه جریانی تازه در عرصه‌ی حقوق، انگیزه‌ای مضاعف برای کاوش و تحقیق در این رشته باشد. ما بی‌صبرانه منتظر دریافت نظرات و دیدگاه‌های شما هستیم؛ زیرا اعتقاد راسخ داریم که نقد و بررسی، پایه و اساس پیشرفت و ارتقاء علم می‌باشد.

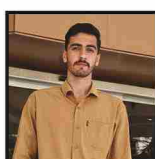
امیرحسین راستی‌پور

سردبیر نشریه تبصره

Rastipour.Amir@gmail.com



نقش دیوان عدالت اداری در تضمین حقوق شهروندی



رضا اسداللهی

■ دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه شهید چمران اهواز ■

Reza.asadollahi10@gmail.com

دیوان عدالت اداری به عنوان نهادی مستقل در سیستم حقوقی یک کشور، نقش اساسی در تضمین حقوق فردی ایفاء می‌کند. هدف اصلی دیوان در تضمین حقوق فردی، اعمال نظارت قضایی و کنترل قانونی بر اعمال اداری و دولتی است. با توجه به این که صیانت از حقوق و آزادی‌های افراد یکی از مهم‌ترین آرمان‌های حقوق عمومی است و رعایت اصل حاکمیت قانون و قانون‌مداری در اتخاذ اعمال و تصمیمات مقامات عمومی نقش کلیدی در تحقق بخشیدن به این آرمان دارد، لذا رابطه دو طرفه دیوان و اشخاص می‌تواند به توسعه و حفظ حقوق طرفین منجر شود. حقوق شهروندی به معنای مجموعه‌های از حقوق و تکالیف که در جامعه مدرن امروزی متوجه شهروندی می‌باشد همیشه در معرض تعدی و تجاوز از سوی حکومت‌ها بوده است. بررسی کارایی که از دیوان عدالت اداری صادر شده است نشان می‌دهد این مرجع بیشتر رویکرد شهروند محور دارد تا دولت محور و در این راستا نقاط قوت بسیار زیادی دارد. هر چند بدلیل چالش‌های و مواقع قانونی و رویه‌ای فراروی خود هنوز تا رسیدن به نقطه مطلوب جهت ایفاء این نقش فاصله زیادی دارد. بنابراین با توجه به اصل حاکمیت قانون، مراجع اداری مکلف‌اند در چارچوب قوانین و مقررات تصمیم‌گیری کنند.

واژه‌های کلیدی: بایسته‌های تصمیم‌گیری، تصمیمات اداری شخصی، حاکمیت قانون، حقوق شهروندی، دیوان عدالت اداری.



مقدمه‌ای درباره حق شهروندی

حق شهروندی یکی از اصول بنیادین در هر جامعه مدنی است که به افراد اجازه می‌دهد تا به طور کامل در فرآیندهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مشارکت کنند. این حق شامل مجموعه‌ای از حقوق طبیعی، مدنی و سیاسی است که به فرد اجازه می‌دهد تا از حمایت‌های دولتی برخوردار شود و در عین حال مسئولیت‌های خود را در برابر جامعه ایفا کند.

حق شهروندی همچنین بر پایه اصول برابری و عدم تبعیض استوار است. به این معنا که تمام افراد به صرف تعلق به یک کشور یا جامعه، باید از حقوق مشابهی برخوردار باشند و هیچ‌گونه تبعیضی بر اساس نژاد، جنسیت، مذهب یا هر ویژگی دیگر نباید وجود داشته باشد. این اصل به

ویژه در حقوق بشر و اسناد بین‌المللی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر تأکید شده است. در کنار حقوق، شهروندان مسئولیت‌هایی نیز در قبال جامعه دارند. این مسئولیت‌ها شامل پرداخت مالیات، رعایت قوانین و همکاری با سایر اعضای جامعه برای حفظ نظم عمومی است. از این رو، شهروندی نه تنها یک سری حقوق فردی، بلکه یک سری وظایف جمعی و اجتماعی نیز به همراه دارد که هر فرد باید در راستای بهبود جامعه خود به انجام آن‌ها بپردازد.

در نهایت، حق شهروندی نه تنها بر اساس تعلق به یک کشور خاص بلکه در برخی موارد، در سطح جهانی نیز مطرح می‌شود. در دنیای امروز، مفاهیمی همچون حقوق بشر و شهروندی جهانی در حال گسترش است و این موضوع به ویژه با مهاجرت‌ها، جابجایی‌ها و

و دستگاه‌های اطلاعاتی برای حفظ امنیت کشور و شهروندان اعتماد می‌کنند. این نهادها موظفند که با رعایت قوانین و اصول حقوق بشری، از تهدیدات مختلف مقابله کنند.

در سطح حقوق فردی

تضمین امنیت همچنین به معنای حفاظت از امنیت فردی شهروندان است. این به این معناست که هر فرد باید از حق زندگی، آزادی، امنیت شخصی و عدم تعرض به حقوق و کرامت انسانی خود برخوردار باشد. در این زمینه، برخی از اصول حقوق بشری که در اسناد بین‌المللی مانند «اعلامیه جهانی حقوق بشر» آمده است، تأکید دارند که هیچ‌کس نباید مورد شکنجه، بدرفتاری یا بازداشت غیرقانونی قرار گیرد و هر فرد باید حق دسترسی به دادرسی عادلانه را داشته باشد.

امنیت ملی و آزادی‌های فردی

در حالی که دولت‌ها باید امنیت ملی و اجتماعی را تضمین کنند، این موضوع نباید به نقض حقوق فردی منجر شود. یکی از چالش‌های بزرگ در تضمین امنیت، حفظ تعادل بین تأمین امنیت عمومی و رعایت حقوق و آزادی‌های فردی است. به‌ویژه در مواقع بحرانی مانند جنگ یا بحران‌های امنیتی، دولت‌ها ممکن است به وضع قوانین اضطراری پرداخته و برخی حقوق شهروندی را محدود کنند. با این حال، این محدودیت‌ها باید همواره در چارچوب اصول حقوق بشر و به صورت موقت و معقول اعمال شوند.

افزایش تعاملات بین‌المللی اهمیت بیشتری پیدا کرده است. این امر به ما یادآوری می‌کند که درک ما از حق شهروندی باید انعطاف‌پذیر و متناسب با شرایط زمانه باشد.

حقوق شهروندی همانطور که گفته شد از بنیادی‌ترین و اساسی‌ترین موضوعات مطروحه در یک جامعه است، بنابراین می‌بایست در هر جامعه نهادهایی باشند تا بتوانند حقوق شهروندان در جامعه را نه تنها تضمین بلکه آن را گسترش دهند.

تضمین امنیت

تضمین امنیت یکی از اصول اساسی حقوق بشر و قوانین اساسی هر کشور است. امنیت به معنای حفاظت از جان، مال، آزادی و کرامت انسانی افراد در برابر تهدیدات داخلی و خارجی است. در بسیاری از اسناد قانونی، به‌ویژه در قانون اساسی کشورهای مختلف و همچنین در میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر، تأکید زیادی بر تضمین امنیت فردی و اجتماعی شده است.

در سطح قانون اساسی

در اکثر کشورهای دموکراتیک، تضمین امنیت در قانون اساسی جایگاه ویژه‌ای دارد. دولت‌ها موظف هستند که برای حفظ نظم عمومی، دفاع از حقوق فردی و اجتماعی شهروندان و پیشگیری از تهدیدات به امنیت ملی، اقدامات لازم را انجام دهند. به‌طور کلی، تضمین امنیت در چارچوب وظایف دولتی تعریف می‌شود که شامل حفاظت از مرزها، مبارزه با جرم و جنایت، مقابله با تهدیدات تروریستی، حفظ نظم عمومی و فراهم آوردن محیطی امن برای زندگی شهروندان است. در این راستا، دولت‌ها معمولاً به نهادهای خاصی مانند نیروهای پلیس، ارتش

قانون اساسی ایران نیز در بند ۹ اصل سوم، اصول نوزدهم و بیستم و سایر اصول بر مساوات در حقوق و رفع تبعیضات ناروا تأکید دارد. موضوع برابری و سایر مصادیق آن در رویه های دیوان به صورت مستقیم و غیرمستقیم با بهره گیری از عبارات و اصول قانون اساسی مورد کنترل قضایی قرار گرفته و دیوان اقدام به ابطال تصمیمات خلاف قانون مقامات اداری نموده اصل مساوات و برابری نخستین پای نظام اجتماعی اسلام است. ادیان و مکتب های فلسفی دیگر در این حد برای برابری انسان ارزش سیاسی، اجتماعی، حقوقی و اقتصادی قائل نشده اند و این نوع تفاوت از اختلاف بینش در شناخت شخصیت و ارزش های والایی که اسلام از انسان دارد، ناشی میگردد (عمید زنجانی، ۱۳۷۷: ۵۶۶)

۳؛ حقوق شهروندی

واژه ای شهروند citizen در ادبیات حقوقی و سیاسی ایران چندان سابقه ای ندارد، در حکومت های سلطنتی قدیم به جای آن، واژه «رعیت» بکار برده می شد «بعد از تصویب قانون مدنی، مفهوم شهروند، بیشتر به عنوان تبعه، استعمال میگردد و کمتر از حق و حقوق جامعه سخن به میان می آمد» (اسماعیلی، ۱۳۸۰: ۱۰۶) در فرهنگ فارسی امروز، «شهروند، به کسی می گویند که اهل یک شهر یا کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار باشد.» (صدری افشار، ۱۳۶۹: ۱۳۴)

«حقوق بشر در حقیقت مرز بین شهروند و تابعیت محض است» به طور کلی «شهروندی یک نوع رابطه و قرارداد متقابل اجتماعی و یک سلسله حقوق متقابل «دولت بر مردم» و «مردم بر دولت» و همچنین یک احساس

نظارت و پاسخگویی

یکی از اصول اساسی در تضمین امنیت، نظارت بر اقدامات دولت و نهادهای امنیتی است. وجود سیستم های نظارتی مستقل، از جمله دادگاه ها، کمیسیون های حقوق بشر، و رسانه های آزاد، می تواند به جلوگیری از سوءاستفاده های احتمالی و نقض حقوق بشر در فرآیندهای امنیتی کمک کند. همچنین دولت ها باید در برابر شهروندان خود پاسخگو باشند و اقداماتشان در زمینه امنیت را به طور شفاف و با رعایت اصول دموکراتیک اجرا کنند.

در نهایت، تضمین امنیت یک مسئولیت دوطرفه است: از یک سو، دولت ها باید برای حفظ امنیت و آرامش عمومی تلاش کنند، و از سوی دیگر، افراد باید به قوانین احترام بگذارند و در جهت حفاظت از امنیت جامعه و حقوق یکدیگر همکاری نمایند.

۱؛ رعایت حقوق مالکانه ای افراد

رعایت حقوق مالکانه ای افراد در آرای دیوان مورد استننا قرار گرفته است و نقض آن به اذن قانونگذار و موارد مصرح در قانون محدود شده است. براساس قاعده ای «الناس مسلطون علی اموالهم» هر کس حق دارد در اموال خود هرگونه تصرفی کند، مگر آنکه خلاف آن ثابت شود. (محقق داماد، ۱۳۸۵: ۲۳۰)

۲؛ رعایت اصل برابری شهروندان و منع تبعیض

یکی از مطرح ترین چالش های دنیا و عصر مدرن حرکت هایی است که مبنای آن برابری خواهی و نفی تبعیض می باشد. در واقع این اصل، یکی از اصول بنیادین و مورد تأکید پیامبران و نیز انواع مکاتب فکری در طول تاریخ می باشد.

مشترك عمومى نسبت به هویت ملی و اجتماعى در يك محدوده‌ی مشخص است». (عاملی، ۱۳۸۰: ۴) بنابراین «حقوق شهروندی را میتوان بخشی از حقوق اساسی قانونی در برابر حقوق بشری و حقوق اخلاقی دانست که بر خلاف این دو، رنگ ملی یا منطقه‌ای یافته است». با تأمل بر این تعریف و تعاریف و تفاسیر دیگری که حقوقدانان از اصطلاح حقوق شهروندی دارند، در نظام شهروندی، شخص، حقوقی را در مقابل یکسری مسئولیت‌ها پذیرفته است و از طرف دیگر برقراری توازن بین حقوق و مسئولیت‌های شهروندان از وظایف حاکمیت است. بنابر این حقوق شهروندی از جمله موضوعات حقوق بشری است که حکومت در مقابل شهروندان مکلف به رعایت و حمایت از آن است و چنانچه مورد حمایت جدی دولتمردان باشد نه تنها رضایت شهروندان افزایش می‌یابد بلکه باعث استحکام حکومت هم می‌شود. پس «حقوق شهروندی در جایی مطرح می‌شود که حقوق بشر قرار دارد و در درون يك جامعه مدنی ذیل يك حکومت خاص، شکل قانونی و اجرایی به خود می‌گیرد و فقط در رابطه فرد و دولت، تبلور پیدا می‌کند.» و چیزی که آن را از دیگر حقوق بشر، جدا می‌کند سرزمینی بودن آن است اما حقوق بشر، صرف نظر از ویژگی‌های زمانی و مکانی و نژادی، برای همه و در همه جاست. (حمیدی و آلکجیاف، ۱۴۰۰: ۶۵)

۴؛ رابطه ای دیوان عدالت اداری و حقوق شهروندی

جمهوری اسلامی ایران نظامی مکتبی است و تمام قوانین و مقررات آن باید طبق موازین مکتب زندگی ساز اسلامی باشد (اصل ۴ قانون اساسی) رعایت حقوق شهروندی در آن علاوه بر رضایت الهی باعث رضایت شهروندان و تقویت نظام مردم سالاری دینی، می شود. خداوند در تضمین حمایت از حقوق انسان ها چنین وعده داد: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط» (سوره حدید آیه ۲۴). ایجاد عدالت و اقامه قسط در جامعه، حق هر شهروند است. در آیه ۹ سوره اعراف تأکید نمود: «لقد مكننا كمفى الأرض و جعلناكم فیها معایش» «تسلط و مالکیت بر زمین را برای شما قرار دادیم و انواع وسایل زندگی را برای شما فراهم ساختیم». از نگاه امام علی (ع): حاکمان، خادمان مردم هستند. (ابن تراب ۱۲۶: ۱۳۸۵) ایشان در تبیین حق شهروندی توسط زمامداران، فرمود: «فرمانبردار صالح نشود جز با صلاحیت و شایستگی زمامداران و زمامداران به صلاح نیایند جز با استقامت و اعتدال رعیت فرمانبردار، پس هرگاه فرمانبردار، حق زمامداران و زمامدار حق فرمانبرداران را به شایستگی بجا آورد حق در میانشان عزت یابد.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷) به تبع سنت اسلامی، قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصول متعددی بر حمایت از حقوق شهروندی تأکید نمود من جمله، در اصل ۶۷ بر حق مالکیت حاصل از کسب و کار در اصل ۷۴ بر حق مالکیت شخصی، و در اصول ۱۷۰ و ۱۷۳ بر



در آن به طریق عادی و با دادخواهی شهروندان، صورت می‌گیرد و با دقت نظر در مدلول قانون آن ملاحظه میشود که میان واژگان شکایات، تظلمات و اعتراضات و تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی و مراجع شبه قضایی اداری مورد نظر ماده ۱۰ قانون جاری آن، نوعی ترتب حقوقی وجود دارد و دادرسی در آن به طور مستقل، تفتیشی، غیرعلنی و بدون حضور طرفین دعوا، صورت می‌گیرد.

۷؛ منع نادیده گرفتن حقوق مکتسبه به جهت عدم پیشبینی اعتبار

مجلس شورای اسلامی طبق اصل ۵۷ ق. ا. موظف است تا به هنگام تصویب قوانین، اعتبار آن را نیز پیش بینی کند. اما پس از تایید قانون از سوی شورای نگهبان و لازم الاجرا شدن آن، این مهم نمی‌تواند از سوی نهادها و مقامات حاکمیتی بهانه‌هایی برای عدم ایفای حقوق مکتسبه باشد. در این راستا ابطال مقرراتی که برخورداری از حقوق مکتسبه قانونی را به جهت تاخیر در اجرای قانونی یا عدم اعتبار (بودجه) مخدوش ساخته‌اند، بعد دیگری از استناد هیات عمومی به حقوق مکتسبه می‌باشد. (یزدانی و توسلی، ۱۳۹۷: ۶۴)

نتیجه‌گیری:

در نظام حقوقی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران راهکارهای مختلفی از تفکیک قوا گرفته تا نظارت پارلمانی و نظارت قضایی، برای تضمین و حمایت از حقوق شهروندی به کار گرفته شده است. لکن آنچه که به عنوان ضمانت اجرای اصلی رعایت و احترام به حقوق شهروندی

کنترل اعمال دولت به منظور تضمین حقوق شهروندی از طریق دیوان عدالت اداری، تأکید دارد. در این اصول، الزامات دولت از حاکمیت قانون در وضع مقررات و دفاع از حقوق شهروندان در برابر دولت مبنای نظارت دیوان عدالت اداری پیشبینی شده است. (حمیدی و آلکجیاف، ۱۴۰۰: ۷۰)

۵؛ نظارت دیوان عدالت اداری

«در حقوق ایران، نظارت قضایی بر اداره از سه طریق صورت می‌پذیرد که در مورد آن به صورت استثنایی از طریق قضات دادگاه‌ها و سازمان بازرسی کل کشور و یک مورد آن به صورت اقامه دعوا و خاص از طریق دیوان عدالت اداری انجام می‌پذیرد.» (مشهدی ۳۳: ۱۳۹۵) از این رو، آن بخش از نظارت قضایی پسینی و جبران‌کننده که در حیطه وظایف دیوان عدالت اداری است بایستی از ساز و کارهایی منطقی و کاربردی برخوردار باشد تا بتواند با حداقل هزینه به «حاکمیت قانون» و «تضمین عدالت» نزدیک شود. طبق اصل ۱۷۰ قانون اساسی، قضات دادگاه‌ها، از اجرای مقررات مغایر با موازین اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه، خودداری می‌کنند و هر شهروندی حتی ذینفع نباشد حق دارد که از دیوان عدالت اداری ابطال این گونه مقررات را تقاضا نماید بر اساس اصل ۱۷۳ قانون اساسی شهروندان می‌توانند نسبت به مأموران یا واحدها و یا آیین نامه‌های دولتی برای احقاق حقوق خودشان شکایت یا تظلم‌خواهی نمایند یا اینکه اعتراض کنند در راستای اجرای شدن این اصول، طبق مواد ۳۰ و ۵۴ و ۵۵ قانون جاری دیوان، دادرسی

مدنظر قانونگذار اساسی جمهوری اسلامی ایران بوده، نظارت قضایی است. تأسیس دیوان عدالت اداری به عنوان يك مرجع عالی قضایی برای رسیدگی به شکایات افراد از عملکرد دولت به موجب قانون اساسی نشانگر درجه اهمیتی است که قانونگذار به صیانت حقوق فردی شهروندان و تضمین آن در دستگاه اداری کشور قائل گردیده و گام مهمی در جهت اصلاح دستگاه اداری کشور محسوب می‌شود. دیوان عدالت داری با لغو اقدامات و تصمیمات خلاف قانون یا ابطال آیین نامه‌ها و بخشنامه‌های مغایر با قانون و نیز تنبیه متخلفین و مستنکفین از اجرای قانون در مقوله دادرسی اداری نقش بسزایی در ارتقا و گسترش حقوق شهروندی به ویژه حق دادخواهی و نیز حق دارا بودن حکومت مطلوب داشته است. به صورت کلی ترمی توان گفت: دیوان عدالت اداری می‌تواند در تحقق هر سه عنصر بنیادین حاکمیت قانون به ایفای نقش بپردازد. از يك سو دیوان نهادهای دولتی را وادار به حرکت در چهارچوب صلاحیت‌های قانون از پیش تعیین شده می‌نماید و از سوی دیگر به تضمین رعایت سلسله مراتب قانون و آیین نامه می‌پردازد و همچنین از طریق دادرسی اداری به پاسداری از حریم قانون در برابر تجاوزات احتمالی مقامات اجرایی مبادرت می‌کند...

فهرست منابع و مآخذ

– امامی، محمد. استوار سنگری، کوروش. (۱۳۹۱). حقوق اداری، جلد ۱، نشر میزان، چاپ دوم.

– عاملی، حسین. (۱۳۹۷). دیوان عدالت اداری. نشریه رشد معلم.

– هاشمی، سیدمحمد. (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، چاپ سوم. تهران، نشر میزان.

– عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۸۶). نظارت بر اعمال حکومت و عدالت اداری. انتشارات دانشگاه تهران.

– کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۷). اعتبار امر قضاوت شده در دعاوی مدنی، انتشارات دادگستر، چاپ پنجم، تهران.

– طباطبائی موتمنی، منوچهر. (۸۰۱۳). حقوق اداری ایران. تهران، انتشارات سمت.



جهت دسترسی به فایل صوتی این مطلب

لطفا اسکن کنید.

قلمرو اجرای قوانین کیفری (ماهوی) در زمان



امیرحسین جلالیان لرکی

■ دانشجوی دکتری تخصصی، رشته حقوق جزا و جرم شناسی، واحد قم ■

ARHN.JN@gmail.com



سید باسم موالی زاده

■ استادیار، گروه حقوق، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران ■

Bassem.Movalizadeh52@yahoo.com



قاسم عبیداوی

■ استادیار فقه و حقوق اسلامی دانشگاه پیام نور ایران و وکیل پایه یک استان خوزستان، اهواز ■

ghob86@yahoo.com

مبرهن است که نظارت قانون بر آینده دلالت دارد چرا که قابل درک نیست که شخصی به علت عدم رعایت قانونی که وجود ندارد مجازات شود. انصاف و عدالت حکم می‌کند ابتدا قانون به اطلاع عموم برسد بعد قابل اجرا باشد. (محمد محمدی گرگانی، ۱۳۹۳) همچنین مغایر عدالت است که برای رفتاری مردم مورد کیفر قرار گیرند که در زمان وقوع، آن رفتار مباح بوده و سپس منع و مورد جرم انگاری قرار گرفته است. در این راستا تأثیر قوانین در گذشته در امور کیفری، زندگی بیشتری دارد و اخلاق جهانی آن را نمی‌پذیرد و در حقوق غالب کشورها قانون گذار از مجازات کردن اعمال مباح گذشته منع شده است. (ناصر کاتوزیان، ۱۳۸۷) در همین جهت به موجب اصل ۱۶۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «هیچ فعلی یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی‌شود.» مبنای این قاعده همچون اصل قانونی بودن جرم و مجازات، حفظ حقوق و آزادی‌های فردی است؛ چرا که اگر قرار باشد قانون لاحق به سابق عطف شود هیچکس از حقوق و آزادی‌هایی که اکنون از آن برخوردار است، منتفع نخواهد بود و این امر مایه تشویش مردم است. همچنین مبنای فقهی این اصل، قبح عقاب بلا بیان است. و در ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قانونگذار به بیان قاعده عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری می‌پردازد که از آثار مهم اصل قانونی بودن جرم و مجازات است، طبق این قاعده اگر در حین ارتکاب جرم، رفتاری فاقد وصف مجرمانه باشد ولی بعداً توسط قانونگذار جرم محسوب شود یا مجازات عمل مجرمانه ای تشدید شود، قانون زمان ارتکاب جرم، ملاک تشخیص رفتار مجرمانه و میزان کیفر خواهد بود. (محمد علی اردبیلی، ۱۳۸۹) البته بر این قاعده استثنائاتی وارد شده است که توضیح داده خواهد شد. برخلاف قوانین ماهوی (موضوع مبحث ماست) که عطف نشدن آنها به گذشته جاریست، قوانین شکلی به شرح تشکیلات قضایی، صلاحیت دادگاه‌ها و آئین رسیدگی به جرایم از کشف جرم تا اجرای آراء قضایی و رعایت حقوق بزه دیده و متهم می‌پردازند عطف به ماسبق میشوند و به گذشته سرایت می‌نمایند مگر در موارد استثنائی که برخلاف حقوق مکتسبه متهم باشد. در این گفتار تلاش شده است که با نگاه تخصصی به بررسی مواد ۱۰ و ۱۱ قانون مجازات اسلامی ۹۲ پردازیم و پس از تفکیک انواع جرائم از حیث اجزای تشکیل دهنده، زمان وقوع و اوصاف آنها، زمان اجرای قانون لاحق را مورد واکاوی قرار دهیم.

واژه‌های کلیدی: جرم، مجازات، عطف به ماسبق نشدن، قوانین کیفری ماهوی

۱- پیش درآمد

آینده دارد، چرا که اعمال آینده را ملحوظ نظر قرار می‌دهد اما عموماً مساله به این سادگی نیست و در مقام عمل ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های خاصی وجود دارد که نیازمند به تامل بیشتر است؛ چه بسا قانونی وجود دارد و قانون تازه‌ای برای تغییر آن تصویب

هدف هر قانونی آن است که نظم عمومی زمان خود را برقرار سازد زیرا قابل پذیرش نیست که شخصی به دلیل عدم رعایت قانونی که وجود ندارد مجازات شود. قانون به گذشته بر نمی‌گردد و نظر بر

حکم مجازات منوط به نص صریح قانون است.

یکی از اصول مسلم حقوق جزا، اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها می‌باشد. مطابق این اصل، دادگاه نمی‌تواند رفتاری را جرم بداند، مگر اینکه در قانون بدان تصریح شده باشد و همچنین نمی‌تواند مجازاتی را اجرا کند مگر آنکه قانون آن را تعیین نموده باشد. (ایرج گلدوزیان، ۱۳۸۹)

اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها یکی از تضمینات اساسی امنیت قضائی به‌شمار می‌رود که در نظام بین‌المللی مورد استقبال قرار گرفته است، (هاشمی، ۱۳۹۰). بنابراین برای اینکه جان، مال و حیثیت افراد مورد تعرض قرار نگیرد، عدالت حکم می‌کند که هیچ عملی جرم محسوب نشود مگر اینکه قانون گذار آن را جرم اعلام کرده و برایش مجازات تعیین نموده باشد. (ساعدوکیل و پوریا عسکری، ۱۳۸۸).

می‌شود. در این حالت مرتکب را به موجب کدام قانون باید مورد تعقیب و مجازات قرار داد؟

ضرورت عنصر قانونی برای تحقق یک جرم موجب می‌شود که اعمال یک قانون جزایی جدید به کارهای واقع شده قبل از توشیح آن یا قبل از تاریخ اجرای آن که از طرف قانون موشح تعیین شده، ممکن نباشد. (استفانی، گاستون، ژرژ لواسور و همکاران، ۱۳۷۷)

۲- اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها

فعل یا ترک فعل انسان هرچقدر مذموم و نکوهیده و برای نظام اجتماعی زیان بار باشد تا مادامی در قانون پیشبینی نشده باشد و حکمی بر آن وارد نشده باشد قابل مجازات نیست به بیان دیگر تا زمانی که مقنن فعل یا ترک فعلی را جرم نشناسد و کیفری برای آن تعیین نکند افعال انسان مباح (اصل برائت) است. بنابراین تحقق وقوع جرم و صدور

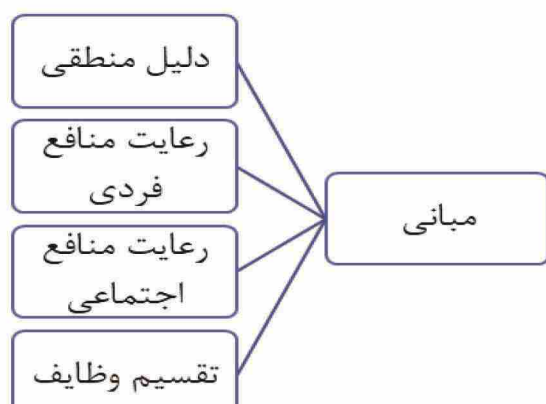
منطوق این اصل

الف: هیچ عملی جرم نیست مگر آنکه قبلاً از طرف مقنن به این صفت شناخته شده باشد.

ب: هیچ مجازاتی ممکن نیست مورد حکم قرار گیرد مگر آنکه قبلاً از طرف مقنن برای همان جرم وضع شده باشد.

ج: هیچ محکمه‌ای صالح برای رسیدگی به جرمی نیست مگر آنکه قانون، صلاحیت آن محکمه را برای رسیدگی به آن جرم شناخته باشد.

د: هیچ حکمی از محکمه صالح علیه متهمی صادر نخواهد شد مگر پس از رسیدگی و محاکمه، آنهم در شرایط پیش‌بینی شده در قانون صورت گیرد.



رعایت حقوق و منافع فردی: با قبول اصل فوق الذکر افراد قادر به سنجش و ارزیابی رفتار خود بوده و میتوانند با اطلاع از جرم و کیفر از ارتکاب عمل بزهکارانه خودداری نمایند.

رعایت حقوق و منافع اجتماعی: با احترام به اصل قانون بودن جرم و مجازات قواعد و قوانین اجتماعی دارای اعتبار و قدرت بیشتری گردیده است و افراد در گسترش روابط و فعالیت های اقتصادی مجاز شروع تردید نخواهد نمود. در غیر این صورت احتیاط و محافظه کاری برای احتراز از مشکلات و کیفرهای احتمالی مانع از فعالیت های اقتصادی و فنی و بالا رفتن سطح زندگی مردم می شود. چون افراد بدون نگرانی و تردید به فعالیت های اجتماعی و اقتصادی می پردازند و این امر موجب پیشرفت صنعتی، فنی و رونق اقتصادی می شود. (افراسیابی و محمداسماعیل، ۱۳۷۴)

۲-۴ کاربرد اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها

۱. تعیین جرایم و حالت خطرناک
۲. صدور حکم به اقدامات تأمینی و تربیتی

• اصل قانونی بودن اقدامات تأمینی و تربیتی:

اقدامات تأمینی و تربیتی، تدابیری هستند اولاً جهت پیشگیری از جرایم بکار می رود ثانیاً ادعای جانشینی مجازات ها را نیز دارند اما اهداف این اقدامات به وضوح در اکثر موارد از مجازات ها تفکیک می شوند با وجود این نمی توان اجرای این اقدامات را بدون وجود قانون پذیرفت و آن را در اختیار دادگاه ها گذاشت لذا به نظر می رسد برای حمایت از افراد و جامعه و جلوگیری از سوء استفاده احتمالی و همچنین جهت صیانت از آزادی های فردی و حقوق اساسی افراد ملت، اصل قانونی بودن اقدامات تأمینی باید رعایت گردد و برای جبران نقیصه عدم ذکر اقدامات تأمینی در ماده ۲ قانون مجازات، در ماده ۱۱ همین قانون جبران شده است بنابراین کلمه مجازات در ماده ۲ معنای عام دارد و شامل اقدامات تأمینی و تربیتی هم می شود. (نوربها، ۱۳۹۲)

۲-۱ اهم منابع اسلامی

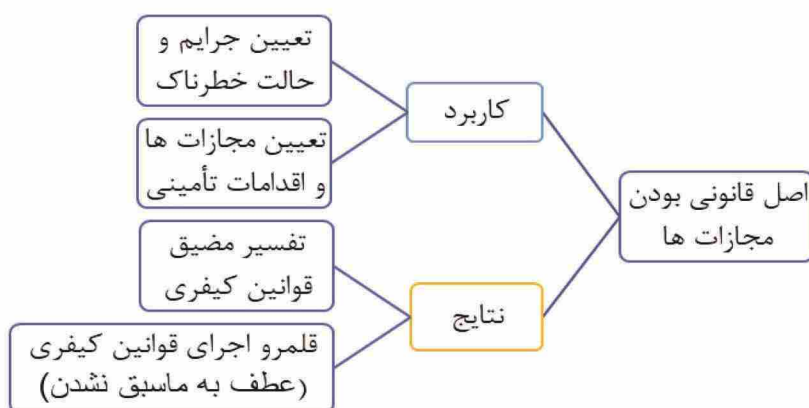
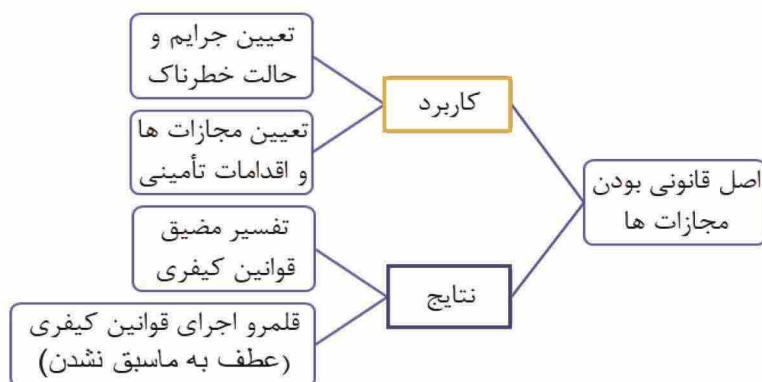
- آیه هفتم سوره طلاق
- آیه پانزدهم سوره اسراء
- قاعده قبح عقاب بلاییان
- اصل اباحه

۲-۲ منابع قانونی

- اصل ۳۲، ۳۶، ۳۷، ۱۶۶، ۱۶، ۲۲ قانون اساسی
- ماده ۲، ۲۲۰، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ ق.م. ۱۳۹۲

۲-۳ مبانی و ضرورت:

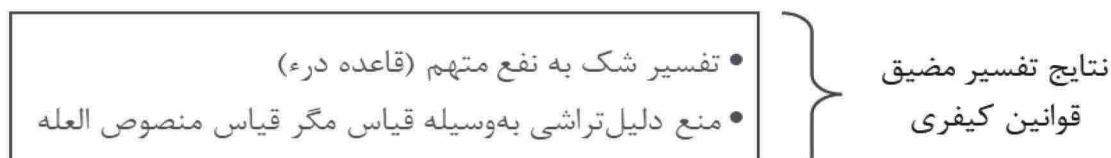
دلیل منطقی: انسان بحکم غریزه مجبور به زندگی در اجتماع است و زندگی در اجتماع مستلزم آن است که مقررات اجتماعی مورد احترام رعایت قرار گیرد و عملی برخلاف نظم عمومی اعلام شود تا افراد بدانند چه اعمالی مخل نظم اجتماعی است.



۵-۲ نتایج و آثار اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها:

۱. تفسیر مضیق قوانین کیفری:

این تفسیر، جلوه‌ای از اصل برائت است و به منظور پاسداری از حرمت و آزادی افراد به کار گرفته می‌شود. (صانعی، ۱۳۸۸)



۳- قلمرو اجرای قوانین کیفری (ماهوی)

یکی دیگر از آثار و نتایج اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، «قاعده عطف به ماسبق نشدن قوانین جزایی» است طبق قاعده مزبور چنانچه قانون لاحق عملی را که سابقاً جرم نبوده جرم بشناسد و برای مرتکب آن مجازات قائل شود قانون مزبور شامل حال اشخاصی که قبل از وضع و انتشار آن مرتکب عمل مزبور شده اند نخواهد شد.

زیرا قبل از وضع قانون جدید تمامی اشخاص خود را آزاد در انجام آن عمل میدانسته اند. اصل عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری طی اصل ۱۶۹ قانون اساسی پیش بینی و صراحتاً مقرر شده است: «هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی شود».

و ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی با الهام از اصل فوق الذکر مقرر می دارد: «در مقررات و نظامات دولتی مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده باشد و هیچ فعل یا ترک فعلی را نمیتوان بعنوان جرم به موجب قانون متأخر مجازات نمود».

۳-۱ تأثیر قاعده اصل عطف به ماسبق نشدن در قوانین ماهوی و قوانین شکلی

قوانین ماهوی قوانینی هستند که ناظر به توصیف افعال مجرمانه و مشتمل بر حکم قانونی در خصوص میزان مجازات و تخفیف و تشدید و تعلیق و مانند آن است. اصل بر این است که قوانین ماهوی عطف به ماسبق نمی شوند.

بنابراین هرگاه عمل در حین وقوع مباح باشد و بعداً جرم اعلام گردد مجازات نخواهد شد و نیز اگر پس از وقوع جرم کیفر قانونی آن

تشدید گردد. این شدت نسبت به آن جرم بی تأثیر است.

ولی قاعده مزبور یعنی عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری ماهوی استثنائاتی دارد که در ماده ۱۰ و ۱۱ قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده است که در مبحث استثنائات وارده بر عطف به ماسبق نشدن قوانین جزایی به آنها اشاره خواهد شد.

اما برخلاف قوانین ماهوی که عطف شدن آنها به گذشته استثناء است، قوانین شکلی که اصولاً به شرح تشکیلات قضایی، صلاحیت دادگاه‌ها و آئین رسیدگی به جرایم میپردازند عطف به ماسبق میشوند و به گذشته سرایت مینمایند مگر در موارد استثنائی که برخلاف حقوق مکتسبه متهم باشد.

و عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری آنچنانکه از مفهوم ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی استنباط میشود منحصر به قوانین ماهیتی است و نه شکلی.

در همین رابطه دیوان عالی کشور در حکم شماره‌ی ۱۴۷۴-۱۷/۶/۳۱ و ۱۳۶۴-۲۷/۵/۱۱ چنین نظر داده است: «اصولاً قوانین مربوط به رسیدگی و اصول محاکمه که امر صلاحیت نیز از آن قبیل است عطف به ماسبق می شود». طبق قسمتی از بند ۱ ماده ۱۱ ق.م.اسلامی:

«...اگر بعد از وقوع جرم قانونی وضع شود که مبنی بر تخفیف یا عدم مجازات بوده و یا از جهات دیگر مساعدتر به حال مرتکب باشد نسبت به جرائم سابق بر وضع آن قانون تا صدور حکم قطعی مؤثر خواهد بود در صورتیکه بموجب قانون سابق حکم قطعی لازم الاجرا صادر شده باشد به ترتیب زیر عمل خواهد شد:

۱. اگر عملی که در گذشته جرم بوده بموجب قانون لاحق جرم شناخته نشود در این صورت حکم قطعی اجراء نخواهد شد

می‌گردد و ماده ۱۳ قانون مقررات صادرات و واردات مصوب سال ۷۲ که صادر کنندگان کالا (به استثنای نفت خام و فرآورده‌های پایین دستی آن) را از تعهد ارزی معاف نموده، به معنای جرم ندانستن عمل و با تخفیف در مجازات مقرر نیست تا مشمول ماده ۱۱ ق.ما.ا (سابق) گردیده از مجازات معاف شود بلکه صرفاً ناظر به عدم انعقاد پیمان ارزی در همان سال ۷۲ است بخصوص که ماده اخیرالذکر عدم اعمال مفاد آن را در مورد قوانینی که برای مدت معین و موارد خاص وضع گردیده با صراحت قید کرده است علیهذا رای شعبه ۲۲ دادگاه تجدید نظر استان تهران که متضمن نقض حکم برائت متخلف از تعهد ارزی و محکومیت اوست، نتیجتاً صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص داده می‌شود. (گروه علمی موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش، ۱۳۹۵)

۲-۳ استثنائات وارده:

۱. قوانین تفسیری
۲. قوانین خفیف‌تر و انواع آن
۳. قوانین و احکام الهی
۴. قوانین شکلی

۳-۳ تاریخ وقوع جرم و اجرای قانون لاحق:

تعیین تاریخ وقوع جرم:

رعایت اصل مزبور مستلزم تعیین تاریخ دقیق وقوع جرم است. در جرایم ساده و آبی مثل قتل و ضرب و جرح که فعل یا ترک در یک لحظه و یا در مدت کمی واقع و یا اصولاً جرم با انجام عمل خاتمه می‌یابد تعیین تاریخ وقوع جرم خالی از اشکال بوده و جرم تابع قانون حاکم در زمان وقوع جرم است. ولی در سایر جرایم که در طول زمان تحقق می‌یابد

واگر در جریان اجراء باشد موقوف الاجراء خواهد ماند و در این دو مورد و همچنین در موردی که حکم قبلاً اجرا شده باشد هیچ گونه اثر کیفری بر آن مترتب نخواهد بود این مقررات در مورد قوانینی که برای مدت معین و موارد خاصی وضع گردیده است اعمال نمی‌گردد.

۲. اگر مجازات جرمی بموجب قانون لاحق تخفیف یابد محکوم علیه می‌تواند تقاضای تخفیف مجازات تعیین شده را بنماید و در اینصورت دادگاه صادرکننده حکم و یا دادگاه جانشین با لحاظ قانون لاحق مجازات قبلی را تخفیف خواهد داد.

۳. اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق به اقدام تأمینی و تربیتی تبدیل گردد فقط همین اقدامات مورد حکم قرار خواهد گرفت.»

نکته ماده:

- قانون لاحقی که مبنی بر تخفیف یا عدم اجرای مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی یا از جهاتی مساعدتر به حال مرتکب وضع شود، عطف به ماسبق می‌شود.
- منظور از «مقررات و نظامات دولتی» این است که مقررات شرعی (حدود و قصاص و دیات) مشمول این ماده نمی‌شوند.
- مطابق رای وحدت رویه شماره ۶۱۱ مورخ ۱۳۷۶/۳/۶ به موجب ماده ۵ قانون راجع به واگذاری معاملات ارزی به بانک ملی ایران مصوب اسفند سال ۱۳۳۶ و تبصره یک آن، صادرکنندگان کالا باید در موقع صدور، متعهد شوند که ارز حاصل از صادرات خود را به ایران انتقال داده و به بانک‌های مجار دولتی بفروشند و مطابق ماده ۷ قانون مذکو، تخلف از مفاد پیمان که اصطلاحاً پیمان با تعهد ارزی نامیده می‌شود، جرم محسوب

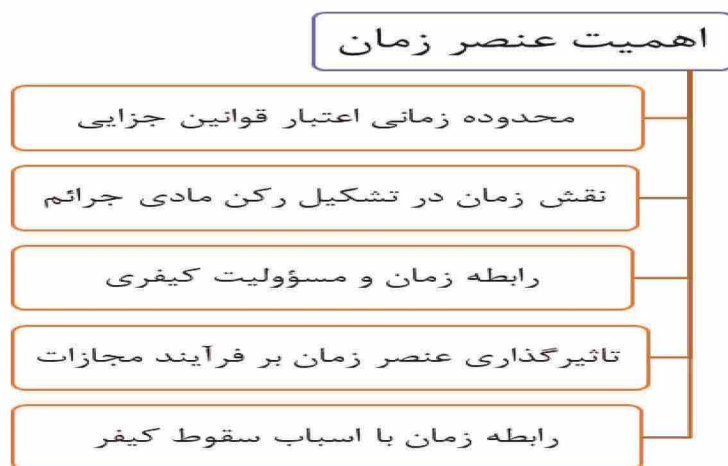
تعیین زمان وقوع جرم محتاج به تأمل است. از این جهت در قوانین کیفری ما، قاعده مرور زمان و عطف به ماسبق نشدن قوانین مورد بحث قرار میگیرد

خاصی برای زمان اجرای مقرر شده باشد. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ از حیث زمان لازم الاجرا شدن طبق حکم ماده ۵۶۹ همین قانون مشمول استثنای ماده ۲ قانون مدنی شده است و شش ماه پس از انتشار در روزنامه رسمی لازم الاجرا است.

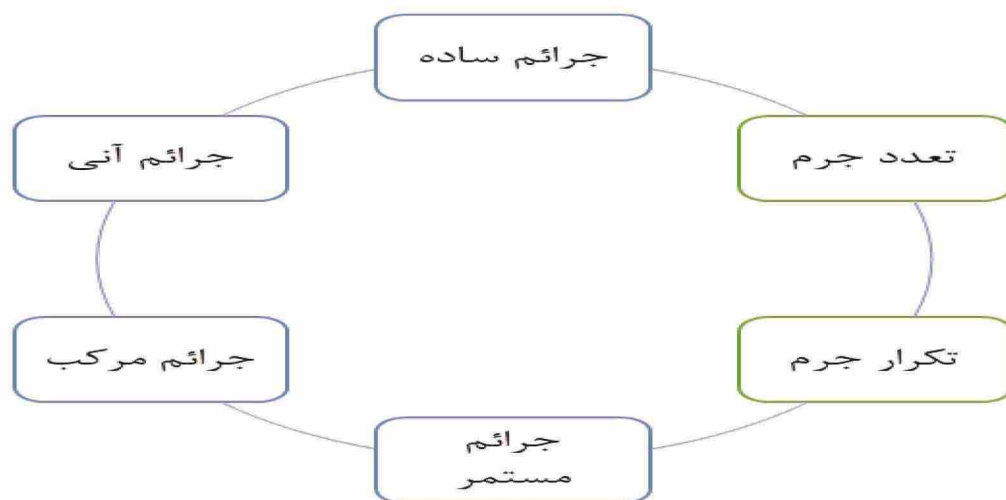
۳-۴ تعیین تاریخ لازم الاجرا شدن قانون:

به صراحت ماده ۲ قانون مدنی، قوانین ۱۵ روز پس از انتشار در روزنامه رسمی لازم الاجرا می شوند، مگر این که در خود قانون ترتیب

بنابراین اگر در زمان تصویب قانون لاحق تا زمان لازم الاجرا شدن آن جرمی اتفاق بیافتد آن جرم تابع قانون سابق می باشد.



۳-۵ بررسی عطف به ماسبق نشدن انواع جرائم و اوصاف آنها:



۱. جرم ساده و آتی:

در جرایم ساده و آتی مثل قتل و ضرب و جرح تعیین تاریخ وقوع جرم با اشکالی مواجه نمی‌شود و جرم تابع قانون حاکم در زمان وقوع جرم است. ولی تعیین زمان و در نتیجه مجازات مجرم در حالت‌های جرم مستمر، جرم به عادت، جرم مرکب، تعدد واقعی جرم و تکرار جرم که در طول زمان تحقق می‌یابند، محتاج تامل است.

۲. جرم مستمر (متمادی):

در جرایم مستمر یا متمادی که رفتار مجرمانه (فعل یا ترک فعل مجرمانه) در طول زمان استمرار دارد و مبین قصد مجرمانه توأم با استمرار و دوام است، چنانچه جرم در زمان حکومت دو قانون ارتکاب یابد رفتار مجرمانه تابع قانون جدید است ولو قانون مزبور شدیدتر از قانون سابق باشد زیرا عناصر تشکیل دهنده جرم در زمان قانون جدید هم تحقق یافته است. (گلدوزیان، ۱۳۸۴)

مثل جرم استفاده علنی و غیر قانونی از لباس‌های رسمی مأموران نظامی یا انتظامی (ماده ۵۶۶ ق.م.ا. بخش تعزیرات)، مخفی کردن اموال مسروقه (ماده ۶۶۲ ق.م.ا. بخش تعزیرات)، ترک انفاق (ماده ۶۴۲ ق.م.ا.)، توقیف غیر قانونی (م ۵۸۲ ق.م.ا. بخش تعزیرات). بنابراین در جرائم مستمر چون جرم لحظه به لحظه و تا زمان حکومت قانون لاحق پی در پی محقق می‌شود مشمول مقررات جدید قرار می‌گیرد هرچند این قانون شدیدتر از قانون سابق باشد.

نکات جرم مستمر:

۱. تقسیم‌بندی جرائم به آتی و مستمر یک تقسیم‌بندی مطلق نیست تا بتوان گفت

هر جرمی یا مستمر است یا آتی؛ برخی جرائم همواره، آتی هستند مثلاً سرقت اتومبیل، جرم آتی است. برخی دیگر از جرائم همیشه مستمر می‌باشند و برخی نیز گاهی مستمر و گاهی آتی هستند. مثلاً سرقت جریان الکتریسیته، مستمر می‌باشد و قتل با اسلحه آتی است اما قتل با سم که به دفعات صورت می‌گیرد و قتل با یکبار سم دادن رخ نمی‌دهد، جرم مستمر می‌باشد زیرا مرگ مجنی‌علیه، مربوط به دفعات مختلف سم دادن است که به صورت مستمر انجام می‌شود.

این دسته از جرائم جز گروهی است که مقنن وسیله و رفتار فیزیکی خاصی را برای تحقیق جرم بیان نکرده است بنابراین بستگی به طبیعت جرم دارد و قابل تحقق به صورت آتی، مستمر یا هر دو را می‌باشند. (زراعت، ۱۳۸۶)

۲. جرم مستمر جرمی نیست که فقط عنصر مادی آن در زمان نسبتاً طولانی استمرار داشته باشد بلکه عنصر معنوی نیز باید همزمان با استمرار عنصر مادی، استمرار یابد، یعنی مرتکب با علم و اراده، به عملیات خود ادامه می‌دهد، بنابراین بالابردن بنا بیشتر از مقدار قانونی، جرم مستمر نیست زیرا در زمانی که بنای بالا برده شده، باقی می‌ماند، اراده مرتکب بر بالا بردن آن وجود ندارد.

این جرائم را اصطلاحاً جرم مستمر ثابت یا استمرار یافته (delits continus permanents) می‌نامند که احکام جرم آتی بر آنها بار می‌شود. جرائم مستمر واقعی را، جرائم مستمر تجدیدی (delits continus successifs) نامیده‌اند. استمرار جرم گاهی به استمرار رفتار فیزیکی آنست مانند تصرف عدوانی و گاهی به استمرار نتیجه آن مانند



این سؤال مطرح بود که عمل مجرمانه چند مرتبه باید انجام شود تا جرم به عادت تحقق پیدا کند؟

دیوان عالی کشور ایران برای تحقق این جرایم حداقل ۲ بار انجام عمل را ضروری میدانند و تفاوتی نیز از نظر فاصله زمانی بین دو عمل در نظر نمی گیرد.

برای جرم به عادت میتوان جرایمی چون طبابت غیر مجاز تشویق به فساد و فحشا تکدی گری و جرم «دایر کردن قمارخانه» که با تکرار عمل قماربازی در یک مکان مصداق پیدا می کند نه یک بار نام برد.

بنابراین جرم به عادت جرمی است که از تکرار یک یا چند عمل مشابه و پی در پی حاصل می گردد، بی آنکه عنوان تکرار جرم مصداق پیدا کند. (ولیدی، ۱۳۸۸)

حال چنانچه افعال مجرمانه ای که از مجموع آنها عادات احراز میشود کلاً قبل از حاکمیت قانون جدید و یا بعد از قانون جدید واقع شود اشکالی پیش نمی آید به طوری که در مورد اول قانون سابق و در مورد دوم قانون جدید اجرا می شود. اما چنانچه قسمتی از جرم در زمان قانون

مخفی کردن اموال مسروقه؛ در صورت نخست عملیات تصرف عدوانی، استمرار می یابد و تکرار می شود، اما در صورت دوم، عملیات مخفی کردن مال در زمان کوتاهی رخ می دهد و نتیجه (مخفی نگه داشتن مال) با اراده مرتکب، کماکان استمرار می یابد. (زراعت، ۱۳۸۶)

کوتاه یا طولانی بودن زمان تحقق جرم که ملاک تمایز جرائم آنی و مستمر می باشد، ضابطه صریحی در قانون ندارد بنابراین تشخیص آن بر عهده قاضی است که بر حسب اوضاع و احوال حاکم بر قضیه تصمیم می گیرد و زمان طولانی ممکن است چند ساعت یا چند روز یا چند هفته باشد. (زراعت، ۱۳۸۶)

۳. جرم به عادت:

مقصود از جرم به عادت جرمی است که مانند جرم ساده و آنی با تشکیل عناصر جرم زاده میشود ولی مجازات آن مشروط به آن است که چند بار و به کرات انجام شود و به شکل عادت در آید بیانکه ضرورتاً و عنوان خاص تکرار جرم پیدا کند در مورد این جرایم

کند یا مجازات را تحمل کند و مجدداً مرتکب جرمی بشود. (نوربها، ۱۳۸۳) تکرار نیز همانند تعدد از سبب‌های تشدید مجازات است.

در اینجا نیز دو عقیده وجود دارد. برخی از حقوق‌دانان بیان کرده‌اند در این مورد تردید وجود دارد، زیرا با این کار بر محکومیت جدید، اثری بار می‌کنیم که قانون آن را نمی‌خواسته؛ اما به اعتقاد عده‌ای دیگر باید قانون جدید اجرا شود، زیرا مجرم با آگاهی از شدید بودن قانون جدید به ارتکاب جرم جدید دست می‌زند و لذا با انجام آن حالت خطرناک خود را بیشتر نشان می‌دهد که دلیل بر قبول اجرای قانون جدید شدیدتر است. (نوربها، ۱۳۸۳)

۶. حالت تعدد واقعی جرم:

فرض تعدد واقعی جرم هنگامی است که چندین فعل مجرمانه در یک فاصله‌ی زمانی ارتکاب یابد، بدون آنکه حکم محکومیت قطعی درباره‌ی آنها صادر شده باشد؛ تعدد جرم از کیفیات مشدد مجازات به شمار می‌رود. (اردبیلی، ۱۳۸۴) برای مثال اگر کسی مرتکب یک فقره کلاهبرداری در زمان حکومت قانون مجازات عمومی و یک فقره سرقت در این زمان شده باشد آیا به جرایم متعدد او مطابق قانون مجازات اسلامی که قایل به جمع مجازات‌ها شده است رسیدگی خواهد شد؟

در پاسخ به این سؤال بعضی از حقوق‌دانان با این استدلال که وصف تعدد از اوصاف جرم اخیر است که پس از اجرای قانون جدید تحقق یافته است قانون جدید را صالح به رسیدگی می‌دانند. (مرل و ویتو به نقل اردبیلی) اما برخی دیگر با توجه به اینکه در هر حال چون قانون جدید تهدیدی علیه متهمان به شمار می‌رود اجرای آن را محتاج تأمل می‌دانند.

سابق و قسمت دیگر آن در زمان قانون جدید واقع شده باشد با توجه به ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی که منحصراً عطف به ماسبق شدن قوانین مساعدتر به حال متهم را تجویز نموده است میتوان گفت که قانون جدید فقط در صورتی در مورد جرایم به عادت قابل اجراست که رفتار تشکیل دهنده عادت به اندازه کافی در زمان حکومت قانون جدید هم تحقق یافته باشد.

عقیده‌ی جاری بر آن است که قانون جدید فقط در صورتی در این‌گونه جرایم قابل اجراست که «رفتار تشکیل دهنده‌ی عادت» به اندازه‌ی کافی در زمان حکومت قانون لاحق هم تحقق یافته باشد. (گلدوزیان، ۱۳۸۴)

۴. جرم مرکب:

جرم مرکب جرمی است که عنصر مادی تشکیل دهنده‌ی آن از چند عمل تشکیل شده که هر یک به تنهایی جرم نبوده، بلکه مجموعه‌ی آن اعمال عنصر مادی جرم را تشکیل می‌دهند. (گلدوزیان، ۱۳۸۴) مثل جرم کلاهبرداری که تحقق آن مستلزم توسل به وسایل متقلبانه، تحصیل وجوه یا اموال و خوردن مال دیگری می‌باشد. در این‌گونه جرایم نیز تا تمام اعمال مادی جرم جمع نشوند جرم مورد نظر مصداق پیدا نمی‌کند و لذا جرم مزبور تابع زمان وقوع آن خواهد بود. (گلدوزیان، ۱۳۸۴)

همچنین در صورتی که آخرین جزء فعل مادی این جرایم در زمان حکومت قانون جدید به وقوع بپیوندد این جرایم تابع قانون جدید خواهند بود. (اردبیلی، ۱۳۸۸)

۵. تکرار جرم:

تکرار جرم در مواردی است که کسی دست به ارتکاب جرمی بزند و محکومیت قطعی پیدا

(اردبیلی، ۱۳۸۴) (محسنی، ۱۳۷۵)

۴- طرح فروض و مسئله

مع الوصف برای آنکه موضوع را کاربردی و مصداقی تر کنیم با طرح چند مسئله حق را بر شفافیت موضوع ادا میکنیم.

مسئله ۱: شخصی مرتکب جرم کلاهبرداری شده و دادگاه در حال رسیدگی به جرم او است اما هنوز حکم صادر نکرده است، مجازات این شخص بر اساس قانون فعلی که مجراست، پنج سال حبس و مجازات تبعید در مقام مجازات تکمیلی اختیاری است. قانون لاحق در همین حین تصویب میشود که مجازات تکمیلی اختیاری را حذف کرده است. حال دادگاه باید بر اساس کدام قانون عمل نماید؟

در پاسخ به این سوال مستند به ذیل ماده ۱۰ ق.م.ا، قانون جدید که اخف است حاکم است.

مسئله ۲: در صورتی که اقدامات تامینی و تربیتی در خصوص اطفال و نوجوانان به موجب قانون لاحق، تخفیف یابد، چگونه باید عمل کرد؟

در پاسخ به این سوال مستند به بند ب ماده ۱۰ ق.م.ا قاضی اجرای احکام موظف است قبل از شروع به اجرا یا در حین اجرا از دادگاه صادر کننده حکم قطعی، اصلاح آن را مطابق با قانون لاحق تقاضا کند و همچنین طفل یا نوجوان مستحق است تخفیف اقدامات تامینی و تربیتی را تقاضا کند.

مسئله ۳: حال اگر نوجوانی به موجب قانون سابق، محکوم به نگهداری در قانون اصلاح و تربیت شده است. اگر به موجب قانون لاحق، مدت قانونی نگهداری کاهش پیدا کند، تکلیف چه خواهد بود؟ همچنین در پاسخ به این مسئله مانند

سوال دوم بند ب ماده فوق الذکر قاضی اجرای احکام موظف است... اما نکته ای که اینجا مطرح این است که ولی یا سرپرست صرفاً در مورد اقدامات تامینی و تربیتی اطفال این حق را دارد که چنین درخواستی نماید درحالی که در اینجا مرتکب نوجوان است و درموردی هم که در مورد اقدامات تامینی و تربیتی اطفال، ولی وی میتواند چنین درخواستی را کند دیگر نیازی به موافقت قاضی اجرای احکام نیست.

مسئله ۴: شخص الف در حال تحمل مجازات زندان است که با وضع قانون لاحق، عنوان مجرمانه عمل او که موجب مجازاتش شده، زائل می شود، زوال عنوان مجرمانی (جرم زدایی)، چه اثری دارد؟

با توجه بند الف ماده ۱۰ ق.م.ا توقف اجرای مجازات و زوال هرگونه اثر کیفری مجراست.

مسئله ۵: حال اگر در مورد جرم خاصی، رسیدگی صورت گرفته و حکم قطعی صادر شده باشد و بعد از صدور حکم قطعی، قانون لاحق جدیدی تصویب گردد که ادله اثبات قانون سابق در مورد همان جرم خاص را فاقد اعتبار دانسته است در چنین حالتی چه باید کرد؟

مستند به تبصره ماده ۱۱ ق.م.ا پرونده برای بررسی به دادگاه صادر کننده حکم قطعی ارسال می گردد.

۵- نتیجه گیری

مطابق اصل قانونی بودن جرائم و مجازات تا زمانی که رفتاری توسط مقنن ممنوع و ابلاغ نشده، چنانچه این رفتار توسط شخصی ارتکاب یابد و ممنوعیت رفتار قبلاً ابلاغ نشده باشد این رفتار مورد مجازات قرار نخواهد گرفت چرا که قاعده قبح عقاب بلا بیان مجازات این رفتار بنا بر حکم عقل ناپسند

تا زمان لازم الاجرا شدن آن جرمی اتفاق نیافتد
آن جرم تابع قانون سابق می باشد.

۶- منابع

ویکی فقه، دانشنامه فقه و اصول و علوم
حوزوی
ویکی فقه، دانشنامه فقه و اصول و
علوم حوزوی. قلمرو قوانین جزایی در زمان.
برگرفته از لینک <https://fa.wikifeqh.ir>
مویدی، محمد صالح. جزوه حقوق جزای
عمومی ۱، چاپ نشده.
قانون مجازات اسلامی
قانون مدنی
قانون اساسی
قرآن کریم
محمد محمدی گرگانی. جستاری بر قانون
اساسی جمهوری اسلامی ایران. چاپ ۱. شهر
دانش، ۱۳۹۳. ص ۷۹.
ناصر کاتوزیان. کلیات حقوق (نظریه
عمومی). چاپ ۳. شرکت سهامی انتشار،
۱۳۸۷.
محمد علی اردبیلی. حقوق جزای عمومی
(جلد اول). چاپ ۲۳. میزان، ۱۳۸۹.
استفانی، گاستون، ژرژ لواسور، برنار بلوک،
حقوق جزای عمومی، ترجمه حسن دادبان،
تهران، علامه طباطبایی، ۱۳۷۷، ص ۱۸۷.
ایرج گلدوزیان. بایسته های حقوق جزای
عمومی (جلد اول دوم سوم). چاپ ۲۰. میزان،
۱۳۸۹. ص ۹۱.
سید محمد هاشمی. حقوق اساسی و
ساختارهای سیاسی. چاپ ۱. میزان، ۱۳۹۰.
ص ۳۳۹.
امیر ساعدوکیل و پوریا عسکری. قانون
اساسی جمهوری اسلامی ایران در نظم حقوق
کنونی. چاپ ۳. مجمع علمی و فرهنگی مجد،
۱۳۸۸. ص ۱۳۵.

می باشد و هرگونه مواخذه دنیوی و اخروی
بدون اینکه بیان و ابلاغ شود ممنوع است.
مشهور اصولی ها دلیل اصلی برائت عقلی
را قاعده قبح عقاب بلا بیان می دانند. (تحریر
المعالم، مشکینی)

عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری
ماهوی از آثار و نتایج اصل قانونی بودن
جرائم و مجازات هاست.

از این رو مطابق این اصل هرگاه مردم
عملی را انجام داده باشند و سپس قانونی
وضع شود نمی تواند اعمال قبلی مردم
را باطل نموده و مطابق آن مردم و افراد را
مسئول قلمداد کند این اصل یکی از ارکان
اصلی و پایه ای حاکمیت قانون محسوب می
گردد که در مواد ۱۰ و ۱۱ قانون مجازات اسلامی
به آن اشاره شده است.

همچنین بر این اصل استثنائاتی وارد آمده
است که عبارتند از: قوانین تفسیری، قوانین
خفیف تر و انواع آن، قوانین شکلی، قوانین و
احکام الهی.

در رابطه با اجرای این اصل و انواع جرائم
لازم به نوع جرم و تاریخ وقوع آن و زمان لازم
الاجرا شدن قانون لاحق توجه داشت و آن را
بررسی نمود.

در جرایم آتی و ساده مانند سرقت تابع
قانون حاکم در زمان وقوع جرم است.
جرایم مستمر مانند مخفی نمودن مال
مسروقه تابع قانون لاحق هستند ولو آنکه
شدید تر باشد.

جرایم به عادت مانند تکدی گری در صورتی
شامل قانون جدید هستند که رفتار تشکیل
دهنده عادت به اندازه کافی در زمان حکومت
قانون لاحق هم تحقق یافته باشد.

جرم مرکب مانند کلاهبرداری تابع زمان
وقوع آن جرم می باشد.
و کلام آخر اگر در زمان تصویب قانون لاحق

- نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ ۳۴، گنج دانش و داد آفرین، ۱۳۹۲، ص ۶۶.
- نائینی، محمد حسین، فوائد الاصول، ج ۳، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۳۲۹-۳۲۸.
- افراسیابی، محمد اسماعیل، حقوق جزای عمومی، ج ۱، فردوسی، ۱۳۷۴، ص ۱۳۰.
- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، چاپ ۲، طرح نو، ۱۳۸۸، ص ۱۸۹.
- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، ص ۱۶۵، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۸، چاپ دوم.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینواوژی حقوق، ج ۲، شماره ۵۰۵، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۸، چاپ اول.
- ولیدی، محمد صالح، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، ص ۱۴۱، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۸، چاپ اول.
- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، ص ۱۶۵، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۸، چاپ دوم.
- گروه علمی موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش، قانون یار مجازات اسلامی، چاپ ۲۷، ۱۳۹۵، ص ۳۵.
- گلدوزیان، ایرج، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران، میزان، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۴، ص ۸۸.
- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، تهران، میزان، چاپ هشتم، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۶۲.
- گلدوزیان، ایرج، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران، میزان، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۴، ص ۸۴.
- زراعت، عباس، حقوق جزای عمومی، تهران، ققنوس، ۱۳۸۶، ج دوم، ص ۱۶۴.
- زراعت، عباس، حقوق جزای عمومی، تهران، ققنوس، ۱۳۸۶، ج دوم، ص ۱۶۳.
- ولیدی، محمد صالح، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران، میزان، چاپ بیستم، ج ۱، ص ۲۱۵.
- نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳، ص ۱۶۲.
- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، تهران، میزان، چاپ هشتم، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۶۸.
- مرل و ویتو به نقل اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، تهران، میزان، چاپ هشتم، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۶۸.
- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، تهران، میزان، چاپ هشتم، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۶۸.
- محسنی، مرتضی، دوره حقوق جزای عمومی، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۶۹.
- تحریر المعالم، مشکینی، علی، ص ۱۹۰.



جهت دسترسی به فایل صوتی این مطلب

لطفًا اسکن کنید.

کارگاه قرارداد نویسی

بخش سوم



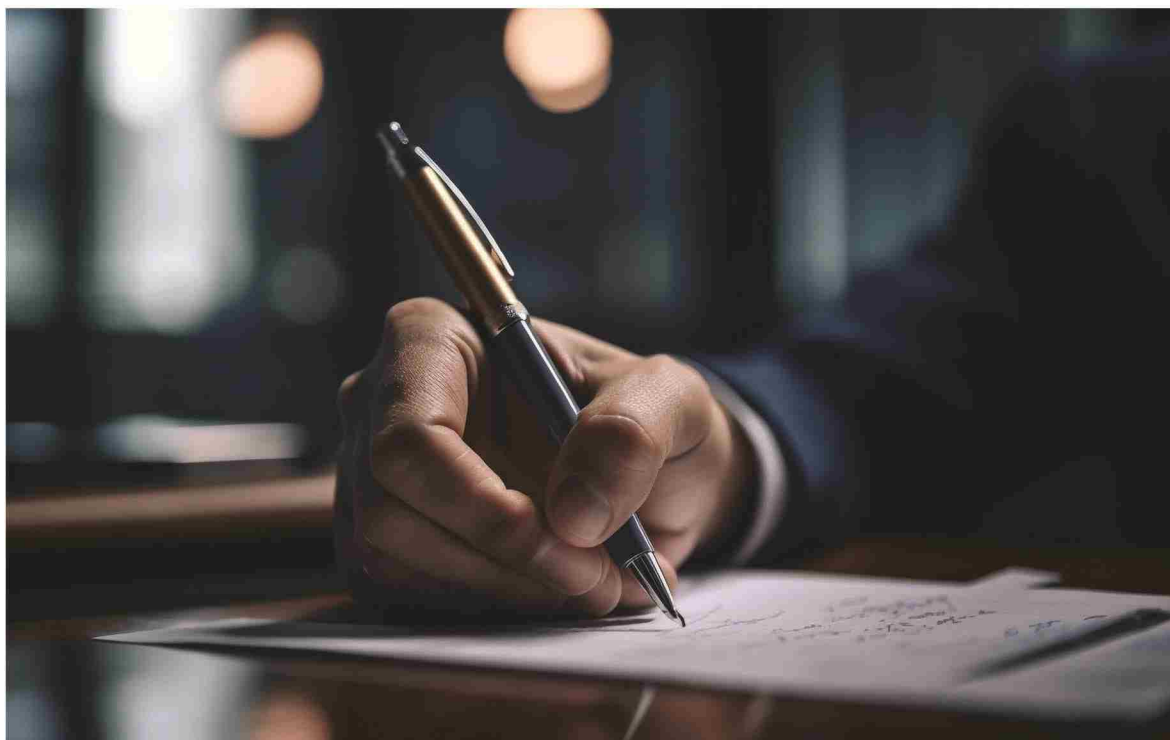
مهدی ابراهیمی

■ وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی ■

عقد شرکت و قرض:

همان طور که در مباحث قبلی گفتیم عقود براساس ماهیت به دسته بندی های مشخصی تقسیم شده اند. در این مبحث در مورد عقد شرکت و قرض صحبت می شود. عقد در لغت به معنای گره بستن، عهد بستن، پیمان و ... معنا شده است. از لحاظ معنای لغوی شرکت نیز پیوند ناگسستنی با واژه ی عقد دارد. براساس ماده ۵۷۱ قانون مدنی، شرکت عبارت است از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیء واحدی به نحو اشاعه. نکته قابل توجه در تعریف شرکت، موضوع آن یعنی عین و یا دین و یا منفعت و یا حق است. عقد شرکت شرایطی را به وجود می آورد که اجتماع و اشاعه از مهم ترین موارد آن است. دلیل اجتماع روشن است: مالکیت دو یا چند نفر در شیء یا موضوع واحد جمع می شود و اشاعه به معنای مالکیت افراد در ذره ذره مال به صورت مشاع و پراکنده ایجاد می شود.

البته شرکت خود به دو قسم غیرعقدی و عقدی تقسیم می شود. شرکت غیر عقدی براساس ماده ۵۷۱ ق. م از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیء واحد به نحو اشاعه پدید می آید. مال مشاع یا مشترک می تواند عین خارجی باشد یا می تواند منفعت باشد. عین مانند خود ملک و منفعت مانند اجاره ملک. شرکت عقدی، عقدی است بین دو یا چند نفر بر معامله نمودن به مالی که بین آن ها مشترک می باشد که به آن شرکت مدنی نیز می گویند. اثر این عقد در مورد هر یک از شرکا است که به نمایندگی از طرف دیگران می توانند به وسیله کسب و معامله در مال شرکت تصرف نمایند. فقهای امامیه در مورد شرکت اعیان و ابدان و وجوه و مفاوضه صحبت هایی مطرح کرده اند که از حوصله ی این کارگاه خارج است. سبب پیدایش شرکت بر دو قسم است: سبب اختیاری و سبب قهری. شرکت اختیاری



تواند از یک جنس نباشد مثلاً مقداری برنج با مقداری گندم باشد یا آرد جو با آرد گندم. از مهم ترین ویژگی های عقد شرکت، به معوض بودن، تملیکی بودن، مستمر و جایز بودن اشاره کرد.

موضوع مال مشاع که در شرکت نام برده می شود می تواند عین یا منفعت یا حق باشد. براساس ماده ۵۸۱ ق.م.هیچ یک از شرکا نمی توانند بدون اجازه شرکا دیگر در مال مشترک تصرفی نمایند. در این جا تصرف شریک برای اداره مال مشترک و یا انتفاع از آن می باشد. همچنین براساس ماده ۵۷۵ ق.م.هر یک از شرکا به نسبت سهم خود در نفع و ضرر سهیم می باشند مگر این که برای هر یک یا چند نفر از شرکا در مقابل عملی سهم زیادتری منظور شده باشد.

این نکته باید در نظر گرفته شود که هر یک از شرکا نسبت به ثمن فروش مال مشترک و اجرت المسمی یا اجرت المثل و خسارات مال مزبور به نسبت سهم خود مشاعاً

در ماده ۵۷۳ ق.م. در نتیجه عقد یا عمل شرکا به وجود می آید. عقد که خود گویای همه چیز است می تواند بیع باشد یا اجاره. عمل شرکا نیز در مقابل اجرت المثل، انجام عملی را قبول کنند به طور مثال در مقابل دریافت خدمات حقوقی به صورت مشارکت و توسط یک موسسه حقوقی، خودرویی دریافت کنند.

شرکت قهری:

بنابر ماده ۵۷۴ ق.م. شرکت قهری در ارث و امتزاج حاصل میشود. در واقع در شرکت قهری، اراده ی طرفین مبنی بر شرکت به طور خاص وجود ندارد. کسی که فوت می کند به صورت خودکار ماترکش بین ورثه تقسیم می گردد. امتزاج هم مانند زمانی که کسی از خانه ای مقداری برنج سرقت کند و در انبار برنج خود بریزد که این برنج ها بدون اراده شرکا مخلوط می شود. یک نکته ای که باید به آن توجه کرد این است که لزوماً این ترکیبات می



به وجود مال مشترک است همچنین در صورت تلف شدن تمام مال الشرکه چیزی از اموال یا مال الشرکه باقی نمی ماند که بخواهیم در مورد آن صحبت کنیم ولی نکته ای که باید رعایت شود این است که حتی اگر از اموال شرکت حتی مقداری هم باقی بماند شرکت باقی است. مورد سوم فوت، جنون، سفه است که براساس ماده ۹۵۴ ق.م.کلیه عقود به وسیله این سه مورد منفسخ می شود و مختص به عقد شرکت نیست ولی سفه یک اختصاص دارد و آن زمانی است که رشد معتبر باشد. در مورد تقسیم مال الشرکه باید این نکته را در نظر داشت که خیار مجلس و خیار حیوان

شریک می باشند زیرا عوض در حکم معوض است.

اسباب اختیاری اشاعه؛ سبب اشاعه بمعنای این است که مشخص شود که شراکت در مال مشاع چگونه ایجاد می شود و چطور مالکیت یک مال بصورت مشاعی می شود.

انحلال شرکت:

براساس ماده ۵۸۷ ق.م. شراکت به وسیله تقسیم مال الشرکه و تلف شدن تمام مال الشرکه منحل می شود. در صورت تقسیم مال الشرکه دیگر مالی وجود ندارد که موضوع عقد شرکت باشد چون شرکت قائم

در مورد عقد شرکت جاری نیست چون این دو خیار مختص به بیع هستند. در مورد مثلی بودن و قیمی بودن مال نیز براساس قواعدی که وجود دارد تقسیم انجام می پذیرد، اگر مال مشترک مثلی باشد به نسبت سهام شرکا و اگر قیمی باشد بر حسب قیمت افراز یا تعدیل می شود. در صورت عدم تراضی قاعده قرعه جاری می شود.

عقد قرض:

قرض در لغت به معنای تملیک مالی به دیگری است به این شکل که پرداختن عین آن مال یا مثل آن یا قیمت آن، به عهده او باشد. عقد قرض توافقی معین محسوب می شود. عقد قرض تملیکی محسوب می شود. براساس این توافق، قرض دهنده مال را به قرض گیرنده می دهد و قرض گیرنده اجازه دارد که طبق ماده ۳۰ قانون مدنی هر نوع تصرف مالکانه ای در مال قرضی انجام دهد پس با این اوصاف عقد قرض یک عقد تملیکی می باشد.

از نظر قانون مدنی، عقد قرض عقدی لازم است و هر شرطی که در ضمن آن شود لازم الرعایه است.

با توجه به تعریف عقد قرض، ما این عقد را بیشتر برای اموال مثلی در نظر می گیریم چون اموال مثلی هستند که شبیه آن نوعاً و عرفاً زیاد است.

نکته ی بعدی که در عقد قرض باید رعایت نمود، مال مورد موضوع قرض باید نسبت به فرد و مصداق آن معین باشد و قرض دادن یک مال کلی به هیچ عنوان صحیح نیست علاوه بر آن وقتی که مال معین باشد انکان قبض آن نیز در زمان عقد وجود دارد پس بدان علت است که حقوقدانان تاکید نموده اند که مال کلی یا کلی در معین به دلیل آن

که در زمان عقد، امکان قبض آن وجود ندارد، نمی تواند مال موضوع قرض باشد البته فقها نظریه طبیعت عقد قرض که از جنس ضمانات است معتقدند که اگر مال القرض مثلی باشد صرف مشاهده آن حین عقد کافی است و تعیین اوصاف و مقدار آن حین عقد ضرورت ندارد.

ویژگی بعدی عقد قرض، لازم بودن آن است. لازم بودن در اینجا به معنای آن است که مقرض یا مقترض نمی توانند پس از انجام عقد، یک طرفه و از جانب خود، این توافق را فسخ کنند مگر این که در توافق پیش بینی شده باشد در غیر این صورت اصلاً قرض دهنده نمی تواند هر زمان که خواست قرارداد را فسخ و موضوع قرارداد را از قرض گیرنده پس بگیرد.

ویژگی بعدی عقد قرض، رضایی بودن آن است. توافق و قصد و رضایت در حین انعقاد عقد بسیار مهم است. نکته ی بعدی عقد قرض معوض بودن آن است چون قرض دهنده این مال به طور رایگان و مجانی به قرض گیرنده تملیک نمی کند و ایشان باید در تاریخ معین آن مال یا قیمتش را به قرض دهنده پس بدهد.

در ارتباط با مبحث قبض و اقباض در عقد قرض برخی از فقها معتقدند که قبض شرط صحت عقد است اما مقنن با استناد به ماده ۶۴۸ ق.م. قبض را شرط صحت عقد نمی داند.

در مورد مطالبه ی قرض، اگر برای عقد قرض مهلتی تعیین شده باشد قرض دهنده تنها می تواند برای مطالبه قرض خود به مدیون مراجعه کند که به مهلت مقرر رسیده یا از مدت مهلت مقرر به سرآمده باشد. پس با این اوصاف نمی توان قبل از آن مهلت، قرض دهنده طلب خود را مطالبه کند.



اگر برای بازپرداخت مهلتی تعیین نشده باشد، بدهکار باید در صورت مطالبه‌ی طلبکار، دین خود را بپردازد.

نکته‌ی قابل تامل در قرارداد قرض تعهد مقتضی مبنی بر بازگرداندن مثل یا قیمت موضوع قرض است. به طور مثال اگر فرد الف خودرویی به فرد ب قرض داد و فرد ب در موضوع عقد قرض را به دلایلی تلف کرد و در زمان موعد قرارداد که باید مال موضوع عقد را به صاحب آن یعنی فرد الف بدهد را بسیار گران تر از زمان دریافت آن از فرد الف خریداری بکند در اینجا قرارداد قرض بر مبنای خيار غبن قابل فسخ نمی باشد تفاوت اصلی با قرارداد بیع به همین موضوع بر می گردد. چون در قرارداد بیع اگر نابرابری در قرارداد بسیار زیاد باشد، قرارداد بیع به علت خيار غبن قابل فسخ می باشد بنابراین تعادل در قیمت بین دو مال بسیار مهم هست. ولی در مورد عقد قرض چنین استدلالی صدق نمی کند.

همچنین بدهکار باید دین را در محل مورد توافق با طلبکار به او بپردازد. اگر بین طرفین مکانی مشخص نشده باشد، دین باید در محل انعقاد عقد پرداخت شود.

قانون گذار برای تادیه قرض، اقساطی را نیز قرار داده است که به موجب آن مقتضی می تواند مال موضوع قرض را با اقساطی به مقرض رد کند.

همان طور که قبلاً گفتیم موضوع مال عقد قرض باید به شکلی باشد که قابل تملیک باشد در واقع هدف ما از انعقاد قرارداد قرض دریافت شیء برای تملیک یا مصرف کردن می باشد برای همین باید مثل یا قیمت آن را برگردانیم دقیقاً این مورد وجه تفاوت بین عقد قرض و عاریه می باشد. در قرارداد عاریه موضوع مال باید از اموالی باشد که با انتفاع از بین نرود ولی در قرض

این شرط وجود ندارد.

ذیل عقد قرض نیز می توان برای قرض دهنده، قرض گیرنده یا هر دو آنها یا شخصی غیر از آن ها برای مدت معینی خيار شرط قرار دهد.

اگر قبل از تسلیم، موضوع قرض تلف یا ناقص شود، جبران آن به عهده قرض دهنده است چرا که عقد قرض تملیکی بوده و در این گونه عقود، تلف قبل از قبض، موجب انفساخ عقد می شود.

عقد قرض وربا:

بعضی ها در زمان انعقاد عقد بندی را برای دریافت سود ناشی از انعقاد عقد قرض قرار می دهند. درج نمودن و قراردادن سود در

جنس و وصف می داند. اگر زیادتى از این سه جهت دریافت شود مصداق کامل ربا محسوب می شود.

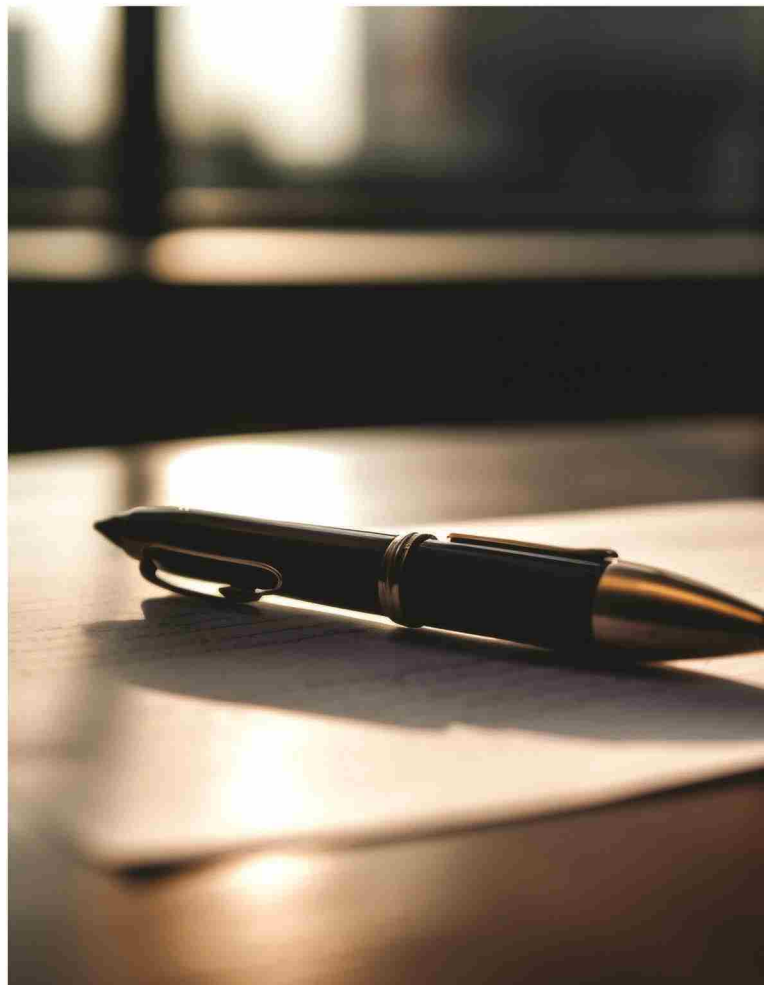
منابع:

درس هایی از عقود معین، جلد دوم، دکتر ناصر کاتوزیان، انتشارات گنج دانش، سال ۱۴۰۲
قانون مدنی جهانگیر منصور، انتشارات دیدآور، سال ۱۴۰۲



جهت دسترسی به فایل صوتی این مطلب

لطفا اسکن کنید.



عقد قرض مصداق بارز ربا خواهد بود و در واقع با افزودن بند سود، عقد از حالت قرض خارج می شود در چنین مواردی با استناد به ماده ۶۴۸ ق.م حقوقدانان معتقدند که با درج چنین شرطی، عقد منعقد، عقد قرض نخواهد بود چون عقد قرض تساوی تملک نسبت به داده ها و گرفته ها است.

افزایش یا کاهش ارزش پول در عقد قرض:

براساس ماده ۶۵۰ قانون مدنی، مقرض باید مثل مالی را که قرض کرده است رد کند اگرچه قیمت ترقی یا تنزل کرده باشد. در این ماده به صراحت بیان شده است که افزایش یا کاهش ارزش پول هیچ اثری ندارد و قانون، مقرض را مکلف به رد مثل از جهت، مقدار،

بررسی ماهیت قرارداد فرانشیز



پریا سلیمانی

■ دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه شهید چمران اهواز ■

pariyaslmny@gmail.com

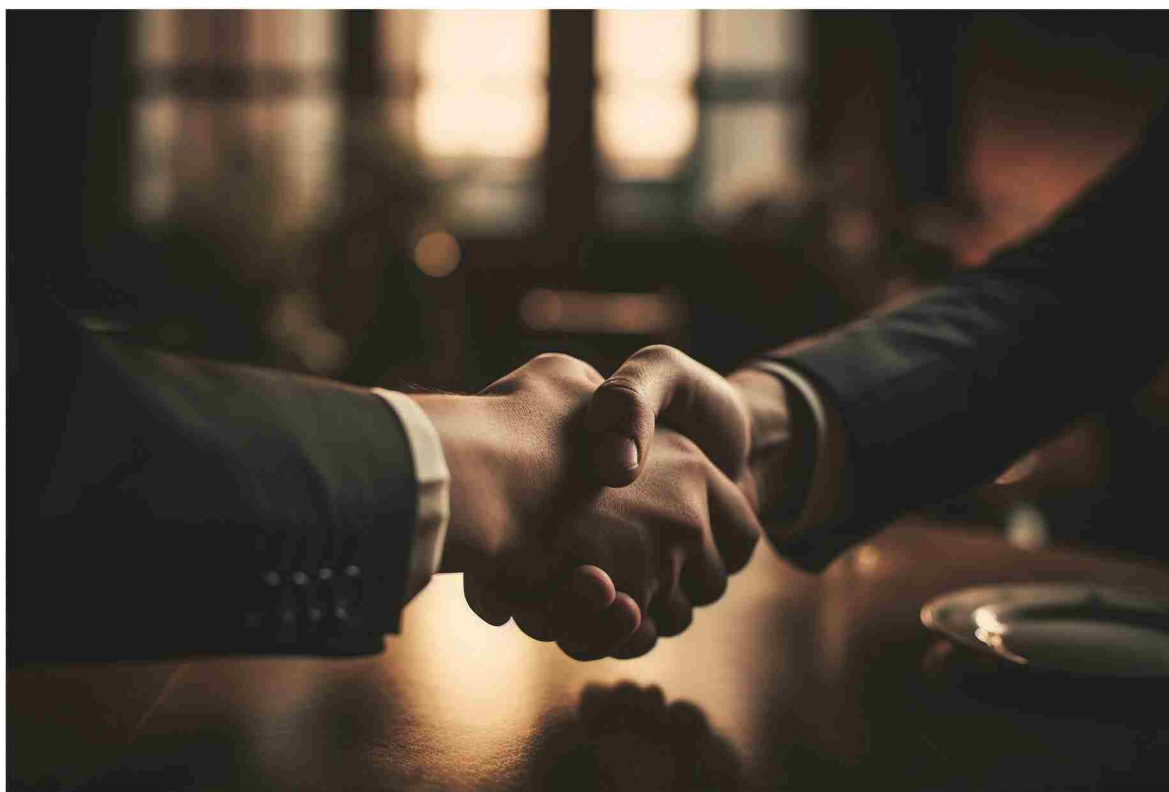
امروزه روش‌های تجاری فراوانی برای ورود کالاها و خدمات به بازارهای جهانی و گسترش قلمرو عرضه و فروش، وجود دارد. با توجه به گسترش روزافزون دامنه‌ی تجارت جهانی، آشنایی با قراردادهای تجاری بین‌المللی ضروری است؛ "فرانشیز" یک شیوه توسعه تجارت و افزایش حوزه و حجم فعالیت و در نهایت سود است که در قالب یک قرارداد صورت می‌گیرد. در واقع فرانشیز انتقال فناوری تحت یک نام یا علامت تجاری می‌باشد. در این یادداشت به بررسی مفهوم قرارداد فرانشیز، مقایسه آن با برخی قراردادهای مشابه و مزایا و محدودیت‌های آن پرداخته می‌شود. استفاده از شیوه فرانشیز، به عنوان متداول‌ترین قرارداد در بهره‌برداری از حقوق مالکیت فکری، برخلاف شروع به کسب و کار مستقل، به نحو عمده‌ای مخاطرات سرمایه‌گذاری را کاهش داده و نام و نشان بهتری را برای محصول به ارمغان می‌آورد.

واژگان کلیدی: قرارداد فرانشیز، اعطاءکننده امتیاز، گیرنده امتیاز، ماهیت فرانشیز، انواع فرانشیز.

مقدمه:

معروف Pronuptia در ۲۸ ژانویه ۱۹۸۶ از سوی دادگاه اروپایی (ECJ) بازمیگردد که شیوه‌ی فرانشیز به عنوان یک روش معتبر و نافذ برای طرفین آن پذیرفته شد. در سطح قانونگذاری‌های داخلی، کشورهای اندکی دارای قوانین خاص درمورد فرانشیز هستند؛ از جمله آمریکا، کانادا و ژاپن.

قرارداد فرانشیز سابقه چندانی ندارد. با نگاهی به تاریخ متوجه می‌شویم که انعقاد قراردادهای فرانشیز، اواخر دهه ۶۰ میلادی در آمریکا رواج یافت و به تدریج در اروپا نیز گسترش یافت. اولین گام در جهت قاعده‌مند شدن فرانشیز به صدور حکم



۱. تعریف قرارداد فرانسیز

فرانسیز (Franchise) کلمه‌ای است که در واژه‌ی فرانسوی به معنی صداقت و آزادی ریشه دارد اما امروزه معنایی دیگر به خود گرفته که با ریشه‌ی آن بسیار متفاوت است. (صفری و مشهدیان، ۱۳۸۹: ۱۶۸)

در قانون ایران تعریفی از قرارداد فرانسیز ارائه نشده است. اتحادیه بین‌المللی فرانسیز (International Franchising Association) قرارداد فرانسیز را اینگونه تعریف میکند: یک رابطه‌ی قراردادی بین دو طرف اعطاء کننده (Franchisor) و گیرنده (Franchisee) است، که براساس آن اعطاء کننده ملزم میشود که دانش فنی و آموزشی به گیرنده ارائه کند. فرهنگ حقوقی بلک (Black Law Dictionary) به عنوان یکی از معتبرترین منابع حقوقی، تعریف دقیقی از اصطلاحات حقوقی ارائه می‌دهد. در مورد فرانسیز چنین بیان

قرارداد فرانسیز عنوانی است که مطابق با آن، اختیار بهره‌برداری و عرضه‌ی تولیدات یا خدمات، در برابر مال یا نسبتی سود داده می‌شود. برای مثال فرض کنید شما صاحب یک کسب و کار بزرگ هستید و میخواهید شعبات دیگری از این کسب و کار را در نقاط مختلف داخل یا خارج از کشور افتتاح کنید؛ برای کاهش خطرهای ورود به بازار یک منطقه‌ی خاص و احتمال ناموفق شدن آن و همچنین مدیریت وقت و سرمایه‌ی خودتان؛ میتوانید به جای افتتاح یک شعبه جدید، با انعقاد «قرارداد فرانسیز» به یک شرکت یا سازمان دیگر این حق را بدهید تا محصولات یا خدمات شما را تحت نظارت خودتان به فروش برساند. این نوع قرارداد به علت مزیت‌هایی که برای هر دو طرف دارد، روز به روز در حال گسترش است.



می کند که: «... قراردادی که به موجب آن، صاحب نام و علامت تجاری حق انحصاری خود بر این دارایی را به منظور راه اندازی شبکه تجارت یا فروش کالا و خدمات در محدوده جغرافیایی معین به دیگری واگذار می نماید». به بیانی دیگر فرانسیز قراردادی است که به موجب آن، حق استفاده از یک سیستم تجارت شامل بسته ی حقوق مالکیت فکری و فنون تجارت به همراه پشتیبانی فنی و تجاری در یک محدوده ی جغرافیایی معین و در ازای حق الامتیاز اعطا می شود. (اشراقی آرانی، ۱۴۰۱: ۸۷)

Battersby, J. Gergory & Charles W..1
Grimes, (2011). "Licensing Royalty RATES",
Aspen publisher, USA. Black Law dictionary
(1990)

۲. ماهیت قرارداد فرانسیز

آزادی قراردادی سبب شده گاهی قراردادی مخلوط از چند قرارداد اعم از معین یا نامعین بسته شود و تعیین ماهیت آن را دشوار سازد که میتوان آنها را قرارداد مختلط نامید. (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۳۱) و فرانسیز قراردادی است که از عناصر خاص چندین قرارداد تشکیل شده است.

فرانسیز ماهیت مستقل از قراردادهای در بطن خود دارد. البته به این معنی نیست که آثار اجزای خود را ندارد بلکه اجزا آثار خود را دارند. (فلاحی، ۱۴۰۱: ۱۵۲) ماهیت قرارداد فرانسیز را نمیتوان مبتنی بر نمایندگی دانست، زیرا امتیازگیرنده یک تاجر مستقل است که به نام و حساب خود معامله میکند و از صاحب علامت نمایندگی ندارد. به نظر میرسد قرارداد فرانسیز از حیث ماهیت حقوقی شباهت بسیار به قرارداد

توزیع دارد، زیرا اثر و نتیجه‌ی آن توزیع کالاهای امتیازدهنده در قلمرو مورد توافق است، اما با این تفاوت که در غالب موارد، تولید هم در همان قلمرو امتیازگیرنده و با مواد اولیه‌ی امتیازدهنده انجام می‌شود (و به این دلیل فرانشیز میتواند جنبه‌ی تولیدی داشته باشد) و از این رو می‌توان بر این بود که در نهایت، آنچه توزیع می‌شود همان علامت تجاری امتیازدهنده است که روی کالاهای یکسان قرار دارد.

اگرچه رکن اساسی قرارداد فرانشیز، لیسانس یا همان اعطای مجوز بهره‌برداری از علامت تجاری و دیگر حقوق مالکیت فکری امتیازدهنده است، با قرارداد لیسانس نیز تفاوت دارد. وجه اختلاف در آن است که قرارداد لیسانس صرفاً متضمن مجوز بهره‌برداری از علامت تجاری، یا دیگر حقوق فکری است، اما قرارداد فرانشیز دربرگیرنده‌ی مجوز استفاده از کل سیستم تجارت امتیازدهنده است، گویی همان تجارت با همان سبک و سیاق در مکانی اجرا میشود. بر این اساس، در قرارداد لیسانس هیچ کنترل یا نظارتی بر فعالیت مجوزگیرنده صورت نمی‌گیرد، اما در قرارداد فرانشیز تمامی فعالیت تجاری امتیازگیرنده تحت کنترل و نظارت دقیق امتیازدهنده انجام میشود. (اشراقی آرانی، ۱۴۰۱: ۸۹)

2-License agreement

۳. تحلیل قرارداد فرانشیز بر اساس ماده‌ی ۱۰

قانون مدنی و قواعد عمومی قراردادها

ماده‌ی ۱۰ قانون مدنی بیانگر اصل معروف آزادی قراردادها است. این ماده که مستند به «اوفو بالعقود» (سوره انعام، آیه ۱) می‌باشد، حکومت اراده را توسعه بخشیده و آن را از محدوده‌ی عقود معین خارج کرده است. قرارداد فرانشیز به دلیل پیچیدگی‌های





محصولاتی مشابه محصولات خود را با همان کیفیت، شکل و... را میدهد. برای مثال «واگذاری مجوز بهره برداری از علامت تجاری «کوکاکولا» به شرکت خوشگوار مشهد در ضمن یک قرارداد فرانسیز است.» (محمدی، محسنزاده و محسن زاده، ۱۳۹۲: ۲۳۵).

۲-۴. فرانسیز توزیعی: که موضوع آن صرفاً فروش کالا تحت نام و علامت امتیازدهنده است. شرکت های زیادی محصولات خود را از این طریق در بازارهای هدف توزیع می کنند. اما باید به این نکته توجه داشت که معمولاً فرانسیز تولیدی را هم باید شاخه ای از فرانسیز توزیعی قلمداد کرد، زیرا در فرایند توزیعی نیز ممکن است بخشی از فرایند تولید توسط امتیازگیرنده انجام شود.

۳-۴. فرانسیز خدماتی: که به عرضه ی خدمات تحت نام و علامت امتیازدهنده مربوط میشود و نمونه ی آن را باید در صنایع هتلداری یا آموزشی و... باید جست و جو کرد.

خاصی که دارد باید آن را یک قرارداد خصوصی میان امتیازدهنده از یک طرف و امتیازگیرنده از طرف دیگر دانست. یعنی باید بگوییم قرارداد فرانسیز قراردادی است که در نظام حقوقی ایران در قالب ماده ۱۰ ق.م منعقد می گردد. ماده ی ۱۰ ق.م بیان می کند: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است».

۴. انواع قرارداد فرانسیز

بر اساس موضوع، قراردادهای فرانسیز به سه نوع تقسیم می شوند:

۱-۴. فرانسیز صنعتی: که برای تولید و ساخت محصولات مختلف صنعتی به کار برده میشود. در این شیوه یک تولیدکننده ی بزرگ با اعطای امتیاز و انتقال دانش فنی و تکنولوژی به یک تولیدکننده ی دیگر اجازه ی ساخت

را رعایت نماید. برای مثال، گیرنده نمی تواند در خارج از مرزهای منطقه ی مورد عمل خود به تجارت مورد نظر بپردازد؛ همچنین وی از تجارت کالاهای رقیب نیز ممنوع است.

ب) تعهد به حفظ دانش تجربی، اسرار تجاری و روش های مربوط به فرانشیز:

گیرنده ی امتیاز متعهد است دانش تجربی و اطلاعاتی را که اعطاکننده ی امتیاز درباره ی حقوق مالکیت معنوی خود به او انتقال داده است، فقط در شبکه ی فرانشیز به کار گیرد و از هرگونه استفاده از آنها خارج از موضوع قرارداد بپرهیزد. هرگونه انتقال این امور به اشخاص ثالث هم، به هر نحو، ممنوع است.

ج) پرداخت حقوق مالی اعطاکننده: گیرنده باید حقوق مالی اعطاکننده، اعم از پیش پرداخت، حق تألیف، حق امتیاز و دیگر موارد توافق شده را به صورت منظم پرداخت نماید.

د) عمل بر طبق روش فرانشیز و تلاش برای حفظ اعتبار، شهرت و ارزش تجاری آن: فرانشیز شبکه ای متحدالشکل و یکسان است که گیرنده ی جدید نیز باید دقیقاً مطابق روش و شکل آن عمل کند و اعمال خود را جهت حفظ و یکنواختی آن تنظیم نماید و در این راه از انجام هرگونه تغییری در ساختار شبکه، به هر شکل، بپرهیزد. (پیشین)

۶. اهمیت قرارداد فرانشیز:

۶-۱. مزایای قرارداد فرانشیز:

فرانشیز مجموعه ای از مزایا را دربردارد که در اینجا به مواردی از آنها اشاره می نماییم:

الف) توسعه ی سریع در بازارهای هدف، بدون تحمل هزینه های زیاد سرمایه گذاری.

ب) سود بردن گیرنده امتیاز از نام، علامت و

۵. آثار قرارداد فرانشیز

بند نخست- تعهدات امتیازدهنده:

الف) اعطای امتیاز: اصلی ترین تعهد اعطاکننده ی امتیاز، اعطای امتیاز قانونی، مشخص و بدون مشکل به گیرنده ی امتیاز است. حقوقی که اعطا می شود، باید به طور قانونی ثبت شده باشد و اعطاکننده ضامن اعتبار این حقوق است. این انتقال همچنین حق استفاده از این امتیازات و حقوق را نیز در بر میگیرد.

ب) مشاوره و یاری رسانی: اعطاکننده ی امتیاز موظف است در طول حیات قرارداد (قبل از شروع به کار تا هنگام فسخ قرارداد) گیرنده را در زمینه های مختلف مربوط به فرانشیز مورد مشاوره قرار دهد. این مشاوره، امور متعددی، از جمله مسائل بازرگانی، فنی، تکنولوژیک، بازاریابی، حقوقی و... را در بر می گیرد.

ج) حفظ انحصار گیرنده ی امتیاز: هدف گیرنده ی امتیاز از ورود به شبکه ی فرانشیز، منفعت و سودبری است و این مهم در صورت انحصاری نبودن فعالیت وی محقق نمی شود. معمولاً تمامی قراردادهای فرانشیز به صورت انحصاری منعقد میشوند و اعطاکننده ی امتیاز متعهد می شود که در سرزمین مورد عمل گیرنده ی امتیاز به شخص دیگری فرانشیز اعطا نکند. انحصار گیرنده ی امتیاز، گاهی فعالیت اعطاکننده امتیاز را نیز در بر میگیرد و وی نمیتواند در درون سرزمین مورد عمل گیرنده، به صورت مستقل (در حیطه ی مربوط به فرانشیز اعطا شده) فعالیت کند. (باباپور، ۸۴: ۷۴)

بند دوم- تعهدات گیرنده ی امتیاز:

الف) تعهد به عدم رقابت با اعطاکننده ی امتیاز:

همانگونه که اعطاکننده ی امتیاز نباید انحصار گیرنده را در مناطق مورد عمل قرارداد بشکند، گیرنده نیز ملزم است محدودیت هایی

تخصص اعطاء کننده امتیاز که منجر به جلب اعتماد مشتریان می شود.

ج) قرارداد فرانسیز از جمله قراردادهایی است که به رشد اقتصادی و تجاری کمک می کند، چون این نوع سرمایه گذاری به فعالیت نیروی کارگری محلی کمک می کند و وسیله ای برای حل بحران بیکاری به حساب می آید.

د) قرارداد فرانسیز جریان خروج از کشور را کاهش و سرمایه گذاری در پروژه های کوچک و متوسط را افزایش می دهد و شرکت های محلی را به بالابردن کیفیت تولیدات داخلی یا خدماتی که به مصرف کننده ارائه می کنند، تشویق می کند و این پیشرفت در تولیدات محلی به روی آوردن به کالاهای داخلی به جای کالاهای وارداتی منجر می شود.

۲-۶. محدودیت هایی که در راه اجرای قرارداد فرانسیز در عرصه ی بین المللی وجود دارد:

الف) از آثار منفی کلی در نظام فرانسیز، رقابت غیرعادلانه بین فعالیت های جدیدی است که با نظام فرانسیز کار می کنند، به خاطر عدم توازن در امکاناتی که در اختیار هر کدام از آنها قرار دارد. ب) هزینه های بالای شروع یک فرانسیز برای فرانسیزگیرنده یک وضعیت نامساعد به حساب می آید. فرانسیزگیرنده باید هزینه هایی چون هزینه فرانسیز، حق لیسانس، درصدی از درآمد برای تبلیغات و همچنین هزینه های آموزش منابع انسانی را که بصورت ماهیانه یا هفتگی می باشد به فرانسیزدهنده پرداخت کند. محدودیت هایی که فرانسیزدهنده بر فرانسیزگیرنده وارد

می کند خود از معایب بوده و آزادی فرانسیزگیرنده را محدود می کند از جمله اینکه او ملزم به رعایت دستورات فرانسیزدهنده حتی در مورد دکوراسیون و مواد مصرفی، تعیین قیمت و... است.

ج) فرانسیزگیرنده باید در چارچوب معین شده از طرف فرانسیزدهنده به فعالیت بپردازد و آزادی عمل یک کسب و کار شخصی را ندارد. از طرف دیگر فرانسیز برای مدت محدودی معمولاً پنج ساله است فرانسیزگیرنده موفق که قابلیت سود دهی پیدا کرده بعضاً مجبور میشود برای حفظ آن به تقاضای فرانسیزدهنده برای حق امتیاز بیشتر تن در دهد البته میتواند برای فرانسیزگیرنده حق و اختیاری برای تمدید قرارداد قائل شد. (کریمی، ۱۳۹۲: ۵۰)

نتیجه گیری:

فرانسیز قراردادی است با تعهدات دوطرفه که وجه غالب آن، اجازه ی استفاده از علامت تجاری به همراه دیگر حقوق مالکیت فکری است. از جمله مزایای این قرارداد، توسعه ی سریع در بازارهای هدف، صرفه جویی در سرمایه و رشد اقتصادی می باشد و در سال های اخیر روند رو به رشد زیادی به خود گرفته است. نص قانونی ویژه ای در رابطه با این قرارداد در کشورمان وجود ندارد و این یک خلأ در زمینه ی گسترش این قراردادها در ایران می باشد. باتوجه به گسترش روزافزون قرارداد فرانسیز و مزیت های قابل توجهی که دارد؛ لازم است قانونگذار نسبت به شناسایی این نهاد حقوقی و تعیین آثار و احکام آن اقدام نموده و خلأ قانونی در این زمینه را برطرف نماید.

منابع انگلیسی:

Battersby, J. Gergory & Charles W. Grimes, 1
"Licensing Royalty RATES", Aspen pub-
lisher, USA. Black Law dictionary (1990)

منابع فارسی:

۲. فلاحی، آزاد، ۱۴۰۱، "حقوق قراردادهای نوین"، تهران، مجمع علمی فرهنگی مجد.
۳. اشراقی آرانی، مجتبی، ۱۴۰۱، "حقوق تجارت



- نویسن قراردادهای تجاری"، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۴. میرزایی، علیرضا، ۱۳۹۴، "طراحی قراردادهای فرانشیز"، تهران، انتشارات بهنامی.
۵. صفری، محسن؛ مشهدیان، شهاب، ۱۳۸۹، "بررسی ماهیت قرارداد فرانشیز در حقوق ایران"، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۱۰۱.
۶. محمدی، سام؛ محسنزاده، احمدعلی؛ محسنزاده، علی، ۱۳۹۲، "ماهیت و اوصاف قرارداد فرانشیز در حقوق ایران"، مجله علمی پژوهشی حقوق پزشکی، ویژه نامه حقوق مالکیت فکری.
۷. باباپور، محمد، ۱۳۸۴، "تاریخچه فرانشیز"، مجله حوزه و دانشگاه، سال یازدهم، شماره ۴۴.
۸. السان، مصطفی؛ دریس، خلود؛ فتحی، علیرضا، ۱۴۰۲، "مفهوم و پیشینه قرارداد فرانشیز و مقایسه آن با نمایندگی تجاری"، پژوهشنامه حقوق تطبیقی، دوره ۷، شماره ۱.
۹. امینی، منصور؛ عباسی، لیلا، ۱۳۹۷، "ماهیت قرارداد فرانشیز و انواع آن"، فصلنامه مطالعات
- حقوق، شماره ۲۰.
۱۰. کریمی، محمد، ۱۳۹۲، "قرارداد فرانشیز در حقوق تجارت بینالملل"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

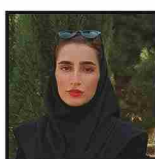


جهت دسترسی به فایل صوتی این مطلب

لطفا اسکن کنید.

مصاحبه

کاری مشترک با نشریه دادآفرین دانشگاه اصفهان



میزبان: الهام محمدی

■ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه اصفهان ■



مهمان: متین مهرابی

■ دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه اصفهان ■

همین رو، گفتگویی بین خانم الهام محمدی با جناب آقای متین مهرابی، دارنده مدال برنز المپیاد حقوق در سال ۱۴۰۳ خواهیم داشت تا از تجربیات خود در مسیر المپیاد با ما سخن بگویند.

سلام و درود خدمت شما. خیلی خوش آمدید و خیلی خوشحالیم که دعوت ما را پذیرفتید.
سلام خیلی ممنون، متشکرم

قبل از اینکه سراغ تعریفی از المپیاد و سوالات پیرامون آن برویم، فکر می‌کنم لازم باشد خودتان را به دوستان و مخاطبان ما معرفی کنید و بگویید که چه عواملی باعث شد که

المپیاد حقوق یکی از آزمون‌هایی است که در حوزه رشته حقوق و هر ساله در کشور برگزار میشود. این آزمون ساختار منحصر به فرد خود را دارد و با آزمونهای حقوقی دیگر نظیر آزمون ارشد، وکالت، قضاوت و سردفتری که در بین دانشجویان حقوق شناخته شده تر هستند، متفاوت است. حضور و همچنین کسب رتبه برتر به‌ویژه کسب مدال در این عرصه، دربردارنده مزایای فراوانی است که دانشجویان مستعد و توانمند این رشته را به شرکت در این آزمون ترغیب میکند. چند سالی است که موضوع المپیاد در بین دانشجویان حقوق، اهمیت زیادی پیدا کرده و توجه بیشتری را به خود جلب کرده است. از

به المپیاد علاقه پیدا کنید و در نهایت شرکت کنید.

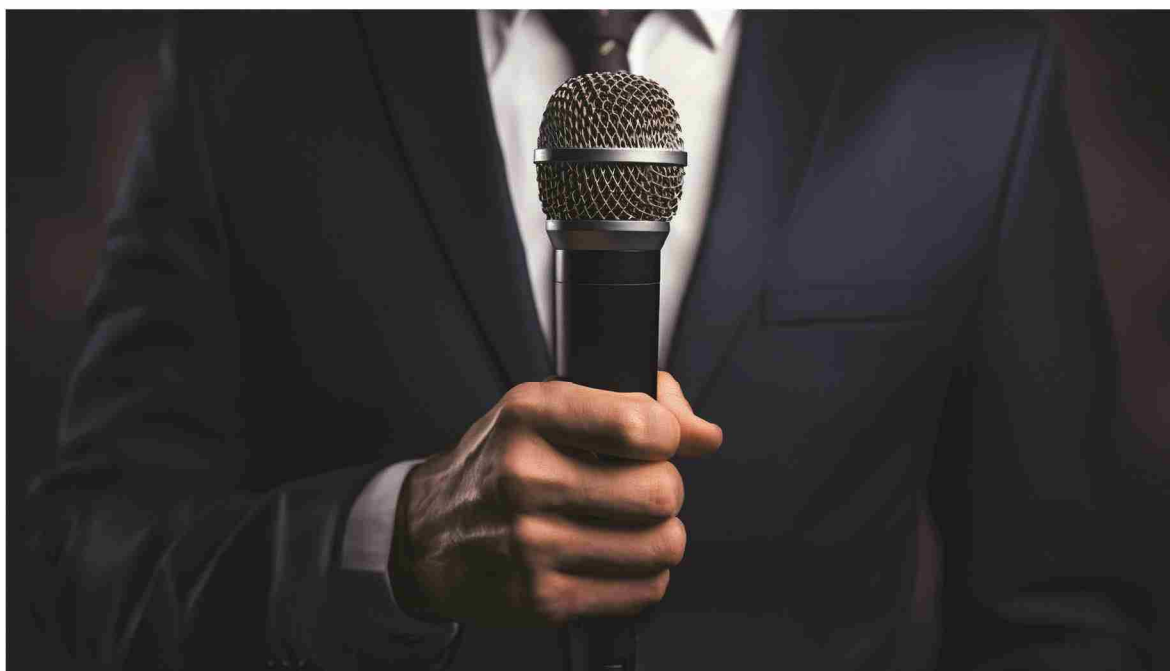
بله حتماً. متین مهرابی هستم، دانشجوی ترم هفت حقوق دانشگاه اصفهان، ورودی ۱۴۰۰. در رابطه با سوال دوم اینکه چه چیزی باعث شد که در المپیاد شرکت کنم، در واقع آشنایی من با المپیاد از اواخر ترم چهارم بود. زمانی که دانشجویان سال بالاتر ما قصد شرکت در این آزمون را داشتند و شرکت کرده بودند به تدریج با این آزمون آشنا شدم و برخی از کلاس‌هایی که گروه حقوق برای بچه‌های المپیاد گذاشت منجر به این آشنایی شد. اما تقریباً از اواسط ترم ۵ بود که من عزم جدی برای شرکت در المپیاد پیدا کردم.

خیلی ممنون که خودتان را معرفی کردید. در مورد المپیاد، تعریف المپیاد حقوق چیست و نحوه شرکت در آن به چه صورت است؟

در رابطه با المپیاد ابتدا باید بگوییم که المپیاد صرفاً مربوط به رشته حقوق نیست.

حدود ۲۲ رشته است که هر ساله در آن‌ها المپیاد برگزار می‌شود. این آزمون‌ها از سال ۱۳۷۵ تا امسال که بیست و نهمین دوره المپیاد در سال ۱۴۰۳ بود، هر ساله برگزار شده است. در حال حاضر هدفی که پشت این رقابت علمی است، پیدا کردن متخصصین و نخبه‌های رشته‌های مختلف است. اما در رابطه با نحوه شرکت در المپیاد باید گفت که دو شیوه اصلی وجود دارد، شیوه غیر متمرکز و شیوه متمرکز.

شیوه متمرکز: به طور خلاصه و ساده شیوه متمرکز همان شرکت در کنکور ارشد می‌باشد. یعنی داوطلب در حین ثبت نام کنکور ارشد ضمن فرایند ثبت نام، علاقه‌مندی خود به المپیاد را اعلام می‌نماید و اگر تراز مد نظر سازمان سنجش را کسب کند می‌تواند وارد مرحله نهایی المپیاد شود و با سایر دانشجویان رقابت کند. اینکه چه تعدادی از داوطلبان از طریق ارشد وارد مرحله نهایی می‌شوند متغیر است. معیار رتبه نیست و تراز است که تعیین کننده می‌باشد.





اما در کل حدود ۱۵ تا ۳۰ نفر هر سال از طریق کنکور ارشد وارد مرحله نهایی می‌شوند البته بین گرایش‌های مختلف تعداد افراد منتخب متفاوت است.

شیوه غیرمتمرکز: در شیوه غیرمتمرکز که همان شیوه‌ی ورود من به المپیاد می‌باشد، قبل از ورود به مرحله نهایی مرحله منطقه یا قطب وجود دارد و داوطلبان برای ورود به مرحله نهایی باید جزء افراد منتخب قطب خود قرار بگیرند. در واقع کشور به ده قطب یا منطقه تقسیم شده است (قطبی که دانشگاه اصفهان در آن قرار دارد شامل استان اصفهان، استان چهارمحال بختیاری و استان یزد می‌باشد) و هر دانشگاه می‌تواند پنج نفر را به عنوان نماینده خود به مرحله قطب یا مرحله منطقه بفرستد. این امر که دانشگاه این پنج نفر را چگونه انتخاب کند بستگی به صلاحدید خود دانشگاه دارد. بعضی از دانشگاه‌ها مثل دانشگاه اصفهان از طریق آزمون این پنج نفر را انتخاب می‌کنند و برخی دانشگاه‌های دیگر نظیر دانشگاه تهران از طریق رتبه و معدلی که دانشجویان دارند، نفرات اول را به مرحله قطب می‌فرستند. در نهایت از هر قطب پنج نفر برگزیده وارد مرحله نهایی می‌شوند، به استثنای قطب تهران و البرز که از آن منطقه ۱۰ نفر به مرحله نهایی راه پیدا می‌کنند. در نهایت برگزیدگان غیرمتمرکز با برگزیدگان متمرکز که حدود ۶۰ تا ۸۰ نفر می‌باشند مرحله نهایی المپیاد را برگزار می‌کنند و پس از آن، رتبه بندی و توزیع مدال‌ها بین این افراد صورت می‌گیرد.

ممنونم از شما. لطفاً راجع به طرح سوال و ساختار این آزمون علمی توضیح بدهید.
همانطور که عرض شد یکی از مسائلی

که باعث شد نسبت به آزمون المپیاد رغبت بیشتری پیدا کنم، همین ساختار خاص . متفاوت بود. این آزمون کاملاً تشریحی است و مانند سایر آزمون‌های حقوقی، تستی نیست. در واقع در المپیاد با شش درس و اگر بخواهم دقیق‌تر باشم با هفت درس مواجهیم چون متون فقه و اصول فقه در المپیاد یک ماده درسی را تشکیل می‌دهند. هر کدام از این دروس یک ساعت وقت دارد و معمولاً یک تا دو سؤال برای هر درس طرح می‌شود. سؤالات طراحی شده معمولاً سؤالات بسیار عمیق و کلی است

نگارش حقوقی خود اقدام کنند.

مواد امتحانی المپیاد، شش عنوان درسی می باشد:

حقوق مدنی: ۸ تا ۹ صبح
متون فقه و اصول فقه: ۹:۱۵ تا ۱۰:۱۵
حقوق اساسی: ۱۰:۳۰ تا ۱۱:۳۰
از ساعت ۱۱:۳۰ تا ۱۳ زمانی برای ناهار و نماز در نظر گرفته شده و مجدداً به همین روال بعد از ظهر سه درس بعدی شروع می شوند:
حقوق بین الملل عمومی: ۱۳ تا ۱۴
حقوق جزای عمومی: ۱۴:۱۵ تا ۱۵:۱۵
آیین دادرسی کیفری: ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

در مورد تفاوت المپیاد با سایر آزمون های حقوقی مثل ارشد و وکالت بفرمایید.

تفاوت های بسیار زیادی وجود دارد و تا حدودی در پاسخ های قبلی ام مشخص بود. از ساده ترین تفاوت ها این است که در سایر آزمون های حقوقی باید به حدود صد سوال تستی پاسخ داد اما در المپیاد تمام سوالات تشریحی هستند و شما از ابتدای روز تا حدود عصر در فرایند آزمون هستید و با سوال هایی مواجه می شوید که برخلاف سوال های ارشد یا آزمون وکالت، سوالات چالشی تری هستند. در سایر آزمون ها مخصوصاً آزمون های استخدامی با مسائلی روبرو می شوید که به صورت جزئیتر یک موضوع خاص را مورد پرسش قرار می دهند اما در المپیاد سوالات کلی هستند و شیوه پاسخگویی داوطلب حائز اهمیت است و امتیاز فرد را مشخص می کند. در حقیقت در المپیاد در هر درس در یک یا دو سؤال باید تلاش کرد که به بهترین نحو دانسته های خود را منتقل کرد اما طبیعتاً این فرایند و شیوه در آزمون وکالت یا حتی آزمون ارشد مشاهده نمی شود.



که نیاز به درک جامعی از دروس حقوقی دارد. یعنی تمام مطالعاتی که دانشجو از ترم اول تا زمان شرکت در المپیاد داشته، در پاسخگویی به کمک او می آید و هیچ معیاری جز علم و دانش و سواد حقوقی شرکت کننده ندارد. درواقع این سؤالات دارای ابعاد مختلف است و این هنر داوطلب است که بتواند به بهترین شکل به این سؤالات پاسخ دهد. در نتیجه برخلاف آزمون های تستی حقوق، در این آزمون شیوه نگارش و نوشتار بسیار حائز اهمیت است و داوطلبانی که قصد شرکت در این رقابت را دارند بهتر است نسبت به بهبود

این موارد از تفاوت های اصلی هستند که به تبع آن ها نحوه مطالعه و انتخاب منابع هم تفاوت خواهد داشت.

از مزایای شرکت در آزمون المپیاد بفرمایید.

طبیعتاً یکی از دلایلی که باعث رغبت پیدا کردن به این آزمون شده همان مزایایی است که برای برگزیده ها وجود دارد. از مهم ترین امتیازهایی که این آزمون دارد، امکان ادامه تحصیل در مقطع ارشد می باشد. یعنی داوطلبان می توانند از طریق رتبه ای که در المپیاد کسب می کنند در هر گرایشی در مقطع کارشناسی ارشد تحصیل کنند. طبق آیین نامه المپیاد این مزیت برای رتبه های ۱ تا ۱۵ وجود دارد. البته آن چه که دیده می شود در برخی از دانشگاه های برتر نظیر دانشگاه تهران یا دانشگاه شهید بهشتی، مخصوصاً در گرایش های پر متقاضی این مسئله با برخی از گزینش ها همراه است و ممکن است که مصاحبه نیز صورت بگیرد. از آن جا که بنده هنوز دانشجوی کارشناسی هستم و اقدام برای استفاده از این مزایا نکرده ام، براساس صحبت ها و تجربیات برگزیدگان سال های پیش می توانم بگویم که افرادی که رتبه های اول تا سوم المپیاد هستند می توانند بدون مصاحبه در هر گرایشی که بخواهند تحصیل کنند اما معمولاً دانشگاه های برتر و مخصوصاً گرایش های پر متقاضی برای رتبه های بعدی بررسی های بیشتری نظیر مصاحبه قرار میدهند.

مزیت دیگری که می توان به آن اشاره کرد، جذب هیئت علمی می باشد. قاعدتاً افرادی که متقاضی جذب هیئت علمی هستند باید واجد امتیاز خاصی باشند. کسی که بتواند در المپیاد مدال کسب کند، امتیاز قابل توجهی برای جذب در هیئت علمی به دست می آورد و

رزومه قوی تری می سازد. مورد بعدی دکتری تخصصی می باشد. کسی که قصد ادامه تحصیل در مقطع دکتری داشته باشد، کسب مدال المپیاد می تواند امتیاز ویژه ای برای او به دنبال داشته باشد. علاوه بر این موارد، بنیاد ملی نخبگان هم مزایایی در اختیار این افراد قرار می دهد.

مورد دیگری که برای آقایان مهم می باشد، امتیاز مربوط به خدمت سربازی است و این مزیتی است که باعث می شود آقایان رغبت بیشتری برای کسب این تسهیلات از طریق المپیاد داشته باشند. این تسهیلات در طرحی به نام صیاد شیرازی دنبال می شود. به این شکل که اگر شخص بتواند ۱۱ امتیاز کسب نماید می تواند طرح جایگزین خدمت را اعمال کند. البته شرط اعمال طرح این است که دانشجو مقطع کارشناسی ارشد را به پایان رسانده باشد. امتیاز مدال های المپیاد به این صورت است که مدال طلا ۱۰ امتیاز، مدال نقره ۷۵ امتیاز و مدال برنز ۵ امتیاز به داوطلب می دهد. شاید در ظاهر این امتیازها کافی نباشد اما گزینه های دیگری برای کسب امتیاز وجود دارد نظیر معدل کارشناسی یا رتبه کنکور ارشد و حتی فعالیت های جانبی مثل که نهایتاً جمع این امتیازها به حد نصاب مذکور خواهد رسید.

لطفاً در مورد چالش های مسیر المپیاد بگویید.

همان طور که قبل تر گفته شد، مطالعه برای المپیاد شبیه به مطالعه برای آزمون وکالت و ارشد نیست و سبک مطالعاتی سخت تری را می طلبد. علاوه بر مطالعات مربوط به المپیاد، امتحانات میان ترم و پایان ترم هم وجود داشت و ایجاد تعادل بین دروس المپیاد و این امتحانات دشوار بود.

آنها وقت گذاشته شود عبارت‌اند از حقوق اساسی، حقوق بین‌الملل عمومی و آیین دادرسی کیفری؛ زیرا معمولاً داوطلبان المپیاد در مباحث مدنی، فقه و اصول و جزا تا حدی مسلط هستند و طبق تجربه، اساتید در این دروسی که اشاره کردم سخت‌تر نمره می‌دهند. به نظر من اگر کسی بخواهد مطالعه جدی‌تری برای المپیاد داشته باشد، باید به این ۳ درس، توجه ویژه‌ای داشته باشد ولی همانطور که گفتم این مخصوص دانشجویان سال سوم و چهارم است که فاصله کمی تا المپیاد دارند اما اگر دانشجویان، سال اول یا دومی باشند فرصتی کاملاً ایده‌آل در اختیار دارند که بتوانند در کنار مطالعه دروس همان ترم تحصیلی خود، خودشان را خیلی خوب برای المپیاد هم آماده کنند.

خیلی از مخاطبان ما ممکن است این سوال برایشان پیش بیاید که آیا دانشگاه محل تحصیل میتواند تأثیری در موفقیت در زمینه المپیاد داشته باشد یا خیر؟

جواب این سوال، مطلق نیست. اما نمیتوان تأثیر دانشگاه را کتمان کرد و دانشگاه واقعاً تأثیر خودش را میگذارد. در مورد تأثیر دانشگاه، بحث تدریس و اساتید خوب تا حدی مطرح است ولی به نظر شخصی خودم، علت موفقیت بیشتر دانشجویان دانشگاه‌های معتبرتر در المپیاد، جو حاکم بر آن دانشگاه‌ها است. چون به هر حال رشته حقوق، رشته‌ای است که اگر شخصی، همت و توان خودش را به این کار اختصاص بدهد ولو دانشجوی دانشگاه‌های معتبر نباشد میتواند در این مسیر موفق شود ولی چیزی که شاید در مابقی دانشگاه‌ها نتواند جبران شود، همین جو خوبی است که دانشگاه‌های معتبر دارند؛ فضایی که خیلی میتواند به اینکه دانشجو در

در واقع سخت‌ترین مشکل همین بود که هم‌زمان بتوان دروس دانشگاه را با دروس المپیاد پیش برد. چرا که عمده دروسی که در آن ایام مطالعه می‌شد، تطابق زیادی با درس‌های مربوط به المپیاد نداشت و خواندن این حجم از درس‌ها به نظر چالش اصلی در این مسیر بود.

به نظر شما کسی که قصد شرکت در المپیاد را دارد باید چطور و از کجا شروع کند؟

تا حدودی شاید جواب این سوال در حرف‌هایم مشخص شده باشد. همانطور که گفتم بخشی مربوط به اطلاعات و سواد کلی حقوقی است که شخص باید از ترم‌های اول به دست آورده باشد و بخشی نیز باید در فرایند مطالعه برای المپیاد بدست آورده شود.

درکل پاسخ این سوال با توجه به اینکه شخص در چه سال و چه مقطعی در دوره کارشناسی قرار دارد، متفاوت است. برای دانشجویانی که در سال اول یا دوم تحصیلی به سر می‌برند زیر نظر داشتن المپیاد فرصتی بسیار عالی است؛ در واقع نه به این معنا که از الان بخواهند بطور مستمر برای المپیاد بخوانند اما همین که دروس هر ترم را به خوبی بخوانند و کتب مرجع مربوط به هر ترم تحصیلی را با دقت مطالعه کنند به گونهای که در آن درس به تسلط برسند، میتواند تا حد زیادی برای آزمون المپیاد کفایت کند اما دانشجویان سال سوم یا چهارم تحصیلی که بخواهند برای المپیاد شرکت کنند فرصت کمتری دارند و به نظر من طبق تجربه، بهتر است بر روی دروسی که مابقی داوطلبان وقت کمتری برایشان قائل شده‌اند سرمایه‌گذاری کنند. به پیشنهاد من، سه درس اصلی که بهتر است روی

فاز المپیاد قرار بگیرد و به موفقیت در المپیاد فکر کند کمک کند.

از چه زمانی مطالعه برای المپیاد را شروع کردید و منابع مورد مطالعه برای المپیاد چه بود؟

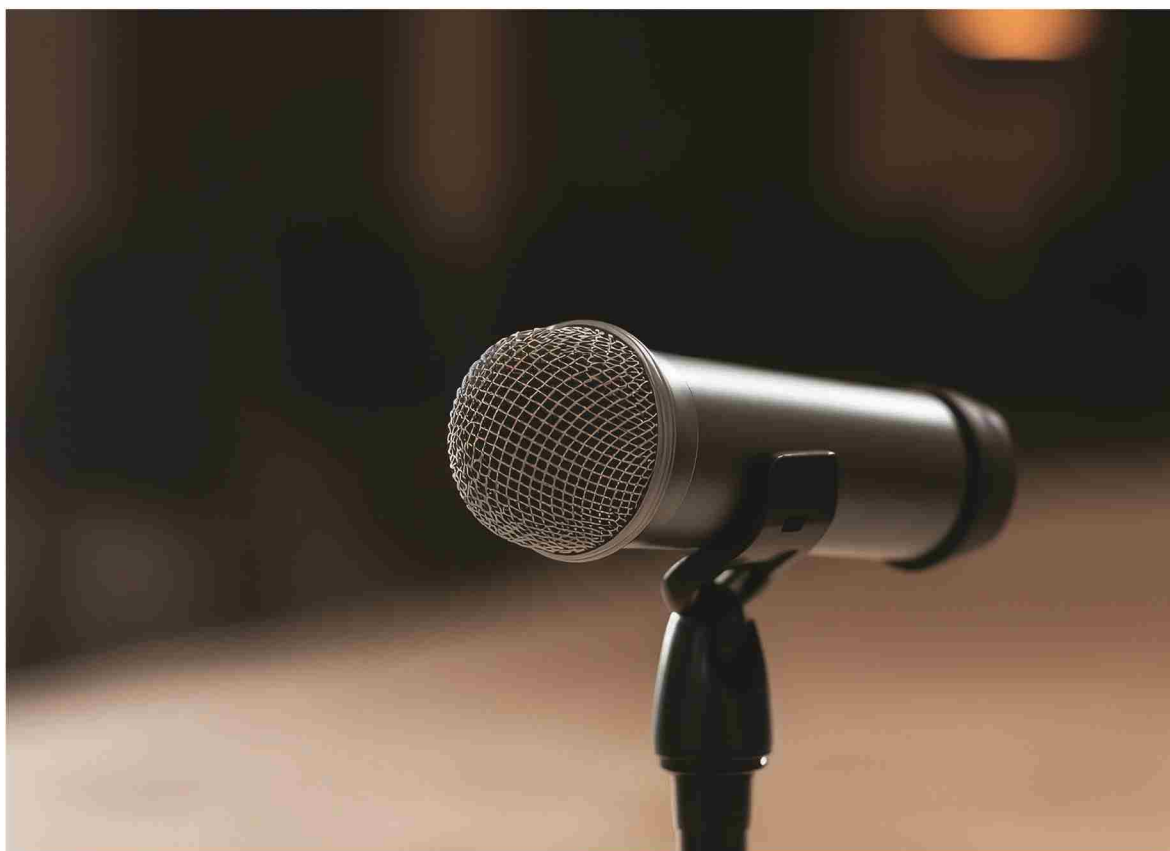
همانطور که در پاسخ به سوال قبلی هم گفتم، نحوه سوالات در آزمون المپیاد نیازمند به کارگیری تمام سواد حقوقی کسب شده از ترم اول حقوق و حتی اطلاعات غیرحقوقی شخص است؛ به همین دلیل بخش عمده‌ای از توانایی که برای پاسخگویی به سوالات المپیاد نیاز است در طول ترمهای تحصیلی کسب میشود و شاید آنقدر زمان زیادی برای مطالعه این آزمون خاص نیاز نباشد بلکه اگر همان دروس ترمهای تحصیلی را عمیق خوانده باشید و منابع مرجع و درست را برای آنها مطالعه کرده باشید میتواند در مسیر المپیاد، بسیار کمک کننده باشد.

فارغ از این مطالعه بنیادی، مطالعه خاص بنده برای المپیاد تقریباً از اواسط ترم ۵ با مطالعه دروسی که کمتر با آنها آشنا بودم شروع شد. بنده در برخی از دروس مانند مدنی، متون فقه و اصول فقه مسلطتر بودم اما خب در دروسی مثل حقوق اساسی، آیین دادرسی کیفری و حقوق بینالملل عمومی آنقدر مسلط نبودم و حداقل خودم در این دروس احساس ضعف میکردم برای همین از اواسط ترم ۵ با مطالعه این دروس شروع کردم. این دروس را در آن زمانهایی که میتوانستم مطالعه میکردم چون به هر حال در زمانی امتحانات دانشگاهی خودم بود و آنقدر فرصت نمیشد و نمیتوانستم تمام وقتم را برای دروس المپیاد بگذارم.

در رابطه با منابع، ۷ درس داریم. المپیاد طبق ساختاری که دارد و هدفی که دنبال میکند به گونهای نیست که منبع دقیق

و مشخصی داشته باشد و هر منبعی که بتواند بطور کامل، یک درس را پوشش بدهد میتواند بهترین منبع برای پاسخگویی به سوالات المپیاد باشد اما به شخصه منابع و کتب مورد استفاده من متفاوت از منابع مورد استفاده سایر دانشجویان حقوق نبود و سعی کردم که از کتب مرجع و کتب مختلف استفاده کنم زیرا استناد به نظرات مختلف اساتید، نکته‌های کاربردی در المپیاد است که میتواند در این آزمون، امتیاز بالایی داشته باشد. به همین دلیل سعی کردم منابعی که جامع و مرجع هستند را انتخاب کنم و در کنار آن، نگاهی به نظرات مختلف پیرامون هر مبحث داشته باشم.

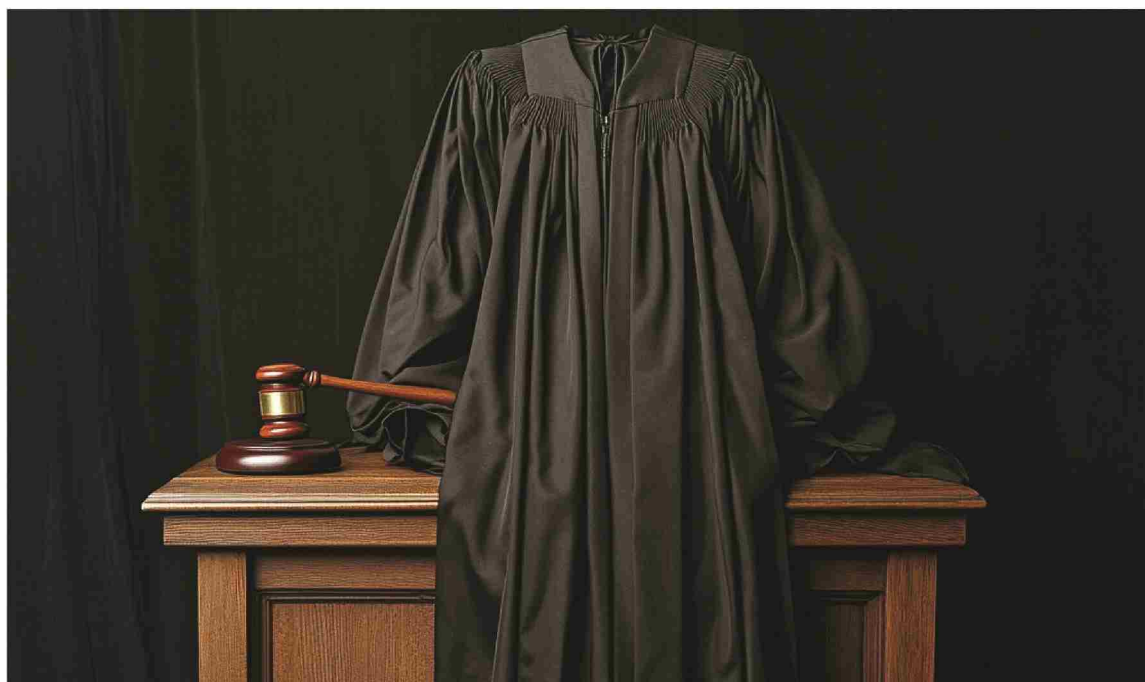
در رابطه با حقوق مدنی، تقریباً تمام کتب مرجع مدنی را مطالعه کردم؛ برای مثال برای مدنی ۱ کتاب دکتر صفایی، برای مدنی ۲ کتاب دکتر صفایی و دکتر کاتوزیان و برای مدنی ۳ کتاب اعمال حقوقی دکتر کاتوزیان را مطالعه کردم و نگاه اندکی به کتاب دکتر صفایی هم داشتم و در کنار آن کتب دکتر لنگرودی را نیز بخاطر جمعآوری نظرات مخالف و کسب دید بیشتری که در پاسخگویی به سوالات به من میدهد، مطالعه نمودم؛ برای درس مدنی ۴ نیز از کتاب وقایع حقوقی دکتر کاتوزیان و کمی از کتاب الزامات خارج از قرارداد دکتر صفایی استفاده کردم، همچنین جزوات اساتید خودمان نیز در این درس راهگشا بود؛ حقوق مدنی ۵ را برای المپیاد مطالعه نکردم چون معمولاً درسی نیست که در المپیاد از آن سوال طرح شود. برای حقوق مدنی ۶ و ۷، چهار جلدی عقود معین دکتر کاتوزیان را مطالعه کردم و مدنی ۸ را نیز مطالعه نکردم. معمولاً در حقوق مدنی، دروسی که بیشتر از آنها سوال طرح میشود عبارتند از حقوق مدنی ۳، حقوق مدنی ۴، حقوق مدنی ۶ و



تا حد زیادی برای المپیاد کفایت می‌کند اما به هر حال طبیعتاً اگر کسی بخواهد سطح بالاتری از اصول فقه را یاد بگیرد و یا در المپیاد بتواند در سطح خیلی بالاتری ظاهر بشود نیاز است که کتاب‌های اصولی را هم بخواند یعنی فارغ از این کتاب دکتر قافی که برای دانشجویهای حقوق تألیف شده کتاب‌های اصول فقه را هم بخواند هرچند که وقت زیادی از او می‌گیرد و با توجه به اینکه اصول فقه و متون فقه با هم طرح سوال میشود و در واقع امتیازش نصف میشود شاید کمتر کسی به این مسئله رغبت پیدا بکند.

درس بعدی درس اساسی است. دروسی که بیشتر از آن طرح سؤال میشود درس اساسی ۱ و اساسی ۲ است و طراحان سوال کمتر سراغ درس اساسی ۳ می‌روند. در رابطه با درس اساسی یک چیزی که من مطالعه

حقوق مدنی ۷ و بیشتر تمرکز بنده نیز بر روی این ۴ درس بود و مابقی را کمتر مطالعه کردم. درس بعدی درس فقه و اصول هست. درس متون فقه چیزی نبود که بخواهم مطالعه کنم به هر حال طبق تجربهای که سال‌های گذشته بچه‌ها داشتند ممکن است که از منابع مختلفی سوالات متون فقه طراحی بشود یعنی یک سال از شرح لمعه، یک سال از شرایع، یک سال از جواهر. به هر حال چیزی که بیشتر در متون کمک می‌کند آن درک متون فقهی هست یعنی درک زبان عربی که یک شخص می‌تواند داشته باشد در کنار اطلاعات و دانش فقهی و مدنی که ممکن است در آن سوالات مفهومی به کارش بیاید. در رابطه با اصول فقه هم به نظر من بهترین منبع برای مطالعه دانشجوی حقوق، سه جلدی کتاب دکتر قافی است و به نظر



کردم و تقریباً چند بار این کتاب را مرور کردم، کتاب اساسی دکتر قاضی بود و برای اساسی دو هم منابع مختلفی داشتم؛ بخش‌هایی از کتاب دکتر هاشمی را مطالعه کردم و خود قانون اساسی را نیز کامل حفظ بودم. چون به هر حال شما در آزمون المپیاد نمی‌توانید قانون ببرید اما استناد به مواد و اصول قانون می‌تواند امتیاز خیلی خوبی داشته باشد و کاری که من انجام دادم - هرچند که سخت بود - سعی کردم تمام قانون اساسی را با شماره اصول آن حفظ باشم و وقتی که با سوالات مواجه شدم با استناد به اصول قانون اساسی به سؤال پاسخ دادم. در کنار آن از جزوات اساتید خودمان هم استفاده کردم و کم و بیش مقالاتی هم که حس می‌کردم مرتبط به این بحث هست استفاده کردم.

درس حقوق بین‌الملل عمومی یکی از دروسی بود که خودم آنقدر در آن مسلط نبودم یعنی وقتی که داشتم این درس‌ها

را می‌گذراندم، آنقدر که باید و شاید وقت به آن اختصاص ندادم و آنقدر قوی مطالعه نکردم. طبیعتاً آن زمانی که به قصد شرکت در آزمون المپیاد مطالعه می‌کردم عمده و قتم را صرف مطالعه این درس کردم. منبعی که بیشتر از همه مطالعه کردم، کتاب دکتر ضیایی بیگدلی بود؛ تقریباً این کتاب را یکی دو بار کامل خواندم و در وقت‌های نزدیک به آزمون هم مرور کردم. جدای از این کتاب استفاده کمی هم از جزوات دکتر بیگزاده داشتم که خیلی به من کمک کرد چون در برخی مباحث واقعاً نتوانستم با کتاب دکتر بیگدلی ارتباط بگیرم. یکی دیگر از منابعی که در درس حقوق بین‌الملل عمومی به من کمک کرد نشست‌هایی بود که دانشگاه‌های مختلف برگزار می‌کردند و به تحلیل کیس‌های مختلف می‌پرداختند. بسیاری از آنها را گوش دادم، نکته‌نویسی کردم و بارها به مرور آنها پرداختم و خیلی از مبانی و موارد حقوق بین‌الملل را از دل همین

من سوال دیگری ندارم اگر حرف پایانی دارید با مخاطبانمان در خدمتون هستیم.

خیلی ممنون از شما بابت گفتگوی خوبی که با هم داشتیم و خیلی ممنون از تیم نشریه دادآفرین و تبصره بابت دعوتی که داشتند به ویژه آقای مهدی صالحی-مدیر مسئول نشریه دادآفرین- که مقدمات این مصاحبه را فراهم آوردند. اگر موفقیتی حاصل شده اول از همه لطف خدا بوده و در وهله بعدی محبت‌های بی‌کران پدر و مادر که جا دارد از هر دو آنها تشکر ویژه‌ای داشته باشم؛ همچنین تشکر از آقای دکتر منصوری و خانم محمدباقری که در این مسیر از هیچ کمکی به بنده دریغ نکردند. صحبتی نیست فقط خطاب به کسانی که شاید بعد از شنیدن این مصاحبه کمی به المپیاد علاقمند شده باشند باید بگویم که مهم‌ترین شاخصه در این مسیر، اعتمادی است که افراد باید به خودشان داشته باشند؛ شاید کمی اسم المپیاد بزرگ باشد اما چیزی که من دیدم و تجربه کردم این است که اگر واقعاً کسی وقت بگذارد و تلاش کند واقعاً نتیجه می‌گیرد و در آخر به نظرم المپیاد یک مسیری است که هیچ بازنده‌ای ندارد و توصیه من به همه دانشجویان حقوق شرکت در این آزمون بی‌بدیل است.



جهت دسترسی به فایل صوتی این مطلب

لطفاً اسکن کنید.

بررسی کیس‌ها توانستم یاد بگیرم. درس جزای عمومی هم درسی است که من تقریباً در طول ترم این درس را خوب خوانده بودم و تقریباً کتب مرجع آن را زمانی که این درس‌ها را خوانده بودم و یکی از درس‌هایی که من در زمان مطالعه برای المپیاد کمتر برایش وقت می‌گذاشتم همین درس جزای عمومی بود اما به هر حال کاری که در زمان‌های نزدیک به آزمون انجام دادم، مرور مجدد کتاب‌های مرجعی بود که قبلاً مطالعه کرده بودم؛ کتاب دکتر اردبیلی و تا حدودی کتاب دکتر الهام و دکتر برهانی و همچنین جزوات اساتید. درباره آیین دادرسی کیفری باید بگویم چون من سال سوم بودم طبیعتاً وقتی مرحله اول را شرکت می‌کردم هنوز آیین دادرسی کیفری دو را نگذرانده بودم و به همین خاطر یکی از دروسی بود که نیاز داشت زمان بیشتری به آن اختصاص بدهم. بنابراین خودم زودتر از درس‌های طول ترم، آیین دادرسی کیفری یک و دو را مطالعه کرده بودم. مطالعه را با کتابهای دکتر خالقی شروع کردم و تقریباً خیلی این دو کتاب را مطالعه کردم طوری که تقریباً حفظ شده بودم؛ علاوه بر این دو جلد کتاب، مباحث بنیادینی که مطالعه آنها نیاز بود و در کتاب کمتر درباره‌اش بحث شده بود را سعی کردم از مقالاتی که هست پیدا کنم مثلاً اصل تفکیک مقام تحقیق از تعقیب یا موارد این چنینی کمتر در کتاب بحث شده بود و نویسندگان بیشتر به مباحث تکنیکی پرداخته بود. همچنین در کنار منابع گفته شده در درس آیین دادرسی کیفری، تسلط به مواد قانون بسیار کمک کننده است به همین خاطر سعی کردم تا تمام مواد مهم قانون را با شماره آن حفظ باشم و در سؤالات به آنها استناد کنم که کمک کننده هم بود.

various branches of intellectual property law, including copyright, trademarks, and geo.graphical indications.

Copyright: While the artistic designs of Persian rugs may be eligible for copyright protection, enforcing these rights across international borders can be challenging. Copyright laws vary from country to country, and proving infringement can be difficult, particularly in cases where designs have been modified or adapted.

Trademarks: Trademarks can be used to protect the brand names or logos associated with Persian rugs. However, trademarks do not protect the underlying designs themselves.

Geographical Indications (GIs): GIs, which protect products that have a specific geographical origin and possess qualities or a reputation attributable to that origin, offer a potentially powerful tool for safeguarding Persian rugs. Iran has made efforts to register "Persian rug" as a GI, but the effectiveness of this approach depends on the recognition and enforcement of GIs in other countries

According to WIPO, Geographical indications (GIs) are intellectual property rights. They identify a good as originating in a place where a given characteristic, quality or reputation of the good is essentially attributable to its geographic origin. (World Intellectual Property Organization, "Geographical Indications (GIs)," accessed (WIPO website

There is a large problem with enforcement. Even if a GI is in place, if a country does not recognize the GI, then the GI is .useless in that country

There are many cases of violations, and because of the complexity of international ,law, and the cost of international law suits very little can be done

Weaving a Path to Protection: Solutions and Recommendations

To strengthen the protection of Persian :rugs, a multifaceted approach is needed

Enhanced GI protection: Iran should continue to pursue the registration of "Persian rug" as a GI in key markets and work with international organizations to promote the recognition and enforcement .of GIs

Strengthening domestic IP laws: Iran needs to strengthen its domestic IP laws and enforcement mechanisms to combat .counterfeiting and piracy

International cooperation: Increased cooperation between Iran and other countries is essential to address the challenges .of cross-border IP enforcement

Consumer education: Raising consumer awareness about the authenticity and value of genuine Persian rugs can help to re- .duce demand for counterfeit products

Digital technologies: Exploring the use of digital technologies, such as blockchain, to track and authenticate Persian rugs can provide greater transparency and trace- .ability

Cultural diplomacy: Using cultural diplo-

The preservation of a cultural icon

تبصره نامه



Mahtab Rastegari

■ Student of Law - Shahid Chamran university ■

mahtab.rastegari1402@gmail.com

A Cultural Icon Under Siege

The Persian rug, a masterpiece of artistry and craftsmanship, is an enduring symbol of Iranian cultural heritage. Its intricate designs, vibrant colors, and meticulous weaving techniques have captivated the world for centuries. However, this iconic product faces a persistent threat: the unauthorized reproduction and commercial exploitation of its designs in various countries.

The issue goes beyond mere imitation. It involves the misappropriation of a cultural legacy, the dilution of its authenticity, and the economic harm inflicted on Iranian rug producers. The unauthorized production of "Persian-style" rugs in countries like India, China, and Pakistan, often using inferior materials and techniques, undermines the reputation and value of genuine Persian rugs

This is not simply a matter of commercial competition; it is a question of cultural preservation. The unique designs and patterns of Persian rugs, often imbued with historical and symbolic significance, are an integral part of Iran's intangible cultural heritage. Their unauthorized reproduction erodes this heritage and deprives Iranian artisans of their rightful recognition and economic benefits.

The fact that these rugs are being mass produced, and sold at a lower price, hurts the local economy of Iran, and the people who have been making these works of art for generations

Legal Labyrinths and International Inconsistencies

The legal protection of Persian rug designs is a complex issue, involving



macy to promote the recognition and appreciation of Persian rug heritage on a global scale.

It is important for consumers to be educated about the differences between genuine Persian rugs and counterfeit products

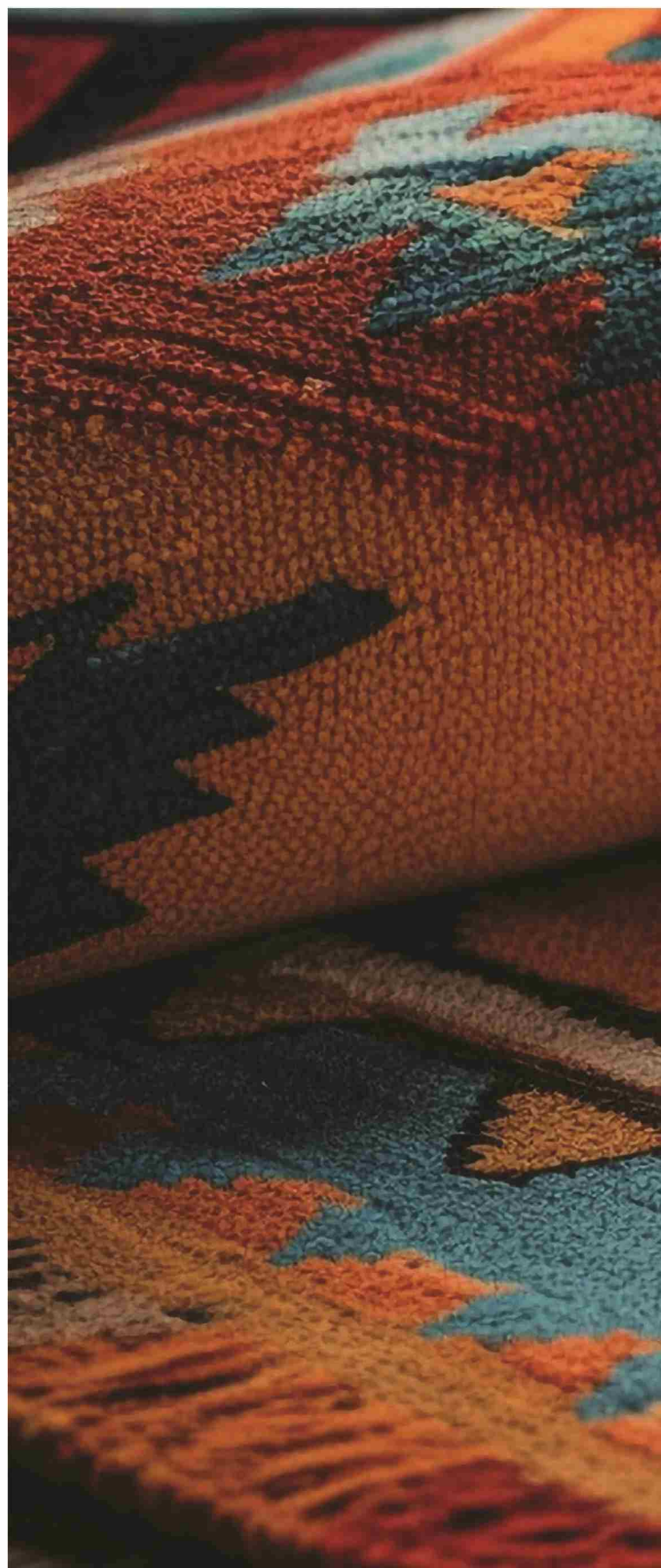
It is also important for international organizations to put pressure on countries that repeatedly violate intellectual property rights

By combining legal, technological, and cultural strategies, it is possible to better protect the intellectual heritage of the Persian rug and ensure that its legacy endures for generations to come



جهت دسترسی به فایل صوتی این مطلب

لطفا اسکن کنید.



کارکرد فقه برای دانشجویان رشته حقوق



دکتر عارف بشیری

- دانش‌آموخته دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه مازندران
- عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز

arefbashiri@yahoo.com

فقه به عنوان یکی از علوم اسلامی، نقش بنیادینی در شکل‌گیری و توسعه نظام حقوقی ایران ایفا کرده است. این علم که ریشه در متون دینی و آموزه‌های اسلامی دارد، به عنوان یکی از اصلی‌ترین منابع قانون‌گذاری در حوزه‌های مدنی، کیفری و خانوادگی در ایران شناخته می‌شود. برای دانشجویان رشته حقوق، آشنایی با فقه و کارکردهای آن نه تنها یک ضرورت علمی است، بلکه به درک عمیق‌تر و همه‌جانبه‌تری از قوانین و مقررات حقوقی منجر می‌شود. این مقاله به بررسی جایگاه فقه در نظام حقوقی ایران، کارکردهای آن در علم حقوق، چالش‌های پیش‌رو و معرفی منابع فقهی مناسب برای دانشجویان حقوق در سطوح مختلف می‌پردازد.

مقدمه

حقوقی ایران و معرفی منابع فقهی مناسب برای دانشجویان حقوق، به بررسی این موضوع می‌پردازد.

۱. معرفی علم فقه

فقه در لغت به معنای فهم عمیق و دقیق است و در اصطلاح، علمی است که به استنباط احکام عملی اسلام از منابع اصلی مانند قرآن، سنت (روایات پیامبر و ائمه)، اجماع (اتفاق نظر علمای دینی) و عقل می‌پردازد. فقه شامل

فقه به عنوان دانشی که به بررسی احکام و قواعد عملی اسلام می‌پردازد، تأثیر بسیار عمیقی بر نظام حقوقی کشور ما داشته است. بسیاری از قوانین موجود در قانون مدنی و قانون مجازات ایران بر پایه اصول و احکام فقهی بنا شده‌اند. به همین دلیل، آشنایی با علم فقه و کاربردهای آن برای دانشجویان رشته حقوق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این مقاله با هدف تبیین جایگاه فقه در نظام

تفسیر قوانین به منابع فقهی مراجعه می‌کنند. برای مثال، در تفسیر ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی که مربوط به حق طلاق است، قضات به فقه امامیه استناد می‌کنند.

۲-۳. تکمیل خلأهای قانونی

در مواردی که قانون سکوت کرده یا به اندازه کافی به موضوعی نپرداخته است، فقه می‌تواند به عنوان منبعی برای استنباط احکام جدید به کار رود. این ویژگی فقه، آن را به یک نظام حقوقی پویا و انعطاف‌پذیر تبدیل کرده است. برای مثال، در موضوعات جدید مانند حقوق دیجیتال یا بانکداری اسلامی، فقه به عنوان منبعی برای استنباط احکام جدید مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲-۴. ارتباط بین دین و قانون

فقه به عنوان پلی بین آموزه‌های دینی و قوانین مصوب عمل می‌کند. این ارتباط به دانشجویان حقوق کمک می‌کند تا درک بهتری از ریشه‌های دینی و فرهنگی قوانین کشور داشته باشند و بتوانند در آینده به عنوان حقوق‌دانانی آگاه و مسلط به مبانی فقهی، در توسعه و اصلاح قوانین نقش‌آفرینی کنند.

۳. چالش‌های فقه در نظام حقوقی مدرن

با وجود کارکردهای گسترده فقه در نظام حقوقی ایران، این علم با چالش‌هایی نیز مواجه است که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

شبهه چالش تعارض با حقوق بشر: برخی احکام فقهی، مانند مجازات‌های حدی، نیاز به پژوهش‌های بیشتر در حوزه مفاهیم مدرن حقوق بشر در تعارض باشند. این موضوع نیاز به بازنگری و تطبیق فقه با نیازهای جامعه امروزی دارد.

مجموعه‌ای از قوانین و دستورات است که زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این علم در طول تاریخ اسلام همواره به عنوان یکی از ارکان اصلی نظام حقوقی و اجتماعی مطرح بوده و در ایران نیز به دلیل پیوند عمیق فرهنگ و دین، جایگاه ویژه‌ای دارد. فقه نه تنها به عنوان یک علم دینی، بلکه به عنوان یک نظام حقوقی پویا و تطبیقی، توانسته است خود را با نیازهای متغیر جامعه هماهنگ کند (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۴۵).

۲. کارکردهای فقه در علم حقوق

فقه در نظام حقوقی ایران کارکردهای متعددی دارد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۲-۱. تأثیرگذاری بر قوانین مدنی و کیفری

بخش عمده‌ای از قوانین مدنی ایران، به ویژه در حوزه‌های خانواده، ارث، وقف و معاملات، مستقیماً از فقه اسلامی استخراج شده‌اند. برای مثال، قوانین مربوط به ارث در قانون مدنی ایران (مواد ۸۶۱ تا ۹۴۹) بر اساس فقه امامیه تنظیم شده‌اند. همچنین، قوانین کیفری مانند حدود (مجازات‌های مشخص شده در شرع) و دیات (خون‌بها) نیز ریشه در فقه دارند. به عنوان نمونه، مجازات سرقت در قانون مجازات اسلامی (ماده ۲۶۸) بر اساس حد شرعی تعیین شده است.

۲-۲. تفسیر قوانین

در مواردی که قوانین مصوب دارای ابهام یا نقص هستند، فقه به عنوان منبعی معتبر برای تفسیر و تکمیل قوانین مورد استفاده قرار می‌گیرد. این کارکرد به ویژه در رویه قضایی ایران مشهود است، جایی که قضات برای

۴-۲. سطوح متوسط

کتاب روضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه نوشته شهید ثانی. شهید ثانی در این کتاب به تفصیل به مباحث معاملات، قضا و شهادت، و سایر احکام فقهی پرداخته و با استدلال‌های قوی، سعی در تبیین نظرات فقهی خود و نقد دیدگاه‌های دیگران دارد. این کتاب به عنوان روشی ساده و قابل فهم برای درک فقه شیعه شناخته می‌شود و در منابع آموزشی حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها کاربرد فراوان دارد.

کتاب شرائع الاسلام نوشته محقق حلی. «شرایع الاسلام» شامل احکام مربوط به معاملات (خرید و فروش، اجاره، قرض)، قوانین جزایی (حدود و دیات)، و احکام نکاح و طلاق است. این بخش‌ها به شرایط صحت عقود، اصول قضاوت و شهادت، و قواعد اخلاقی و اجتماعی در تعاملات انسان‌ها پرداخته و حقوق و وظایف زوجین را نیز بررسی می‌کند.

۴-۳. سطوح پیشرفته

در سطوح پیشرفته، دانشجویان نیاز به مطالعه منابع اصلی و دست‌اول فقهی دارند. کتاب‌هایی مانند:

کتاب «جواهر الکلام» نوشته شیخ محمدحسن نجفی، این اثر به بررسی و تحلیل مباحث فقهی در زمینه‌های مختلف از جمله عبادات، معاملات، قضا و شهادت، و احکام اجتماعی پرداخته است. شیخ محمدحسن نجفی، که به عنوان یکی از بزرگترین فقه‌های شیعه در قرن سیزدهم هجری شناخته می‌شود، در این کتاب با دقت به مراجعه به آیات قرآن، روایات اهل بیت (ع) و نظرات فقهی دیگر عالمان، سعی کرده است که استدلال‌های محکم و مستند را ارائه دهد. «جواهر الکلام» به عنوان منبع اصلی در فقه شیعه و در تدریس

نیاز به تطبیق با فناوری‌های جدید: موضوعات جدید مانند هوش مصنوعی، بانکداری دیجیتال و محیط‌زیست نیازمند استنباط‌های جدید فقهی هستند که گاهی با چالش‌هایی همراه است.

۴-۱. منابع فقهی برای دانشجویان حقوق

برای دانشجویان حقوق، آشنایی با منابع فقهی در سطوح مختلف تحصیلی ضروری است. این منابع به ترتیب سطح دانش و نیاز دانشجویان به شرح زیر است:

۴-۱-۱. سطوح ابتدایی

در این سطح، دانشجویان نیاز به آشنایی با مفاهیم پایه‌ای فقه دارند. کتاب‌هایی مانند: کتاب «لمعه دمشقیه» تألیف شهید اول، یکی از متون بنیادین فقه شیعه است که به خصوص برای دانشجویان حقوق و فقه بسیار مفید است. این کتاب به بررسی احکام شرعی در زمینه‌های مختلفی از جمله عبادات، معاملات، نکاح، طلاق، و احکام جزایی می‌پردازد. شهید اول در این اثر، احکام را به صورت ساده و روشن توضیح داده و سعی کرده است تا مباحث فقهی را به طور مختصر و منظم عرضه کند.

کتاب «تحریر الوسیله»، تألیف امام خمینی (ره). مرحوم امام به مباحث حقوقی متنوعی می‌پردازد که شامل یک دوره کامل فقه از مباحث مدنی و احوال شخصیه تا مباحث قصاص و دیات را شامل می‌شود. امام خمینی در این اثر به مباحث حقوقی اجتماعی، قضا و شهادت، و قواعدی که مربوط به رفتارهای فردی و اجتماعی مسلمانان است، می‌پردازد و با ارایه استدلال‌های معتبر، سعی در ایجاد تفهیمی جامع و کاربردی از احکام اسلامی دارد.

منابع پیشنهادی:

۱. انصاری، مرتضی (۱۴۰۴ق). مکاسب، قم: انتشارات دارالاسلامیه.
۲. بجنوردی، سید محمد (۱۴۰۱ق). قواعد فقهیه، جلد ۱، قم: انتشارات دارالفکر.
۳. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البیت (علیهم السلام).
۴. خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۰ق). فقه استدلالی، قم: انتشارات دارالقرآن الکریم.
۵. شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۵ش). المبسوط، تهران: انتشارات المکتبه المرتضویه.
۶. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ق). شرح لمعه، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۷. شهید صدر، محمدباقر (۱۴۰۵ق). اصول فقه، قم: انتشارات دارالتعارف للمطبوعات.
۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۹. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). المختصر النافع، قم: انتشارات مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۰. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام، بیروت: انتشارات داراحیاء التراث العربی.



جهت دسترسی به فایل صوتی این مطلب

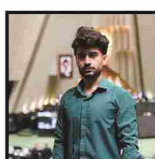
لطفاً اسکن کنید.

در حوزه‌های علمیه به کار می‌رود و تأثیر زیادی بر تحولات فقهی و علمای بعدی داشته است. کتاب «مکاسب» نوشته شیخ انصاری، یکی از آثار مهم و بنیادی در فقه شیعه است که به‌ویژه در زمینه معاملات و تجارت نوشته شده است. این اثر به تحلیل و تبیین احکام مربوط به خرید و فروش، اجاره، قرض، و سایر معاملات اقتصادی می‌پردازد. شیخ انصاری با استفاده از استدلال‌های منطقی و مستند به آیات قرآن و روایات، مباحث فقهی را به‌گونه‌ای دسته‌بندی و بررسی کرده که به فهم عمیق‌تری از مسائل اقتصادی در اسلام کمک می‌کند. «مکاسب» به‌عنوان یکی از منابع اصلی در آموزش فقه در حوزه‌های علمیه شناخته می‌شود و تأثیر قابل‌توجهی بر فقه شیعه و علمای آینده داشته است. شیخ انصاری در این کتاب ضمن تحلیل دقیق احکام، به تأکید بر اصول اخلاقی در حرفه‌های تجاری نیز پرداخته است.

نتیجه‌گیری

فقه به‌عنوان یکی از ارکان اصلی نظام حقوقی ایران، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری و تفسیر قوانین دارد. برای دانشجویان رشته حقوق، آشنایی با این علم نه تنها به درک بهتر قوانین کمک می‌کند، بلکه آن‌ها را با ریشه‌های دینی و فرهنگی نظام حقوقی کشور آشنا می‌سازد. با مطالعه منابع فقهی در سطوح مختلف، دانشجویان می‌توانند به درکی عمیق‌تر و جامع‌تر از حقوق دست‌یابند و در آینده به عنوان حقوق‌دانانی آگاه و مسلط به مبانی فقهی، در توسعه و اصلاح قوانین کشور نقش‌آفرینی کنند. فقه نه تنها به عنوان یک علم دینی، بلکه به عنوان یک نظام حقوقی پویا و تطبیقی، توانسته است خود را با نیازهای متغیر جامعه هماهنگ کند و این ویژگی، آن را به یکی از مهم‌ترین منابع حقوقی در ایران تبدیل کرده است.

انعطاف پذیری قراردادها



علیرضا ابدالی

■ دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه شهید چمران اهواز ■

alireza1383abdali@gmail.com

قراردادها به دو شیوه تقسیم می شوند (قراردادهای سخت و انعطاف پذیر) در قرارداد های سخت، فرض بر آن است که حقوق و تعهدات دو طرف در قرارداد به صورت کامل و جامع پیش بینی شده است؛ این امر متضمن آن است که این نوع قرارداد نمی تواند با اتفاقات احتمالی در آینده سازگار باشد و در نهایت باعث فرصت سوزی هایی می شود، اما قرارداد های انعطاف پذیر که به ویژه در روابط بلند مدت بازرگانی مورد استفاده قرار می گیرد، به طرفین اجازه می دهد که شرایط و ضوابط قرارداد را بر اساس تغییرات و نیازهای جدید تنظیم کنند این نوع از قراردادها معمولاً شامل بندهایی هستند که امکان تغییر در زمان و هزینه را فراهم می کند و نیازی به تنظیم مجدد قرارداد نیست. بررسی ها حاکی از آن است که قرارداد های با ثبات در گذشته، و قرارداد های انعطاف پذیر امروزه پرمفرد است.

تضارب آراء در انعطاف پذیری قراردادها

در گذشته به دلیل کندی تغییرات، تنظیم قراردادهای ثابت و غیرقابل تغییر کافی به نظر می رسید، اما با شتاب گرفتن تحولات این رویکرد به چالش کشیده شده و نشان می دهد که قراردادهای سخت و باثبات نمی توانند با تغییرات سازگار شوند. اکنون دو دیدگاه در مورد تنظیم قراردادها وجود دارد: یکی دیدگاه سنتی که بر قراردادهای ثابت تأکید دارد و دیگری دیدگاه نوین که

انعطاف پذیری در تنظیم قراردادها را ضروری

می داند در بیان دیدگاه های موافق با قراردادهای ثابت (سخت) می توان گفت: نخست، بدون ثبات قراردادهای روابط دو طرف پرمخاطره و با عدم قطعیت مواجه می شود. اگر بنا باشد کسب و کار همراه با شرایط تغییر کند، بستن قرارداد سودی ندارد، حین عقد مورد نظر قرار دادن هر موضوعی

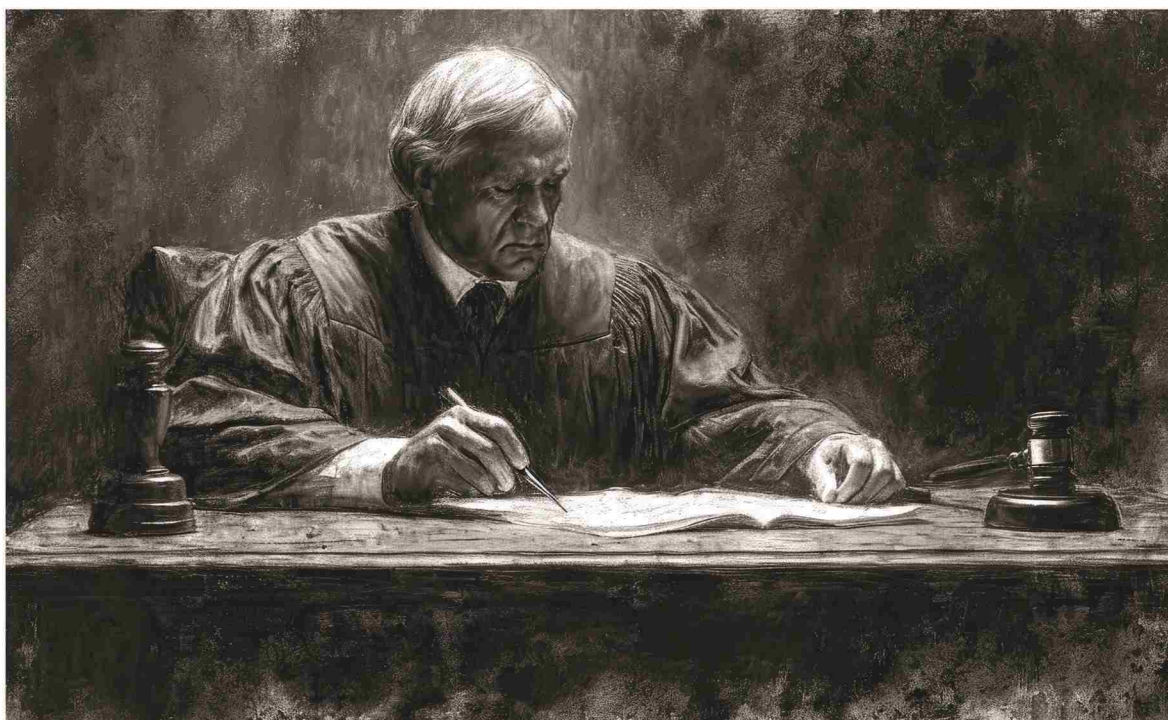
که ممکن است در طول حیات قرارداد حادث شود غیرممکن است، و از این رو باید قراردادها را به تدریج بارخ دادها سازگار کرد یا با توافق صریح تکمیل نمود (کوتکس، ۱۳۸۵: ۲۰).

دوم، به دلیل روشن و شفاف نبودن قراردادهای انعطاف پذیر، تعیین سود و زیان در هنگام انعقاد آن ها ممکن نیست. وقتی تعهدات قراردادی واضح نباشند برای اجرای آن ها نمی توان برنامه ریزی کرد. تعیین عوض اعم از اجرت کار یا قیمت کالا مقدور نیست و مسؤولیت های دو طرف مبهم باقی می ماند.

سوم، قرارداد باید لازم الاجرا و قابل تعقیب باشد. دعاوی رایج در این زمینه عبارت است از: الزام به اجرای مفاد قرارداد یا مطالبه غرامت جهت ترمیم زیان ناشی از عدم یا تأخیر اجرای آن (کوتکس، ۱۳۸۵: ۴).
بر خلاف دیدگاه یاد شده در لزوم تنظیم قراردادهای انعطاف پذیر باید گفت :

نخست، هرچند شفاف بودن قراردادهای از ویژگی های مثبت آن هاست، ولی شفافیت بیش از اندازه در صورت بروز اختلاف، مجالی برای گفت و گو و یافتن راه حل مسالمت آمیز باقی نمی گذارد؛ در حالی که بازرگانان تا حد امکان از توسل به راه حل های حقوقی گریزانند. البته وضوح قراردادهای را نباید به دلیل انعطاف پذیری کنار گذاشت و به پیروی از اصل حسن نیت، گفت و گوهایی مقدماتی و متن قراردادهای باید روشن و قابل فهم باشند (طالب احمدی، ۱۳۹۲: ۱۷۴).

دوم، در قراردادهای بازرگانی به ویژه بین المللی، ممکن است دو طرف دور از هم باشند. در چنین فرضی قوانین حاکم بر تمام قراردادهای یکسان نخواهند بود و در صورت بروز اختلاف، معلوم نیست از منافع کدام طرف حمایت می شود؛ افزون بر این که دو طرف از قوانین خارجی آگاه نیستند و حتی اگر حکمی به سود ایشان





صادر شود، شناسایی و اجرای آن در کشور دیگر، شرایط ویژه دارد (بذریاچ و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۳).

سوم، واگذاری همه امور به راه حل های قانونی، انتظارات را برآورده نمی کند؛ پس ضرورت دارد به جای امید بستن به حل و فصل اختلافات در مراجع رسیدگی با استنادات قانونی، در هنگام تنظیم قراردادهای شیوه صحیح انتخاب شود. دو طرف می توانند با یک قرارداد خوب، حتی بر مقررره های قانونی فائق آیند و با استناد به اصل حاکمیت اراده ها، روابط خود را آنچنان که می خواهند تنظیم کنند. روند صحیح و منطقی یک فعالیت اقتصادی، به ویژه در سطح بین المللی، وابسته به قدرت پیش بینی و برنامه ریزی است که به دست نمی آید، مگر آن که دو طرف بتوانند حقوق و تعهدات ناشی از قراردادهای را اطمینان بخش پیش بینی کنند (شیروی، ۱۳۸۹: ۱۴۹).

آیا بنا بر توضیحات یادشده باید ثبات قراردادهای را کنار گذاشت یا قراردادهای را

غیرقابل انعطاف تنظیم کرد؟
باتوجه به اینکه هر دو دیدگاه منطقی بودند آیا راه حل میانه ای وجود ندارد؟
برای پاسخ به این پرسش ابتدا باید بررسی کرد که قراردادهای ثابت در تضاد با قرارداد های انعطاف پذیر هستند؛ به حکم قاعده اگر جمع کردن دیدگاه ها میسر باشد، بهتر از کنار گذاشتن برخی از آن هاست (الجمع مهما امکن اولی من الطرح) (کرمی، ۱۳۹۷: ۱۷۸).
باتوجه به دو دیدگاه ذکر شده در میابیم که لزوما پذیرش یکی از دیدگاه ها باعث نفی دیگری نمی شود و هر دو دیدگاه قابل جمع هستند.

انعطاف پذیری قراردادهای در زمینه های حقوقی، اقتصادی و حتی روانشناختی قابل دفاع است؛ اما ثبات قراردادهای نیز در حقوق قراردادهای ریشه دار بوده و به سادگی قابل تغییر نیست.

باید هر دو نوع قرارداد را به صورت کامل شناخت و سپس با استفاده از ظرفیت های هر کدام به سوی قراردادی که علاوه بر تامین

نیازهای طرفین، منعطف و در عین حال مبهم نباشد قدم برداشت.

باید توجه داشت که دلیل اصلی مخالفان دیدگاه قرارداد های منعطف بر این اسطوار است که به دلیل وجود ابهام در این نوع از قراردادها باعث برخی اختلافات می شود، و همین دلیل باعث روی آوردن به قراردادهای ثابت می شود، باید تلاش کرد که انعطاف پذیری نه تنها ایرادهای یادشده را نداشته باشد، بلکه اهداف اقتصادی دو طرف را بهبود بخشد. حقوق و تعهدات طرفین در قراردادها باید معلوم باشند. هرگونه ابهام در آن ها مشکلات قابل پیش بینی را در هنگام اجرا به وجود آورده و روابط اعتمادی مخدوش می شود.

انعطاف پذیری قراردادها در ایران

هرچند اصول حقوقی متضمن ثبات قراردادهاست (موسوی و اصائلو، ۱۴۰۱: ۲۷۸). ولی با توجه به گسترش روزافزون مبادلات تجاری و انعقاد قراردادهای مستمر و تحولات گریزناپذیر اقتصادی، گاه عواملی مانند تورم، رکود، تحریم و به طور کلی نوسانات اقتصادی خارج از اراده طرفین این عقود را تحت تاثیر قرار می دهد. وقوع این حوادث، تغییر اوضاع و احوال قراردادها را به همراه دارد و اجرای قرارداد را با دشواری غیرمتعارف همراه می سازد. در چنین وضعیتی نیاز به تعدیل در قراردادها احساس می شود (حافظی قهستانی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۱).

به این منظور طرفین توافق می کنند که در صورت تغییر اوضاع و احوال، قرارداد از انعطاف لازم برخوردار باشد و بتواند خود را با شرایط جدید هماهنگ سازد. این نوع تعدیل در مفاد عقد را (تعدیل قراردادی) می نامند که متفاوت از تعدیل قانونی و قضایی

است. برای مثال در قراردادهای نفتی گاهی حوادث غیرمنتظره موجب دگرگون شدن شرایط اولیه قرارداد شده و تعادل و توازن قرارداد دچار اختلال می شود. در این شرایط از جمله پیش بینی های لازم، پیش بینی سازکارهای قراردادی شروط مذاکره مجدد، بازبینی و تطبیق برای بازگرداندن توازن و تعادل اقتصادی قرارداد می باشد که بر این اساس موجب تطبیق وضع مورد توافق اولیه با اوضاع و احوال نوین در قرارداد نفتی شده تا منافع طرفین به نحوی عادلانه و متعارف تداوم یابد. بی تردید یکی از مهمترین تحولات در عرصه قراردادهای نفتی رویکرد پیشرفته به شروط قراردادی برای تداوم و استمرار قرارداد از طریق مصالحه بین منافع و انتظارات مشروع دو طرف بر اساس شرایط تعدیل تعهدات قراردادی بازیگران این قراردادها در اوضاع و احوال تغییر یافته است (کردی و طجرلو، ۱۴۰۱: ۱۸۵).

بازنگری در مفاد قرارداد و روزآمد ساختن آن در حقوق ایران به استناد اصل حاکمیت اراده میسر است. چنین اختیاری از موازین قانونی مانند مواد ۱۰، ۱۹، ۲۳۰ و ۲۸۳ قانون مدنی برداشت می شود؛ از این رو همان اراده هایی که قرارداد را خلق و مندرجات و شروط آن را تنظیم نموده اند می توانند مفاد آن را مورد تجدیدنظر و اصلاح قرار دهند. از جمله تصرفاتی که طرفین با اتکا بر اصل حاکمیت اراده مجاز به اعمال آن هستند تعدیل قرارداد است، اما برای این که راه کار تعدیل قراردادی منجر به انعطاف پذیری قرارداد شود باید شروط تعدیل کننده در زمان بستن قرارداد به صورت ضمن عقد پیش بینی شود. شرط پرداخت طلا، شرط پرداخت به پول خارجی، شرط پرداخت بر مبنای شاخص های معتبر و شرط گفت و گوی دوباره

بازرگانی که لازمه آن اعتماد متقابل است قرارداد های انعطاف پذیر کارایی بیشتری خواهند داشت؛ بهترین راه این است که بتوانیم ثبات را در کنار انعطاف داشته باشیم زیرا انعطاف در قرارداد نمیگذارد که اصل قرارداد دچار خطشه شود؛ همچنین ثبات در قرارداد باعث می شود که طرفین نسبت به اصول اساسی قرارداد اطمینان خاطر داشته باشند و جنبه الزام آور قرارداد حفظ شود.

فهرست منابع

* کوتس، هاین (۱۳۸۳)، حقوق قراردادهای اروپا، برگردان: ولی الله احمدی و دیگران، چاپ نخست، تهران: جهان جام جم.

* طالب احمدی، حبیب (۱۳۹۲)، مسئولیت پیش قراردادی، چاپ نخست، تهران: میزان.

* بذریچ، حمید و ملکی، جلیل و پاشازاده، حسن و مجتهدی، محمدرضا (۱۳۹۸) «بررسی عوامل شناسایی و اجرای احکام خارجی در حقوق مدنی ایران»، دانش حقوق مدنی، سال هشتم، شماره ۲.

* شیروی، عبدالحسین (۱۳۸۹)، حقوق تجارت بین الملل، چاپ نخست، تهران: سمت.

* کرمی، محمدمهدی (۱۳۹۷) «قاعده الجمع مهما امکن اولی من الطرح از نگاه شیخ انصاری ره و سید یزدی ره»، فقیهانه، سال سوم، شماره ۹.

* موسوی، سید عباس و اصانلو، اکبر (۱۴۰۱)، «انقاع عقد به سبب عدم امکان اجرای موضوع آن در حقوق ایران و فرانسه»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۶ شماره ۱۲.

* حافظی قهستانی، محمدرضا و مقدری امیری، عباس و مرتضوی، عبدالحمید (۱۴۰۰)، تعدیل قرارداد در اثر نوسانات اقتصادی،

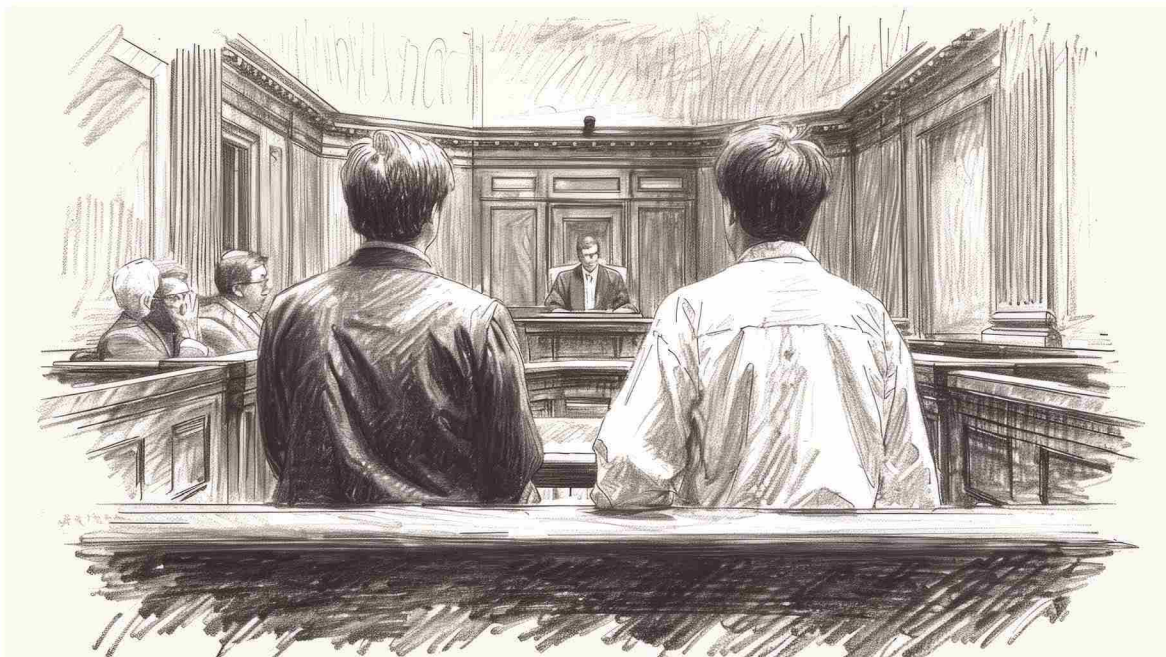
از مهمترین شروطی است که به منظور فوق امروزه در قراردادهای خصوصی گنجانده می شوند (مزارعی، ۱۳۹۴: ۲۴۶).

قراردادهای تابع شرایط عمومی پیمان نیز با یکی از سه شرط تغییر مقادیر قرارداد، تعدیل قرارداد و یا مبالغ مشروط در قرارداد قابل تغییر می باشند که به نوعی حکایت از انعطاف پذیری آن ها دارد (قاسمی حامد و علی حیدری، ۱۴۰۱: ۵۱۷؛ رحیمی و علیزاده، ۱۳۹۶: ۱۴۷).

هیچ یک از شروط تعدیل بی واسطه قراردادی خصوصی در نظام تقنینی کنونی ایران با مشکل روبه رو نیست و رویه قضایی ایران نیز در این زمینه منفعل عمل کرده و ترجیح داده موضوع را به سکوت برگزار کند یا حداقل راهکارهای معمول آن بروز و ظهور خاصی نداشته است؛ با این وجود به نظر می رسد مصلحت اقتصادی کشور و ضرورت حفظ و حمایت از ثبات و تقویت ارزش پول ملی اقتضا دارد بدون توجیه قابل قبول از پذیرش شروطی که طلا، ارز یا ارزش کالا و خدمتی دیگر را در قالب تعدیل قراردادی جایگزین پول ملی می کند خودداری شود. به این منظور می توان به حفظ نظم عمومی اقتصادی در قراردادها استناد کرد و استنادات کافی را جهت جلوگیری از بستن چنین قراردادهایی را در اختیار مجموعه قضایی قرار داد (بیگدلی، ۱۳۹۴: ۲۸۶).

نتیجه:

طبق دیدگاه های بیان شده، لزوماً تأکید بر منعقد نمودن قرارداد به شیوه انعطاف پذیر یا با ثبات نیست که اهمیت دارد، بلکه خواست و هدف طرفین قرارداد است که باعث می شود آنها چگونه و با کدام معیار به توافق برسند، برای مثال در قراردادهای



- پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، جلد ۱۷، شماره ۶۵.
- * کردی، اسفندیار و طجرلو، رضا (۱۴۰۱)، «تغییر اوضاع و احوال و سازوکار شروط قراردادی برای توازن منافع در قراردادهای نفتی»، دانش نامه حقوق اقتصادی، دوره ۲۹، شماره ۲۱.
- * مزارعی، علی (۱۳۹۴)، تئوری عدم پیش بینی و تعدیل قرارداد مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، انگلیس و آمریکا، چاپ نخست، تهران: مجد.
- * قاسمی حامد، عباس و حیدری، علی (۱۴۰۱)، (جایگاه شرط تغییر در کار در نظم حقوقی قراردادهای پیمانکاری با تأکید بر قراردادهای نمونه ایران، فیدیک و انگلستان)، پژوهش‌های حقوقی، دوره ۲۱، شماره ۵۲.



جهت دسترسی به فایل صوتی این مطلب

لطفًا اسکن کنید.

علل موجه فسخ یک جانبه قرارداد در رویه قضایی FIFA و CAS



سجاد خنیفاری

■ دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه شهید چمران اهواز ■

Sajjadkhanifari11@gmail.com

مقدمه

در فوتبال حرفه‌ای، قراردادهای منعقد شده بین بازیکنان و باشگاهها اهمیت بسیاری دارند و تعهدات و حقوق طرفین را تعیین می‌کنند. با این حال، شرایطی ممکن است به وجود آید که یکی از طرفین تمایل به فسخ یک جانبه قرارداد پیدا کند. فسخ یک جانبه، به ویژه در مواردی که ناشی از اختلافات مالی یا نقض تعهدات طرف مقابل باشد، موضوعی حساس در دنیای ورزش است. با توجه به نبود تعاریف دقیق و چارچوب‌های مشخص در مقررات فیفا، ارزیابی «علت موجه» برای فسخ قرارداد به بررسی موردی و تفسیر رویه‌های قضایی نیاز دارد. در این مقاله، به تحلیل شرایطی که فیفا و دادگاه حکمیت ورزش یا CAS فسخ یک جانبه قرارداد را موجه می‌دانند، خواهیم پرداخت و معیارهای کلیدی در این زمینه را بررسی خواهیم کرد.

۱. دلیل موجه چیست؟

این که، آیا یک طرف برای فسخ زودهنگام یک قرارداد الزام آور، علت موجهی دارد یا خیر باید در هر مورد به طور جداگانه و با در نظر گرفتن همه جوانب ارزیابی شود. مقررات فیفا تعریف خاصی یا فهرست مشخصی از دلایل موجه ارائه نکرده و غیرممکن است همه ی رفتارهای بالقوه ای که ممکن است بعنوان علت موجه تلقی شوند را پیشبینی کرد اما طی این سال ها رویه قضایی چندین معیار مشخص کرده که به طور انتزاعی ترکیب شرایطی را که بعنوان علل موجه در نظر گرفته می شوند را مشخص کرده است.

۱.۱. ارزیابی معیارهای فسخ

۱.۱.۱. نقض جدی تعهدات قراردادی: فقط نقض تعهدات قراردادی توسط یکی از طرفین که به اندازه کافی جدی باشد به عنوان علت موجه در نظر گرفته می شود به طور کلی نقض، زمانی به اندازه کافی جدی در نظر گرفته می

شود که شرایط عینی وجود داشته باشد که ادامه رابطه ی کاری را ناممکن سازد مثل نقض جدی اعتماد طرفین به یکدیگر یا غیبت در تمرینات از طرف بازیکن و عدم پرداخت حقوق توافق شده توسط باشگاه.

۲. فسخ به عنوان آخرین راه حل: فسخ قرارداد باید همواره به عنوان آخرین راه حل (ultima ratio) این اصل می گوید یک طرف فقط زمانی می تواند علت موجهی برای فسخ داشته باشد که قبلاً به طرف دیگر درباره رفتار یا نگرش غیر قابل قبول آن هشدار داده باشد، ممکن است در شرایط خاصی اعمال شود به ویژه زمانی که یک باشگاه سعی دارد قرارداد بازیکن را به دلیل غیبت های غیرمجاز یا رفتار نادرست در جلسات تمرین فسخ کند، در یک رای در سال ۲۰۱۸ دادگاه حکمیت ورزش اشاره کرد که این اصل به منظور اطمینان از این است که طرف متخلف فرصتی برای انجام تعهدات خود داشته باشد و در صورت پذیرش ارتکاب رفتار خلاف تعهدات خود این امر را اصلاح کند، همچنین این اصل در حقوق سوییس نیز منعکس شده است. دادگاه حکمیت ورزش در رای که در سال ۲۰۲۱ صادر شد به این موضوع اشاره کرده که برای تعریف «علت موجه» باید به اصول حقوق سوییس و رویه قضایی CAS مراجعه کرد زیرا مقررات فیفا (RSTP) تعریفی از این اصطلاح ارائه نکرده است، طبق آن رای، علت موجه زمانی وجود دارد که نقض مربوطه توسط طرف دیگر به گونه ای باشد یا به سطحی از جدیت رسیده باشد که شرایط اساسی که بر اساس آن قرارداد منعقد شده دیگر وجود نداشته باشد و نمی توان با حسن نیت تصور کرد که طرف آسیب دیده به رابطه قراردادی ادامه دهد.

۲. مصادیق علت موجه (Just Cause)

۱.۱. برای باشگاه

اگر باشگاه بخواهد که به طور یکطرفه قرارداد را بدون هیچ عواقبی فسخ کند باید یک دلیل موجه وجود داشته باشد در تصمیم اتاق حل اختلاف فیفا در ۲۰۰۷ این موضوع که یک بندی در قرارداد وجود داشته باشد که باشگاه بتواند قرارداد را در هر زمان و با پرداخت غرامت فسخ کند، معتبر نیست با توجه به نظر فیفا این بند یک شرط ناعادلانه است که منجر به ایجاد شرایط نابرابر در قرارداد میان طرفین می شود. در تصمیم اتاق حل اختلاف فیفا در ۲۰۰۷ اعلام شد که فسخ یک جانبه قرارداد به وضوح یک اقدام نامتناسب است، اتاق به رویه قضایی تثبیت شده خود و اصل قانونی تناسب اشاره کرد، طبق این اصل هر اقدامی که پس از یک رفتار انجام می

شود باید متناسب با شدت آن رفتار باشد. علاوه بر این اتاق یادآوری کرد که فسخ یک جانبه باید به عنوان شدیدترین مجازات در روابط قراردادی در نظر گرفته شود و باید به عنوان آخرین راه حل اعمال شود در نتیجه از آنجا که اقدامات ملایم تری مثل جریمه نقدی می توانست به کار گرفته شود نمی توان این فسخ را متناسب با این اصل دانست، در تصمیم اتاق در ۲۰۱۳ اتاق تاکید کرد که فقط یک نقض یا سوء رفتار با شدت معین فسخ قرارداد را بدون اخطار قبلی توجیه می کند و تنها زمانی که معیارهای عینی وجود داشته باشد که ادامه رابطه قراردادی را انتظار داشت قرارداد ممکن است فسخ شود و اگر اقدامات ملایم تری وجود داشته باشد که بتوان بر اطمینان از انجام تعهدات کاری به کارگرفت این اقدامات باید قبل از فسخ اعمال شود و فسخ همیشه باید بعنوان



آخرین راه حل تلقی شود.

۱.۲.۱. عملکرد بازیکن DRC

به طور مکرر با پرونده هایی روبرو می شود که در آن باشگاه ها به دلیل عملکرد ضعیف بازیکنان، قرارداد هایشان را فسخ می کنند. با این حال، DRC به طور پیوسته حکم می دهد که کمبود عملکرد بازیکن نمیتواند دلیل موجه یا Just cause برای فسخ باشد. و در پرونده های این چنینی که بندهایی در قرارداد به باشگاه اجازه فسخ قرارداد بر اساس عملکرد را می دهد از نظر DRC مشمول اراده یک جانبه و ناعادلانه است و معتبر نیستند، همچنین جریمه ها یا کاهش دستمزدهای این چنینی پذیرفتنی نیستند و باشگاه ها باید به تعهدات قراردادی خود پایبند باشند، اما استثناهایی وجود دارد مانند مواردی که عملکرد کلی تیم در مسابقات منجر به فسخ قرارداد ها می شود. با این حال اتاق تاکید می کند فسخ های یک جانبه بر اساس

ارزیابی های عملکرد ذهنی معتبر نیستند. همچنین بندهایی که به تست های فنی یا معیار های عملکرد وابسته هستند نیز رد می شوند. و در کل عملکرد فردی نمی تواند فسخ قرارداد یا عدم پرداخت دستمزد را توجیه کند.

۲.۱.۱. بازی های انجام شده

در یک تصمیم سال ۲۰۰۵ اتاق، یک بند را که به باشگاه چینی اجازه میداد قرارداد یک بازیکن صرب را به دلیل کاهش درصد حضور وی در مسابقات (زیر ۷۰ درصد) فسخ کند. اتاق استدلال کرد که این بند به بازیکن ثباتی نسبی می بخشد زیرا تنها پس از یک فصل کامل قابل اجرا خواهد بود. با این حال اتاق همچنین به پتانسیل سوء استفاده از این بند اذعان داشت، زیرا باشگاه کنترل یک جانبه ای بر زمان بازی بازیکن داشت. این تصمیم نشان می دهد که اتاق با احتیاط چنین بندهایی را تایید می کند، مشروط بر اینکه محدود باشند و توسط طرفین پذیرفته

مجاز باشد. باشگاه باید بتواند عدم مجوز غیبت را اثبات کند. غیبت های کوتاه مدت (مثلا یک هفته ای) به تنهایی دلیل موجهی برای فسخ قرارداد نیستند و باشگاه ابتدا باید به بازیکن اخطار دهد (طبق اصل ultima ratio اگر غیبت در زمان مسابقات رسمی نباشد غیبت ممکن است مشکل جدی برای باشگاه ایجاد نکند. دلایل خانوادگی معمولا به عنوان دلیل موجه غیبت پذیرفته نمی شوند. غیبت طولانی مدت می تواند باعث توقف پرداخت حقوق بازیکن شود و اگر فسخ غیر موجه باشد، غیبت کوتاه می تواند میزان غرامت را کاهش می دهد.

بدرفتاری بازیکن

در مورد رفتار نادرست یک بازیکن، رویکرد نهاد های قضایی فیفا و دیوان داوری این است که وجود دلیل موجه به شرایط خاص و الزامات دقیقی نیاز دارد مثل:

۱. عدم کفایت رفتار یک باره: رفتار نادرست یکبار، مثل حمله به هم تیمی به طور معمول نمیتواند دلیل موجهی برای فسخ باشد.

۲. لزوم هشدار قبلی: بازیکنان باید قبل از اینکه رفتارشان عواقبی داشته باشد، از آن آگاه شوند.

۳. اهمیت مستندات: باشگاه باید برای اثبات دلیل موجه مستندات معتبری داشته باشد

۴. اقدام فوری: باشگاه باید بلافاصله پس از رفتار نادرست اقدام کند تا شانس بیشتری برای اثبات دلیل موجه داشته باشد

۲.۴.۱ اعتیاد به مواد مخدر و دوپینگ

اتاق در موارد کمی در مورد سوء مصرف مواد مخدر و دوپینگ بررسی کرده است. اما آزمایش مثبت دوپینگ دلیل موجهی برای یک

شوند. اما با این حال اتاق در تصمیمات بعدی خود موضع سختگیرانه تری اتخاذ کرد و این بندها را به عنوان بندهای خودسرانه و مخالف با ماهیت بازی گروهی رد کرد. در واقع نگرانی اصلی اتاق این بود که این بندها به باشگاه کنترل بیش از حد میدهد و عملکرد نباید تنها بر اساس میزان حضور در مسابقات یا دستاورد های فردی سنجیده شود و تصمیم سال ۲۰۱۵ نیز بند های یک طرفه (بندهایی که در آن یک طرف کنترل کامل بر شرایط دارد) نامعتبر هستند و این بندها بطور ناعادلانه حقوق طرف دیگر را محدود می کند و مزایای ناعادلانه برای باشگاه ها ایجاد می کنند.

۱.۳.۱.۳ مصدومیت

اتاق در چندین پرونده، اعلام کرده که مصدومیت بازیکن بطور کلی دلیل موجهی برای خاتمه یک طرفه و زودهنگام قرارداد از سوی باشگاه نیست. به عنوان یک اصل اساسی در حقوق کار، اگر یک کارمند (در اینجا بازیکن فوتبال) در جریان انجام وظیفه خود مصدوم شود، این امر به باشگاه اجازه نمیدهد که قرارداد را فسخ کند و از پرداخت حقوق او خودداری کند. در چندین تصمیم مختلف، اتاق به این نتیجه رسیده که باشگاه مسئول هزینه های درمانی و توانبخشی بازیکن هستند و فسخ قرارداد به دلیل مصدومیت بازیکن، فسخ بدون دلیل موجه است.

۱.۱.۳.۱.۳ غیبت

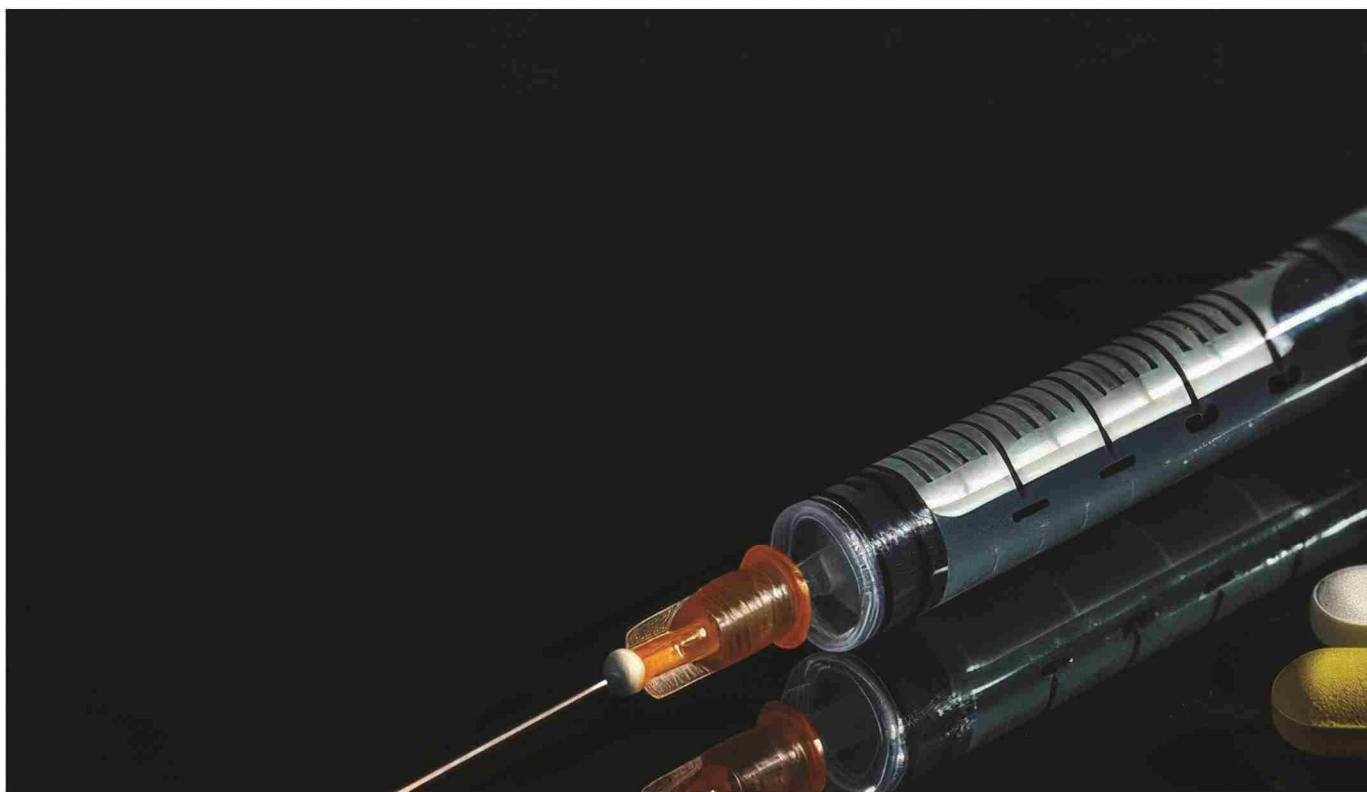
بر اساس رویه ی دیوان و اتاق حل اختلاف فیفا، غیبت بازیکن می تواند دلیل موجهی برای فسخ یک جانبه قرارداد توسط باشگاه باشد. اما این غیبت باید طولانی و بدون



پرونده‌ی ماتو بازیکن رومانیایی

آدریان ماتو، بازیکن فوتبال رومانیایی در تاریخ اوت ۲۰۰۳ از میلان به چلسی منتقل شد و یک قرارداد پنج ساله امضا کرد ماتو بین ماه می و سپتامبر چندین بار از ماده ی مخدر کوکائین استفاده کرد که منجر به تست اعتیاد مثبت در تاریخ اکتبر ۲۰۰۴ شد چلسی قرارداد او را به دلیل تخلف جدی فسخ کرد که توسط کمیته ی انضباطی انگلستان نیز تایید شد و ماتو به یک سال محرومیت و جریمه ۲۰ هزار پوندی محکوم شد. مانو در دیوان داوری ورزش شکایت کرد که در آنجا مشخص شد او قرارداد را نقض کرده و به این ترتیب چلسی مجاز به فسخ قرارداد بوده. پس از حکم CAS چلسی به اتاق حل اختلاف فیفا برای جبران خسارت رجوع کرد، ابتدا اتاق ادعای چلسی را رد و به دلیل فقدان صلاحیت به این دلیل که پرونده

باشگاه برای فسخ قرارداد با بازیکن میباشد. برای مثال در یک پرونده در سال ۲۰۰۶ اتاق تایید کرد که نتیجه مثبت آزمایش دوپینگ میتواند توجیه کننده ی فسخ قرارداد باشد. در مورد دیگری، بازیکن به دلیل دوپینگ به مدت یک سال محروم شد و باشگاه پس از کشف این محرومیت قرارداد را فسخ کرد و توسط اتاق تایید شد با این حال اتاق تصریح کرد که نتیجه مثبت به تنهایی قرارداد را باطل نمی کند بلکه فسخ رسمی باید به وضوح انجام شود. در یک تصمیم اتاق در سال ۲۰۱۴، بر اهمیت پیروی از رویه های مناسب هنگام برخورد با نتیجه مثبت آزمایش دوپینگ تاکید کرد، زیرا این موضوع بطور خودکار به انحلال قرارداد منجر نمی شود بدون اینکه یک فرایند فسخ رسمی صورت گیرد.



نشان می دهد که عدم توانایی یک بازیکن در ارائه توان کاری اش میتواند توجیهی برای فسخ باشد و تاکید کرد که ادعای مصرف الكل باید مستند باشد و یک ادعا توسط مربی کافی نیست و همچنین باز هم به اصل ultima ratio اشاره شد.

۲.۲. علل فسخ موجه برای بازیکن

۲.۲.۱. حقوق پرداخت نشده

هم اتاق حل اختلاف و هم دیوان داوری ورزش بر این عقیده هستند که به عنوان یک قاعده کلی، عدم پرداخت مکرر حقوق یک بازیکن توسط باشگاه در دوره ی خاص باید بعنوان نقض قرارداد بصورت غیرموجه توسط باشگاه در نظر گرفته شود. در این حالت، دلیل موجه برای فسخ قرارداد برای بازیکن وجود دارد و میتواند به قرارداد خود خاتمه دهد بدون

قبلا در کمیته ی استیناف رسیدگی شده بود. چلسی به این تصمیم اعتراض کرد و در مه ۲۰۰۷ دیوان پرونده را به اتاق بازگرداند و اتاق قسمتی از ادعای چلسی را تایید و مانو را ملزم به پرداخت ۱۷ میلیون یورو کرد

الكل

در میان تصمیمات منتشر شده ی DRC هیچ موردی منتشر نشده که سوء مصرف الكل را به عنوان دلیل موجه برای فسخ قرارداد تعیین کند اما در دیوان داوری ورزش یک پرونده در سال ۲۰۱۰ وجود داشته که بازیکن به دلیل سوء مصرف الكل و ادعای حضور در حالت مستی قبل از یک مسابقه مهم با فسخ قرارداد مواجه شد. باشگاه قرارداد را فسخ و ادعا کرد وی برای بازی ها آماده نیست. دیوان ابتدا بیان کرد که دلیل موجه تعریف دقیقی ندارد و سوابق موجود

بعهده باشگاه باشد و اتاق نیز به این اختیار به طور کامل احترام میگذارد. اما در مواردی که بازیکن از تیم اصلی کنار میرود در صورت وجود چنین بندی میتوان انرا دلیل موجه تلقی کرد.

۲.۲.۳. علل موجه ورزشی

علل موجه ورزشی شرایط خاصی را توصیف میکند که در آن بازیکن میتواند قرارداد خود را به دلیل کمبود فرصتهای ورزشی بدون عواقب حقوقی فسخ کند، حتی اگر باشگاه به تعهدات مالی خود عمل کرده باشد. این مفهوم توسط فیفا معرفی شده است تا از حقوق بازیکنانی که به طور مداوم از ترکیب اصلی کنار گذاشته می شوند، حمایت کند. یکی از معیارهای کلیدی برای اعمال علل موجه ورزشی این است که بازیکن در کمتر از ۱۰٪ از مسابقات رسمی تیم در طول یک فصل شرکت کرده باشد. این وضعیت میتواند به عنوان دلیل موجه برای فسخ قرارداد در نظر گرفته شود.

۳. نتیجه گیری

نتایج این بررسی نشان می دهد که فسخ یکجانبه قرارداد در رویه های قضایی فیفا و CAS، تنها در شرایط خاص و با در نظر گرفتن معیارهای سختگیرانه موجه شناخته میشود. مواردی مانند نقض جدی تعهدات، عدم پرداخت مکرر حقوق، یا سوء رفتارهای عمده، از جمله شرایطی هستند که می توانند دلیل موجه برای فسخ باشند. در عین حال، اصل «آخرین راه حل» تاکید می کند که فسخ قرارداد باید تنها در صورتی رخ دهد که هیچ راهکار دیگری وجود نداشته باشد. به طور کلی، فیفا و CAS تلاش دارند با ایجاد توازن بین حقوق بازیکنان و باشگاه ها، عدالت را در قراردادهای حرف های

آنکه نیازی به پرداخت غرامت وجود داشته باشد یا مجازات های ورزشی (مثل محرومیت ۴ تا ۶ ماهه) بر بازیکن اعمال شود. چندین معیار وجود دارد برای اثبات یک دلیل موجه معتبر برای بازیکن جهت فسخ یک طرفه قرارداد در وهله ی اول باید مشخص شود که باشگاه بطور جدی از حقوق مالی بازیکن غفلت کرده است مثلاً در پرونده ای که باشگاه چهار ماه حقوق بازیکن را نداده بود و حتی ۲ قسط حق امضا نیز پرداخت نشده بود اتاق به این نتیجه رسید که بازیکن دلیل موجهی برای فسخ قرارداد داشته و باشگاه بطور جدی از تعهدات مالی خود نسبت به بازیکن غفلت کرده، به طور کلی عدم پرداخت مکرر حقوق بازیکن دلیل موجهی برای فسخ قرارداد است. اما در تصمیمی دیگر اتاق بیان کرد که دیرکرد در پرداخت حقوق برای ۱ ماه نمیتواند دلیل موجهی برای فسخ باشد در دیوان نیز به این دو اصل اشاره شده که باید قبل از فسخ اخطار (notice) داده شود و همچنین نباید ناچیز باشد و تعهد اصلی باشگاه پرداخت حقوق است و نقض این تعهد قطعاً دلیل موجهی برای فسخ قرارداد است.

۲.۲.۲. اخراج و عدم ثبت

ابتدا باید به این توجه کرد که امضای یک قرارداد با یک باشگاه حق بازی برای بازیکن ایجاد نمی کند. همانطور که در تصمیم اتاق در ۲۰۰۵ مشخص شد، بازیکن تا زمانی که بطور منظم حقوق دریافت می کند و باشگاه به تمامی تعهدات قراردادی خود پایبند باشد بازیکن باید بپذیرد که ممکن است در ترکیب قرار نگیرد و باشگاه به تعهدات مالی خود نسبت به بازیکن عمل کرده و با عدم استفاده از بازیکن، باشگاه هیچگونه تخلفی از قرارداد انجام نداده است. تصمیم گیری در مورد قراردادن در ترکیب باید

فوتبال حفظ کنند.

منابع

1. Wager, F. de. 2016. DRC Jurisprudence. ASSER international sports law series.
2. Football and Law: The Perspective of FIFA and CAS Jurisprudence
3. www.spoleg.com
4. Recent jurisprudence on "just cause" contract termination
5. Commentary on FIFA RSTP



جهت دسترسی به فایل صوتی این مطلب

لطفا اسکن کنید.



شرح طرح

یک مستند - مسابقه جذاب برگزار کردیم که موضوع آن داستانی جنایی بود. در این داستان، یک فرد به قتل رسید و چند مظنون وجود داشت که شرکت کنندگان باید با توجه به سرنخ‌ها، قاتل را شناسایی می‌کردند. جزئیات داستان به گونه‌ای طراحی شده بود که شرکت کنندگان باید از ابتدا به ترتیب به سرنخ‌ها دقت می‌کردند و به صورت پازل گونه، قاتل را پیدا می‌کردند. اگر در مراحل ابتدایی دقت نمی‌کردند، ممکن بود در انتهای داستان با یک کلاف سردرگم مواجه شوند که در آن قاتل مشخص نبود و مجبور می‌شدند دوباره داستان را از ابتدا بررسی کنند. با توجه به احتمال بالای این که تعداد گروه‌هایی که به جواب برسند بیشتر از سه تیم باشد، ما تصمیم گرفتیم امتیازاتی را در نظر بگیریم تا برندگان مشخص شوند. این امتیازات به این شکل بود: هر تیمی که پوستر مسابقه را در استوری خود منتشر می‌کرد، ۲۰ امتیاز دریافت می‌کرد. همچنین، ثبت نام گروه‌های جدید با دعوت گروه‌های دیگر باعث می‌شد که هر دو گروه امتیازاتی را کسب کنند. اما این امتیازات که قبل از مسابقه جمع‌آوری می‌شد، فقط در حین مسابقه برای استفاده از سرنخ‌هایی که به فروش می‌رسید، کاربرد داشت. سرنخ‌ها به دو دسته تقسیم می‌شدند: یک دسته با کسر ۱۵ امتیاز و دسته دیگر با کسر ۲۰ امتیاز. تفاوت این دو دسته در این بود که سرنخ‌های اشتباه و صحیح با هم ترکیب شده بودند و میزان سرنخ‌های صحیح در گروه گران تر بیشتر بود. با دقت به داستان، امکان حذف سرنخ‌های اشتباهی به راحتی فراهم می‌شد.

نتیجه نهایی

در پایان مسابقه، با توجه به جواب پیداشده، سرنخ‌های نوشته شده و زمان ذخیره شده توسط هر گروه، امتیازاتی تعلق می‌گرفت که گروه‌های اول تا سوم را مشخص کرده و جوایز نقدی ارزنده‌ای بین آن‌ها تقسیم می‌شد. شرکت کنندگان می‌توانستند به تنهایی یا با تشکیل گروه‌های ۲ تا ۵ نفره حضور پیدا کنند. پراتور با حضور ۱۴۲ نفر در قالب ۵۲ گروه برگزار شد؛ شرکت کنندگان منحصربه‌دانشجویان رشته حقوق نبودند، بلکه دانشجویان رشته‌های مختلف نظیر فقه و مبانی حقوق اسلامی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و حتی دانشجویان علوم پایه و علوم مهندسی با شرکت در این مسابقه شم کارآگاهی و هوش خود را محک زدند. ما در انجمن علمی حقوق دانشگاه شهید چمران اهواز مفتخریم که علاوه بر دانشجویان این دانشگاه، میزبان سایر شرکت کنندگان نظیر کارکنان اداری دانشگاه، دانش‌آموختگان رشته حقوق و دانشجویان سایر دانشگاه‌ها بودیم..

برگزارکننده: انجمن علمی دانشجویی



تعداد شرکت کنندگان

تاریخ برگزاری

محل برگزاری

هزینه برگزاری



انجمن علمی دانشجویی حقوق
مدیریت امور فرهنگی دانشگاه شهید چمران اهواز

تیم داوری



هدیه کعب عمیر



سلیمان سویدزاده



فاطمه محتجب

تیم اجرایی



امیرحسین دهقانی هزاری



امیرحسین راستی پور



فاطمه حسام پور



متین کیانی هفت لنگ

مستندات



برای مطالعه داستان پراتور،
لطفًا اسکن کنید



حقوق دانشگاه شهید چمران اهواز



۱۴۲ نفر

سه شنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۳

اهواز، دانشگاه شهید چمران اهواز

هشت میلیون تومان

حقوق عمومی

مشارکت شهروندی در پرتو سازمان های مردم نهاد (NGO)



سینا جاوید

■ دانش آموخته کارشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز ■

sinajavid3212@gmail.com

مقدمه

حقوق عمومی، شاخه‌ای از علم حقوق است که به نظام سیاسی، سازمان‌های دولتی و روابط بین دولت و شهروندان می‌پردازد. در این میان، حقوق شهروندی به عنوان یکی از مهم‌ترین مفاهیم حقوق عمومی، مجموعه حقوق و آزادی‌هایی را تعیین می‌کند که هر شهروند در برابر دولت و سایر اعضای جامعه داراست. در واقع، حقوق شهروندی زمینه ساز عدالت، آزادی و رفاه شهروندان در یک جامعه است و نقش کلیدی در توسعه و پیشرفت اجتماعی ایفا می‌کند. اما قبل از ورود به مباحث حقوق شهروندی، ضروری است که مفهوم "شهروندی" را از "ملیت" تفکیک کنیم. "ملیت" به تابعیت فرد از یک کشور و وابستگی او به آن کشور اشاره دارد. در حالی که "شهروندی" مفهومی عمق‌تر و جامع‌تر است که به مجموعه حقوق و وظایف فرد در مقابل جامعه و دولت اشاره دارد.

در این مقاله، به بررسی حقوق شهروندی

در حقوق عمومی ایران می‌پردازیم و با توجه به چالش‌ها و محدودیت‌های موجود، به چشم‌انداز آینده این حقوق خواهیم پرداخت.

تاریخچه حق شهروندی در ایران:

مفهوم حق شهروندی در ایران، با ظهور جنبش مشروطه در اواخر قرن ۱۹ میلادی وارد نظام حقوقی کشور شد. پیش از این، جامعه ایران تحت سلطه حکومت مطلقه قاجار و با نظام فئودالی حاکم، از آزادی‌های فردی و اجتماعی محروم بود. با تصویب قانون اساسی مشروطه در سال ۱۲۸۵ خورشیدی، محدودیت‌هایی برای قدرت مطلقه شاه قاجار ایجاد شد و برخی از حقوق اولیه شهروندی، مانند آزادی بیان، آزادی مطبوعات، حق رأی و حق تشکیل احزاب در قانون به رسمیت شناخته شدند. مشروطه، با وجود محدودیت‌ها و تضادهای داخلی، گامی بزرگ در جهت ایجاد ساختارهای مبتنی بر حقوق شهروندی در ایران بود. انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ خورشیدی،



مهم ترین اصول مرتبط با حقوق شهروندی:
حق حیات: حق بنیادین و اساسی هر فرد برای ادامه حیات و عدم تعرض به آن. این حق مبنای سایر حقوق است.

حق آزادی: شامل آزادی‌های فردی و اجتماعی مانند آزادی بیان، آزادی اندیشه، آزادی مذهب، آزادی تجمع، آزادی مطبوعات و... این حق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چرا که بدون آزادی، سایر حقوق با خطر مواجه می‌شوند. البته باید توجه داشت که آزادی مطلق وجود ندارد و محدودیت‌های معقولی بر آن وجود دارد.

حق برابری: برابری در برابر قانون بدون تبعیض نژادی، جنسیتی، مذهبی و... این حق اساسی برای عدالت و برخورداری از حقوق برابر برای همه ضروری است.

حق امنیت: حق برخورداری از امنیت فردی و اجتماعی در برابر خشونت، جرم و بی نظمی.

به دنبال سرنگونی رژیم پهلوی، با هدف برپایی یک نظام اسلامی و حاکمیت قوانین اسلامی بر جامعه، با ایده حقوق شهروندی در تعارض بود. اما در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به منظور جلب حمایت مردم، برخی از حقوق شهروندی مانند حق آزادی بیان، حق تشکیل انجمن، حق انتخاب و انتخاب شدن و حق رأی به رسمیت شناخته شد. با این حال، در عمل و در طول سال‌های حاکمیت جمهوری اسلامی، تفسیر قوانین به گونه‌ای بوده که محدودیت‌هایی برای حقوق شهروندی ایجاد کرده و به عنوان مثال، آزادی بیان و حق تشکیل انجمن با محدودیت‌های فراوانی مواجه بوده است. همچنین، وجود استقلال نسبی قوه قضائیه و محدودیت‌های سیاسی در ایران، از جمله عوامل مؤثر بر ضعف حقوق شهروندی در کشور بوده است.



بهداشتی و درمانی. این حق، برای سلامت جسمی و روانی افراد و جلوگیری از بیماری‌ها ضروری است.

حق کار و معیشت: حق کار شرافتمندانه و برخورداری از حداقل دستمزد و شرایط کاری مناسب. این حق، برای تأمین معیشت افراد و جلوگیری از فقر ضروری است.

این اصول، در اکثر اسناد بین‌المللی حقوق بشر و اعلامیه‌های جهانی به رسمیت شناخته شده‌اند، اگرچه اجرای دقیق و کامل آن‌ها در عمل، همیشه با چالش مواجه است.

چارچوب قانونی حق شهروندی

در کشورهای گوناگون یا توجه به اصول انسانی فوق‌الذکر چارچوب‌های قانونی برای حقوق شهروندی تشکیل می‌گردد و هر ملت با توجه به سابقه فرهنگی اجتماعی و سیاسی خود حقوق شهروندی خود را در چارچوب قانونی خود تعریف می‌کند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به عنوان سند اصلی نظام حقوقی ایران، به طور

این حق تضمین‌کننده‌ی زندگی آرام و باثبات برای افراد است.

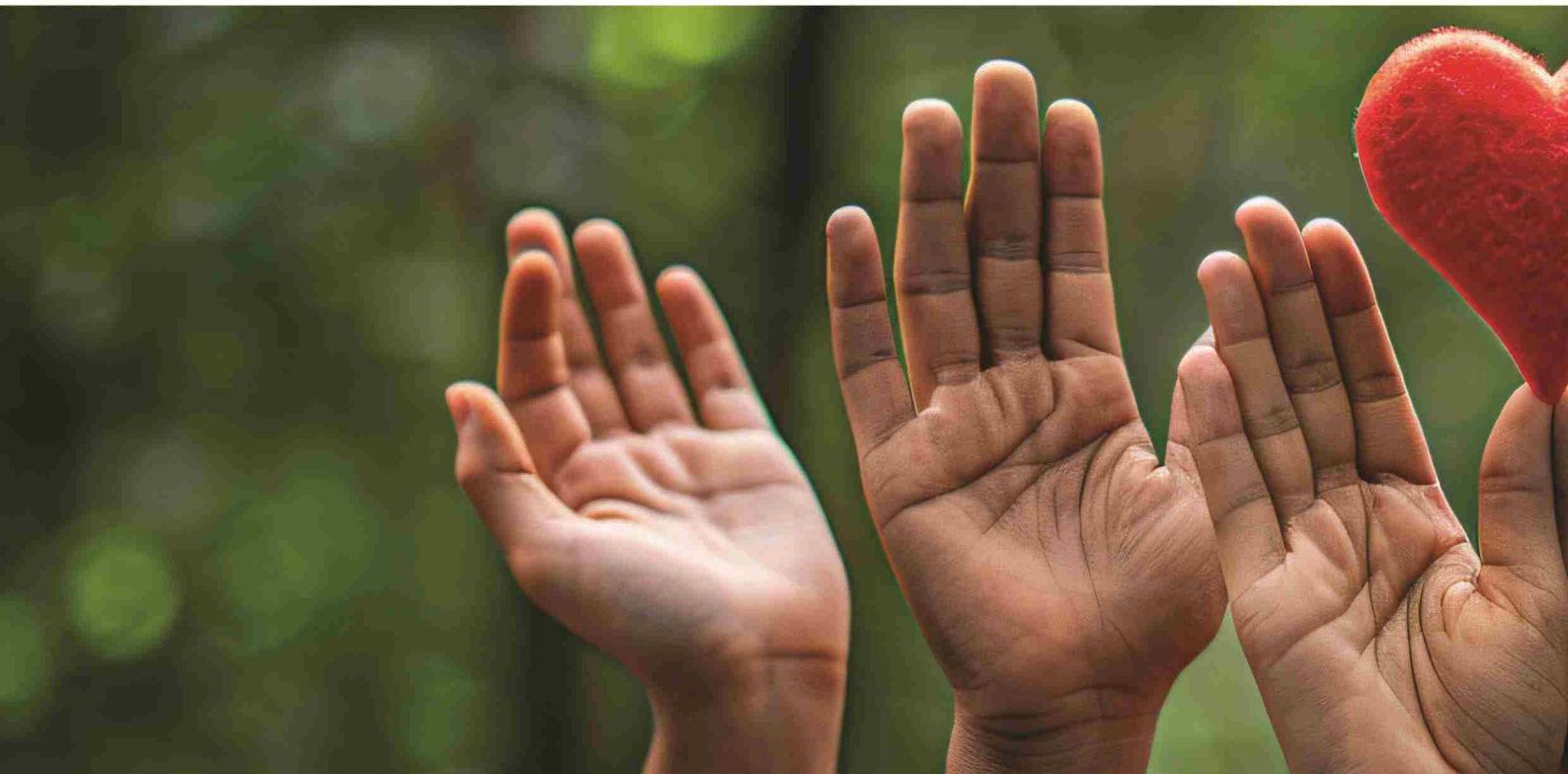
حق کرامت انسانی: حق برخورداری از احترام و ارزش ذاتی به عنوان یک انسان. این حق، مبنای سایر حقوق و جلوگیری از رفتارهای تحقیرآمیز و توهین‌آمیز است.

حق دسترسی به عدالت: حق دسترسی به دادگاه‌ها و مراجع قضایی برای احقاق حقوق و پیگیری شکایات. این حق تضمین‌کننده‌ی برخورداری از عدالت و جلوگیری از خودسری است.

حق مشارکت سیاسی: شامل حق رأی، حق شرکت در انتخابات، حق تشکیل احزاب و انجمن‌ها و... این حق برای مشارکت شهروندان در اداره امور کشور و اعمال نفوذ بر تصمیمات سیاسی ضروری است.

حق آموزش و تحصیل: حق برخورداری از آموزش و تحصیل رایگان و با کیفیت. این حق به رشد فردی و اجتماعی افراد کمک می‌کند و برای پیشرفت جامعه ضروری است.

حق سلامت: حق برخورداری از مراقبت‌های



این قانون شامل ماده‌های متعددی است که به موارد مختلفی از حقوق شهروندی می‌پردازد از جمله:

حقوق مدنی: مانند حق حیات، آزادی، امنیت، مالکیت، ازدواج، طلاق، تابعیت و...
حقوق سیاسی: مانند حق شرکت در انتخابات، حق انتقاد، حق تشکیل احزاب و انجمن‌ها (با رعایت قانون)، حق دسترسی به اطلاعات (در چارچوب قوانین)، و...

حقوق اقتصادی: مانند حق کار، حق مسکن، حق تامین اجتماعی، حق برخورداری از حداقل دستمزد و...

حقوق فرهنگی: مانند حق آموزش، حق تحصیل، حق آزادی بیان (با رعایت قانون)، حق آزادی اندیشه، حق دسترسی به فرهنگ و هنر و...

حقوق اجتماعی: مانند حق سلامت، حق محیط زیست سالم، حق دسترسی به

مستقیم و غیرمستقیم به حقوق شهروندی می‌پردازد و در آن به اصول و مفاهیمی مانند آزادی، برابری، عدالت، مشارکت سیاسی و حاکمیت مردم اشاره شده است.

در بخش مربوط به حقوق و وظایف فردی و اجتماعی، در غالب حق شهروندی در قانون اساسی به حقوقی مانند آزادی بیان، آزادی اندیشه، آزادی عقیده، آزادی مطبوعات، حق تشکیل احزاب و جمعیت، حق انتخاب و انتخاب شدن، حق رأی، حق دسترسی به اطلاعات، حق دادرسی عادلانه و حق مالکیت اشاره کرده است.

همچنین قانون منشور حقوق شهروندی ایران در تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۹۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و توسط شورای نگهبان تایید شد. این قانون، مجموعه‌ای از حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان ایرانی را بر اساس اصول قانون اساسی و موازین اسلامی تعریف می‌کند. با این حال، اجرای کامل و بدون نقص آن همواره مورد بحث و بررسی بوده است.

خدمات عمومی و ...

از نقاط قوت این قانون میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

(۱) تدوین جامع بسیاری از حقوق شهروندی در یک قانون واحد

(۲) افزایش سطح آگاهی عمومی از حقوق شهروندی

(۳) ایجاد چارچوبی قانونی برای مطالبه حقوق شهروندی

نقاط ضعف و چالش‌های اجرایی:

ابهامات و تعابیر کلی: برخی از مواد قانون دارای ابهام و تعابیر کلی هستند که موجب تفسیرهای مختلف و اجرای متفاوت در عمل می‌شود.

محدودیت‌های قانونی: برخی از حقوق مندرج در قانون، مشروط به رعایت قوانین دیگر و یا موازین شرعی

هستند که می‌تواند محدودیت‌هایی را برای اعمال این حقوق به وجود آورد. عدم اجرای کامل: یکی از چالش‌های اصلی، عدم اجرای کامل و موثر بسیاری از مواد قانون در عمل است. مقاومت برخی از نهادها و افراد در برابر اجرای کامل این قانون، مانع از تحقق کامل حقوق شهروندی می‌شود. مکانیسم‌های ضعیف نظارت و پاسخگویی: مکانیسم‌های نظارت و پاسخگویی برای نقض حقوق شهروندی، ضعیف و ناکارآمد هستند. به صورت کلی، قانون حقوق شهروندی ایران، قدمی مثبت در جهت تعریف و تضمین حقوق شهروندی محسوب می‌شود، اما اجرای کامل و موثر آن به فرهنگ‌سازی، اصلاح قوانین مرتبط و تقویت مکانیسم‌های نظارتی و پاسخگویی نیازمند است. برای اطلاعات دقیق‌تر، بهتر است به متن کامل قانون دسترسی داشته باشید که در سایت‌های مختلف قانونی قابل دسترسی است.



NGO ها تشکل های مردم نهاد

سازمان های مردم نهاد (NGO)، سازمان های غیرانتفاعی هستند که از طریق داوطلبان و کمک های مالی برای دستیابی به اهداف اجتماعی فعالیت می کنند. این سازمان ها در زمینه های مختلفی مانند بهداشت، آموزش، محیط زیست، حقوق بشر، توسعه اقتصادی و جامعه فعالیت می کنند و غالباً مستقل از دولت عمل می کنند.

ویژگی های اصلی سازمان های مردم نهاد:

غیرانتفاعی: این سازمان ها با هدف کسب سود فعالیت نمی کنند و سود حاصل از فعالیت هایشان برای اهداف خیرخواهانه و اجتماعی هزینه می شود.

مستقل از دولت: سازمان های مردم نهاد از نظر مالی و تصمیم گیری مستقل از دولت هستند و می توانند در زمینه های مختلف بدون دخالت دولت فعالیت کنند.

حضور داوطلبان: داوطلبان نقش مهمی در فعالیت های این سازمان ها دارند و بدون دریافت دستمزد، وقت و تخصص خود را برای رسیدن به اهداف اجتماعی سازمان اهدا می کنند.

حضور مردمی: سازمان های مردم نهاد با مردم در ارتباط هستند و به نظرات و نیازهای آنها توجه می کنند.

اهمیت سازمان های مردم نهاد:

خدمت رسانی به مردم: این سازمان ها با ارائه خدمات در زمینه های مختلف مانند بهداشت، آموزش و محیط زیست، زندگی افراد را بهبود می بخشند.

حمایت از حقوق بشر: سازمان های مردم نهاد نقش مهمی در حمایت از حقوق

بشر، به ویژه در کشورهایی که حقوق بشر رعایت نمی شود، بازی می کنند.

ترویج توسعه پایدار: سازمان های مردم نهاد با فعالیت در زمینه های مختلف مانند محیط زیست، توسعه اقتصادی و جامعه، در راستای توسعه پایدار عمل می کنند.

افزایش مشارکت مردمی: فعالیت های این سازمان ها به افزایش مشارکت مردمی در حل مسائل اجتماعی و توسعه کمک می کند.

شفافیت و پاسخگویی: سازمان های مردم نهاد به مردم پاسخگو هستند و فعالیت های خود را به صورت شفاف به عموم اطلاع می دهند.

حق مشارکت شهروندی از طریق تشکل ها نهاد های مدنی و NGO ها و سازمان های مردم نهاد.

حق مشارکت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و منشور حقوق شهروندی به عنوان یکی از حقوق اساسی شهروندی مورد تاکید قرار گرفته است، در قانون اساسی، این حق به روش های مختلفی قابل مشاهده است که از مهمترین آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

انتخابات: حق شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، خبرگان رهبری و شوراهای اسلامی شهر و روستا به عنوان اصلی ترین و مستقیم ترین روش مشارکت سیاسی. این حق در منشور حقوق شهروندی نیز تأکید شده و برگزاری انتخابات آزاد و رقابتی تأکید دارد.

تشکیل احزاب و گروه ها: حق تشکیل احزاب، انجمن ها، و گروه های سیاسی و اجتماعی



بر اساس قانون، این حق با محدودیت‌هایی مواجه است و احزاب و گروه‌ها باید بر اساس قوانین و مقررات فعالیت کنند.

تشکیل سازمان‌ها و NGO های مردم نهاد: با

تشکیل NGO ها و شخصیت حقوقی بخشیدن به فعالیت‌های هدفمند جمعی به منظور دست‌یابی به اهداف اجتماعی می‌توان مشارکت عمومی را در بهبود کیفیت زندگی و ارتقای سطح فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به همراه داشت و روشی مناسب برای داشتن یک جامعه پویا، فعال متعالی در کنار مشارکت عمومی یک جامعه خواهد بود.

ابعاد حقوقی NGO ها:

ابعاد حقوقی NGO ها سازمان‌های غیردولتی بسیار گسترده و پیچیده است و به عوامل متعددی از جمله کشور محل فعالیت، نوع فعالیت NGO، و قوانین حاکم بستگی دارد. به طور کلی می‌توان ابعاد حقوقی NGO ها را به چند دسته اصلی تقسیم کرد:

۱- ثبت و تشکیل:

مقررات ثبت: NGO ها باید طبق قوانین هر کشور ثبت و به رسمیت شناخته شوند. این قوانین ممکن است شامل ارائه مدارک، تعیین نوع فعالیت، و محدودیت‌هایی در مورد فعالیت‌های سیاسی باشد. در ایران مقررات ثبت یک NGO می‌تواند شامل، تعیین موضوع فعالیت، تصویب اساسنامه، کسب مجوز فعالیت از وزارت کشور و نهادهای مربوطه، و ثبت به عنوان نهادی مستقل برای فعالیت اشاره کرد.

شخصیت حقوقی: پس از ثبت، NGO ها معمولاً دارای شخصیت حقوقی مستقل

می‌شوند، به این معنی که می‌توانند به نام خود قرارداد منعقد کنند، دارایی داشته باشند، و در دادگاه‌ها دعوی کنند یا علیه آن‌ها دعوی شود.

ساختار داخلی: قوانین یا اساسنامه تشکیلاتی ممکن است ساختار داخلی NGO ها را تعیین کند، مانند نحوه انتخاب هیئت مدیره، حسابرسی، و شفافیت مالی.

۲- فعالیت‌ها و محدودیت‌ها:

محدودیت‌های فعالیت: برخی کشورها محدودیت‌هایی برای فعالیت NGO ها، به ویژه در حوزه‌های سیاسی، مذهبی یا اجتماعی، وضع می‌کنند. این محدودیت‌ها

است به دلیل فعالیتهای خود با محدودیتها و سرکوب مواجه شوند.

۳. منابع مالی و مالیات:

قوانین مالی: قوانین مختلفی در مورد منابع مالی NGOها وجود دارد، از جمله قوانین مربوط به کمکهای مالی خارجی، مالیات، و گزارشدهی مالی. مالیات: در برخی کشورها، NGOها از پرداخت مالیات معاف هستند، در حالی که در برخی دیگر مشمول پرداخت مالیات میشوند.

۴. روابط با دولت:

مقررات دولتی: دولتها میتوانند از طریق مقررات، نظارتهای قیمومیتی و یا حمایت مالی بر فعالیت NGOها تأثیر بگذارند.

ارتباط با مقامات دولتی: NGOها ممکن است مجبور باشند با مقامات دولتی تعامل داشته باشند، مانند ارائه گزارشهای دوره ای، اخذ مجوز، و یا درخواست کمکهای مالی.

۵. حقوق بین المللی:

معاهدات و اسناد بین المللی: فعالیت NGOها نیز تحت تأثیر معاهدات و اسناد بین المللی، مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، قرار دارد. در این اسناد، حق تشکیل انجمن و آزادی بیان مورد تأکید قرار میگیرد، اما همچنین محدودیتهایی نیز وجود دارد.

چالشهای مشارکت عمومی در غالب NGOها

در ایران، حق مشارکت شهروندی از طریق تشکلهای، نهاد های مدنی و NGOها با چالشها و محدودیتهایی مواجه است.

چالشهای اصلی عبارتند از:

کمبود منابع مالی: سازمانهای مردم نهاد



ممکن است شامل مجوزهای خاص برای فعالیت در حوزههای مشخص، محدودیت در منابع مالی، و... باشد. **مسئولیت قانونی:** NGOها مسئولیت قانونی فعالیتهای خود را برعهده دارند و در صورت نقض قوانین، ممکن است با مجازاتهای اداری یا کیفری روبرو شوند.

شفافیت مالی: اغلب کشورها قوانینی برای شفافیت مالی NGOها وضع کردهاند، و آنها را موظف می کنند که صورت های مالی خود را به طور منظم منتشر کنند.

حمایت از حقوق بشر: در بسیاری از کشورها، NGOها نقش مهمی در حمایت از حقوق بشر ایفا می کنند، اما ممکن

با وجود این چالش‌ها، NGO ها و نهادهای مدنی نقش مهمی در ایجاد فضای مشارکت شهروندی در ایران دارند. آنها می‌توانند در زمینه‌های متعددی مانند بهداشت و درمان، آموزش، محیط زیست، حقوق بشر، حامی آسیب دیدگان و مشارکت در فرآیندهای سیاسی فعال باشند.

راهکارهای بهبود مشارکت شهروندی از طریق شکل‌ها و نهادهای مدنی:

- ۱) تغییر قوانین و مقررات برای ایجاد فضای بازتر و آزادتر برای فعالیت NGO ها
- ۲) حذف محدودیت‌ها و نظارت سختگیرانه بر فعالیت NGO ها
- ۳) ایجاد نهادهای نظارتی مستقل بر NGO ها تسهیل دسترسی به منابع مالی و امکانات برای NGO ها
- ۴) حمایت از NGO ها در زمینه‌های آموزش و توانمندسازی

نمونه‌های داخلی از فعالیت NGO ها یا سازمان‌های مردم‌نهاد:

سازمان‌های مردم‌نهاد ایرانی در زمینه‌های مختلفی مانند بهداشت آموزش محیط زیست حقوق بشر کمک رسانی فعالیت می‌کند در اینجا چندان جی او موفق ایرانی که به طور گسترده شناخته شده‌اند را معرفی می‌کنیم:

موسسه خورشید: این موسسه با هدف مبارزه با بیماری‌های صعب‌العلاج کودکان فعالیت می‌کند این موسسه با ارائه خدمات پزشکی و دارویی به کودکان بیمار به مقابله با بیماری و مرگ و میر کودکان می‌پردازد.

انجمن حمایت از حیوانات: این انجمن با هدف حفظ و حمایت از حیوانات و مقابله با آزار و اذیت حیوانات فعالیت می‌کند این

معمولاً با کمبود منابع مالی رو به رو هستند و برای حفظ فعالیت‌های خود به کمک‌های داوطلبانه و حمایت‌های مالی نیاز دارند.

دشواری در کسب اجازه فعالیت: در برخی کشورها، سازمان‌های مردم‌نهاد با دشواری در کسب اجازه فعالیت روبه‌رو هستند و دولت محدودیت‌هایی برای فعالیت‌های آنها ایجاد می‌کند.

ضعف در مدیریت:

برخی سازمان‌های مردم‌نهاد با ضعف در مدیریت رو به رو هستند که می‌تواند بر کارایی و اثربخشی فعالیت‌های آنها تاثیر بگذارد.

با وجود چالش‌های پیش‌روی سازمان‌های مردم‌نهاد، این سازمان‌ها نقش مهمی در حل مسائل اجتماعی و توسعه کشورها بازی می‌کنند و نیاز به حمایت و همکاری از سوی دولت و مردم دارند.

محدودیت‌های قانونی:

قوانین مربوط به شکل‌ها و NGO ها محدودیت‌هایی را برای فعالیت آنها ایجاد می‌کنند. این قوانین شامل الزام به مجوز از نهادهای دولتی، نظارت سختگیرانه بر فعالیت و محتوای فعالیت و محدودیت در جمع‌آوری وجوه هستند.

عدم وجود فضای کافی برای عملکرد مستقل:

NGO ها در ایران به طور مستقل از دولت فعالیت نمی‌کنند و به نوعی وابستگی به نهادهای دولتی دارند.

محدودیت در دسترسی به منابع:

ها در ایران با محدودیت در دسترسی به منابع مالی و امکانات مواجه هستند.



انجام با ارائه خدمات پزشکی به حیوانات بی سرپرست رگزاری کمپین‌های آگاهی رسانی و حمایت از پناهگاه‌های حیوانات و ترویج رفتار انسانی با حیوانات می‌پردازد.

انجمن یاریگران زندگی: این انجمن به افراد معلول کمک می‌کند تا با دشواری‌های زندگی مقابله کند، این انجمن با ارائه خدمات آموزشی مشاوره‌ای و توانبخشی به افراد معلول، به افزایش توانمندی و مشارکت آنها در جامعه کمک می‌کند.

موسسه خیریه مهرآفرین: این موسسه در زمینه حمایت از کودکان کار و خیابانی فعالیت می‌کند. با ارائه برنامه‌های آموزشی، مهارت‌آموزی و مشاوره‌ای به این کودکان، به بازگشت آنها به تحصیل و زندگی سالم کمک می‌کند.

انجمن حامیان کودکان مبتلا به سرطان: این انجمن به حمایت از کودکان مبتلا به سرطان و خانواده‌هایشان می‌پردازد. با ارائه خدمات درمانی، پشتیبانی روانی و مالی به این خانواده‌ها به آنها در مقابله با این بیماری کمک می‌کند.

موسسه ایران: این موسسه به حمایت از پناهندگان و مهاجران فعالیت می‌کند. با ارائه خدمات مشاوره‌ای، حقوقی، و کمک‌های ضروری به آنها به انتقال سالم آنها به جامعه کمک می‌کند. سازمان محیط زیست: این سازمان به حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی کشور می‌پردازد. با اجرای برنامه‌های آگاهی‌رسانی، آموزش و پژوهش به حفاظت از گونه‌های جانوری و گیاهی و کاهش آلودگی محیط زیست کمک می‌کند.

کشورهای در حال توسعه:

چالش‌های فراوان: کشورهای در حال توسعه غالباً با فقر، نابرابری، عدم توسعه و وجود ساختارهای سیاسی و اجتماعی ضعیف مواجه هستند. این چالش‌ها به طور مستقیم بر حقوق شهروندی تأثیر می‌گذارند. **تلاش برای توسعه حقوق شهروندی:** این کشورها غالباً تلاش می‌کنند که با توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، حقوق شهروندی را ارتقا دهند.

محدودیت‌ها و نقاط ضعف: در برخی از این کشورها هنوز محدودیت‌های قانون و عمل برای حقوق شهروندی وجود دارد.

مقایسه با ایران:

نقاط قوت: قانون اساسی ایران به حقوق شهروندی اشاره می‌کند و برخی از حقوق مهم را به رسمیت می‌شناسد. در عین حال، نهادهای مدنی و NGO ها در ایران فعالیت می‌کنند و به طور مستقیم یا غیرمستقیم در زمینه حقوق شهروندی نقش آفرینی می‌کنند.

نقاط ضعف: وجود تفسیرهای محدود کننده از قوانین مربوط به حقوق شهروندی، عدم وجود نهادهای نظارتی مستقل، استقلال نسبی قوه قضائیه و فشار سیاسی بر NGO ها و نهادهای مدنی، از محدودیت‌های حقوق شهروندی در ایران هستند.

تجربه جهانی نشان می‌دهد که توسعه حقوق شهروندی به عوامل متعددی مانند وجود قوانین مطمئن، نهادهای مستقل، آگاهی عمومی، مشارکت شهروندان و اراده سیاسی بستگی دارد. ایران برای رسیدن به جامعه‌ای با حقوق شهروندی توسعه یافته، نیاز به برطرف کردن محدودیت‌های قانون و عمل، تقویت نهادهای مدنی، افزایش آگاهی

علاوه بر این سازمان‌ها، بسیاری از NGO های دیگر در زمینه‌های مختلف در کشور فعالیت می‌کنند و به بهبود زندگی افراد و جامعه کمک می‌کنند. این‌ها تنها چند نمونه از سازمان‌های مردم نهاد موفق ایرانی هستند که با تلاش داوطلبان و کمک‌های مردمی، به حل مسائل اجتماعی و بهبود زندگی افراد نیازمند کمک می‌کنند.

تجربه جهانی:

تجربه جهانی در زمینه حقوق شهروندی نشان می‌دهد که کشورهای مختلف با توجه به ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود، در مسیرهای متفاوتی در این زمینه حرکت کرده‌اند. مقایسه این تجارب با وضعیت ایران می‌تواند به شناخت نقاط قوت و ضعف نظام حقوقی کشورمان در زمینه حقوق شهروندی کمک کند.

برخی از نکات مهم در تجارب جهانی: کشورهای غربی:

محدودیت‌های اندک: کشورهای غربی غالباً به آزادی‌های فردی و اجتماعی شهروندان و حق مشارکت آنها در اداره جامعه اعتقاد دارند. در این کشورها، قوانین مربوط به حقوق شهروندی با محدودیت‌های اندک و ضمانت اجرایی قوی به کار گرفته می‌شوند.

نهادهای مستقل: نهادهای مدنی و سازمان‌های غیردولتی نقش مهمی در ارتقای حقوق شهروندی و نظارت بر عملکرد دولت دارند.

قوه قضائیه مستقل: قوه قضائیه به طور مستقل از دولت عمل می‌کند و به حفاظت از حقوق شهروندی و مقابله با نقض آنها می‌پردازد.

عمومی و ارتقای فرهنگ مشارکت شهروندی دارد.

نتیجه گیری:

نتیجه این مقاله بر این است که علی رغم وجود برخی نقاط قوت در قانون اساسی ایران، تحقق کامل حقوق شهروندی در عمل با چالش‌هایی مواجه است. محدودیت‌های قانونی، فقدان نهادهای نظارتی مستقل، استقلال نسبی قوه قضائیه و فشارهای سیاسی بر نهادهای مدنی، مانع از توسعه و ارتقای حقوق شهروندی در ایران

می شود.

تجربه جهانی نشان می‌دهد که توسعه و ارتقای حقوق شهروندی به عوامل متعددی مانند وجود قوانین مطمئن، نهادهای مستقل، آگاهی عمومی، مشارکت شهروندان و اراده سیاسی بستگی دارد. بنابراین، برای ایجاد جامعه‌ای با حقوق شهروندی توسعه یافته در ایران، نیاز به تغییر در قوانین و مقررات، تقویت نهادهای مدنی، افزایش آگاهی عمومی و ارتقای فرهنگ مشارکت شهروندی است.



جهت دسترسی به فایل صوتی این مطلب

لطفًا اسکن کنید.

ارزیابی اقدامات رژیم صهیونیستی علیه غزه پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳

در پرتو قوانین بین المللی پیشگیری و مبارزه با جنایت نسل کشی



سلمان سویدزاده

■ دانش آموخته کارشناسی حقوق دانشگاه شهید چمران اهواز ■

SALMANSOVYDZADEH81@gmail.com

مقدمه

با آغاز عملیاتی تحت عنوان طوفان الاقصی از جانب گروه‌های مقاومت فلسطینی از تاریخ ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و واکنش رژیم صهیونیستی علیه این عملیات، امروزه در نوار غزه شاهد ارتکاب انواع و اقسام جنایات جنگی و بین المللی توسط این رژیم علیه ساکنین غزه هستیم. نبرد فلسطین و رژیم صهیونیستی که به تعبیری از آن به عنوان رام نشدنی ترین منازعه یاد می شود باید متذکر شد که مسئله فلسطین اشغالی ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و عملیات طوفان الاقصی نیست و چندین سال است (از سال ۱۹۴۸) که مناطق اشغالی و سرزمین فلسطین شاهد جنایات گسترده و ضد حقوق بشر نیروهای رژیم صهیونیستی می باشد. ارزش ها و هنجار های حقوق بشری که با عنایت به حقوق اساسی و بنیادین و به عنوان مطالباتی که همه انسان ها صرفا به موجب انسان بودن خود به گونه ای منصفانه حق دارند آن را مطالبه کرده

و بخواهند. و در بیان احسن جزئی از حقوق غیرقابل سلب افراد در مقابل دولت و جامعه تلقی شده و دولت ها نسبت به رعایت و احترام به حقوق مزبور، ملزم و مکلف تلقی شده اند. یکی از جنایات بین المللی که ناقض بلفطره حقوق بشر، جوامع بین المللی و مغایر با حقوق بشر دوستانه تلقی می شود جنایت نسل کشی می باشد. نسل کشی به عنوان ام الجرایم و از مهم ترین جنایات بین المللی می باشد. نسل کشی عبارت است از کشتار سازمان یافته یک گروه یا قوم خاص معادل ژنوساید می باشد. این جرم در ماده ۲ کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل کشی ۱۹۴۸ و ماده ۶ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی پیش بینی و برای مرتکبان آن مجازات تعیین شده است. رژیم صهیونیستی در جنگ اخیر غزه با استفاده از سلاح های نامتعارف، ناقض بلاشک حقوق بشر و با هدف قرار دادن اهداف و افراد غیرنظامی و جنایت علیه بشریت، به دنبال نسل کشی و

در سال ۱۹۳۳ نخستین بار توسط حقوقدان لهستانی، رافائل لمکین با استفاده از ترکیب واژه یونانی Genos (به معنای قوم یا نژاد) و پسوند لاتین Cide (به معنای گشتن) به کار رفت. در محاکمات نورنبرگ که لمکین این لفظ را در دادرسی‌های نورنبرگ در مورد جنایات جنگی نازی‌ها و برنامه نابودی یهود که از آن تحت عنوان راه حل نهایی مسئله یهود می‌گفتند، به کار برد. هیچ اشاره خاصی به اصطلاح نسل‌کشی در منشور و رای دادگاه نشده بود ولیکن در کیفرخواست پیش‌بینی شده بود و توسط دادستان مورد اشاره قرار می‌گرفت (آقای جنت مکان، ۱۳۹۳: ۸۶). همچنین مجمع عمومی سازمان ملل متحد در دسامبر ۱۹۴۶ در قطعنامه ۹۶ بیان کرد: نسل‌کشی به موجب حقوق بین‌الملل جرمی است که جهان متمدن آن را محکوم می‌کند. با تصویب کنوانسیون مذکور، این عمل به

پاکسازی قومی و مذهبی در غزه می‌باشد. این عمل حاصل روابط خصمانه و عدم رعایت حقوق بشر و دولت‌ها در مخاصمات نظامی است با عنایت به کنوانسیون پیشگیری و مجازات نسل‌کشی ۱۹۴۸ می‌توان افعال رژیم صهیونیستی را مصداق بارز این جنایت دانست. پرسش اصلی پژوهش این است که آیا جنایاتی که در غزه در حال وقوع است از قبیل کشتار مردم، محاصره و منع ورود کالاهای رافع نیازهای اولیه از قبیل برق، سوخت، آب، غذا و تهاجم به بیمارستان‌ها و تخلیه اجباری مردم و استفاده از سلاح‌های نامتعارف می‌تواند مصداق نسل‌کشی باشد؟

۱- مفهوم نسل‌کشی

نسل‌کشی و کشتار حساب شده یک گروه یا قوم خاص، معادل فارسی ژنوساید به معنی کشتن نسل می‌باشد. به تعبیر دیگری به آن نژاد آزاری نیز گویند. این لفظ



۲- عناصر نسل کشی

برای تحقق جرم نسل کشی نیاز به نابود کردن عملی یک گروه نیست. نسل کشی زمانی ارتکاب باید وقتی که یکی از اعمال مشروحه در ماده ۲ کنوانسیون منع و مجازات نسل کشی با عنصر روانی لازم واقع می شود. نسل کشی می تواند هم از طریق فعل و از طریق ترک فعل واقع شود (آقای جنت مکان، ۹۱:۱۳۹۳) تحقق جرم ژنوسید مستلزم آن است که حداقل سه موضوع عمده در نظر گرفته شود: اولاً؛ هریک از اعمال نسل زدایی باید واقعات ارتکاب یابد (عنصر مادی)؛ ثانیاً؛ علاوه بر عمد در ارتکاب اعمال مذکور، باید قصد و سوءنیت خاص (عنصر معنوی) نیز برای از بین بردن تمام یا بخشی از یک گروه وجود داشته باشد؛ ثالثاً؛ قربانیان باید متعلق به یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی باشند و صرفاً به این دلیل که به گروههای مذکور تعلق دارند، برای نابودی انتخاب شوند (فخروهمکار، ۱۴۰۰: ۵۸). همانگونه که محرز می باشد، کشتار دسته جمعی و هر عمل غیر انسانی که علیه ملت ها به براهین گوناگون از قبیل: سیاسی، نژادی، یا مذهبی به ثمر می نشیند؛ در زمره جنایت علیه بشریت محسوب شده و این نزاع بین رژیم صهیونیستی و فلسطین اشغالی از این قاعده مستثنی نمی باشد جنایات واقع شده بر مبنای تعریفی است که در مواد ۲ و ۳ کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل کشی مورخ ۹ دسامبر ۱۹۴۸ ارائه شده که در رفتار رژیم صهیونیستی علیه غزه عینیت یافته است.

۲-۱- عنصر مادی نسل کشی

۲-۱-۱- کشتار مردم غزه

ارتکاب جرم قتل علیه گروهی با عنوان

عنوان یک جنایت بین المللی شناخته شد. معاهده بین المللی پیشگیری و مجازات جنایات نسل کشی در مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۴۸ در ماده ۲ اشعار می دارد که: منظور از نسل کشی، هریک از اعمال مشروحه زیر است که به قصد نابود کردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی، مذهبی، از حیث همین عناوین ارتکاب می یابد:

الف) قتل اعضای گروه

ب) ایراد صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی یا روحی اعضای گروه

ج) قراردادن عمدی یک گروه در شرایط زندگی نامناسبی که منتهی به زوال قوای جسمی تمام یا قسمتی از آن گروه می شود.

د) تحمیل اقداماتی به منظور جلوگیری از تولد در گروه

ه) انتقال اجباری کودکان از گروهی به گروه دیگر

آنچه که باید بدان توجه داشت آن است که نسل کشی یک جرم با عنصر مادی خاص نیست؛ بلکه هرگونه عمل مجرمانه با قصد نابودی یک نژاد اعم از جزئی یا کلی می باشد. در واقع بندهای پنجگانه ماده ۲ معاهده به نحوی تفسیر پذیرند. اولین اثر نسل کشی، به عنوان یک جنایت بین المللی نقض حق حیات از افراد یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی است. لکن این ناقض حق حیات نمی باشد، جنایت صرفاً بلکه مطابق ظاهر ماده ۲ کنوانسیون منع نسل کشی و مفاد منشور بین المللی حقوق بشر، نقض کننده حق سلامت، آزادی، مذهب، اصل عدم تبعیض و سایر موارد می باشد.



است و یک اصل محوری در این حقوق وجود دارد که آن هم تفکیک نظامی از غیر نظامی است و بر این اساس برای غیر نظامی مصونیت در نظر گرفته شده است و مطلقاً افراد غیر نظامی هدف مشروع نظامی تلقی نمی شوند و طرفین محاصره به هیچ وجه حق ندارند به مردم غیر نظامی حمله کنند و این حملات آشکارا به عنوان جنایت جنگی و اگر به صورت سیستماتیک و گسترده اعمال شود به عنوان جنایت علیه بشریت شناخته می شود و از این رو حملات رژیم صهیونیستی و کشتار سکنه باریکه غزه می تواند مصداق بارز نسل کشی باشد. لازم به بیان است در محاصرات، کادر پزشکی، بیمارستان ها، خبرنگاران و به طور کلی غیر نظامیان مصونیت مطلق دارند. شایان ذکر است که اگر گروه غیر نظامی به طور مستقیم در محاصره شرکت کنند یعنی غیر نظامی مثل

ساکنان غزه که نمونه گروه بزرگتر (فلسطینیان) محسوب می شوند و نیز محاصره همه جانبه آن ها و ممانعت از ارسال نیازهای ابتدایی برای بقای حیات آنان نمونه بارز ارتکاب جرم نسل کشی است (عمرانی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۳۵) حسب اعلام وزارت بهداشت فلسطین از تاریخ ۷ اکتبر ۲۰۲۳ با تشدید بحران رژیم صهیونیستی و غزه باعث کشته شدن ۳۵۸۰۰ نفر شده است که تعداد زیادی از آن غیر نظامیان می باشند و باید اشاره کرد اکثر کشته شدگان زنان و کودکان هستند. فدراسیون بین المللی حقوق بشر، عملیات نظامی رژیم صهیونیستی علیه غزه را فجیع ترین عملیات کشتار علیه فلسطینیان از زمان نکت در سال ۱۹۴۸ اعلام کرده است (صادقی، ۱۴۰۲، ص ۲۷۲). نظام حقوقی حاکم بر جنگ های ضد اشغالگری، حقوق بشردوستانه بین المللی

رژیم با انواع بمب های ممنوعه بیش از همه اقشار جمعیتی این منطقه در معرض انواع آسیب های روحی و روانی قرار دارند که می تواند سلامت و آینده آنان را در معرض خطر قرار دهد. امروزه تلفات و آسیب ها با عنایت به آمارهای منتشره در خصوص مجروحیت تعدادی بیش از ۸۰۰۰۰ نفر از ساکنین غزه، دال بر ایراد صدمات جسمی و روحی به مردم مظلوم غزه می باشد.

۲-۱-۳- قرار دادن عمدی مردم غزه در وضعیت زندگی نامناسب

افعالی که مردم غزه را در شرایط سخت زندگی قرار می دهند عبارتند از:

۲-۲-۳- تهاجم به مراکز درمانی و اختلال در سیستم درمان غزه

طبق قوانین بین المللی حمله به بیمارستان ها و مراکز درمانی جرم است. اما طبق گزارش سازمان جهانی بهداشت، صهیونیستها از ۱۷ کتبر، ۱۷۱ حمله تایید شده به مراکز و پرسنل درمانی فلسطینی انجام دادند و با مورد حمله قرار دادن بیمارستان غزه و بمباران وحشیانه، این قانون بین المللی را نقض کرده اند. این در حالی است که طبق ضوابط بین المللی در نبرد های مسلحانه این تکلیف برای طرفین وجود دارد که اهداف نظامی از اهداف غیرنظامی تفکیک شوند و این بدین معناست که حقوق بین الملل به طور کامل در این زمینه شفاف سازی نموده است. ضمن آنکه درباره بیمارستانها و مراکز درمانی حتی اگر بیمارستان برای درمان مجروحان جنگی اختصاص یافته باشد؛ بازهم کنوانسیونهای ژنو تصریح دارند این

نظامی بجنگد، تبدیل به یک هدف نظامی می شود. کشتارهای گسترده که فراتر از ۳۵۰۰۰ نفر بیان می شود، مجروح شدن تعداد زیادی از مردم نوار غزه که فراتر از ۸۰۰۰۰ نفر بیان می شود. ارتکاب جرم قتل علیه گروهی با عنوان ساکنان غزه که نمونه گروه بزرگتر (فلسطینیان) محسوب می شوند، نمونه بارز ارتکاب جرم نسل کشی است.

۲-۱-۲- ایراد صدمه روحی یا جسمی علیه مردم غزه

موارد فراوانی از خشونت علیه مردم غزه به ویژه کودکان و زنان، نشان دهنده وقوع آسیب شدید بر مردم غزه است که همه این خشونت ها از سوی ارتش رژیم تروریستی اسرائیل می باشد. در حقیقت اقدامات و رفتارهایی هستند که منجر به ورود آسیب های شدید جسمی و روحی به آنها می شود. مجروحیت ناشی از بمباران و تهاجم نظامی بی امان، استفاده از تسلیحات ممنوعه، شکنجه جسمانی، خشونت جنسی اشکال عمده اقدامات آسیب رسانی هستند که علیه مردم غزه توسط ارتش رژیم به کار بسته می شود. در خصوص مجروحیت ناشی از بمباران و تهاجم نظامی رژیم صهیونیستی در نوار غزه باید گفت که طی چند مرحله صورت گرفته است. مرحله نخست بمباران هوایی، مرحله دوم تهاجم زمینی و از نیروی دریایی جهت گلوله باران سواحل غزه استفاده می شده است. با توجه به تراکم شدید جمعیت در نوار غزه زیان های زیاد و غیر قابل جبرانی بر جا می گذارد. در این بین کودکان غزه که امروز از حملات ددمشانه رژیم کودک کش جان سالم بدر برده و شهید یا مجروح نشده اند با توجه به روحیه کودکانه و مشاهده عینی حملات سنگین این

۲-۲-۳-۴-قدام علیه زنان و کودکان

رژیم صهیونیستی در تجاوز کورکورانه خود که خلاف موازین انسانی و قواعد بین المللی می باشد براساس اطلاع رسانی دفتر رسانه ای غزه از ابتدای تجاوز (۱۷ اکتبر ۲۰۲۳) حدود ۱۵۵۱۷ کودک شهید و ۱۷۰۰۰ کودک والدین یا یکی از آنان را از دست داده اند. سازمان ملل با عنایت به حملات ددمنشانه رژیم صهیونیستی، این رژیم را در لیست سیاه کشور های قاتل کودکان قرار داده است. براساس اعلام روزنامه های صهیونیست قرار گرفتن رژیم صهیونیستی در لیست سیاه سازمان ملل منجر به این می شود که کشورها به سمت ممنوعیت فروش سلاح به این رژیم سوق خواهد داد. همچنین براساس اعلام دفتر اطلاع رسانی غزه زنان غزه در معرض اعدام های میدانی، تجاوزات بدنی، آوارگی و دستگیری در جنگی هستند که در آن هر ساعت، دو تا سه زن و به طور متوسط روزانه 63 زن در غزه شهید می شوند.

غذایی

برنامه جهانی غذا که وابسته به سازمان ملل متحد می باشد در بیانیه ای نسبت به خطر ناکافی بودن غذا در نوار غزه هشدار داده و مقرر کرده است: بر اثر حملات رژیم صهیونیستی، از هر ۱۰ کودک در نوار غزه، ۹ کودک از کمبود شدید مواد غذایی در رنج هستند... همچنین این نهاد سازمان ملل اعلام کرد که حملات و محدودیت های تحمیلی بر کمک های انسانی منجر به فروپاشی سیستم غذایی و بهداشتی در غزه شده است.

بیمارستان باید مصون از هرگونه عملیات نظامی باشند و نباید هیچ حمله ای علیه این مراکز انجام شود.

۲-۳-۲--تهاجم به مراکز آموزشی و ازبین بردن سیستم آموزش

از بدو شروع تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی علیه ساکنین غزه این رژیم در اقدامی غیر اخلاقی و و هدفمند به ترور سیستماتیک دانشمندان، دانشگاهیان، افراد نخبه و محقق غزه علاوه بر تجاوز نظامی، بر نابودی ساختار آموزشی و اجتماعی نیز چشم دوخته است. دفتر رسانه ای غزه در اقدامی اسامی ۱۰۰ دانشمند، استاد دانشگاهی و پزشک را منتشر کرد که رژیم صهیونیستی آن ها را از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ به شهادت رسانده است. براساس گزارش سازمان ملل ۸۰ درصد از مدارس غزه تحت حملات شدید رژیم تخریب شده یا آسیب دیده اند و همچنین بیش از ۵۴۷۹ دانش آموز، ۲۶۱ معلم شهید شده اند و بیش از ۷۸۱۹ دانش آموز و ۷۵۶ معلم مجروح شده اند.

۲-۳-۳--تهاجم به مناطق امن ویناگاه‌ها

رژیم صهیونیستی طی تجاوزی که علیه غزه به راه انداخته است همواره در تلاش برای اصلاح مناطق امن برای جابجایی آوارگان در غزه می باشد. و این مناطق امن برای حفاظت از غیرنظامیان بوده است ولیکن رژیم متوحش و متوهم به رعایت حقوق بشر رژیم صهیونیستی طی اقدامی تاکتیکی و هدفمند این مناطق امن را بمباران می کند و به عنوان ابزاری برای محو کردن فلسطینیان از آن بهره می گیرند.



۲-۲- عنصر معنوی؛ ارزیابی سوء نیت مقامات رژیم صهیونیستی برای ارتکاب نسل کشی در غزه

در جرم نسل کشی عنصر معنوی جرم یعنی قصد انجام عمل مجرمانه بسیار مهم است. از آنجایی که کمیسیون مستقلی برای ارزیابی و احراز جرم نسل کشی در وضعیت فلسطین ایجاد نشده است بنابراین بررسی ارکان جرم می بایست براساس گزارش ها یا اظهارات مقام های رسمی باشد در نهایت در پرتو رویه قضایی بین المللی و دکتترین حقوقی مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرد و عموماً قصد از طریق ارزیابی دستورات، نحوه اجرای آن ها، اقدام های مقام های گروه یا

دولت که چارچوب جنگ را مشخص می کند احراز می شود (صادقی، ۱۴۰۲: ۲۷۵). از جمله اظهارات و دستورات مقامات رژیم صهیونیستی می توان به سخنان وزیر جنگ این رژیم اشاره کرد که می گوید: ما با یک مشیت حیوان می جنگیم و مناسب شأن آنها با آنها رفتار می کنیم. ما غزه را به طور کامل محاصره می کنیم نه برق، نه غذا و نه آب و نه گاز. وزیر میراث فرهنگی رژیم صهیونیستی امیخای الیاهومی خواستار حمله اتمی به باریکه غزه شد. رئیس رژیم صهیونیستی، اسحاق هرتزوگ می گوید: همه مردم در غزه مسئول هستند و این درست نیست که بگوییم غیرنظامیان در غزه



که بر وضعیت رنج آوریات مردم غزه تحمیل شد، فرمان‌های تخلیه ای بود که توسط نیروهای صهیونیست در مقاطع زمانی مختلف از ۱۳ اکتبر ۲۰۲۳ صادر شد. مردم غزه بدون توجه به سن و شرایط جسمانی در وضعیتی که از وسایل معاش محروم می‌شدند، با اطلاعیه ای کوتاه مجبور به ترک محل سکونت خود شدند. سازمان جهانی بهداشت، طرح تخلیه ساکنان را به عنوان حکم مرگ ارزیابی و اعلام نمود: (سازمان جهانی بهداشت؛ دستور تخلیه بیمارستان‌های واقع در شمال غزه برای بیماران و مصدومان به مثابه صدور حکم مرگ بود، ۱۴ اکتبر ۲۰۲۳). سازمان ملل متحد اعلام نمود که دستور تخلیه ابتدایی

در این موضوع (عملیات طوفان الاقصی) دخالت نداشتند. ایتمار بن گویر، وزیر امنیت ملی این رژیم، خواستار ادامه حملات بدون وقفه ارتش اشغالگر به غزه شد و گفت: ما باید با تمام قدرت خود غزه را درهم بشکنیم، حماس را نابود کنیم و به نوار غزه بازگردیم. نخست وزیر رژیم، نتانیا هو در یک سخنرانی غزه را «شهر شرارت» خواند و از غیرنظامیان صهیونیست خواست فوراً منطقه پرجمعیت غلاف غزه را که حدود دو میلیون نفر در آن زندگی می‌کنند، ترک کنند. نتانیا هو گفت: تمام مکان‌هایی که حماس در آن‌ها پنهان شده و در آنها فعالیت می‌کند، را به ویرانه تبدیل خواهیم کرد. بارزترین شرایط رنج آوری



از این که توسط متجاوز یا مدافع صورت گرفته باشد، در زمان جنگ ممنوع شده است. همچنین رژیم صهیونیستی ممکن است تخلیه جمعیت به این دلیل است که دشمن خود (حماس) از میان جمعیت خارج سازد ولیکن در پاسخ باید گفت؛ اقدامی چنین بی مهابا و عجولانه با توجه به شرایطی که جمعیت قادر به محافظت از خود نیستند، در هر حال دال بر سوء نیت ویران کردن است. شاید رژیم صهیونیستی سخن از ایجاد مناطق امن بگوید، لیکن با توجه به اوضاع و احوال باریکه غزه این حرف بی اعتبار می شود. الگو های رفتاری قرائن و اماراتی که دادگاه های کیفری بین المللی موردی برای احراز قصد خاص نسل کشی به کار گرفتند، همگی قابل تطبیق با سخنان و دستورات مقامات رژیم صهیونیستی است و به عنوان رویه قضایی در خصوص رسیدگی احتمالی برای مقام ها و مرتکبان صهیونیست و علیه آن ها، قابل استناد است (صادقی، ۱۴۰۲؛ صفحه ۲۷۷).

۳- اقدام حقوقی آفریقای جنوبی علیه رژیم صهیونیستی

آفریقای جنوبی در روز ۲۹ دسامبر ۲۰۲۳ (۸)

خطاب به ساکنان شمال غزه عواقب انسانی ویرانگری خواهد داشت. سازمان ملل متحد در ۱۳ اکتبر ۲۰۲۳ اعلام داشت؛ دستور صادره از جانب رژیم صهیونیستی مبنی بر تخلیه شمال غزه در مهلت زمانی ۲۴ ساعت غیر ممکن است دستور اولیه تخلیه، مدت کوتاهی پس از محاصره کامل صادر شده و مانع توزیع سوخت و آب و غذا گردیده است. شرایط زندگی به گونه ای رنج آور بود که چیزی جز ویرانی نمی توانست نتیجه آن باشد. زیرساخت ها توسط ارتش صهیونیست نابود شده بود. جاده ها و خطوط آب رسانی از بین رفته بود. ساختمان های مسکونی و دیگر ابنیه تخریب گشته بود. ساکنان غزه هیچ راه گریزی از شرایطی که ویرانی را به ارمغان آورده بود، نداشتند. آگاهی رژیم صهیونیستی از ایجاد چنین شرایطی، موید فرض راسخ و موکد بر وجود سوء نیت نابودی است. در این موضع ممکن است رژیم به دفاع مشروع پناه ببرد و زیر چتر آن قرار بگیرد ولیکن باید گفت: در چنین شرایطی ادعای رژیم مبنی بر دفاع مشروع یا اشاره به ارتکاب رفتاری مشابه با آنچه حماس انجام داده، بی اعتبار است. نسل کشی به طور خاص صرف نظر

دی ۱۴۰۲) شکایتی را علیه رژیم صهیونیستی در دیوان بین‌المللی دادگستری تنظیم کرد. اقدام جمهوری آفریقای جنوبی برای کشاندن رژیم به دیوان بین‌المللی دادگستری به اتهام نقض کنوانسیون نسل‌کشی، جهان را تکان داد. این نبرد حقوقی از سوی آفریقا جنوبی تمام وجدان داران عالم را به پشت سر خود کشانده است و هرکس در صدد تقویت زرادخانه آن است، دولت‌ها با خوف و رجا به روند دادرسی چشم دوخته‌اند؛ بعضی خواهان محکومیت رژیم صهیونیستی هستند و بعضی دیگر یا سکوت پیشه کرده یا از رژیم دفاع می‌کنند. شماری از دولت‌ها هم از قصد خود برای ورود به دادرسی در مراحل آتی رسیدگی خبر داده‌اند؛ بعضی در حمایت از رژیم صهیونیستی و بعضی دیگر به طرفداری از آفریقای جنوبی. این دو دستگی مواضع در سطح افکار عمومی نیز قابل مشاهده است. در پی شکایت آفریقای جنوبی، دیوان لاهه نخستین جلسات استماع خود را با حضور تیم‌های حقوقی این کشور و رژیم صهیونیستی در روزهای ۱۱ و ۱۲ ژانویه (۲۱ و ۲۲ دی ۱۴۰۲) برگزار کرد و اعلام کرد که رای اولیه طی چند هفته صادر خواهد شد. دیوان دادگستری بین‌المللی در نهایت در روز ۲۶ ژانویه حکم موقتی را شامل ۶ دستور علیه رژیم صهیونیستی صادر کرد. در ماه ژانویه (بهمن ماه ۱۴۰۲)، دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) اعلام کرد که رژیم صهیونیستی به‌طور قابل توجهی در حال نسل‌کشی در غزه است. و به این رژیم فرصتی یک ماهه داد تا اقداماتی را که در زمینه جلوگیری از نسل‌کشی در نوار غزه انجام شده، به این نهاد ارائه دهد. یک ماه بعد در روز ۲۶ فوریه مهلت تعیین شده از سوی لاهه به پایان رسید بدون اینکه تغییری در روند حملات و جنایت‌های رژیم

صهیونیستی اتفاق بیفتد. روند به سرعت رو به وخامت وضعیت بشردوستانه در نوار غزه به این پرونده قضایی اهمیتی دوچندان می‌دهد. در پرونده حاضر همان‌طور که انتظار می‌رفت، دیوان در مرحله صدور قرار اقدامات موقتی، رویکردی احتیاطی (به لحاظ سیاسی) را برگزید. در این قرار دیوان به نحو چشمگیری بر تعهدات رژیم ذیل کنوانسیون نسل‌زدایی تاکید نمود (که رژیم صهیونیست مدعی رعایت آن تعهدات است). هر چند شوربختانه دیوان به این موضوع که چه رفتارهایی از سوی رژیم صهیونیستی می‌تواند نسل‌زدایی تلقی شود، ورود نکرد. این عدم ورود در پرتو ماده ۴۱ اساسنامه دیوان قابل درک است. عدم صدور دستور آتش‌بس در قرار مزبور نکته قابل توجهی است که به دو دلیل می‌توان آن را منطقی دانست. نخست آن که حماس نمی‌تواند در دادرسی حضور داشته باشد و دیوان منطقی نمی‌تواند از قلمرو قضایی خود خارج شده و فرمان آتش‌بس یک‌جانبه صادر کند. دوم این که دیوان در این وضعیت مجبور نمی‌شود به موضوع مناقشه برانگیز حق رژیم برای دفاع مشروع از خود ورود کند. مهم‌ترین موضوع در این پرونده (پرونده مطروحه از جانب آفریقای جنوبی علیه رژیم صهیونیستی) برای رسیدگی به ژنوسید ارتكابی در غزه، ضرورت اثبات سوء نیت نابودی یک گروه یا لاقلاً بخشی از یک گروه است. دیوان بین‌المللی دادگستری پیش‌تر از احتمال وجود چنین سوء نیتی نزد رژیم صهیونیستی خبر داده بود. اگر پرونده وارد مرحله ماهیتی شود، دیوان باید با دلایل مستحکم این سوء نیت را اثبات نماید. خواه چنین سوء نیتی همراه با اقدامات لازم پیش‌شرط، به این کشور در مقام یک دولت منتسب شود یا بتوان این

به شواهد و قرائن محکمه پسند و داده های معتبر و شایان توجه فراوانی میتوان ارائه نمود که عبارتند از: کشتارهای گسترده که فراتر از ۳۵۰۰۰ نفر بیان می شود، مجروح شدن تعداد زیادی از مردم نوار غزه که فراتر از ۸۰۰۰۰ نفر بیان شود. آوارگی جمعیت عمده نوار غزه، کوچ اجباری جمعیت شمال غزه، معلولیت برخی اشخاص، تخریب بیمارستان ها و مراکز امدادی محاصره کامل غزه و ممنوع کردن ورود آب، غذا، برق، دارو و سایر امکانات اولیه که همگی درد و رنج بیهوده ای به مردم فلسطین وارد می سازد، تخریب زیر ساخت ها، حملات هوایی و بمباران های کورکورانه و بدون هدف، شرایط خاصی برای مردم غزه ایجاد کرده است. که به موجب آنها از ارتکاب ۳ عمل، قتل اعضای یک گروه، وارد کردن صدمه جسمی یا روحی شدید به اعضای یک گروه، قرار دادن عمدی یک گروه در معرض وضعیت زندگی نامناسبی که منتهی به زوال قوای جسمی، کلی یا جزئی شود؛ از اعمال پنج گانه عنصر مادی مطروحه در ماده ۲ معاهده منع و مجازات جرم نسلزدایی ۱۹۴۸ و ماده ۶ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، تحقق عنصر مادی جنایت نسل کشی در خصوص مردم غزه محرز دانست. ۳- در کار تحقق عنصر مادی جرم اظهارات رسمی، دستور ها و رفتار های منسجم دولت مردان صهیونیست و اعلام آشکار قصد خود مبنی بر نابودی غزه و حماس به عنوان نماینده قانونی و مشروع غزه به تحقق عنصر روانی جرم نسل کشی اشاره دارد.

۴- آفریقای جنوبی پرونده ای را علیه رژیم صهیونیستی در دیوان دادگستری بین المللی تشکیل داده است؛ و این رژیم را به ارتکاب نسل کشی در جنگ غزه متهم کرده است.

سوء نیت و اقدامات مذکور را به واحدهای نظامی ویژه تحت فرماندهی صهیونیست ها منتسب نمود، ممکن است رژیم ناقض کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل کشی معرفی شود.

نتیجه

رژیم صهیونیستی با نادیده گرفتن حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین و اشغال حدود ۷۵ ساله سرزمین فلسطین و با آغاز عملیات موسوم به طوفان الاقصی از جانب شاخه نظامی جنبش حماس که با عنوان اقدام نظامی بی سابقه در این مناقشه ۷۵ ساله می باشد و پاسخ گسترده، کوبنده و بی سابقه ارتش رژیم صهیونیستی به این عملیات مرتکب نسل کشی گسترده و جنایات متعدد علیه بشریت و جنایات جنگی شده است. تحقیق پیش رو را می توان تاملی انگاشت که با بهره گیری از آموزه های حقوق کیفری بین المللی و حقوق بشر درصدد برآمده است تا به این مسئله بپردازد که جنایاتی که در غزه در حال وقوع است از قبیل کشتار مردم، محاصره و منع ورود کالاهای رافع نیازهای اولیه از قبیل برق، سوخت، آب، غذا و تهاجم به بیمارستان ها و تخلیه اجباری مردم و استفاده از سلاح های نامتعارف می تواند مصداق نسل کشی باشد؟ پژوهش صورت گرفته برای پاسخ به این پرسش را می توان در بند های زیر برشمرد:

- ۱- پاسخ ارتش رژیم صهیونیستی به نحوی بود که نمی توان از آن تحت عنوان دفاع مشروع قلمداد کرد زیرا که پاسخ ارتش رژیم قابل قیاس با عملیات حماس نبود و وسیع تر از پاسخ حماس می باشد.
- ۲- در خلال تهاجم ارتش این رژیم با عنایت

افریقای جنوبی در شکایت خود اقدامات رژیم صهیونیستی را در غزه نسل کشی توصیف کرد و میگوید که هدف آن‌ها نابودی بخش قابل توجهی از گروه ملی، نژادی و قومی فلسطین است. بر اساس این شکایت، اقدامات مورد بحث شامل کشتار فلسطینی‌ها در غزه، وارد کردن آسیب‌های جسمی و روحی جدی به آن‌ها و تحمیل شرایط زندگی برای آن‌ها می‌شود که معادل از بین بردن زندگی آنهاست. وقوع عنصر مادی نسل کشی محرز است ولی اثبات قصد خاص نابود سازی دشوار است که مقامهای رژیم صهیونیستی که مسئول رسیدگی به این درگیری هستند، اظهارات زیادی را بیان کرده‌اند که به راحتی قصد لازم را برای «تخریب کامل یا جزئی» جمعیت فلسطینی در غزه ثابت می‌کند.

منابع

الف) کتب و مقالات

-آناهید فاطمه، ولی جوانشیر. «مطالعه حقوق بشر در غزه. کنفرانس بین المللی فقه، حقوق، روانشناسی و علوم تربیتی در ایران و جهان اسلام، ۱۴۰۲.

-اردبیلی محمدعلی، محمدجعفر حبیب زاده و حسین فخرناب. نسل کشی و ضرورت جرم انگاری آن در حقوق ایران. پژوهش های حقوق تطبیقی ۳۱، ۱۳۸۵، ۱-۲۶.

-صادقی، مهدی رضا. امکان سنجی ارتکاب نسل کشی در غزه توسط اسرائیل در پرتو عملیات طوفان الاقصی (7 اکتبر 2023). مطالعات حقوقی

-عمرانی سلمان. راهکارهای تعقیب کیفری جنایات اسرائیل در غزه. سیاست خارجی سال 23 زمستان 1388 شماره 4 (پیاپی 92)

-غمامی، سید محمد مهدی. مبانی و جهات قطعی نسل کشی مردم غزه توسط رژیم صهیونیستی. نشریه علمی «دولت و حقوق»، 1402؛ 4(4): 85-100.

-فخر حسین، صادقی سالار. مسئولیت کیفری بین المللی برای کشتار مسلمانان در میانمار. دیدگاه های حقوق قضایی -میرمحمدصادقی حسین. حقوق جزای بین الملل، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۸.

-کیتی چایساری، کریانگ ساک. حقوق کیفری بین المللی، ترجمه حسین آقایی جنت مکان. تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۳.

-حیدری مریم، بررسی حقوقی سالهای به کار برده شده در جنگ غزه و اسرائیل، فصل نامه علمی-دانشجویی حق گستر، سال چهارم ویژه نامه پاییز ۱۴۰۲

ب) منابع الکترونیک

-پورکند اعظم (۱۴۰۳). ترور دانشمندان و فرهیختگان فلسطینی در غزه یک تاکتیک عمدی اسرائیل است.

ج) قوانین و مقررات

-اساسنامه دادگاه جنایی بین المللی رم
-کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل کشی
-کنوانسیون چهارم ژنو



جهت دسترسی به فایل صوتی این مطلب

لطفًا اسکن کنید.

امر آمر قانونی و بررسی مسئولیت آمر و مامور



مهدی جلیلی فر

■ دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه شهید چمران اهواز ■

mahdejalili2008@gmail.com



سهیلا قنبری

■ دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه شهید چمران اهواز ■

soheilaghani77@gmail.com

یکی از اسباب اباحه مسئولیت کیفری، امر آمر قانونی است که در حقوق کیفری ایران، از ماده ۴۲ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ تا کنون مطابق ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پذیرفته شده است. بدین ترتیب، در صورت ارتکاب جرم توسط مامور که دستور خود را از آمر ذی صلاح دریافت کرده است، مسئولیت کیفری از او سلب شده و آمر جایگزین مامور در مسئولیت کیفری می شود. لکن مسئولیت مدنی مامور به قوت خود باقی است؛ یعنی آمر با صدور دستور غیر قانونی دارای مسئولیت کیفری شده ولی مسئولیت مدنی برای آن در قانون تصور نشده است. اگر چه این مسئله یعنی فقد مسئولیت مدنی آمر، می تواند یکی از ایرادات قانون گذار باشد، لکن در قوانین کیفری کنونی ایران، این موضوع پذیرفته شده و در آراء مختلف صادره از محاکم نظامیان، این موضوع مطرح می شود. این نوشته در تلاش است تا مسئولیت مامور ناشی از امر غیر قانونی آمر را بررسی کند. در مواردی مامور به جبران خسارات مادی ناشی از امر غیر قانونی آمر محکوم می شود در حالی که مسبب اصلی یعنی آمر ممکن است تنها به مسئولیت کیفری ناشی از عمل مجرمانه محکوم شود. در سیاست جنایی قضایی ایران به مسئولیت

کیفری و مدنی آمر و مامور حکم داده شده که موضوع مسئولیت مدنی مامور، به دلیل عدم تعیین تکلیف در قبال آن، از مفاد عمومی مطروحه در باب مسئولیت مدنی استفاده می‌شود. این خلأ قانونی، شرایط ناعادلانه‌ای برای مامور ایجاد می‌کند و باید در خصوص مسئولیت مدنی مامور در جبران خسارات مادی اصلاح قانونی صورت گیرد.

واژگان کلیدی: آمر قانونی، مامور، مسئولیت کیفری، مسئولیت مدنی

مقدمه

امر آمر قانونی دستوری است که توسط مقام قانونی صادر می‌شود و دارای قدرت الزام‌آوری می‌باشد. این دستور می‌تواند از سوی مقامات مختلفی مانند قاضی، دادستان، ماموران نیروی انتظامی و یا سایر مقامات ذی صلاح صادر شود و افراد ملزم به اجرای آن هستند. عدم اجرای امر آمر قانونی می‌تواند عواقب حقوقی و قانونی به همراه داشته باشد، نوع و شدت این عواقب بستگی به ماهیت امر و مقام صادر کننده آن دارد، افراد مشمول این دستور موظف به اطاعت از آن هستند، این دستور ها صرفاً توصیه یا پیشنهاد نیستند بلکه الزام قانونی دارند؛ پس اگر فردی از اجرای آن خودداری کند ممکن است عواقب قانونی داشته باشد. چالش اصلی در خصوص امر آمر قانونی تعیین حدود اختیارات و مسئولیت‌های آمر و مامور است؛ در واقع در امر آمر قانونی یافتن تعادلی دقیق بین اختیارات آمر، مسئولیت‌پذیری آمر و مامور و حفاظت از حقوق شهروندان مورد نظر است. این امر مستلزم قوانین شفاف، مکانیسم‌های نظارتی مؤثر و آموزش مناسب برای آمران و ماموران می‌باشد. در این نوشته امر آمر قانونی را از جهات مختلفی مورد بررسی قرار می‌دهیم و خلأ موجود در نظام قانون‌گذاری ایران را بیان می‌کنیم.

بررسی سابقه تاریخی امر آمر قانونی در قوانین

ایران

ماده ۴۲ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ علل توجیه کننده را فقط در مورد ماموران دولتی می‌پذیرفت. این ماده مقرر می‌داشت: «عملی که از مستخدمین و مامورین دولتی سر می‌زند در موارد ذیل جرم محسوب نمی‌گردد: ۱. در صورتی که ارتکاب عمل به واسطه امر آمر قانونی واقع شده و مرتکب بر حسب قانون ملزم به اجرای آن بوده است؛...» با تصویب قانون اصلاحی مجازات عمومی ۱۳۵۲، اگرچه با توجه به صدر ماده ۴۱ اینطور تصور می‌شد که قانون‌گذار این علت موجه را به افراد عادی نیز تسری داده اما تبصره‌ی این ماده این استنباط را دچار تردید می‌کرد. در این ماده آمده بود: «اعمالی که برای آنها مجازات مقرر شده است در موارد زیر جرم محسوب نمی‌شود: ۱. در صورتی که ارتکاب عمل به امر آمر قانونی باشد؛... تبصره: هرگاه به امر غیر قانونی یکی از مقامات رسمی جرمی واقع شود، آمر و مامور به مجازات مباشر جرم محکوم می‌شود...» پس از انقلاب، قانون‌گذار توجه بیشتری به جنبه شرعی کرد و ابتدا در ماده ۳۱ قانون راجع به مجازات اسلامی و سرانجام با ایجاد تغییراتی ماده ۵۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ را تصویب کرد که اینطور بیان می‌کرد

«اعمالی که برای آنها مجازات مقرر شده است در موارد زیر جرم محسوب نمی شود: ۱. در صورتی که ارتکاب عمل به امر آمرقانونی بوده و خلاف شرع هم نباشد ۲. در صورتی که ارتکاب عمل برای اجرای قانون اهم لازم باشد.»

قانون مجازات ۱۳۹۲، در مقایسه با قانون ۱۳۷۰، رویکردی عادلانه تر و دقیق تر در خصوص مسوولیت مامور در برابر دستور آمر اتخاذ کرده است. در این قانون جدید، مامور تا زمانی که دستور آمر قانونی باشد، مسوولیت کیفری ندارد و این امر، ماموران را از ترس و نگرانی برای اجرای دستورهای قانونی باز می دارد. همچنین ماموران در قانون جدید در مورد انجام دستور غیر قانونی و یا مشکوک به غیرقانونی بودن مسوول هستند و موظف به خودداری از اجرای دستور می باشند که این امر باعث افزایش دقت و احتیاط ماموران در اجرای دستورات خواهد شد.

۱- تکلیف آمر و مامور در ارتباط با دستورات صادر شده

در این مورد سه نظریه ابراز شده است: الف) نظریه اطاعت محض یا اطاعت کورکورانه: مطابق با این نظریه پس از صدور دستور از جانب مقام صلاحیت دار مامور مکلف به انجام دستور می باشد و حق مخالفت و چون و چرا ندارد. این نظریه بر این مبنا استوار است که مدیریت یک سازمان یا اداره مستلزم اطاعت محض زیر دستان از مقام مافوق است. زیرا اگر حق بررسی قانونی بودن را به مامور بدهیم در واقع قصد بر هم زدن نظام اداری را داشتیم و اداره سازمان از دسترس خارج می شود. نتیجه قبول این نظریه آن است که در صورت غیر قانونی بودن امر و ارتکاب عمل مجرمانه در

اجرای دستور، مامور می تواند از علل موجهه استفاده کند و آمر به مجازات قانونی محکوم شود.

نظریه اول دارای معایبی بدین شرح است: منتهی شدن به استبداد، جلوگیری از بروز استعدادها و باعث سوء استفاده مامورین می شد.

ب) نظریه مشهور به سرنیزه آگاه: این نظریه امکان بررسی امر را به مامور داده است، اگر امر غیر قانونی باشد و از اجرای آن سرباز زند، در صورت اجرای آن خود مسئوول عواقب آن است.

این نظریه نیز خالی از اشکال نیست زیرا به هرج و مرج و بی نظمی منتهی می شد و از استحکام اوامر و نواهی می کاهد و نتیجه نهایی آن فروپاشی سازمان یا مؤسسه است.

ج) نظریه مشهور به رعایت ظواهر: این نظریه تلفیقی از هردو نظریه پیشین است و عمده توجه آن بر درجه غیر قانونی بودن عمل است. اگر آشکار باشد که غیر قانونی است مامور در صورت اجرا نمی تواند به علل موجهه متوسل شود، به عکس اگر غیرقانونی بودن عمل به آسانی قابل تشخیص نبود او می تواند از این دفاع استفاده کند. در اجرای نظریات بیان شده لازم است به نوع سازمان یا اداره و اهداف تشکیل آن توجه داشت. به موجب بند الف ماده (۳۳) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲: نظامیان مسلحی که با تبانی یا به صورت دسته جمعی از اطاعت فرماندهان یا روسای خود سرپیچی کنند چنانچه مصداق محارب نباشد هر یک به ۳ تا ۱۵ سال حبس محکوم می شوند. به موجب ماده ۳۸ همین قانون مجازات لغو دستور در غیر مواقع جنگی حبس از یک تا دو سال است در حالی که در

مقررات کشوری مربوط به ادارات دولتی عدم انجام دستور مافوق صرفاً یک تخلف اداری است و تنها مجازات انتظامی و انضباطی دارد.

۲- قانونی بودن امر

امر باید قانونی باشد به این معنا که قانون بر اجرای آن صحت گذارد باشد امر امر قانونی یعنی امری که از جانب مقام صلاحیت دار به موجب قانون صادر می شود، ممکن است عملی در قانون مجازات جرم شناخته شده باشد ولی چون اجرا کننده این دستورات با توجه و مستند به امر امر قانونی عمل کرده است بنابراین مسئولیتی نخواهد داشت. مثلاً بازپرس می تواند قرار بازداشت موقت صادر کند و ضابطان دادگستری را مامور دستگیری و جلب متهم نماید و یا آنان را مامور کند وارد خانه متهم شوند و به تفتیش آن بپردازند. در تمام این موارد یعنی بازداشت، ورود به محل سکونت و احتمالاً ضبط آلات و ادوات جرم رفتار ماموران که در حالت عادی جرم به حساب می آید مباح است و مؤاخذه ای ندارد. لازم به ذکر است در صورتی که ماموران در حین انجام وظیفه از حدود قانون عدول کنند مسئول می باشند به طور مثال در جرم غیر مشهود قانون آیین دادرسی کیفری در ماده ۴۴ به مقام قضایی اجازه داده است که هر اقدامی را لازم می داند برای دستگیری و کشف جرم و جلوگیری از فرار انجام دهد در صورتی که مامور طبق دستور امر اقداماتی را انجام دهد مانند ورود به منزل تفتیش سلب آزادی افراد و... به دلیل اینکه طبق امر امر این رفتارها را انجام داده است رفتار او مجرمانه قلمداد نمی شود. ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته علاوه بر موارد مذکور در مواد قبل ارتکاب رفتاری که طبق قانون جرم محسوب می شود در مورد زیر قابل مجازات

نیست.

الف) در صورتی که ارتکاب رفتار به حکم یا اجازه قانون باشد.

ب) در صورتی که ارتکاب رفتار برای اجرای قانون اهم لازم باشد.

پ) در صورتی که ارتکاب رفتار به امر قانونی مقام ذی صلاح باشد و امر مذکور خلاف شرع نباشد.

باید دید آیا بین قانونی بودن و خلاف شرع نبودن تفاوتی وجود دارد یا خیر؟ آیا قانونگذار از دو مقوله جدا سخن رانده یا اینکه منظور از هر دو عبارت یکی است؟ آیا مامور باید علاوه بر اینکه به غیر قانونی بودن امر آگاه باشد به غیر شرعی بودن آن نیز آگاهی داشته باشد؟ به موجب اصل چهارم قانون اساسی «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است. بدین ترتیب قانونگذار اصل شرعی بودن قوانین را پس از اظهار نظر شورای نگهبان پذیرفته و تشخیص اینکه قانون یا مقرره ای شرعی یا غیر شرعی است را بر عهده شورای نگهبان نهاده است در نتیجه مامور مکلف به اجرای قانونی است که شرعی بودن آن را شورای نگهبان تایید کرده است اگر قائل به تفکیک بین قانون و شرع شویم به ناچار باید اجازه دخالت در حیطه وظایف شورای نگهبان را به همه مامورین بدهیم و این تکلیفی شاق و غیر قابل دسترسی است. فرض کنیم مامور تشخیص دهد که امر صادر شده قانونی است ولی مخالف با شرع است آیا او می تواند به تشخیص خود از انجام دستور سر باز زند؟ بعید به نظر می رسد نظر



۳- «قانونی بودن آمر یا مقام صلاحیت دار»

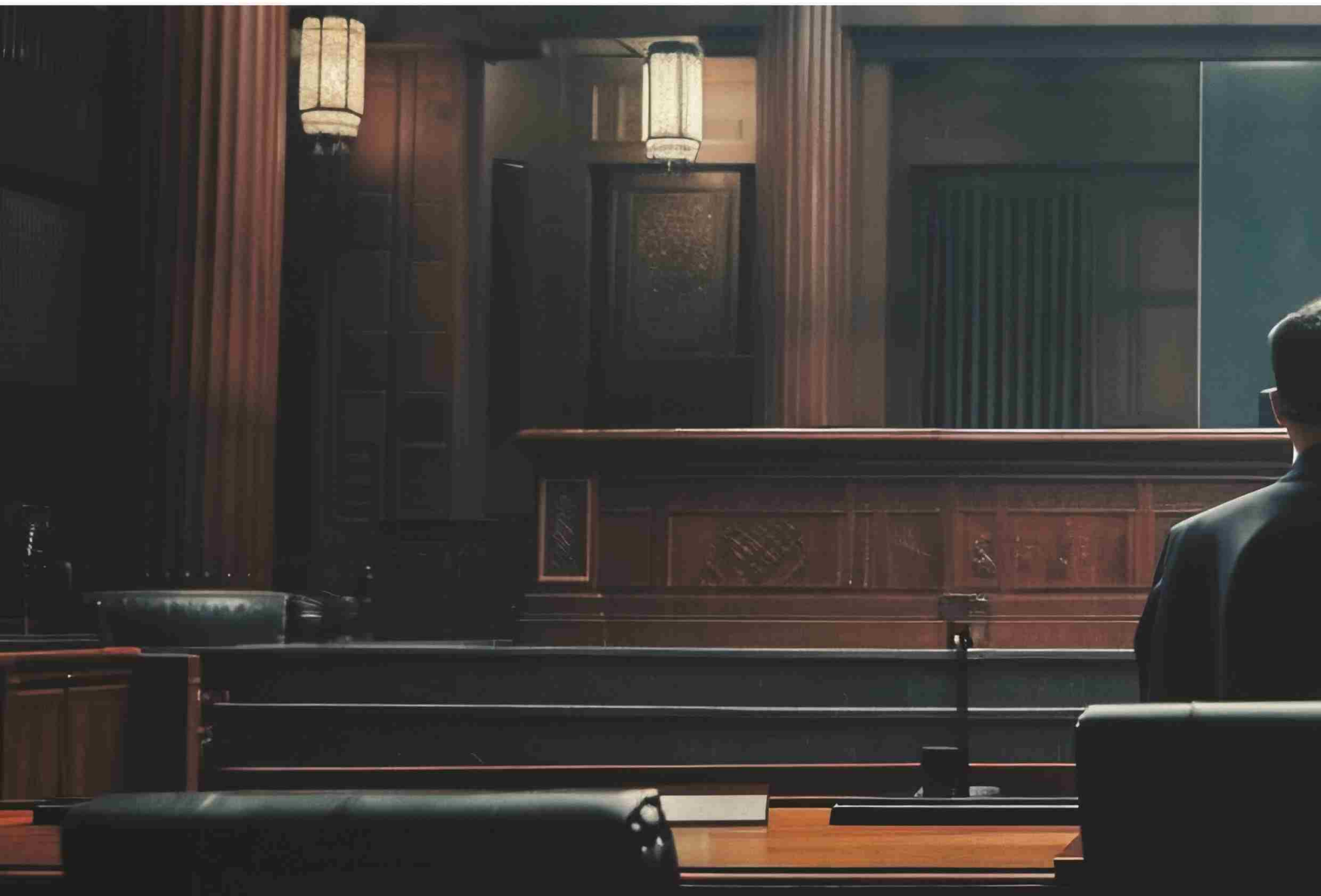
منظور از مقام صلاحیت دار کسی است که قانون به طور صریح و مستقیم اجازه اجرای دستور او را داده است برای مثال اگر فرمانده نیروی انتظامی برای کشف جرم به مامورین تحت امر خود دستور استراق سمع یا ضبط مکالمات تلفنی اشخاص را بدهد چون این امر در صلاحیت این فرماندهی نیست، ضابطان دادگستری نباید تن به اجرای چنین دستوری بدهند بنابراین مامورین باید تا حدودی به امور در صلاحیت آمر واقف باشد و دستور را از مقام ذی صلاح دریافت و اجرا کند. به عبارتی دیگر مقام صلاحیت دار شخصی است که قانوناً قدرت صدور دستور اجرای قانون را در مورد مشخص

قانونگذار در تصویب ماده ۱۵۸، قبول افتراق بین شرع و قانون باشد در نتیجه هر قانونی که صریحاً مخالف بودن آن با شرع به وسیله شورای نگهبان اعلام نشده است، شرعی است و قید این کلمه در ماده مرقوم زاید به نظر می‌رسد. در مجموع مر مقام ذی صلاح در اجرای قانون وقتی سبب مشروعیت فعل مامور می‌گردد که واجد شرایط ذیل باشد:

- ۱- امر قانونی و در صلاحیت آمر باشد.

- ۲- مامور بر حسب قانون موظف به اجرای امر باشد.

- ۳- امر مقام ذی صلاح باید در شکل مقرر قانونی باشد یعنی کتبی باشد و قوانین را رعایت کرده باشد.



اجرای امر را داشته باشد؛ صدور دستور اجرای حکم تخلیه به مامور یا دادورز که صلاحیت این کار را ندارد مثلاً صدور دستور تخلیه محل مسکونی به مامور جنگلبانی قانونی نبوده و قابل اجرا نیست.

ج) وجود سلسله مراتب: به این معنی که در هر دستگاه دولتی سلسله مراتبی وجود دارد که در اجرای امر وجود سلسله مراتب ضروری است، اصولاً صدور امر به طریق استیلا است؛ یعنی مامور باید مادون آمر باشد مانند صلاحیت رئیس نسبت به معاون اداره و کارمندان یا فرمانده نسبت به زیردستان. علاوه بر سلسله مراتب اداری بعضی سازمان ها دارای سلسله مراتب مخصوص به خود نیز می باشند.

دارد. آقای دکتر لنگرودی ذیل عبارت امر آمر قانونی آورده اند: «آمر قانونی کسی است که به حکم قانون صلاحیت صدور دستوری را به کسی که تحت امر اوست دارد. در ماده ۱۵۹ ق.م.ا عبارت «امر مقام رسمی» آمده است که مقصود از مقام رسمی، مقام رسمی دولتی است که صلاحیت صدور امر را دارد با توجه به گفته های پیشین در مورد صلاحیت سه امر باید لحاظ شود:

الف) صلاحیت آمر: آمر باید به حکم قانون صلاحیت صدور دستور را به ماموری که تحت امر اوست داشته باشد و اگر دستور صادره از جانب او خلاف قانون باشد ماموران تکلیفی بر اطاعت از آن ندارند.

ب) صلاحیت مامور: مامور باید صلاحیت

۴- «مسئولیت آمر و مامور»

گفتیم که آمر قانونی کسی است که به حکم قانون صلاحیت صدور دستور را به ماموری که تحت امر اوست دارد؛ بنابراین آمر قانونی مقام صلاحیت دار دولتی اعم از کشوری و ارتشی است که امثال امر او اگر خلاف قانون نباشد، برای ماموران الزامی است. مامور نیز کسی است که به حکم قانون اجرای دستور مافوق بر او لازم است. قانونگذار قانون مجازات اسلامی به موجب ماده ۱۵۸ ارتکاب عمل مجرمانه را به شرطی که به امر آمر قانونی بوده و خلاف شرع هم نباشد را قابل مجازات ندانسته است. در ماده ۱۵۹ آمده است: «علاوه بر موارد مذکور در مواد قبل، ارتکاب رفتاری که طبق قانون جرم محسوب می شود، در موارد زیر قابل مجازات نیست:

الف- در صورتی که ارتکاب رفتار به حکم یا اجازه قانون باشد.

ب- در صورتی که ارتکاب رفتار برای اجرای قانون اهم لازم باشد.

پ- در صورتی که ارتکاب رفتار به امر قانونی مقام ذی صلاح باشد و امر مذکور خلاف شرع نباشد.

در مقایسه با قانون سال ۱۳۵۲ مشخص می شد که رویکرد مسئولیت آمر و مامور عیناً تکرار شده است ولی در مورد مجازات قانون سال ۱۳۵۲ مامور را که بر اثر اشتباه در قانونی بودن امر مرتکب فعل مجرمانه شده بود مستوجب تخفیف تا دو درجه می دانست در حالی که قانون گذار جمهوری اسلامی مجازات عمومی را برداشته و تنها دیه و ضمان مالی را مورد حکم قرار داده است. اگر این موضوع را با بحث دیه ارتباط دهیم در می یابیم که آمر سبب است و مامور مباشر به همین جهت از نظر حقوق اسلامی او ضامن پرداخت دیه

و ضمان مالی است. قانون گذار در جاهایی از قانون مجازات اسلامی از جمله ماده ۵۷۹ (بخش تعزیرات) مجازات را از مامور برداشته و به جای او آمر مجازات می شود. **اشتباه مامور:** بحث اشتباه مامور یکی از موارد مهمی است که نباید از آن غافل شویم. اشتباه در موضوع مسئولیت کیفری ندارد ولی اشتباه اگر در حکم باشد نمی تواند از علل رافعه مسئولیت باشد زیرا جهل در قانون رافع مسئولیت نیست. اشتباه مندرج در ماده ۱۵۹ ق م ا ممکن است در موضوع یا در حکم باشد. در این ماده از اشتباه قابل قبول استفاده شده است که تشخیص اینکه اشتباه قابل قبول چیست با قاضی محکمه است که با توجه به عرف، وضعیت شخص متهم، میزان اطلاع او از قوانین و مقررات و اینکه آیا جهل او قصوری است یا تقصیری تصمیم گیری خواهد کرد. در مورد اشتباه سه فرض وجود دارد: الف) آمر آگاه به غیر قانونی بودن امر است، ولی مامور آگاه نیست و در موضوع یا حکم اشتباه می کند که از علل موجهه ارتکاب جرم به وسیله شخص اخیر محسوب می گردد. ب) آمر و مامور هر دو آگاه به غیر قانونی بودن دستور هستند که هر دو نفر مسول هستند و به مجازات قانونی محکوم می شوند، در واقع در این قسمت قانونگذار از راهکار مربوط به شرکت در جرم برای تعیین مجازات استفاده کرده است. ج) آمر و مامور هر دو در قانونی بودن امر اشتباه کرده اند، قانون در این خصوص ساکت است. در مورد مامور وضع مشخص است، او می تواند از علت موجهه استفاده کند ولی در مورد آمر باید به مقررات کلی اشتباه که از علل رافعه مسئولیت است رجوع نمود.

فهرست منابع و مآخذ:

اردبیلی، محمد علی (پاییز ۱۴۰۳). حقوق جزای عمومی، جلد اول. نشر میزان.

ضیا، راشین (۱۳۷۹). مسولیت کیفری آمر و مامور. نشر کیهان.

صانعی، پرویز (۱۳۷۲). حقوق جزای عمومی، جلد اول. چاپ پنجم. تهران: انتشارات گنج دانش.

اخوت، محمد علی (۱۳۷۳). حقوق جنایی، جلد اول، چاپ سوم. انتشارات فردوسی.

آقای جنت مکان، حسین (۱۴۰۲). حقوق کیفری عمومی، جلد اول، انتشارات جنگل.



جهت دسترسی به فایل صوتی این مطلب

لطفاً اسکن کنید.

نتیجه گیری: هنگامی که مامور به دستور آمر عمل می کند مسولیت کیفری آن بر عهده شخص آمر می باشد ولی مسولیت مدنی مامور به قوت خود باقی است؛ یعنی آمر با صدور دستور غیر قانونی دارای مسولیت کیفری شده ولی مسولیت مدنی در قانون برای او متصور نشده است؛ اگرچه نبود مسولیت مدنی برای آمر از ایرادات وارده بر قانون گذار می باشد اما در قوانین کیفری کنونی ایران این موضوع پذیرفته شده و در آرای مختلف صادره از محاکم نظامیان این موضوع مطرح می شود. قانون گذار عدم مجازات را منوط به دو شرط دانسته است: خلاف قانون نبودن و عدم مغایرت با شرع. به نظر می رسد با توجه این که قوانین پس از اینکه خلاف شرع نبودن آنها احراز شد به تصویب می رسند بنابراین حکم قانون همان حکم شرع است که اگر دستور آمر قانونی با آن مطابقت نداشت مامور باید با آن مخالفت کند؛ اما در صورتی که شرع را اعم از قانون بگیریم باید این ماده را اینطور توجیه کنیم که از ماده ۱۵۸ ق م ا بند (ب) این مقصود فهمیده می شود که آنچه باید خلاف شرع هم نباشد همان ارتکاب عمل است به این معنی که مامور در اجرای عملی که بنا به دستور آمر قانونی و حکم قانون به او محول شده باید رعایت جهات شرعی را نیز بنماید. نبود مسولیت مدنی برای آمر یک خلأ قانونی است که در واقع شرایط ناعادلانه ای را برای مامور ایجاد می کند و باید در خصوص مسولیت مدنی مامور در جبران خسارت مادی اصلاح قانونی صورت گیرد.

حقوق و ادبیات



ایلیا کشوری

■ دانشجوی حقوق دانشگاه شهید چمران اهواز ■

iliya13831011@gmail.com

در شبی سرد یکی مست به راه افتاده / به سرش فکر هوس بازی و چاه افتاده

ماده ۲۶۵ ق.م.ا: حد مصرف مسکر، هشتاد ضربه شلاق است.

همچنان گام که بر روی زمین برمی داشت / دختری دید جوان، لیک سرش پرده نداشت

تبصره ماده ۶۳۸ ق.م.ا.ت: زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از ۶/۶۰۰/۰۰۰ تا ۳۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.

مرد ناگه به سرش فکر شیاطینی زد / گفت بگذار که وی را بزنم زخمی بد
رفت در پیش و کنارش به سخن های غلط / و فقط طعنه بزد، طعنه بزد، طعنه فقط

ماده ۶۱۹ ق.م.ا.ت: هر کس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شوون و حیثیت به آنان توهین نماید به حبس از دو تا شش ماه و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

دختر خام که از گفته‌ی آن دل خوش کرد / گفت باشد سخنانت به تنم آتش زد
مرد مستِ هوس آلود همین قصه‌ی ما / به عجب بی سرو پا بود عجب بی سرو پا
روزها در پی هم صبح شد و رفت ولی / دخترک دل به کسی داد بی مغزو و لّی
روزی از فکر و فراق نامه‌ای بر زد و آن / نامه یک دعوت از آن مرد بُدش یا که چنان
مرد نیز دعوت آن دخترکِ خام گرفت / ولی از بخت دلش رو به قمار گام گرفت

ماده ۷۰۵ ق.م.ا.ت: ارتکاب هر یک از رفتارهای مذکور در بندهای (۱) تا (۳) این ماده، جرم است و هر شخص به هر نحوی در فضای حقیقی یا مجازی یکی از رفتارهای مذکور را مرتکب شود، علاوه بر ضبط اموال و عواید حاصل از جرم به نفع دولت، به جزای نقدی درجه شش یا جزای نقدی معادل ارزش یک تا سه برابر مجموع اموال و عواید ناشی از جرم، هر کدام بیشتر باشد، محکوم می‌شود:

۱. هر نوع توافق صریح یا ضمنی با هدف برد و باخت که به موجب آن بازنده یا بازندگان یا شخص ثالثی ملتزم به پرداخت وجه، مال، منفعت، خدمت یا امتیاز مالی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به برنده یا برندگان یا شخص ثالثی می‌شوند.

۲. هر نوع مشارکت دو یا چند شخص در خصوص پیش بینی موضوعی خاص یا فرض وقوع امری خاص، که بازنده یا بازندگان ملزم به پرداخت وجه، مال، منفعت، خدمت یا امتیاز مالی یا هر امتیاز دیگری به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به برنده یا برندگان یا شخص ثالثی باشند.

۳. مشارکت دو یا چند شخص در خصوص انجام قرعه کشی یا هر اقدام مبتنی بر شانس یا انتخاب تصادفی که در نتیجه آن کل یا بخشی از وجه، مال، منفعت، خدمت یا امتیاز مالی، پرداخت شده یا در تعهد پرداخت قرار گرفته شرکت کنندگان به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به یک یا چند نفر از شرکت کنندگان که بر مبنای قواعد آن مشارکت، برنده محسوب می‌شوند، پرداخت شود.

گفت عیبی که نباشد شامی اول بخوریم / بعد از آن شام قماری برویم ول بخوریم
کرد پوشیده تن و دست لباسی از دُر / رفت بر خانه‌ی آن دخترک مغلطه خور
چو رسیدش به در خانه‌ی او حلقه بگفت / دخترک دیر آمد، مرد چه فحاشی گفت

ماده ۶۰۸ ق.م.ا.ت: توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد جزای نقدی درجه شش خواهد بود.

دخترک جا زده از خُلقِ بدِ مردِ عزیز / اشک حلقه زده بر چشم، ولی اشکی ریز
مرد چون دید که اشکی شده چشمان ترش / حلقه از دست درآورد و بداد دخترکش
و بگفت از دلت غم بزدایم دختر / گر گذاری بکنم روی تو را بوسی تر

ماده ۶۳۷ ق.م.ا.ت: هرگاه زن و مردی که بین آنها علقه زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند، به شلاق تا نود و نه ضربه محکوم خواهند شد و اگر عمل با عنف و اکراه باشد فقط اکراه کننده تعزیر می‌شود.

دخترک شوکه بشد کرد بسی دوری از او / ولی آن مرد بکرد چند بوس زوری از او

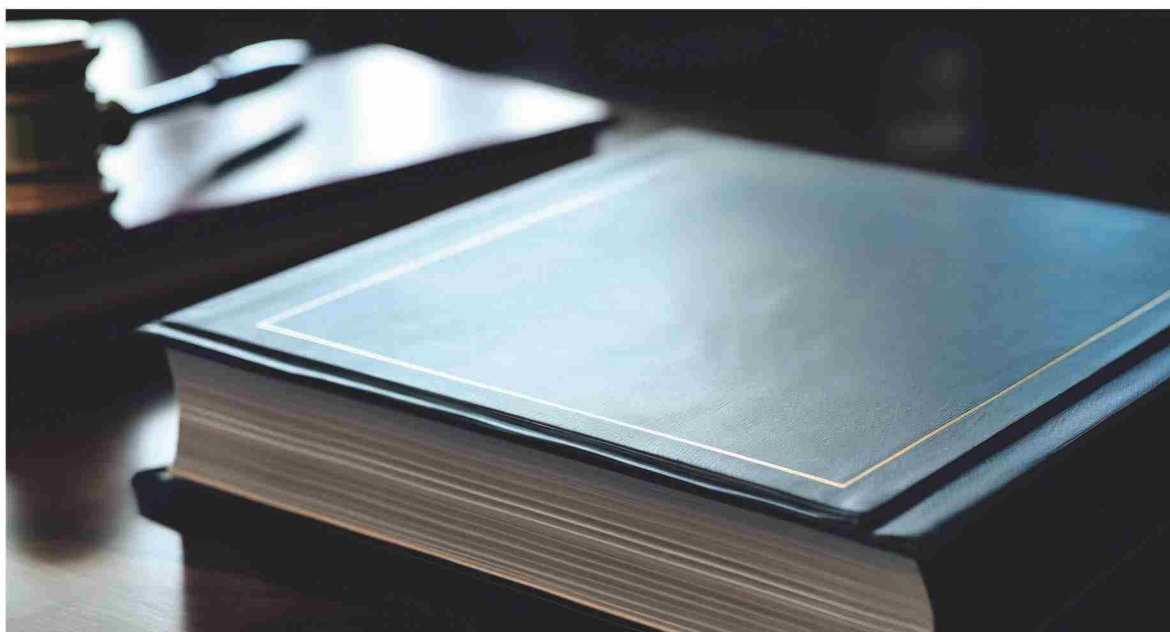
ماده ۱۵۱ ق.م.ا.ت: هرگاه کسی بر اثر اکراه غیرقابل تحمل مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود مجازات نمی‌گردد. در جرائم موجب تعزیر، اکراه کننده به مجازات فاعل جرم محکوم می‌شود. در جرائم موجب حد و قصاص طبق مقررات مربوط رفتار می‌شود.

دخترک حلقه‌ی آن مرد به دستش بودش / مرد آن فکر غلط‌ها به سرش می‌بودش
دخترک ترس به خود راه بداده است اکنون / مرد هم خنده‌کنان حرف بزد چون مجنون

ماده ۱۴۹ ق.م.ا.ت: هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمییز باشد مجنون محسوب می‌شود و مسئولیت کیفری ندارد.

دخترک گفت شنیدم که قماری داری / شب دراز است برو مهره‌ی ماری داری
مرد در فکر برفت و به خودش گفت آری / بروم معرکه آنجا بکنم قماری
بعد برگردم و با دخترک خام و خموش / بکنم بازی و همبازی و هم بازیگوش
مرد در راه قمارخانه مسیر پیش گرفت / به خودش غرق غرور و به زبان نیش گرفت.

ماده ۷۰۶ ق.م.ا.ت: هر شخصی که مکان یا هر نوع فضای حقیقی یا مجازی را برای ارتکاب یکی از جرائم موضوع بندهای (۱) تا (۳) ماده (۷۰۵) این قانون، دایر یا اداره کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود و چنانچه برای انجام جرائم مذکور یا از طریق ارتکاب آنها وجه، مال، منفعت، خدمت یا امتیاز مالی کسب کرده باشد، علاوه بر حبس تعزیری درجه پنج، به ضبط مال و جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر عواید حاصل از جرم نیز محکوم می‌شود. لیک این بازی جان است و تمامش ضرر است / چون ببازی همه‌اش تا همه‌اش پر شرر است



مرد مغرور قماری بزد و هر چه که داشت / داد بر باد، چنان که ز ازل هیچ نداشت
به سرش رفت که یک حلقه بداده است دختر / باشد آن حلقه برایش ز سپر محکمتر
آخرین شرط قمارش به سر حلقه شود / گر که پیروز شود، نان شبش جور شود
راه از سر بگرفت و به بر دختر رفت / طلب حلقه بکرد و آتشی از سر رفت
دخترک حلقه‌ی آن مرد بکرده است هوا / گفت آن حلقه شده نیست، ندادنم که کجا

ماده ۶۷۴ ق.م.ا.ت: هرگاه اموال منقول یا غیرمنقول یا نوشته‌هایی از قبیل سفته و چک و قبض و نظایر آن به عنوان اجاره یا امانت یا رهن یا برای وکالت یا هر کار با اجرت یا بی اجرت به کسی داده شده و بنابراین بوده است که اشیاء مذکور مسترد شود یا به مصرف معینی برسد و شخصی که آن اشیاء نزد او بوده آنها را به ضرر مالکین یا متصرفین آنها استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نماید به حبس از سه ماه تا یک سال و شش ماه محکوم خواهد شد.

مرد گفتش که امانت نتوانی داری؟ / دخترک گفت ندانم بخدا من، بخدا...
دخترک نیز بسی زیرک و بازیگوش است / حلقه را دزدیده، به که چه‌ها در هوش است

ماده ۲۶۷ ق.م.ا: سرقت عبارت از ربودن مال متعلق به غیر است.

و خیانت به امانت که بکردست دختر / مرد آن هیچ نداند که چه کردست دختر در همین حین
همان مرد غضب‌ناک و عیار / رفت در خانه‌ی دختر به غضب، بالاچار

ماده ۶۹۱ ق.م.ا.ت: هر کس به قهر و غلبه داخل ملکی شود که در تصرف دیگری است اعم از آنکه محصور باشد یا نباشد یا در ابتدای ورود به قهر و غلبه نبوده ولی بعد از اخطار متصرف به قهر و غلبه مانده باشد علاوه بر رفع تجاوز حسب مورد به یک تا شش ماه حبس محکوم می شود. هرگاه مرتکبین دو نفر یا بیشتر بوده و لااقل یکی از آنها حامل سلاح باشد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهند شد.

چو همان حلقه‌ی زرین خودش را که نیافت / کفتری داشت که دختر، به سوی او بشتافت
دخترک دید که حیوان عزیز در خطر است / رفت تا دست بگیرد، لیک آخر سپر است
در همین حین که درگیر کبوتر بودند / جامه‌شان خون گرفته و چنان تر بودند
به خود آیند و بدیدند که کفتر مرده است / آه بیچاره چرا چوب حماقت خورده است

ماده ۶۷۹ ق.م.ا.ت: هر کس به عمد و بدون ضرورت حیوان حلال گوشت متعلق به دیگری یا حیواناتی که شکار آنها توسط دولت ممنوع اعلام شده است را بکشد یا مسموم یا تلف یا ناقص کند به حبس از چهل و پنج روز و دوازده ساعت تا سه ماه یا جزای نقدی از ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال تا ۸۲/۵۰۰/۰۰۰ ریال محکوم خواهد شد.

مرد چون دید که این عاقبت قصه شده / آنچنان رفت که در شهر بسا شهره شده
دخترک چوب حماقت به سرش خورده و لیک / شده این پند گرانش، کند آن را تملیک
قصه القصه به پایان خودش آمد و ما / پندهایی بگرفتیم و شنیدیم آنها
عاقبت در ورق آخر اینجا رازی است / هرکه قانون بداند که بدان او راضی است

پی‌نوشت:

ق.م.ا.ت: قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

ق.م.ا.ت: قانون مجازات اسلامی، کتاب پنجم - تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵



جهت دسترسی به فایل صوتی این مطلب

لطفا اسکن کنید.



گرایش‌شناسی (۱) - حقوق خصوصی



میزبان: پریا سلیمانی

■ دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه شهید چمران اهواز ■

pariyaslmny@gmail.com



مهمان: آقای میلاد کیانپوریان نژاد

■ دانشجوی دکترای حقوق خصوصی و مدرس دانشگاه ■

ascu.lts@gmail.com

علاقمند شدم. از جمله اینکه عمده اعمال حقوقی شخص، چه مالی و چه غیرمالی، در این حوزه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد؛ فی‌المثل همه اشخاص و همه خانواده‌ها لزوماً به اختلافات و پرونده‌های جزایی مبتلا نمی‌شوند و چه بسیارند خانواده‌هایی که هیچ‌گاه وارد در یک اختلاف کیفری نشده و نمی‌شوند و نسبت به حقوق عمومی نیز وضع مشابهی جریان دارد، اما همه اشخاص، بدون استثناء، در طول روز با یک یا چند مقوله حقوق خصوصی مواجه هستند. همچنین مباحث روزآمد و نوین در

خودتان را معرفی بفرمایید و سوابق تحصیلی و شغلی‌تان را بفرمایید.

میلاد کیانپوریان نژاد هستم، دانشجوی دکتری حقوق خصوصی و وکیل دادگستری. چه شد که سمت این گرایش رفتید؟ در آغاز، من از دوران دانش آموزی به رشته حقوق علاقمند بودم و نکته جالب این است که در آن دوران، تمایل من به امر قضاوت و پرونده‌های جنایی و جزایی بود. در دوران کارشناسی، با ابواب مختلف علم حقوق آشنایی مختصری پیدا کردم و به جهات مختلف به گرایش حقوق خصوصی

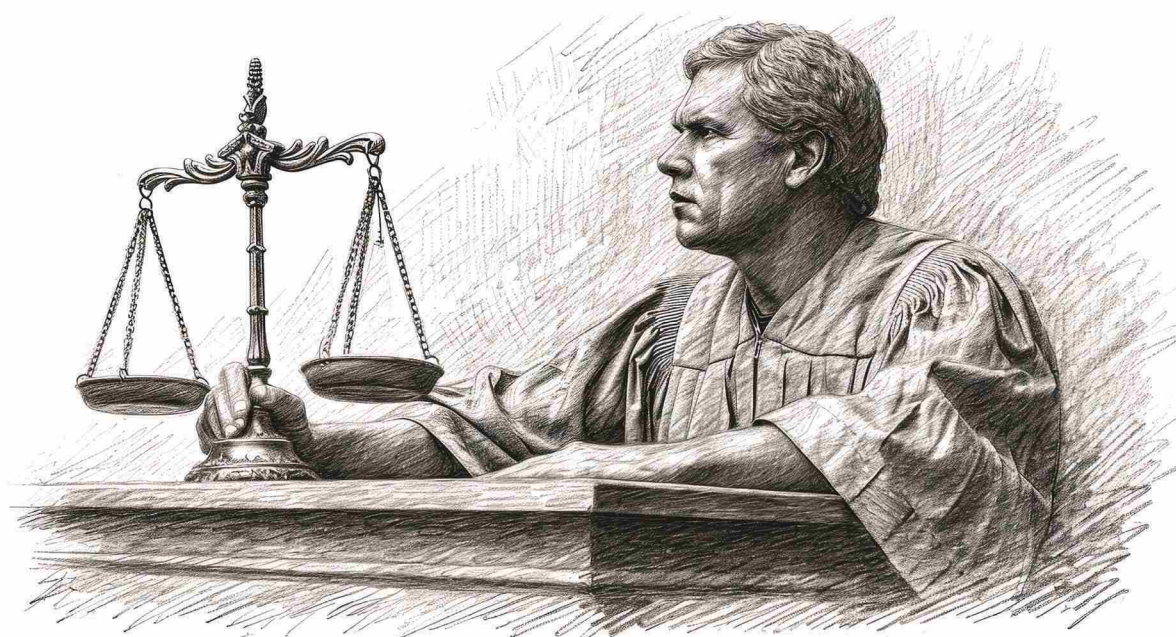
امور اموال و اشخاص بدو باید در این حوزه تعریف و تبیین شوند، مانند حقوق حاکم بر ارزشهای دیجیتالی و ماهیت و آثار آنها، حقوق ناظر بر هوش مصنوعی، مباحث ناظر بر روابط اشخاص در فضای مجازی و دهها پدیده دیگر و نیز پیچیدگی مباحث حقوق خصوصی به ویژه در حقوق قراردادهای که به تعبیر استاد محمدی مهمترین بحث در مقطع کارشناسی است، برای یک دانشجوی کارشناسی جذابیت زیادی دارد و من هم از این قاعده مستثناء نبودم و گرایش مادر بودن حقوق خصوصی نسبت به گرایشهایی مانند حقوق مالکیت‌های فکری، حقوق نفت و گاز، حقوق خانواده و تا حدودی حقوق تجارت بین‌الملل و گرایش‌های متعددی که طی سالیان اخیر ظهور پیدا کرده‌اند نیز بی‌تأثیر در این انتخاب نبود.

گرایش حقوق خصوصی را اگر بخواهید موشکافانه‌تر شرح دهید چه می‌گویید؟

البته که شرح موشکافانه حقوق خصوصی از حیز این مقال خارج بوده و مثنوی هفتاد من می‌طلبد. مختصراً عرض شود، همچنان که در پاسخ به سوال پیش آمد، حقوق خصوصی به فراخور مقتضیات روز و به موازات تغییرات زندگی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، دائماً در حال شدن است و حیات همه اشخاص متأثر از آن است. این تأثیر و تأثر مبتنی بر اصول و قواعد ثابتی مانند قواعد عمومی قراردادهای یا اسباب مسئولیت مدنی از یکسو و وابسته به تدوین احکام و مقررات متناسب با تأسیسات و پدیده‌های جدید حقوقی از سوی دیگر است. یک مثال ساده و ملموس برای دانشجویان کارشناسی می‌تواند قانون پیش‌فروش ساختمان باشد. در قرون و سالیان متمادی،

قواعد عمومی قراردادهای ذیل عقد بیع بررسی شده و موجود بودن مبیع شرط صحت عقد بود (و همچنان از جمله شرایط صحت عقد بیع عین معین، موجود بودن مبیع در زمان عقد است و موجود بودن یا قابلیت موجود شدن نیز شرط صحت عقد بیع مال کلی است) و صحت پیش‌فروش ساختمان‌ها در اصابت با چنین شرطی دشوار می‌نمود. پیش‌فروش ساختمان از طرفی راجع است به مالی که از هر حیث معین شده و متضمن مختصات یک مال غیرمنقول است و از طرف دیگر در زمان عقد وجود خارجی ندارد. از یکسو پیش‌فروشنده را متعهد به احداث ساختمان می‌نماید و از سویی امکان تملیک ساختمان به پیش‌خریدار را حتی قبل از احداث یا تکمیل عملیات آن فراهم می‌کند و احکام متعدد و متفاوت دیگری که در مواجهه آشکار با احکام بیع قرار دارد. این مواجهه در سال ۱۳۸۹ منتهی به تدوین و تصویب قانون پیش‌فروش ساختمان شد و قرارداد جدیدی متفاوت از عقد بیع را به عنوان «قرارداد پیش‌فروش ساختمان» با احکام منحصر به فرد خود، به دیگر عقود معین در نظام حقوقی ما وارد نمود، اما همچنان قصد و رضا و اهلیت از جمله شرایط صحت این قرارداد است و اصولی مانند صحت و نسبی بودن بر آن حکومت دارد. یا در مورد عقد بیمه و تلاقی آن با شرط معلوم و معین بودن در شرایط اساسی صحت قراردادهای وضع به همین منوال است.

حقوق خصوصی در معنای عام خود، اعم از حقوق اموال، اشخاص، خانواده و تجارت است. اما در گرایش‌های مقاطع تحصیلات تکمیلی، عمده مباحث حقوق خصوصی ناظر بر حقوق قراردادهای و حقوق مسئولیت مدنی است. حقوق خانواده و مباحث مختلف



بین الملل، تجارت بین الملل و حقوق ثبت)

با این حال، نظر به اینکه گرایش مادر تلقی می‌شود، علاقمندان به پژوهش در مباحث تخصصی و جدید، مانعی برای گزینش موضوعات مختلف به عنوان موضوع پایان نامه ندارند و به عنوان یک دانشجوی حقوق خصوصی، می‌توانند موضوع پایان نامه خود را در حوزه حقوق مالکیت‌های فکری یا یا حقوق نفت و گاز یا حقوق اقتصادی و دیگر شاخه‌ها، برگزینند.

نظر شما راجع به آینده شغلی گرایش حقوق خصوصی؟

البته آینده شغلی، ارتباط مستقیمی به گرایش شخص در تحصیلات تکمیلی ندارد. تقریباً همه مشاغل مرتبط با رشته حقوق، به صرف داشتن مدرک کارشناسی، با احراز سایر شرایط، در دسترس هستند؛ به عنوان مثال اخذ پروانه وکالت یا تصدی منصب قضا یا اشتغال به سردفتری اسناد رسمی،

حقوق تجارت مثل حقوق شرکت‌های تجاری، حقوق اسناد و قراردادهای تجاری و حقوق حمل و نقل هر کدام به گرایش مستقلی در مقطع کارشناسی ارشد تبدیل شده‌اند، اما همچنان وابسته به مباحث پایه هستند. فی‌المثل شناخت اشخاص و اهلیت انجام عمل حقوقی لازمه درک مباحث حقوق خانواده است و صحت اسناد و قراردادهای تجاری و قرارداد حمل و نقل و مسئولیت‌های مربوطه متوقف بر مطالعه و یادگیری قواعد عمومی قراردادها و اسباب و ارکان مسئولیت است.

گرایش حقوقی خصوصی، متشکل از ۲۶ واحد آموزشی و ۶ واحد پایان نامه است. عمده مباحث آموزشی معطوف به حقوق قراردادها است (حقوق مدنی ۱ و حقوق مدنی ۲ و حقوق مدنی تطبیقی و بخش اعظمی از مباحث متون فقه یک و دو و قواعد فقه) و سایر مباحث نیز به طور کلی موضوع بحث قرار می‌گیرد (مانند مسئولیت مدنی، حقوق تجارت، حقوق بین الملل خصوصی، داوری

پیشنهاد شما برای مطالعه آزمون ارشد حقوق خصوصی، چه منابعی است؟

من از همه منابع آزمونی شناخت ندارم که بتوانم منبع یا منابع خاصی را نام ببرم و البته تبلیغ منابع غیردانشگاهی که غالباً از بنگاه های آزمونی منتشر می شوند، امر صحیحی به نظر نمی رسد. با این حال، چند نکته پیشنهاد می کنم؛ اول اینکه برای مطالعه آزمونی، صرفاً یک منبع مطالعاتی استفاده شود و حتی الامکان از خواندن منابع مختلف پرهیز گردد. دوم اینکه منابع تستی متعدد استفاده شود. سوم اینکه تست های دارای تحلیل و توضیح استفاده شود و تحلیل ها با دقت خوانده شود و از تست های تألیفی و تست های فاقد تشریح و توضیح اجتناب شود. چهارم اینکه برای تست ها را تکرار و تکرار کنید. به عنوان مثال ۳ بار تکرار نمودن ۲ هزار تست مفید بهتر از یک بار زدن ۶ هزار تست مختلف است.

کدام درس ها در آزمون مهم تر و کلیدی تر هستند؟

درس حقوق مدنی مهم ترین درس در آزمون های ارشد و دکتری حقوق خصوصی (و آزمون وکالت) است و در همه آزمون ها ضریب ۳ دارد و عمده سؤالات نیز از مباحث قراردادهای و مسئولیت مدنی طرح می شود. دروس فقه، تجارت و متون حقوقی به زبان خارجی نیز ضریب دو دارند و درس آیین دادرسی مدنی ضریب یک است. با این حال، ملاک رتبه بندی تراز داوطلب در آزمون است و اگر اشتباه نکنم، معمولاً در آزمون ارشد، دروسی که میانگین پاسخ داوطلبان به آن کم بوده است، تأثیر بیشتری در تراز داوطلب دارد. به عنوان مثال اگر میانگین نمره درس فقه ۳۰ درصد باشد و شخص «الف» ۶۰ درصد

مستلزم داشتن مدرک کارشناسی و شرکت در آزمون مربوطه و در صورت قبولی در آزمون، گذراندن دیگر مراحل یا داشتن دیگر شرایط است که البته هرکدام مراحل یا شرایط خاص خود را دارند. اما به واسطه تکرر مباحث و اعمال حقوقی، اختلافات و دعاوی حقوق خصوصی نیز متعدد بوده و تنوع بیشتری دارد و طبیعتاً داشتن تخصص در این گرایش، شخص را به وکیل حرفه ای تر یا قاضی شایسته تری تبدیل می کند. در واقع، هر وکیلی اصولاً اجازه وکالت در هر نوع پرونده ای را دارد و بسیاری از وکلا بدون توجه به موضوع اختلاف یا مرجع رسیدگی کننده، در هر پرونده ای، چه کیفری و چه حقوقی، اعلام وکالت می کنند. اما وکلای حرفه ای و مجرب، معمولاً تمرکز شغلی خود را بر حوزه خاصی قرار داده و به پرونده های دیگر حوزه ها ورود نمی کنند و به عنوان مثال اگر توجه خود را به پرونده های حقوقی معطوف ساخته باشند، در پرونده های کیفری اعلام وکالت نمی کنند و برعکس. و به همین ترتیب، وکلای صاحب نام با تخصصی تر کردن حرفه خود، فی المثل صرفاً در دعاوی ملکی یا امور قراردادهای، به دیگر حوزه های حقوق خاصی نیز ورود نمی کنند و به عنوان مثال پرونده خانواده قبول نمی کنند. به واسطه نقش گسترده ای که حقوق خصوصی در حیات اشخاص دارد، منطقاً دعاوی این حوزه و اختلافات آن نیز بیشتر است و گرایش حقوق خصوصی و مطالعه بیشتر در این حوزه، می تواند شخص را از یک وکیل یا قاضی معمولی، به شخصی متخصص و حرفه ای تبدیل کند و طبیعتاً یک وکیل حرفه ای و متخصص در یک حوزه خاص، تصویر بهتری در جامعه از خود به نمایش گذاشته و بازار کار بهتری خواهد داشت.

پیشنهاد شما برای میانگین ساعت مطالعه و تست زنی روزانه و تعداد دروس در هر روز چقدر است؟

البته من شخص مناسبی برای چنین پیشنهادی نیستم چون تجربه زیادی برای مطالعه آزمون و تستی ندارم. اما اگر شخصی برای مثلاً ۸ ماه یا بیشتر، برنامه مطالعه دارد، فکر می‌کنم که به هر حال مطالعه روزانه فقه و زبان داشته باشد و سایر دروس متغیر باشد. به عنوان مثال شنبه مدنی و فقه، یکشنبه تجارت و زبان، دو شنبه آ.د.م و فقه، سه شنبه مرور مطالب هفته از مدنی، تجارت و آ.د.م و خواندن زبان. چهارشنبه زدن ۱۰۰ تست برای هر درس (مدنی، تجارت و آ.د.م) و مطالعه شرح و تحلیل تست‌ها. پنجشنبه مرور تست‌های اشتباه و زدن تست فقه و زبان (هر کدام ۵۰ تست) و جمعه استراحت. البته مجدداً می‌گویم من صلاحیت کافی برای پیشنهاد برنامه مطالعاتی رو ندارم و صرفاً نظر شخصی‌ام را با ذکر مثال گفتم.

توصیه شما برای دوران جمع بندی چیست؟

عقیده من این است که نزدیک به هر آزمونی، تکرار مطالبی که قبلاً خوانده شده است و تسلط بر آنها، بهتر از خواندن مطالب جدید است. به عنوان مثال، اگر فقط ۷۰ درصد مطالب خوانده شده است و ۲۰ روز به زمان آزمون باقی مانده، بهتر است همان ۷۰ درصد تکرار و تمرین شود و دیگر مطلب جدید خوانده نشود. و باز بهتر است در طول دوران مطالعه، یادداشت برداری شود که در دوران جمع بندی، صرفاً یادداشت‌ها خوانده شود.

پاسخ داده باشد و شخص «ب» ۴۰ درصد، و میانگین درس حقوق تجارت ۵۰ درصد باشد و شخص الف ۴۰ درصد پاسخ داده و شخص ب ۶۰ درصد، جمع درصد هر دو شخص یکی و ضریب هر دو درس نیز ۲ است اما تراز شخص الف بسیار بهتر و بالاتر از شخص ب می‌شود. معمولاً کسانی که از درس متون حقوقی نمره بهتری کسب کنند، شانس بیشتری برای رتبه‌های برتر دارند.

چه زمانی را برای شروع مطالعه مناسب می‌دانید و خودتان از چه زمانی شروع کردید؟

من در آزمون ارشد شرکت نکردم و از سهمیه جذب استعدادهای درخشان برخوردار بودم. با این حال، نظر من این است که ۴۵ دقیقه مطالعه روزانه دانشجویی سه سال بسیار مفیدتر و بهتر از ۸ ساعت مطالعه روزانه طی یک سال است. برای آزمون ارشد نیز، با توجه به اینکه منبع سوالات متون فقه ۷ جلد از کتاب شرح لمعه است (معمولاً داوطلبان تحریر الروضه فی شرح اللمعه که خلاصه ای از شرح لمعه است را جایگزین می‌کنند) و اکثر داوطلبان هم در متون حقوقی به زبان خارجی ضعف دارند، مطالعه این دو درس هرچه زودتر و بیشتر، بهتر است و در خصوص سه درس تخصصی (مدنی، تجارت و آ.د.م)، حسب کیفیت تحصیل دانشجوی در طول دوران کارشناسی و سطح دانش او در مباحث و مطالب پایه، زمان مورد نیاز متفاوت است و در هر حال برای دانشجویان ممتاز نیز حداقل ۴ ماه برای تسلط نسبی بر این سه درس لازم است.



آخرین نکات و پیشنهادات شما برای این مسیر چیست؟

اگر منظور از مسیر، مسیر آزمون است، پیشنهاد می‌کنم که سوالات آزمونهای ۲-۳ سال اخیر به ویژه در مباحث اختلافی، بررسی شود که بدانید طراح سوالات نظر کدام استاد را برای طرح سوال برگزیده است. به عنوان مثال، طراح سوالات مدنی نظرات استاد کاتوزیان را منظور داشته یا به نظرات استاد شهیدی توجه کرده است. و نیز پیشنهاد می‌کنم که قوانین خاص و آراء وحدت رویه را حتماً با جدیت بخوانید و دنبال کنید، به ویژه آراء دو سه سال اخیر. مطالعه برای آزمون بخشی از زندگی روزمره داوطلب است، مثل هر کار روزانه دیگری و زندگی نکردن و حبس

کتابهای آزموننی شدن جنایتی است که معمولاً داوطلبان آزمون‌ها در حق خودشان و اطرافیان مرتکب می‌شوند. بهتر است مطالعه، به عنوان یکی از امور، وارد برنامه زندگی داوطلب بشود، نه اینکه محور قرار گرفته و همه امور دایر مدار مطالعه آزمون، تعطیل یا تعویق یا تنظیم شوند و برای این کار، بهتر است در طولانی مدت با ساعات کمتر مطالعه شود نه اینکه در کوتاه مدت با ساعات زیاد در طول روز. برای علاقمندان به گرایش حقوق خصوصی آرزوی موفقیت دارم.



جهت دسترسی به فایل صوتی این مطلب

لطفاً اسکن کنید.

بررسی نقض حق بر آموزش مردم غزه در اثر جنایات رژیم صهیونیستی پس از طوفان الأقصى



زهرا ارومیه چی

■ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران غرب) ■

zahra.oroomiechiha@gmail.com

پس از عملیات جسورانه و حق طلبانه حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، رژیم صهیونیستی برای جبران شکست مفتضحانه خود ماشین کشتار جمعی‌اش را به راه انداخت. اکنون که بیش از یک سال از سالگرد طوفان الأقصى می‌گذرد آمار شهدای غزه از ۴۲۰۰۰ نفر فراتر رفته که اکثر آن کودکان هستند. جنگ، سوء تغذیه، بیماری و مجروحیت، آوارگی و تخریب در اثر بمباران‌های متعدد در غزه سبب شده است که مردم آن از ساده‌ترین حقوق خود نیز بی‌بهره باشند. یکی از این حقوق حق بر آموزش و تحصیل است که اسرائیل کاملاً آن را به واسطه تخریب اماکن تحصیلی، به شهادت رساندن اساتید، معلمان و محصلین، از مردم غزه به خصوص کودکان سلب کرده است.

کلمات کلیدی: حق بر آموزش، غزه، حقوق بشر، طوفان الأقصى، رژیم صهیونیستی

مقدمه

رژیم صهیونیستی از اکتبر سال ۲۰۲۳

شروع به قتل عام و کشتار غیرنظامیان غزه کرد. نسل‌کشی، پاکسازی قومی، تخریب ساختمان‌های مسکونی و غیر مسکونی، نقض حقوق بدیهی و بشری مردم، بمباران بیمارستان‌ها و اجازه ندادن برای ورود دارو، ربایش افراد، شکنجه کردن زندانیان در زندان‌های مخوف و پنهان، هدف قرار دادن محموله‌های غذایی و آب و ... برخی از

حق بر آموزش یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین حقوق بشر است که در اسناد بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته و مهم تلقی گردیده است. این حق آنقدر اهمیت دارد که نبود یا نقص آن بر آینده یک ملت و بسیاری از حقوق دیگرشان تاثیرگذار خواهد بود. حق بر آموزش حقی بنیادی و ابزاری برای شکوفا کردن استعدادهای انسان و رشد بشر می‌باشد.



مردم غزه امید خود را از دست نداده و در چادرها کلاس درس برپا می‌کنند تا حداقل مقداری از سیستم آموزش حفظ گردد. اما این امر حق برآموزش را احیاء نمی‌کند، محل اسکان مردم غزه نیز به طور مداوم بمباران می‌شود و هر روز به تعداد شهدا و مجروحین و معلولین اضافه می‌گردد.

اهمیت موضوع از آن جایی ناشی می‌شود که یکی از مهم‌ترین حقوق بشری یعنی حق برآموزش بر اثر جنگ و آوارگی در نوار غزه از بین رفته است و بایستی احیاء شود.

مقاله حاضر به این سوال پاسخ می‌دهد که نقض حق برآموزش در غزه که در شرایط جنگی است چه ابعاد حقوق بین‌المللی را داراست؟

در خصوص پیشینه تحقیق باید گفت که متاسفانه با وجود اهمیت فراوان حق برآموزش و تحصیل در اسناد بین‌المللی، کمتر به این حق توجه می‌شود. به تبع آن حال که بیش از یک سال از طوفان الأقصى می‌گذرد، بیشتر به نقض دیگر حقوق مانند حق حیات پرداخته می‌شود. در خصوص موضوع خاص

جرایمی است که اسرائیل مرتکب شده است. متاسفانه برخی نهادهای بین‌المللی ساکتند و عملاً اقدام بازدارنده‌ای نمی‌توانند انجام دهند. حق حیات، حق تصمیم‌گیری برای سرزمین، حق بر سلامت، حق استفاده از آب آشامیدنی و تغذیه سالم، حق منع شکنجه، حق دسترسی به دارو و غیره از حقوقی‌اند که از مردم غزه سلب شده‌اند. در این شرایط و با وجود تخریب مدارس و دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌ها و به شهادت رسیدن دانشجویان و دانش‌آموزان و معلمان و اساتید، امکان تحصیل برای مردم غزه وجود ندارد. یعنی یکی از مهم‌ترین حقوق بشر به طور کامل نقض می‌شود. قصد اسرائیل از بین بردن چشم انداز علمی غزه است که اگر روزی غزه به حالت عادی و غیر جنگی بازگشت نیز نتواند تحصیل را از سر گیرد.

دانشگاه اسلامی غزه، دانشگاه الاسراء، دانشگاه فلسطین، دانشگاه آزاد القدس و دیگر دانشگاه‌ها و مدارس سرتاسر غزه بمباران و تخریب شده‌اند و امکان ادامه تحصیل در آن‌ها وجود ندارد. با این وجود

این مقاله، تألیفی جزیک مقاله یافت نشد که از آن در متن حاضر نیز بهره برده شده است: مقاله نقض حق بر آموزش مردم غزه در نتیجه اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی، محمد حسن پور و حسین آئینه نگینی.

روش تحقیق

نوع تحقیق کاربردی و روش اینجانب تحلیلی - توصیفی است و ابزار اینجانب مطالعه کتب، مقالات، پایان نامهها و گزارشات و اسناد بینالمللی و همچنین مشاهده مستندات و مطالعات موردی است که تحلیل و تفسیر آنها به اطلاعات مختلفی میرسیم و روش جمع آوری دادهها کتابخانه‌ای است.

۱. حق بر آموزش در حقوق بین‌الملل

آموزش به عنوان موثر ترین ابزار برای توانمند سازی، رشد و پیشرفت شخصیت انسانی و یک حق اساسی در اسناد حقوق بشر و اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد توجه

قرار گرفته است. حق تحصیل و آموزش بخشی از حقوق بشر است که به صورت بین‌المللی و در اسناد متعدد حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. احترام به حق تحصیل و آموزش برای همه شهروندان فارغ از اعتقادات مذهبی، سیاسی، جنسیتی و نژادی از نشانه‌های بارز پابندی حکومت‌ها به یکی از جنبه‌های حقوق بشر در سطح جهان است. این حق باید بدون هرگونه تبعیض و در راستای کرامت انسانی برای همه افراد فراهم گردد و دولت‌ها مکلفند با بهره‌گیری از همه منابع در دسترس، زمینه را برای بهره‌مندی شهروندان از آموزش فراهم کنند. (حجی نجف آبادی، پاپا، ۱۳۹۸)

حق بر آموزش به عنوان سازنده زیربنای فهم و درک انسانی و مجرای تعین و تحقق دیگر حقوق معنوی از جمله آزادی اندیشه، بیان و مذهب، از منزلتی بسیار رفیع در میان سایر حقوق انسان برخوردار است و با عنایت به مفاد اسناد حقوق بشری موجود می‌توان



است. این حق در اسناد بین‌المللی مختلفی مهم تلقی گردیده که در ذیل به چند مورد به عنوان نمونه اشاره خواهیم کرد.

۱-۲-۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر

ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر در مورد حق مذکور بیان می‌دارد: آموزش و پرورش حق همگان است. آموزش و پرورش می‌بایست دست کم در دوره‌های ابتدایی و پایه، رایگان در اختیار همه قرار گیرد. آموزش فنی و حرفه‌ای نیز می‌بایست قابل دسترس برای عموم مردم بوده و دستیابی به آموزش عالی به شکلی برابر برای تمامی افراد و بر اساس شایستگی‌های فردی صورت پذیرد. آموزش و پرورش می‌بایست در جهت رشد همه جانبه شخصیت انسان و تقویت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد. آموزش و پرورش باید به گسترش حسن تفاهم، دگر پذیری (تسامح) و دوستی میان تمام ملت‌ها گروه‌های نژادی و دینی و نیز به برنامه‌های ملل متحد در راه حفظ صلح یاری رساند. ضمناً پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش برای فرزندانشان خود مقدم هستند. (Universal Declaration of Human Rights, Article 26)

۱-۲-۲- میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

در ماده ۱۳ آمده است که هدف آموزش و پرورش باید نمو کامل شخصیت انسانی و احساس حیثیت آن و تقویت احترام حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد. علاوه بر این کشورهای طرف این میثاق موافقت دارند که آموزش و پرورش باید کلیه افراد را برای ایفای نقش سودمند در یک جامعه آزاد آماده سازد و موجبات تفاهم و تساهل و دوستی بین

دست و کم در سطوح ابتدایی آموزش این حق را واجد وصف آمرانه دانست. از سویی دیگر این آموزش نمی‌تواند و نباید فارغ از الزامات حقوق بشری باشد حق بر آموزش فارغ از حق بر آموزش خرد حداقلی معنا نمی‌یابد. شروع فرایند آموزش، بدون ایجاد زمینه‌ای برای توانمندسازی اندیشه درباره درستی یا نادرستی شکل و ماهیت آموزش و نیز بی‌توجهی به لزوم آموزش عقلانی و سیستماتیک مدارا می‌تواند خود به نتیجه‌ای بس ناگوار ختم گردد. این بایسته نیز به نحو بسیار ظریفی در اسناد جهانی حقوق بشر دیده می‌شود. (نیاورانی، ۱۳۸۹)

حق بر آموزش حق طبیعی و ذاتی انسانی محسوب می‌شود که سبب رشد شخصیت و به کمال رسیدن انسان می‌شود و استعدادهای بالقوه انسان را به سوی هدف مشخص به فعلیت می‌رساند و اصل قبول شده در اسناد بین‌المللی است. از آن جا که حق بر آموزش در زمره حق داشتن‌هاست نه در زمره حق بودن‌ها، حق بر آموزش مؤید آزادی شهروندان در ترسیم آینده خویش است. (بیگی، تیموری، ۱۴۰۰)

آموزش انواع مختلفی دارد؛ آموزش دینی، آموزش بهداشت، آموزش فنی و حرفه‌ای، آموزش عمومی و پایه، آموزش زیست محیطی و... (حسنی، باقری، رستگار پور، ۱۳۹۴)

۱-۲-۱- حق بر آموزش در اسناد بین‌المللی

همانطور که گفته شد حق بر آموزش و تحصیل یکی از بدیهی‌ترین و البته مهم‌ترین حقوقی است که هر فرد می‌تواند در زندگی خود داشته باشد. امروزه در غزه در اثر جنایات و حملات وحشیانه رژیم صهیونیستی، حق بر آموزش از مردم این منطقه سلب شده

۱-۲-۴- کنوانسیون حقوق کودک

یکی دیگر از اسنادی است که حق برآموزش در آن مورد توجه قرار گرفته است. ماده ۲۸ آن بیان می‌دارد: کشورهای عضو حق کودک را برای برخورداری از آموزش به رسمیت می‌شناسند و برای دستیابی به این حق، به صورت روزافزون و بر پایه ایجاد فرصت‌های برابر به ویژه اقدامات زیر را معمول خواهند داشت: اجباری کردن و در دسترس قرار دادن آموزش ابتدایی رایگان برای همه، تشویق و ترویج ایجاد گسترش انواع مختلف آموزش متوسطه، از جمله آموزش عمومی و فنی حرفه‌ای، فراهم کردن و قرار دادن آن‌ها در دسترس همه کودکان، و به عمل آوردن اقدامات مقتضی از قبیل ارائه آموزش رایگان و اعطای کمک‌های مالی در صورت نیاز، در دسترس قرار دادن آموزش عالی برای همگان بر اساس توانایی‌ها و از هر طریق مناسب، فراهم نمودن اطلاعات و راهنمایی‌های آموزشی و فنی حرفه‌ای و قرار دادن آن‌ها در دسترس همه کودکان، به عمل آوردن اقداماتی جهت تشویق به حضور منظم در مدارس و کاهش موارد ترک تحصیل. کشورهای عضو کلیه اقدامات مقتضی را جهت تضمین این که نظم و انضباط در مدارس مطابق با کرامت انسانی کودک و مفاد پیمان‌نامه حاضر اعمال می‌شود معمول خواهند داشت. کشورهای عضو همکاری‌های بین‌المللی را در موارد مربوط به آموزش، به ویژه در جهت مشارکت در ریشه‌کن کردن جهل و بی‌سوادی در سراسر جهان و تسهیل دسترسی به دانش علمی و فنی و روش‌های نوین تدریس، تشویق و ترویج خواهند کرد. در این خصوص توجهی ویژه به نیازهای کشورهای در حال رشد مبذول خواهد شد. (پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک، ماده ۲۸)

کلیه ملل و کلیه گروه‌های نژادی، قومی یا مذهبی را فراهم آورد و توسعه فعالیت‌های سازمان ملل متحد را به منظور حفظ صلح تشویق نماید. همچنین توسعه مدارس، در دسترس عموم بودن آموزش، تشویق به درس خواندن و تحصیل و رایگان بودن آن از موضوعاتی است که در ماده مذکور به آن اشاره شده و مهم تلقی شده است. (Inter-national Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, Article 13)

۱-۲-۳- کنوانسیون مبارزه با تبعیض در آموزش

این کنوانسیون در ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰ در پاریس برگزار شد. طبق قسمتی از ماده یک این کنوانسیون، اصطلاح تبعیض شامل هرگونه تمایز، محرومیت، محدودیت یا اولویتی است که بر اساس نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگری، خاستگاه اجتماعی یا ملی، و وضعیت اقتصادی یا شرایط تولد به وجود می‌آید و هدف یا پیامدش تخریب یا تضعیف برخورد یکسان آموزشی و به ویژه موارد زیر است: محروم کردن فرد یا گروهی از افراد از هر نوع یا هر سطح آموزش، محدود کردن فرد یا گروهی از افراد به استفاده از کیفیت آموزشی پایین‌تر، تحمیل شرایط (ویژه) به فرد یا گروهی از افراد که مغایر با منزلت انسانی است. (Convention on non-discrimination in education, Article 1)

محرومیت از حق تحصیل و آموزش دیدن آن هم به نحوی وحشیانه و غیر انسانی دقیقاً همان کاری است که رژیم صهیونیستی با نسل‌کشی، تخریب و آواره کردن مردم انجام می‌دهد.

۲. نقض حق تحصیل مردم غزه توسط رژیم صهیونیستی

سال‌های زیادی است که سرزمین مردم فلسطین توسط صهیونیست‌ها اشغال شده و جنگ‌ها و آوارگی‌های متعددی را پشت سر گذاشته‌اند. سال گذشته در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، حماس در اقدامی شجاعانه و در پاسخ به اشغالگری‌ها و تجاوزات و کشتار اسرائیل عملیاتی به نام طوفان الأقصى را آغاز کرد. این عملیات سبب خسارات جانی و مادی به رژیم صهیونیستی گردید. اسرائیل نیز برای بازگرداندن آبروی از دست رفته خویش شروع به کشتار غیرنظامیان و زنان و کودکان کرد. در جریان این جنگ تمامی حقوق بشری مردم غزه نقض شده و غزه به بزرگ‌ترین زندان روباز جهان تبدیل گردیده است که دیگر امکاناتی برای زنده ماندن و مداوای بیماران و مجروحین ندارد. یکی از این حقوق حق بر آموزش است که در ادامه به نقض آن در غزه خواهیم پرداخت.

به یقین نخستین اقتضای تحقق صحیح حق بر آموزش، وجود فرد آموزش‌گیرنده‌ای است که از نظر جسمانی در سلامت، از نظر روانی در امنیت و از نظر برخورداری از حداقل حق بر زندگی تأمین باشد تا بتواند از این حق بنیادین خود استفاده و اهداف مندرج در اسناد بین‌المللی گفته شده را محقق کند. این در حالی است که در نتیجه حملات اخیر رژیم صهیونیستی مانند حملات مستمر سابق، تعداد زیادی از اشخاص آموزش‌گیرنده (دانشجویان و دانش‌آموزان) شهید یا زندانی شده یا با نقص جسمانی و روانی شدید مواجه شده‌اند؛ به گونه‌ای که تحقق این حق نسبت به این افراد منتفی شده است. چنین عملکردی از این رژیم نه تنها

ناقض حق بر آموزش افراد است، بلکه در سرنوشت آتی فلسطین نیز آثار مخربی بر جا خواهد گذاشت. (حسن پور، آئینه نگینی، ۱۴۰۲)

در حقیقت اسرائیل تمامی غزه را ویران کرده و مردم در چادرها زندگی می‌کنند. هیچ ساختمانی باقی نمانده است. مدارس و دانشگاه‌های غزه بمباران شده‌اند و آن‌هایی که باقی مانده به پناهگاه مردم تبدیل شدند که باز هم هدف موشک‌ها و جنگنده‌های رژیم صهیونیستی قرار می‌گیرند. این در حالی است که حمله به مدارس و اماکن آموزشی در جنگ ممنوع است.

اما عملاً اگر ساختمانی هم باقی مانده باشد مشکلات و موانع دیگری برای تحصیل مردم غزه وجود دارد. بار روانی از دست دادن افراد خانواده آنقدر سنگین است که فرد نتواند به خوبی به تحصیل ادامه دهد. وقتی شرایط جنگ و آوارگی حاکم باشد مسائل مهمتری مانند اسکان، تأمین آب و غذای سالم و درمان بیماری و مجروحیت وجود خواهد داشت که نوبت به آموزش و تحصیل نرسد. این موضوع قطعاً بر آینده علمی غزه تأثیر خواهد گذاشت و نابودی زیرساخت‌های علمی غزه را به دنبال دارد.

این حق برای کودکان مهمتر شمرده می‌شود زیرا کودک آسیب‌پذیرتر است. به طور کلی یکی از مهم‌ترین مباحث حقوق کودک در دنیای امروز، مسئله آموزش است. در بیان برخی نویسندگان، حق بر آموزش کودک از حقوق فردی وی و از جمله حقوق اجتماعی برای داشتن جامع سالم است. مهم‌ترین مصادیق حق بر آموزش در بافت حقوق کودکان که باید از سوی مراجع مرتبط محقق و تأمین شود، شامل حقوقی از جمله

نتیجه‌گیری

حق بر آموزش و تحصیل از بنیادی‌ترین حقوق بشر محسوب می‌شود که نبود آن لطمات و آسیب‌های زیادی را به افراد و دولت‌ها و سرزمین‌ها وارد می‌نماید. این حق بیان می‌دارد که همه افراد می‌توانند از امکانات آموزشی که رشد انسانی و مهارتی آن‌ها را دنبال می‌کند برخوردار شوند. کشورها برای رشد، پیشرفت و خودکفایی به افراد باسوادی که مهارت‌های مختلفی داشته باشند نیاز دارند و این جز با آموزش و تحصیل صحیح و ایجاد شرایط مطلوب برای تحصیل محقق نخواهد شد.

حق مذکور آنقدر مهم است که اسناد بین‌المللی مختلفی به آن پرداخته‌اند که مهم‌ترین آن اعلامیه جهانی حقوق بشر است. کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از دیگر اسنادی هستند که در مورد حق بر آموزش تاکید کرده‌اند.

در چنین وضعیتی که حق بر آموزش تا این اندازه اهمیت دارد، رژیم صهیونیستی با نسل‌کشی، بمباران و آواره کردن مردم غزه این حق را از آنان سلب کرده است. عملاً دانش‌آموزان و دانش‌جویان، معلمان و اساتید یا به شهادت رسیده‌اند و یا مجروح و معلولند و از لحاظ روانی نیز آمادگی تدریس و تحصیل وجود ندارد. پس از عملیات مقتدرانه طوفان الأقصى، اسرائیل برای جبران شکست اطلاعاتی و نظامی خود شروع به بمباران کردن مردم بی‌پناه غزه به طور مداوم کرد که هنوز هم پس از یک سال این نسل‌کشی و جنایات ادامه دارد. آوارگی در غزه به حدی رسیده که علاوه بر ساختمان‌های مسکونی، مدرسه، دانشگاه و ساختمان آموزشی نیز باقی نمانده که کودکان و بزرگسالان بتوانند در آن درس بخوانند.

حق دسترسی به امکانات آموزشی، حق برخورداری از آموزش باکیفیت و استاندارد، احترام به شأن و منزلت انسانی کودک، آموزش بدون تبعیض در همه مراحل کودکی، در دسترس بودن امکانات آموزشی و برابری فرصت‌ها در آموزش است. (زر نشان، کرمی، زندی، ۱۴۰۰) این در حالی است که امروزه در غزه بیش از ۶۰ درصد شهدا از کودکان هستند و از بدیهی‌ترین حق خود یعنی حق حیات نیز برخوردار نیستند. سال تحصیلی جدید در غزه شروع شده اما مدرسه‌ای وجود ندارد که بتوانند در آن تحصیل کنند. یا دانش‌آموزان به شهادت رسیده‌اند یا معلمان و یا در اثر بمباران مجروح و معلول شده‌اند.

هدف قرار دادن موسسات آموزشی توسط اسرائیل جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود، زیرا این موسسات به عنوان اهداف غیرنظامی در نظر گرفته می‌شوند و در زمان درگیری‌های مسلحانه محافظت می‌شوند. هدف قرار دادن این مؤسسات نقض آشکار حقوق بشردوستانه بین‌المللی است که رفتار طرفین در درگیری‌های مسلحانه را تنظیم می‌کند و مقرراتی را در مورد حمایت از دانش‌آموزان، کارکنان آموزشی و امکانات آموزشی، به ویژه کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ مربوط به حفاظت از غیرنظامیان در زمان جنگ و تحت اشغال را بیان می‌دارد. این کنوانسیون بر حق آموزش در همه زمان‌ها تأکید و هرگونه خصومت علیه موسسات آموزشی را ممنوع می‌کند. اما در حال حاضر ماشین جنگی اسرائیل به تخریب زیرساخت‌ها، از جمله شبکه‌های برق و ارتباطات، و کشتار دانش‌آموزان، معلمان و دانش‌گاہیان و حملات به مؤسسات آموزشی ادامه می‌دهد. (<https://Pchrgaza>، آخرین بازدید: ۱۴۰۳/۷/۱۷)

نقض حق بر آموزش مردم غزه در نتیجه اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی، ۱۴۰۲، فصلنامه حقوق و دولت، سال چهارم، شماره ۴. ۴. حسنی، علیرضا، باقری، علی، رستگار پور، حسن، حق بر آموزش در اسناد بین‌المللی حقوق بشری، ۱۳۹۴، اولین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی با رویکرد بومی-اسلامی و با تاکید بر پژوهش‌های نوین.

۵. زرنشان، شهرام، کرمی، موسی، زندی، ریحانه، کنکاشی در نسبت میان برخورداری از حق بر آموزش، کسب مهارت‌های زندگی و کاهش خشونت علیه کودکان، دوفصلنامه علمی فقه و حقوق خانواده، ۱۴۰۰، دوره ۲۸، شماره ۷۸.

۶. نیاورانی، صابر، منزلت "حق بر آموزش" در نظام بین‌المللی حقوق بشر، تحقیقات حقوقی، ۱۳۸۹، دوره ۱۳، شماره ۵۲.

اسناد و کنواسیون‌ها:

۷. پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک

English Resources:

8. Universal Declaration of Human Rights
9. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights
10. Convention on non-discrimination in education
11. <https://pchrgaza.org/>



جهت دسترسی به فایل صوتی این مطلب

لطفا اسکن کنید.

سلب حق حیات، از دست دادن افراد خانواده، نداشتن مکان امن و سرپناه، نبود و کمبود مواد غذایی و آب آشامیدنی سالم، وجود انواع بیماری‌های جسمی و روحی آنقدر مهم است که شاید در حال حاضر حق بر آموزش اولویت اول مردم غزه نباشد. نتایج این موضوع در آینده پدیدار خواهد شد و بر وضعیت علمی و چشم انداز تحصیلی نوار غزه اثرات بسیار مخرب و جبران ناپذیری خواهد گذاشت. به نظر می‌رسد و پیشنهاد می‌شود بایستی سازمان‌های بین‌المللی مربوطه مانند مجمع عمومی سازمان ملل و شورای حقوق بشر به طور عام اقدامات مقتضی را انجام داده تا جنگ و نسل‌کشی در غزه متوقف گردد و سپس رژیم اسرائیل بابت تمامی جرایمی که مرتکب شده محاکمه و مجازات شود. همچنین رسانه‌های جمعی باید شرایط و فضایی را برای مطالبه ایجاد کنند که کشورهای حامی اسرائیل دست از حمایت و ارسال تسلیحات و ادوات جنگی و کمک‌های مادی بردارند تا کشتار علیه مردم غزه متوقف شود تا کودکان و زنان و مردان غزه بتوانند پس از بازسازی سرزمینشان از حق بر آموزش به طور صحیح و در شرایط مطلوب برخوردار شوند.

منابع و مآخذ

فارسی:

۱. بیگی، جمال، تیموری، مهرداد، نقد و بررسی لایحه حق تحصیل محکومان در پرتو اسناد بین‌المللی و مقررات داخلی، ۱۴۰۰، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۱، شماره ۳.
۲. حججی نجف‌آبادی، مرضیه، پایا، مسیمو، حق بر آموزش کودکان در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، ۱۳۹۸، فصلنامه حقوق کودک، سال اول، شماره ۳.
۳. حسن پور، محمد، آئینه نگینی، حسین،

کارگاه مقاله نویسی

بخش سوم



علیرضا ابراهیمی

■ دانش آموخته کارشناسی حقوق دانشگاه شهید چمران اهواز ■

روش های جمع آوری و تحلیل داده ها:

رسیدیم به بخش عملی و تجربی مقاله نویسی، قسمتی که شروع مقاله نویسی و ورود داده ها برای گردآوری و سپس تحلیل و آنالیز آن ها برای نگارش مقالات علمی است. میتوان روش های گوناگونی را برای گردآوری داده ها نام برد ولی مهم ترین، اصلی ترین و مرسوم ترین راه ها، پرسشنامه، مشاهده، مصاحبه، مطالعه اسناد می باشد. انتخاب هر یک از روش های جمع آوری اطلاعات بستگی به تعیین نقشه و مسیر برای دستیابی به اهداف و ماحصل پژوهش هست به طور مثال بعضی از پژوهش ها نیاز به مصاحبه ی میدانی دارند بعضی دیگر حتی با مشاهده و یا نگارش پرسشنامه، داده های موردنظر جمع آوری می گردد.

۱- پرسشنامه:

رایج ترین و پرکاربردترین روش برای گردآوری اطلاعات، تنظیم پرسشنامه است. در تحقیق تجربی و شبه تجربی یا پس رویدادی معمولا

از این روش استفاده نمی شود مگر این که به عنوان یک روش مکمل برای تکمیل برخی از اطلاعات به آن نیاز باشد. پرسشنامه شامل مجموعه ای از سوالات می شود که پاسخ به آن ها داده های موردنیاز پژوهشگر را تشکیل می دهد. پرسشنامه اغلب در تحقیقات پیمایشی که نظرسنجی در آن نقش مهمی دارد استفاده می شود.

شاید مهم ترین دلایل برای استفاده از پرسشنامه را می توان به سادگی و قلت هزینه در بین افرادی لازم توزیع کرد که نماینده گروهی بزرگ هستند چون اغلب هویت پاسخگویان مشخص نیست و این می تواند صداقت بیشتری در پاسخگویی به سوالات پرسشنامه را در پی بگیرد.

استفاده از پرسشنامه علاوه بر صرفه چویی در زمان، باعث کاهش فشار پاسخگویی به سوالات می شود چون به هنگام فراغت به سوال ها پاسخ داده می شود و چون پاسخ ها به طور مستقیم توسط پاسخگو داده می شود در یادداشت اظهارات، امکان اشتباه،

می توان به نحوه توزیع آن ها و ابزار گردآوری آن ها اشاره کرد. البته ذکر این نکته نیز حائز اهمیت هست که قالب های پرسشنامه محصور به این دو به تنهایی نیست و می توان شکل های گوناگونی را برای آن متصور شد.

پرسشنامه ها معمولاً یا به شیوه سنتی که مبتنی بر چاپ و کاغذ است و شیوه نوین یا الکترونیکی یا غیرچاپی مبتنی بر فضای اینترنت تقسیم کرد. پرسشنامه ها به چهار دسته تقسیم می شوند: پرسشنامه ایمیلی، تلفنی، کامپیوتری و کاغذی. هر کدام از این روش ها براساس نیازسنجی انتخاب می شوند برای مثال پرسشنامه تلفنی معمولاً برای نظرسنجی مناسب است و نمی توان آزمون های پیچیده روانشناسی را از طریق تلفن اجرا کرد. پرسشنامه ایمیلی برای مواقعی مناسب است که آزمودنی ها در مکانی بسیار دور قرار دارند. این شیوه از نظر هزینه و زمان مقرون به صرفه است. یکی از مشکلات این روش این است که بسیاری از افراد ایمیل ها را نادیده می گیرند و بنابراین میزان پاسخ دهی بسیار پایین است.

پیش داوری و داوری ناروا وجود ندارد. برای داشتن یک پرسشنامه ی خوب داشتن یک مقدمه رسا، جذاب و واضح در ابتدای پرسشنامه مهم است علاوه بر آن پرسش های ما باید خالی از ابهام و قابل فهم باشند. صراحت و شیوایی در بیان پرسش ها باعث کاهش سردرگمی پاسخ دهنده و رسیدن هر چه سریع تر به غایت و مفهوم پرسش ها مطرح می شود.

قراردادن پرسش های حساس و مهم در پایان پرسش نامه و استفاده از پرسش های باز و بسته به همراه هم می تواند بسیار مفید باشد. در هنگام نوشتن پرسشنامه به عنوان یکی از روش های گردآوری اطلاعات باید دقت نمود تا ابتدا از پرسش های زمینه ای استفاده گردد و سپس به پرسش هایی که در زمینه موضوع طراحی شده اند رسید در واقع باید یک سیر بسیار آرام از زمان طرح سوال و پاسخ یافتن آن طراحی کرد تا بسیار ملایم به نتایج از قبل خواسته شده از طراحی سوالات برسیم.

قالب های پرسشنامه به شکل های گوناگونی تقسیم شده اند از مهم ترین آن ها



نکته ای باید مورد اهمیت قرار داد این است که نباید دلالت بر معنا و مفهوم خاصی انجام دهید و آن را به موضع خاص نکشانید. پرسشنامه های کامپیوتری نیز بیشتر برای موسسات و مراکز علمی و یا درمانی مناسب است که هر آزمودنی جدید بر روی کامپیوتر اطلاعات خود را ثبت می کند. این روش باعث کم شدن اتلاف وقت برای گردآوری، وارد کردن اطلاعات و تجزیه و تحلیل داده ها می شود. همچنین ایراد روش کامپیوتری این است که برخی از افراد احساس راحتی ندارند. در نهایت پرسشنامه کاغذی که هنوز هم محبوب ترین شیوه گردآوری اطلاعات است روشی تقریباً کم هزینه و قابل اعتماد است. با این حال برای افرادی که در مناطق دور زندگی می کنند مناسب نیست.

برای بهتر شدن سوالات پرسشنامه باید ابتدا متغیرهای پژوهش را مشخص کنیم پس از آن باید به کمک آن ها به اندازه گیری متغیرها پرداخته و نسبت به آن ها تصمیم گیری کرد.

۲- مشاهده:

مشاهده در واقع به گردآوری بدون نیاز به فرد پاسخ گو گفته می شود. این روش در تحقیقات تجربی و شبه تجربی، که در آن نمی شود از روش پرسشنامه استفاده کرد، کاربرد دارد. مشاهده از روش های جمع آوری اطلاعات است که در آن رفتار مشخصات موجودات زنده اشیا و پدیده ها با استفاده از ویژگی های گوناگون آنها ملاحظه و ثبت می گردد. منظور از مشاهده ثبت دقیق تمام جوانب بروز حادثه و ویژه یا رفتار و گفتار فرد یا افراد از راه حواس و یا سایر راه های ادراکی (کمک گرفتن از ابزار خاص) می باشد. مشاهده منظم در تحقیق ضروری است

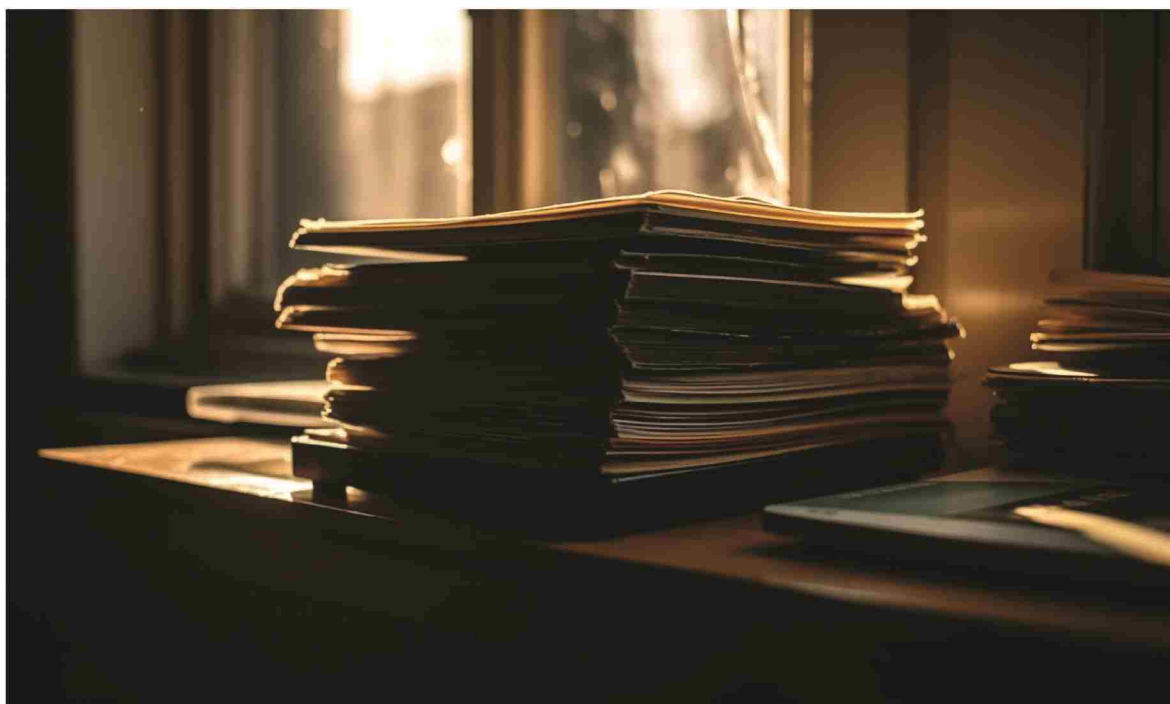
بنابراین مشاهده باید: به هدف تحقیق مربوط باشد برنامه و نحوه عمل آن از قبل مشخص و تنیم شده باشد به طور دقیق و منظم ثبت شود میزان اعتبار و صحت انجام آن قابل سنجش و بررسی باشد در واقع با این روش، محقق می تواند رفتار جامعه یا نمونه مورد بررسی خود را در ارتباط با یک متغیر خاص مشاهده و بررسی کند. مثلاً می توان به میزان مشارکت کارکنان در تصمیم گیری یک شرکت اشاره کرد. در این صورت محقق در جلسات تصمیم گیری آن ها شرکت نموده و با توجه به نحوه ابراز نظر افراد، جمع بندی افراد و تصمیماتی که در این جلسه گرفته می شود میزان مشارکت آنها را مشخص می کند. چرا که این مساله چیزی نیست که بتوان با ارائه پرسشنامه یا تعیین مصاحبه به اطلاعات مستندی دست یافت.

مراحل استفاده از روش مشاهده به صورت ذیل هست:

انتخاب و تعریف مسائل، مفاهیم، علائم و مشاهدات اولیه: این اقدامات به توسعه افکار و اندیشه پژوهشگر در موارد مذکور یاری می کند.

کنترل با ارزش بودن داده ها: این کار با گردآوری اطلاعات بیشتر برای بررسی فراوانی و توزیع پدیده ها، در اجتماع مورد نظر صورت می گیرد.

کوشش جهت قرار دادن تک تک یافته ها در مدل نظام اجتماعی مورد مطالعه: پس از انجام کار میدانی در مرحله تجزیه و تحلیل نهایی انجام می شود که پیامد طبیعی این



فرایند، ارائه یک تصویر کلی است. از مزایای استفاده از مشاهده می‌توان به بررسی جزئیات موضوع اشاره کرد همچنین می‌توان صحت اطلاعات جمع‌آوری شده را با وسایل دیگر آزمایش کرد. حضور مشاهده‌گر که می‌تواند بر روند فعالیت مورد مشاهده تأثیرگذار باشد و همچنین اثر دادن تمایلات شخصی مشاهده‌گر و میزان توانایی او در مشاهده و ثبت دقیق فعالیت مورد مشاهده، استاندارد کردن و طبقه‌بندی اطلاعات و مشکلات اخلاقی در مشاهده اعمال شخصی که باعث وقت‌گیر شدن و پرهزینه شدن استفاده از این روش می‌شود از چالش‌های روش مشاهده برای جمع‌آوری اطلاعات می‌باشد.

۳- مصاحبه:

مصاحبه یکی دیگر از روش‌های جمع‌آوری اطلاعات می‌باشد که در آن به صورت حضوری یا غیر حضوری از افراد یا گروهی از

آنان پرسش می‌شود. نکته مهم آن است که سوالات مصاحبه از پیش اندیشیده شده و تعیین شده است. آنچه مصاحبه‌را به صورت‌های مختلف طبقه‌بندی می‌کند میزان انعطاف‌پذیری آن و یا نحوه اجرای آن است. مصاحبه را یکی از روش‌های دانسته‌اند که امکان دریافت پاسخ در آن بیش از روش‌های دیگر است، زیرا در هنگام مصاحبه امکان تحریک آزمودنی برای دادن پاسخ وجود دارد و نیز می‌توان در صورت ابهام با توضیح موضوع را روشن ساخت.

یکی از مهمترین نکاتی که در فرآیند مصاحبه مطرح می‌شود این است که مخاطب نباید تحت تأثیر نظر پژوهشگر یا مصاحبه‌کننده قرار بگیرد و نظرات یا ایده‌های او را بازتاب دهد. سوالات خودتان را باید به گونه‌ای مطرح کنید که کاملاً خنثی باشد تا جهت‌دهی ذهنی یا تعصب در فرآیند مصاحبه وارد نشود. روش مصاحبه معمولاً یک روش گران‌قیمت قلمداد می‌شود و

مختلف) مجبور است از اسناد و مدارک استفاده کند. در چنین شرایطی وی استفاده از اسناد و مدارک را به عنوان روش جمع آوری اطلاعات جایگزین سایر روش ها می کند. اسناد و مدارک، تمام مواد موجود، از سرشماری ها گرفته تا مدارک رسمی ادارات، پرونده های نهادهای، یافته های باستان شناسی، یادداشت های روزانه ی افراد، نوشته ها تبلیغاتی و ... را در بر می گیرد. محقق از این اطلاعات به عنوان اطلاعات درجه دوم در تحقیق خود استفاده می کند. اینها را اطلاعات درجه ی دوم می نامند؛ زیرا آنها را با هدفی غیر از آنچه که قصد محقق است، جمع آوری کرده اند.

کیفیت و قابلیت استفاده از اسناد و مدارک به کامل بودن اطلاعات، صحت (قابلیت اعتبار) و در دسترس بودن مواد موجود بستگی دارد. اگر اطلاعات موجود، کافی یا دقیق باشد، محقق می تواند در ایجاد بینش، فرضیه ها و آزمون، از آنها استفاده کند.

بحث درباره ی اسناد و مدارک از دو نظر سودمند است: اول اینکه محقق را با روشهای استفاده از آنها آشنا می کند، و دوم اینکه محقق را از وجود آنها و محل دسترسی بدانها آگاه می سازد.

بخش مهم این قسمت این است که محقق در همه ی احوال باید ضمن استفاده از اسناد و مدارک قابلیت اعتبار و اعتماد آنها را ارزیابی کند. اطلاعات موجود باید از انسجام درونی و منطقی برخوردار باشند. اطلاعات موجود در اسناد و مدارک و آمارهای جمع آوری شده توسط سایر نهادهای و ارگانها ممکن است در زمینه ای بسیار جزئی و در سایر زمینه ها بسیار کلی باشد. استفاده کننده مجبور است خود آنها را به نوعی سازمان دهد. در ضمن توصیه می شود که جهت بالا بردن

راههای برای کاهش هزینه های آن وجود دارد از جمله مصاحبه تلفنی یا آنلاین و تشکیل تیم هایی از مصاحبه شوندگان برای صرفه جویی در زمان و هزینه. به طور کلی نویسنده یا پژوهشگر می بایست مشخص کند که هدف اصلی از مصاحبه چیست و چطور قصد دارد هزینه های مربوط به آن را کاهش دهد.

پرسیدن سئوالات باز، واضح بودن، شنونده فعال بودن، پرسیدن سئوالات پیگیری کننده، مشاهده کردن، بی طرف بودن، تحول ایجاد کردن، منتظر چیزهای غیرمنتظره بودن و حضور فعال داشتن در مصاحبه از مهارت های مصاحبه است. در طی مصاحبه فضایی را برای مصاحبه انتخاب کنید. هدف از انجام مصاحبه را برای مشارکت کننده توضیح دهید. چارچوب مصاحبه را شرح دهید. طول مدت احتمالی مصاحبه را به مشارکت کننده بگویید. آدرس تماس و یا شماره تلفن خود را به مشارکت کننده دهید. فرصتی را به مشارکت کننده دهید که سوالات خود را بپرسد. در حین مصاحبه یادداشت بردارید و یا مصاحبه را ضبط کنید. پس از پایان مصاحبه آن را رونوشت نمایید.

۴- مطالعه اسناد:

بخش چهارم این مقاله اختصاص به منابعی دارد که از قبل جمع آوری و بایگانی شده است اگر محقق در موضوعی به تحقیق می پردازد که به دلایلی دسترسی مستقیم به منابع مورد مطالعه امکان پذیر نباشد - از جمله گذشت زمان (مثل افکار عمومی مردم ایران در زمان ملی شدن نفت)، یا گستردگی موضوع (مثل ساختار شغلی در یک کشور)، یا به علت هزینه ی زیاد (مثل مطالعه ی الگوهای رفتاری خاص در کشورهای

ir / % D 8 % B 1 % D 9 % 8 8 % D 8 % B 4 -
 %D9%87%D8%A7%DB%8C-%DA%AF%
 D8%B1%D8%AF%D8%A2%D9%88%D8
 %B1%DB%8C-%D8%A7%D8%B7%D9%84
 %D8%A7%D8%B9%D8%A7%D8%AA/
<http://www.iranahgig.ir/?p=171290>
<https://www.supetes.com/%D8%B1%D9%88%D8%B4-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%DA%AF%D8%B1%D8%AF%D8%A2%D9%88%D8%B1%DB%8C-%D8%A7%D8%B7%D9%84%D8%A7%D8%B9%D8%A7%D8%AA/>
<https://unitahlil.ir/2021/12/31/%DA%AF%D8%B1%D8%AF%D8%A2%D9%88%D8%B1%DB%8C-%D8%AF%D8%A7%D8%AF%D9%87-%D9%87%D8%A7/>



جهت دسترسی به فایل صوتی این مطلب

لطفا اسکن کنید.

میزان اعتبار ضمن استفاده از اسناد و مدارک آن را بار روش یا روشهای دیگری از جمع آوری اطلاعات تلفیق کنند.

در بعضی منابع از این بخش نیز تحت عنوان بخش کتابخانه ای و اسنادی یاد می کنند. یکی از مهمترین بخشهای هر کار تحقیقی رجوع به منابع موجود در کتابخانه است. اگر محقق با استفاده از مدارک و اسناد می خواهد تحقیق کند، باید بداند که بیشتر منابع را می تواند در کتابخانه پیدا کند، از این روست که روش استفاده از اسناد و مدارک را روش کتابخانه ای نیز می نامند.. هیچ تحقیقی نباید بدون آگاهی از تحقیقات قبلی در زمینه مورد نظر صورت گیرد. چه بسا که موضوع مورد نظر محقق، بارها از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گرفته باشد.

بعضی اوقات محقق می تواند با استفاده از منابع موجود در کتابخانه به اهداف تحقیقی خود برسد و از جمع آوری اطلاعات دست اول از سایر طرق بی نیاز شود. مثلاً با مراجعه به زندگینامه شخصیت های بزرگ در کتابخانه می توان در باره تحرک اجتماعی مطالعه کرد و انگهی بسیاری از اطلاعات آماری و سر شماریها در کتابخانه ها نگهداری می شوند و کتابخانه ها پیوسته انتشارات مراکز تولید کننده ی اطلاعات را سفارش می دهند.

منابع و مآخذ:

<http://moradi57.rozblog.com/post/9>
<https://parsmodir.com/db/research/documentary-research.php>
<https://www.sid.ir/paper/238845/fa>
<https://analysisacademy.com/3487/%D9%85%D8%B5%D8%A7%D8%AD%D8%A8%D9%87.html>
<https://www.write.me>

معرفی کتاب

قواعد فقه مدنی



دکتر عبدالحسین رضایی راد

ahrr39@scu.ac.ir

متناسب با کتاب درسی همراه با پرسش و تمرین در انتهای هر فصل به رشته تحریر درآمده است.

دکتر عبدالحسین رضایی راد دروس فقه و اصول و کلام را در حوزه‌های علمیه قم و تهران آموخته و از دروس خارج اساتید بزرگی چون آیت‌الله مکارم شیرازی و وحید خراسانی بهره جسته است. ایشان همزمان با دروس حوزوی، موفق به اخذ درجه کارشناسی ارشد از دانشگاه تهران و دکترا از دانشگاه فردوسی مشهد در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی گردیده است. وی سال‌هاست که به عنوان عضو هیئت علمی در دانشگاه به تدریس دروس مختلف فقهی و حقوقی اشتغال دارد و در حال حاضر نیز عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز می‌باشد.

کتاب‌های «امر به معروف در ترازوی عقل» و «امر به معروف در ترازوی تاریخ» از انتشارات بوستان کتاب قم، دو نمونه از آثار این مؤلف می‌باشد.

قواعد فقهی احکامی شرعی هستند با موضوعات کلی که در موارد سکوت شرع و قانون می‌توان با استفاده از آن‌ها، احکام مورد نیاز را استنباط و یا قوانین لازم را تدوین کرد.

در این اثر ده قاعده فقهی که مرتبط با امور مدنی هستند و بیشترین کاربرد را در این حقوق دارند با تکیه بر آیات شریفه قرآن کریم و احادیث معتبر و سیره عقلا و دلیل عقلی و با استفاده از برجسته‌ترین آثار فقهی از صدر اسلام تا زمان حاضر مورد بحث و تحقیق قرار گرفته و موارد کاربرد آن‌ها در حقوق با مثال‌های متعدد بیان گردیده است.

این اثر بر اساس سرفصل‌های مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم برای تدریس درسی با عنوان «قواعد فقه مدنی» که از دروس دوره کارشناسی رشته‌های حقوق و فقه و مبانی حقوق اسلامی می‌باشد، تنظیم شده است. از ویژگی‌های این کتاب آن است که با نثری روان و خودآموز و نظمی



واکاوی نقش بزه دیده در وقوع جرم و پیشگیری از آن



محمد ابراهیمی

■ دانشجوی حقوق دانشگاه شهید چمران اهواز ■

Ebrahimimo95@gmail.com

بزه دیده که در قوانین کیفری ایران با واژه مجنی علیه یا شاکی مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است، به جهت يك رفتار مجرمانه متحمل آسیب شده و این آسیب میتواند به اشکال گوناگون مالی، بدنی، عاطفی، روحی و... باشد. به عبارت دیگر، بزه دیده شخص حقیقی یا حقوقی است که به دنبال ارتکاب يك جرم، به طور مستقیم و یا غیرمستقیم دچار آسیب مادی و یا معنوی شده باشد. پیشگیری عبارت است از مقابله با تبهکار با استفاده از تکنیک های گوناگون مداخله، به منظور ممانعت از وقوع بزهکاری در متون حقوقی، پیشگیری از جرم، از ابعاد مختلف مورد تقسیم قرار گرفته است. در يك تقسیم، پیشگیری از وقوع جرم به پیشگیری وضعی و اجتماعی تقسیم می شود. در تقسیم دیگر به پیشگیری اولیه، ثانویه و ثالث تقسیم شده و بالآخره در تقسیم بندی دیگر به پیشگیری کوتاه مدت و بلند مدت تقسیم میشود. نظر به اینکه در وقوع بزه، عوامل متعددی مؤثر هستند، تحقیق حاضر، نقش بزه دیده در وقوع جرم و پیشگیری از آن را مورد مطالعه قرار داده است.

مقدمه

در مواد قانونی از جمله قانون مجازات اسلامی و همینطور در متون و کتب حقوقی به نقش بزه دیده توجه و بحث هایی شده است. از حیث اینکه شخص بزه دیده پس از وقوع جرم و حتی پس از محکوم شدن مجرم چه نقشی خواهد داشت.

هنگامی که جرمی به وقوع می پیوندد دگرگونی های قابل توجه ای در موضوع های مختلف فردی و اجتماعی برای بزه دیده پدیدار میشود و اینها الزاماتی پیرامون وضعیت جدید وی به وجود می آورد که نیازمند برنامه ریزی های دقیقی در تمام سطوح است و باید تدابیر مناسبی برای اصلاح بزهکاران و

تمهید زمینه بازگشت آنها به زندگی در جامعه اندیشیده شود.

در نوشتار حاضر نخست به بررسی نقش بزه دیده در وقوع جرم و سپس به نقش وی در پیشگیری از جرم پرداخته خواهد شد.

مبحث اول: نقش بزه دیده در وقوع جرم

وقوع هر جرمی مستلزم وجود دو رکن مجرم و بزه دیده است تا به نتیجه ای به نام جرم برسیم.

پس ایجاد یک رابطه بین مجرم و بزه دیده مستلزم ایجاد ضرر از سوی مجرم بر بزه دیده است تا فعل مجرمانه معنا پیدا کند.

سوالی که اینجا مطرح میشود این است که چرا فعل مجرمانه برای بزه دیده رخ می دهد؟ ممکن است اموال بزه دیده قابل سرقت بوده یا سهل انگاری متضرر در مراقبت از اموال خود، می تواند از دلایل ایجاد رابطه مجرمیت بین بزه کار و بزه دیده باشد. حتی گاهی متضرر به صورت تصادفی در مکان و زمان نامناسبی حضور پیدا میکند و قربانی بزه میشود. گاهی نیز اموال متضرر جاذبه بیشتری برای سارقین داشته و آنها را به سمت خود جذب می کند.

متضرر شدن در بین بعضی از اقشار نسبت به اقشار دیگر بیشتر دیده می شود و باتوجه به نظرسنجی بین المللی که در میان چندین کشور اروپایی از جمله انگلیس صورت گرفته نشان داده که متضرر شدن در میان افراد اصولاً نمی تواند اتفاقی باشد و طی پنج سال گذشته البته قبل از سرشماری، متحمل ضرر یکی از جرم ها (سرقت موتور، زورگیری و تجاوز جنسی) مطرح شده بودند. بنابراین، این سرشماری ها مبین آن بوده که طی پنج سال گذشته از هر دو نفر اروپایی يك نفر آن مورد تعدی

و تعرض و حمله قرار گرفته و مورد بزه قرار گرفته اند. از طرف دیگر، تجربه متضرر شدن همواره منحصر به قشر و طبقه اجتماعی متداوم نبوده و معمولاً متضرر واقع شدن بدون دلیل و اتفاقی نخواهد بود. (زینالی، ۱۳۸۷، ۲۴)

معمولاً متضرر شدن در بین اشخاص مجرد و جوانانی که جز اقلیت های قومی و نژادی اند بیشتر دیده میشود.

جوانان بیشتر از بزرگسالان متضرر واقع میشوند. سرشماری های به عمل آمده نشان دهنده آن است که اشخاص بین سنین (۱۶ الی ۳۴ سال) نسبت به اشخاصی که سن (۵۵ سال) یا بالاتر از آن دارند سه برابر بیشتر در معرض متضرر شدن قرار دارند. همچنین اگر به داده های اماری مراجعه صورت گیرد وضعیت مجرد و تأهل، يك عامل اساسی و اثرگذار متضرر شدن است. همچنین در کشور انگلیس افراد متضرر شده مجرد نسبت به متأهلین پنج برابر بوده و نزد آنها که همسر خود را طلاق داده اند چهار برابر بوده است.

(سماواتی پیروز، ۱۳۸۷، ۷۴)

الف) شیوه زندگی

نظریه سبک زندگی ارتباط نزدیکی با فعالیت های روزمره ما دارد. اینکه ما چه کاری انجام می دهیم که منتهی به بزه دیدگی میشود. به طور مثال؛ اشتغال ما، یا در محلی که زندگی میکنیم یا بازه های زمانی که ما در منزل یا بیرون از منزل حضور داریم تمامی این عوامل ارتباط مستقیم با ایجاد بزه دیدگی دارد.

به عنوان مثال وکیلی را در نظر بگیرید که برای دفاع از موکل خودش در یک پرونده کیفری در حال انجام وظیفه است که ناگهان



نور فضاهای شهری، می‌تواند از عوامل پیشگیری از جرم باشد تا آرامش و امنیت در سطح شهر فراهم شده و به کاهش جرایم و دوری از جرایم شهری بیانجامد.

تجارب در بسیاری از کشورهای جهان از جمله؛ ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، هند، برزیل و...، نشان داده که افراد جوان و مجرد بیشتر از سایرین در معرض وقوع جرم قرار می‌گیرند. زیرا آنها بیشتر از دیگران در محلات عامه رستوران‌ها، کافینت‌ها، کلوپ‌ها، بارها رفت و آمد می‌نمایند و بسیار وقت کمی را در خانه و همراه خانواده‌های خود سپری می‌کنند. از سوی دیگر با بیرون رفتن از حد گذشته با اشخاصی شاید معاشرت نمایند که از لحاظ برخورد اجتماعی مساعد

از سوی اشخاصی که این پرونده بر ضرران‌ها است تهدید به قتل می‌شود.

برخی مشاغل به دلیل ماهیت وظایف، محیط کاری یا تعامل مستقیم با افراد مختلف بیش از دیگران در معرض خطر بزه دیدگی هستند. به عنوان مثال؛ نیروی‌های امنیتی و انتظامی، مشاغل مرتبط با خدمات عمومی مثل کارکنان اورژانس، آتش‌نشانان و معلمان (به ویژه در محیط‌های پرخطر یا مناطق کم برخوردان)، وکلا و قضات و...

این نظریه با راهکارهایی که می‌دهد با نظریه پیشگیری سازگاری دارد. با نتایج بدست آمده به طور کلی، طراحی شهری، وجود ابرازهای لازم پیشگیری از جرم، وجود قوانین سختگیرانه، تغییر رفتار شهروندان،



رویکرد بزه دیده محور در استراتژی پیشگیری از جرم:

(۱) حکومت باید یک رویکرد پیشگیری از جرم منظور کند تا حقوق بزه دیدگان پایمال نشود. و توجه به این موضوع برای حفظ ارزش های حقوق بشری است و جنبه اجتماعی مهمی دارد. (۲) استفاده از داده ها و تحلیل های جرم محور مثل تحلیل الگوهای بزه دیدگی؛ شناسایی مکان ها، زمانها، و شرایطی که بزه دیدگی بیشتر رخ می دهد. (۳) اعمال مجازات هایی که جنبه بازدارندگی و اربابی در آن ملحوظ شده باشد. (۴) پیشگیری های مبتنی بر عدالت جنسیتی مثل ایجاد قوانین های حمایتی و آموزش جامعه.

نبوده و به مثابه اشخاص خطرناك تلقی می شوند.

ب) نوآوری در پیشگیری از جرم

پیشرفت های اخیر کشورها درباره پیشگیری از جرم در سندی به نام استراتژی ملی پیشگیری از جرم آورده شده است. در گذشته به طور شایسته از بزه دیدگان حمایت نشده و این استراتژی ها در نظر گرفته شده اند تا با توجه و محوری شدن بزه دیدگان برای آنها چاره اندیشی کنند. اگر این پیشگیری ها صورت نگیرد چه بسا خود بزه دیدگان انتقام جو شوند و خشونت را به حوزه های اجتماعی و خانوادگی وارد کنند.

و آن را درك کرده به آن اعتماد داشته باشند و واقعاً آن را پناهگاه خود بدانند و بدانند که کارشان کامل انجام می شود. (عباسی، ۲۹۱۳۸۲)

(ح) جبران خسارت

ایین دادرسی کیفری در ایران بیشتر متهم محور است، تا بزه دیده محور، به همین دلیل، به بزه دیده کمتر توجه و در حاشیه می ماند. همچنین زمانی که متهم دستگیر میشود، روند این قضیه بین دولت و مجرم پیگیری میشود و نقش بزه دیده به عنوان یک شاهد و دلیلی بر دعوا تلقی میشود. و این موضوع، این احساس را برای بزه دیده به دنبال دارد که نظام کیفری ما بیشتر در کنار مجرم است تا خودش و این موضوع ناامیدی هایی را در پی دارد.

در طول دوازده سال گذشته، نقش بزه دیده در نظام عدالت کیفری بازگو و یک رشته اقداماتی برای کنترل بزه دیدگی ثانوی انجام شد. در سطح بین المللی اصلاحاتی انجام گرفته تا تضمین کند که بزه دیدگان صرفاً به عنوان شهود قضیه تلقی نشوند و اطلاعاتی در مورد نتیجه پرونده و نیز جبران خسارت و مشاوره در اختیار آنها قرار گیرد. در برخی کشورها پیشرفت هایی در مورد اهمیت و جایگاه بزه دیده در فرآیند عدالت کیفری در منشور بزه دیده ذکر شده که به حقوق خاص بزه دیدگان مربوط می شود.

(ایبراهمسن، ۸۹۱۳۸۷)

این موارد مشتمل بر:

۱) بزه دیده حق دارد که اظهارات او در مورد تأثیر جرم بر زندگی او مورد توجه و استماع قرار گیرد.

۲) بزه دیده حق دارد فرصتی برای او فراهم شود تا خواسته ها و مطالبات خود را در

(ج) بزه دیده و نظام عدالت کیفری

بزه دیدگان برخی نیازهای عملی و عاطفی مانند مشورت، آگاهی از تحقیقات قضایی، آیین دادرسی دادگاه و جبران خسارت دارند قربانیان جرم از نخستین برخورد با پلیس تا روبه روشن شدن با آیین دادرسی پیچیده و گاه گیج کننده دادگاه، نیازهایی دارند. برای رفع این نیازها یا کاهش تأثیر لطمات روحی به آنان برخی مقدمات یا خدمات وجود دارد. افزایش آگاهی از نیازهای قربانیان و اصلاحات اخیر در خدمات پلیس و دستگاه قضایی با گرایش های بین المللی هماهنگ است. چنین استدلال میشود که این تحولات میتواند به کاهش بزه دیدگی ثانوی کمک کند. مقامات عدالت کیفری برای پیشگیری از جرم باید به این نیازها و نیز اصلاحات مؤثر برای وضع قربانیان در نظام عدالت کیفری به عنوان یک اولویت نگاه کنند.

نکته کلیدی:

نظام عدالت کیفری باید بیشتر در دسترس مردم و برای آنان قابل فهم باشد. انگیزه ها و لزوم برای چنین بستر سازی، در نظام عدالت کیفری نیازمند تقویت مشروعیت آن و درك مردم میباشد و در این صورت است که شدت نارضایتی مردم که موجب اقدامات ترغیبی و انتقام جویانه در جرم و خشونت

میشود، کاهش پیدا میکند. قابلیت دسترسی نیازمند آن است که کارکنان پلیس و دادگستری به تجربه های ذهنی و روانی بزه دیدگان حساسیت نشان دهند و خدمت محور باشند، روند پرونده را بزه دیدگان اطلاع دهند؛ به گونه ای که بزه دیدگان بتوانند با نظام عدالت کیفری تفاهم

شود و جامعه ای در خور نام ایران عزیزمان را بسازیم. با تشکر.

فهرست منابع و مآخذ:

– زینالی، امیرحمزه، حقوق بزه دیده در کشورهای عضو شورای اروپا، تهران: مرکز مطالعات توسعه‌ی قضایی قوه‌ی قضائیه،

۱۳۸۷

– سماواتی پیروز، امیر، حقوق بزه دیده در کشورهای عضو شورای اروپا، تهران: مرکز مطالعات توسعه‌ی قضایی قوه‌ی قضائیه،

۱۳۸۷

– ایبراهیمسن، دیوید، روانشناسی کیفری، ترجمه: پرویز صانعی، تهران: نشر دانشگاهی،

۱۳۸۹.

– عباسی، مصطفی، افق‌های نوین عدالت ترمیمی در میانجیگری کیفری، تهران: انتشارات دانشور، ۱۳۸۲.



جهت دسترسی به فایل صوتی این مطلب

لطفاً اسکن کنید.

دادگاه طرح نماید و این خواسته‌ها در صدور حکم مورد لحاظ واقع شود. بزه دیده حق دارد حمایت و خسارت وارد به او جبران شود و در دادگاه‌ها در جایگاه‌های ویژه انتظار حضور یابد. (ایبراهیمسن، ۱۳۸۷، ۸۹)

نتیجه‌گیری

شیوه و سبک خاص زندگی، در متضرر شدن اشخاص و بزه دیدگی نقش بسزایی دارد. افراد جوان و مجرد بیشتر از سایرین متضرر واقع می‌شوند. زیرا آنها بیشتر از دیگران در محلات عامه رستوران‌ها، کافینت‌ها، کلوپ‌ها، بارها رفت آمد می‌نمایند و بسیار وقت کمی را در خانه و همراه خانواده‌های خود سپری می‌کنند. از سوی دیگر با بیرون رفتن از حد گذشته با اشخاصی شاید معاشرت نمایند که از لحاظ برخورد اجتماعی مساعد نبوده و به مثابه اشخاص خطرناک تلقی میشوند. افرادی که هر شب از خانه خارج می‌شوند، در مقایسه با افرادی که از خانه خارج نمیشوند، اغلب سه برابر بیشتر در معرض متضرر شدن قرار دارند. پس به سادگی میتوان به رابطه موجود میان مجرم و متضرر شدن پی برد.

پلیس نیز نقش مهمی را در نظام عدالت کیفری بر عهده دارد و در ایجاد تجربیات اولیه بزه دیدگان نقش اساسی و مهمی را ایفا میکند. پس بزه دیدگان نیز باید با اراعه درست نگرش‌های خود و گزارش جرم با پلیس نهایت همکاری را داشته باشند.

سخنی از نویسنده:

بنابراین باید به این مساعل دقت بیشتری شود و با احتیاط به آن مبادرت ورزید تا همواره هدف نهایی هر حکومت، دولت و مردم که رسیدن به عدالت است، برقرار

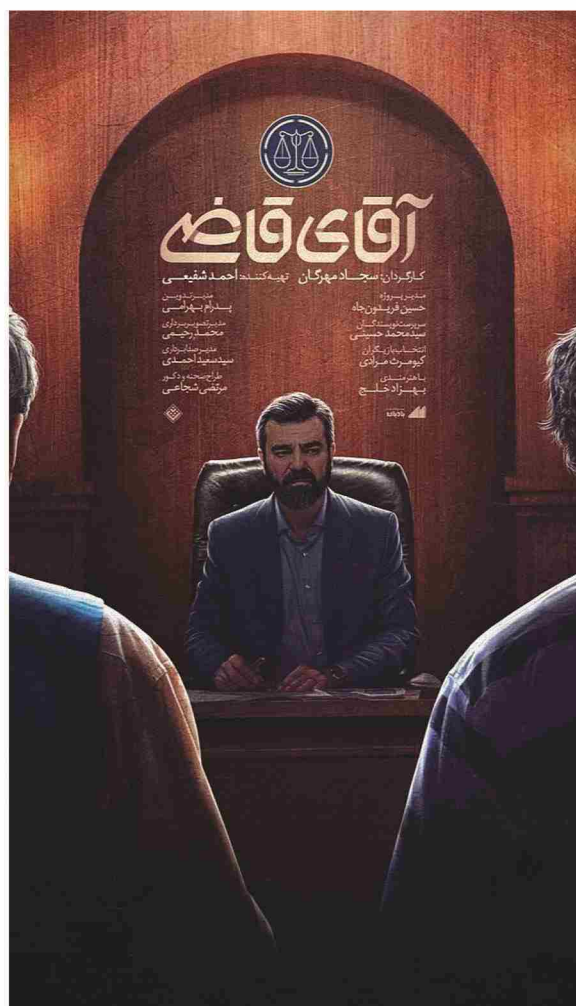
هنر هم قرین با حقوق

تحلیل و بررسی سریال آقای قاضی



هانیه نوریایی

■ دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه شهید چمران اهواز ■



درحالی‌که بهره بردن از موقعیت نمایشی کم نظیر دادگاه و زیست حقوقی قضات، وکلا و دیگر مشاغل مرتبط با این حوزه سالهاست آفرینش محصولات درخشانی را در صنعت سینمای جهان در پی داشته است که به عنوان مثال محاکمه در نورنبرگ، دوازده مرد خشمگین، راشومون و آناتومی یک سقوط به عنوان گوشه ای از آن در چشم مخاطب ایرانی آشنا تر است سهم هنر نمایش ایران اعم از سینما و تلویزیون از تولید چنین آثاری که مشمول عنوان درام‌های دادگاهی می‌شوند از تعداد انگشتان یک دست تجاوز نمی‌کند که این فی ما بین «آقای قاضی شعبه ۱۲۱» را می‌توان کامل ترین آنها دانست.

محور اصلی این مجموعه نمایشی اپیزودیک که از صداوسیما در حال پخش است بر پایه کاراکتریک قاضی دادگاه کیفری یک استوار است؛ قهرمانی ملموس، همدلی برانگیز و عدالتخواه که اعتماد طرفین دعوا و نیز مخاطب را بر می‌انگیزد.

از هرچیزیک اثر نمایشی است که در آن قصه، درام و جلوه‌های هنری و ایضا انتقال مفاهیم آموزشی مقدم بر رعایت کامل تشریفات دادرسی است؛ اما بلا تردید تولید این دست آثار در افزایش سطح سواد حقوقی جامعه و بالتبع کاهش پرونده‌های مرتبط با جرائم و خصومت‌هایی که علت عمده وقوع آنها جهل به قانون حتی در قشر تحصیل‌کرده جامعه است موثر واقع خواهد شد.



جهت دسترسی به فایل صوتی این مطلب

لطفا اسکن کنید.

داستان این مجموعه در هر اپیزود با ارجاع یک پرونده به شعبه ۱۲۱ برای رسیدگی توسط آقای قاضی آغاز می‌شود و با تلاش پایاپای او و مخاطب برای کشف حقیقت ادامه پیدا می‌کند. روایت‌های مطروحه در این مجموعه برگرفته از پرونده‌های واقعی است که پیش‌تر در محاکم، مختومه شدند و شیوه روایت اثر به گونه‌ای در پیش گرفته شده که حتی مخاطب غیر حقوقی خود را در مسند قضاوت اخلاقی قرار می‌دهد و چالش‌درگیری وجدان، احساس و قانون را در فرایند قضاوت به خوبی لمس می‌کند. اثر مرزهای خود را با زندگی خصوصی قاضی به درستی حفظ می‌کند؛ به گونه‌ای که نه از چارچوب ژانر حقوقی و جنبه آموزشی خود خارج می‌شود و نه اینکه به چالش‌های زندگی یک قاضی دادگستری کاملاً بی‌تفاوت است.

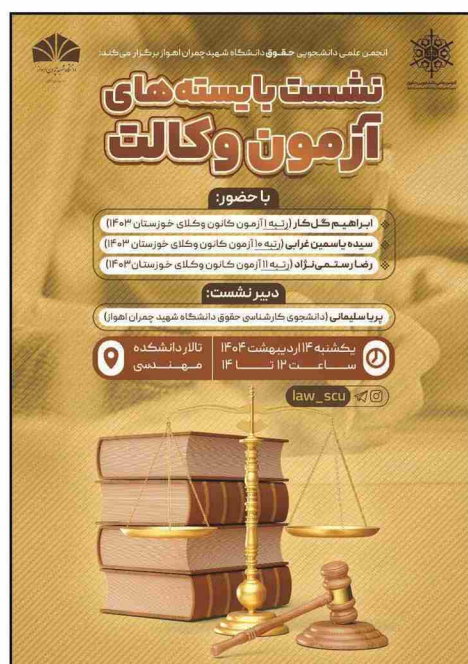
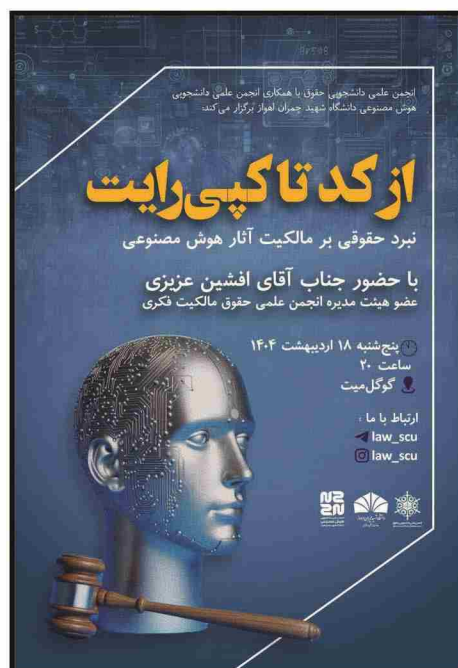
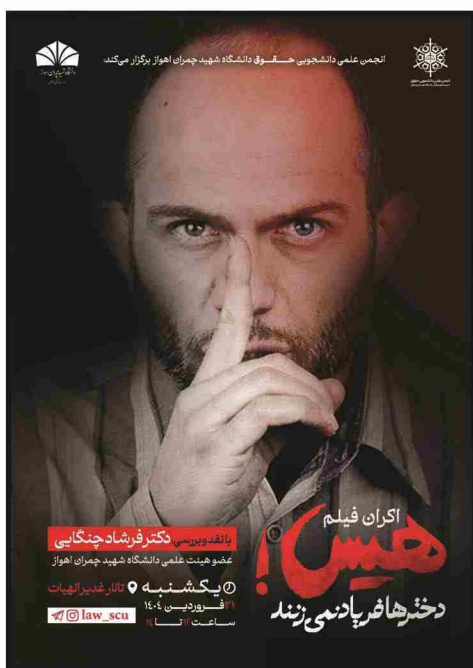
کلیت اثر ابتدا به ساکن جنبه هنری و سرگرمی دارد و در عین حال به انتقال غیر مستقیم مفاهیم آموزشی حقوقی می‌پردازد و این موضوع در کنار این نکته که پرونده‌های قضایی و جنایی خاصه که با تکیه بر واقعیت باشند برای غالب ذائقه‌های هنری جذاب بوده و هست منجر به تولید اثری محل اعتنا شده است.

این مجموعه با نقدهایی از سوی جامعه حقوقی کشور روبرو بوده با این استدلال که چهره‌ای از شیوه دادرسی در آن به نمایش درآمده که با واقعیت صرف سیستم محاکم ایران تطابق ندارد که البته در برخی موارد نظیر برگزاری همه‌جلسات رسیدگی در صحن علنی دادگاه و خاصه بی‌توجهی گاه و بی‌گاه به صلاحیت رسیدگی محاکم، درست و به حق بوده.

با این همه «آقای قاضی شعبه ۱۲۱» همان طور که سازندگان اذعان دارند پیش

گزارش فعالیت انجمن در یک سال اخیر

بخش یک



گزارش فعالیت انجمن در یک سال اخیر

بخش دو

انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه شهید چمران اهواز برگزار می‌کند:

کارگاه آموزش word و پایگاه‌های علمی

مدرس: دکتر عارف بشیری
عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز

زمان: سه شنبه ۹ اردیبهشت ۱۴۰۴ - ساعت ۱۴ تا ۱۶

مکان: اتاق سایت دانشکده الهیات

مهلت نام‌نویسی: تا دوشنبه ۸ اردیبهشت ۱۴۰۴

برای نام‌نویسی به شماره ۰۹۵۵۵۹۶۳۱۷۲ پیام دهید.
همراه با گواهی معتبر ظرفیت محدود

شرکت کنندگان عزیز در صورت امکان اپ تاپ همراه خود داشته باشید.

law_scu

انجمن علمی دانشجویی حقوق با همکاری انجمن‌های علوم سیاسی و اقتصاد دانشگاه شهید چمران اهواز، دبیرخانه کرسی‌های آزاد اندیشی برگزار می‌کند:

مذاکرات مسقط

بررسی روند حقوقی و پیامدهای اقتصادی... سیاسی مذاکرات ایران و آمریکا

با حضور:

- دکتر نورمحمد لوروزی: ریاست دانشکده حقوق دانشگاه شهید چمران اهواز
- دکتر مرتضی آفقه: عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه شهید چمران اهواز
- دکتر سجاد سجادی: دبیر علمی نشست
- دکتر احسان کاکلی: عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه شهید چمران اهواز

شماره ۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ | سایت law_scu

انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه شهید چمران اهواز برگزار می‌کند:

چالش‌ها و نکته‌های شغل وکالت و قضاوت

با حضور دکتر فرشاد چنگایی
عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز

زمان: دوشنبه ۱ اردیبهشت ۱۴۰۴
ساعت ۱۴ تا ۱۶

مکان: تالار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

همراه با اعطای گواهی معتبر

برای نام‌نویسی به شماره ۰۹۵۵۵۹۶۳۱۷۲ پیام دهید.

ظرفیت محدود

law_scu

انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه شهید چمران اهواز برگزار می‌کند:

کارگاه آموزش پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

مدرس: دکتر عارف بشیری
عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز

زمان: ۳ و ۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ - ساعت ۱۶

مکان: کلاس ۱۰۸، دانشکده اقتصاد

مهلت نام‌نویسی: تا دوشنبه ۱ اردیبهشت ۱۴۰۴

برای نام‌نویسی به شماره ۰۹۵۵۵۹۶۳۱۷۲ پیام دهید.

ظرفیت محدود

law_scu

گزارش فعالیت انجمن در یک سال اخیر

بخش سه

انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه شهید چمران اهواز برگزار می‌کند:

نقد و بررسی قانون عملیات بانکی بدون ربا

به مناسبت سالروز تصویب قانون مذکور

سخنران: دکتر منصور عطاشنه
عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز
وکیل پایه یک دادگستری

زمان: ۱۰ شهریور ۱۴۰۳ ساعت ۲۰
مکان: گوگل میت

law_scu

انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه شهید چمران اهواز برگزار می‌کند:

عنوان نشست:

پاسداری از حقوق اساسی مردم در پرتو حاکمیت قانون
و پاسخ به این پرسش که آیا قانون اساسی
تضمین کننده حقوق اساسی مردم است؟

سخنران: دکتر سجاد سجادی

زمان: دوشنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۳ ساعت ۱۲:۳۰ الی ۱۴
مکان: کلاس ۱۵۱ دانشکده حقوق

law_scu

انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه شهید چمران اهواز برگزار می‌کند:

سیر تحول قراردادهای از ثابت تا انعطاف پذیر

سخنران: دکتر فرزاد گرمی
حقوق دان و وکیل پایه یک دادگستری

زمان: شنبه ۱۲ آبان ۱۴۰۳
ساعت ۱۲ تا ۱۴
مکان: دانشکده اقتصاد
کلاس ۲۰۷

ظرفیت محدود

law_scu

انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه شهید چمران اهواز
با همکاری انجمن علمی دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی (ره) برگزار می‌کند:

تبعات حقوقی مجازات خفیف فرزندکشی در ایران

سخنران: دکتر طه زرگریان
عضو هیئت علمی دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی (ره)

زمان: ۱۰ مهرماه ۱۴۰۳
ساعت: ۲۰
مکان: بستی ریگ بلویاتین
راه های ارتباطی: law_scu

law_scu

گزارش فعالیت انجمن در یک سال اخیر

بخش چهار

انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه شهید چمران اهواز برگزار می‌کند:

وکیل شو

آموزش سامانه‌های الکترونیک مورد نیاز برای وکالت
(ثنا، ثبت احوال، و...)

مدرب: **علی فلاح کردی**
وکیل پایه یک دادگستری
دانش آموخته دانشگاه شهید چمران اهواز

زمان: جلسه اول ۵ اسفند ۱۴۰۳
جلسه دوم ۶ اسفند ۱۴۰۳
ساعت ۱۲:۳۰ تا ۱۴

ارتباط با ما: [law_scu](https://www.facebook.com/law_scu) [law_scu](https://www.instagram.com/law_scu)

برای نام‌نویسی و اطلاعات بیشتر به نشانی
@abdali_ir1 در تلگرام پیام دهید.

انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه شهید چمران اهواز برگزار می‌کند:

پرونده سیاه

نشست پرونده خوانی و بررسی پرونده‌های جزیایی

مدرب: **دکتر فرشاد چنگایی**
وکیل پایه یک دادگستری «دکتری جزا و جرم شناسی حقوق دانشگاه شهید بهشتی»

زمان برگزاری: **دوشنبه ۲۰ اسفند ۱۴۰۳**
ساعت ۱۳ تا ۱۴

برای نام‌نویسی و اطلاعات بیشتر به شماره
پیام دهید: ۹۳۳۳۲۵۷۸۱

[law_scu](https://www.facebook.com/law_scu) [law_scu](https://www.instagram.com/law_scu)

انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه شهید چمران اهواز برگزار می‌کند:

کارگاه آموزش مقاله‌نویسی

مدرب: **دکتر عارف بشیری**
عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز

زمان: **آه ۱۳ و ۱۴ آذر ۱۴۰۳** ساعت ۱۲

مکان: **کلاس ۱۱۳، دانشکده اقتصاد**

مهلت نام‌نویسی: **تا شنبه ۱۰ آذر ۱۴۰۳**

همراه با ارائه گواهی معتبر

برای نام‌نویسی و اطلاعات بیشتر به شماره **۰۹۹۰۰۹۷۹۲۶۷** پیام دهید.

انجمن علمی دانشجویی حقوق دانشگاه شهید چمران اهواز برگزار می‌کند:

عنکبوت

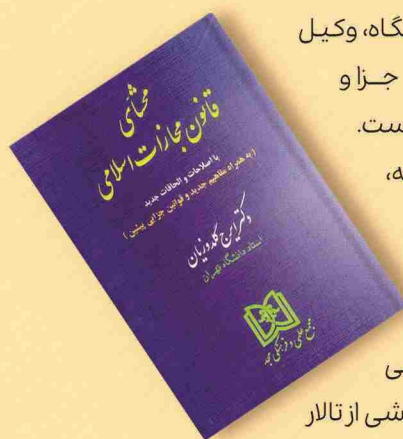
بر اساس زندگی قاتل سریالی "سعید حنایی"

با حضور دکتر فرشاد چنگایی، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز

زمان: **سه شنبه ۳۰ بهمن ساعت ۱۲ الی ۱۴**

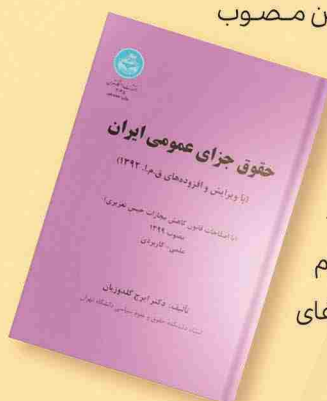
مکان: **آمفی تئاتر اقتصاد**

کارگردان: **علیرضا شاکری**



دکتر ایرج گلدوزیان (۱۳۱۸-۱۴۰۰) حقوقدان، استاد دانشگاه، وکیل پایه یک دادگستری و محقق تخصصی حوزه حقوق جزا و جرم‌شناسی از برجسته‌ترین مشاهیر علم حقوق است. دکترای دانشگاهی حقوق جزا از دانشکده پانتئون فرانسه، دکترای تخصصی علوم کیفری، دکترای دولتی حقوق از کشور فرانسه با ارائه پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «قیمومیت جرایی»، کسب درجه پروفیسوری حقوق و عضویت در هیأت علمی دانشگاه بین‌المللی هاوایی و عضویت در هیأت علمی دانشگاه تهران بخشی از تالار افتخارات ایشان است. آثار تالیفی و تحقیقی ایشان همواره از منابع مرجع حقوقی بوده و پشتوانه نظریات مختلف قرار گرفته‌اند. سالیان دراز است که کتاب‌های ایشان به عنوان یکی از اصلی‌ترین منابع دانشگاهی شناخته شده است.

کتاب محشای قانون مجازات اسلامی مجموعه‌ای منظم و منسجم از تفاسیر و نظریات مستدل و دقیق است که به تجزیه و تحلیلی قوانین جزایی پرداخته است. در این کتاب، دیدگاه‌های حقوقی و فقهی در محدوده قوانین مصوب بیان شده است.



کتاب حقوق جزای عمومی ایران بررسی به تقریب کامل و جامعی در حقوق جزای عمومی با تکیه بر قوانین و مقررات ایران است. این کتاب با رویکرد علمی-کاربردی از آخرین آثار ویرایش شده مرحوم دکتر گلدوزیان است که فقه و حقوق تطبیقی در خلق آن ایفای نقش کرده‌اند.